# مجموعه مكاتیب حضرت عبدالبهاء (17)

این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانى ملى ایران

شیدالله اركانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تكثیر

شده است ولى از انتشارات مصوبه امرى نمیباشد

شهرالعلاء  بدیع

فهرست

صفحه 1 كاشان \_ بافتخار جناب آقا هاشم بیان من طاف حوله الاسماء

- باینكه چون جدّ حضرت رسول هشم ثرید میفرمود لذا بهاشم موسوم

گردید و امر مبارك بمشار الیه بپاكردن سفره روحانیه و دعوت ناس

بامر خدا

صفحه 1 - بواسطه جناب آقا مهدی جناب آقا هاشم بیان حضرت من اراده اللّه

در عدم وصول مشار الیه بارض مقصود بواسطه موانع حائله وبشارت

باجر موفور

صفحه ٢ طهران \_ بافتخار جناب آقا هاشم از اهل كاشان بیان حضرت عبدالبهاء

در خصوص فسخ محفل نظر باینكه اغیار نسبت محفل سیاسى بان داده بودند

صفحه ٣ طهران \_ بافتخار جناب آقا هاشم من اهل الكاف بیان میثاق الهی

باینكه چون اهل ایران از عبدالبهاء بیزارند لذا مبادرت بسفر فرنگ

ولى از آنجائیكه نور حقیقت از افق ایران اشراق لذا بر سایر اقالیم تفّوق دارد

صفحه ٤ طهران \_ بواسطه جناب حاجی حسین ملاعلی عمو جناب آقا محمّد هاشم

كاشانى طلعت پیمان باین بیان جانفزا ناطق قوله الاحلى «عهدیكه

در كلمات مكنونه مذكور آن عهد و میثاق است كه در بقعه مباركه فاران

محبّة الله قبة الزّمان باثر قلم اعلى واقع گردید»

صفحه ٥ -بواسطه جناب آقا محمّد هاشم امةاللّه بطول خانم امر حضرت عبدالبهاء

بمشار الیها در تحصیل خط و معرفت و تفسیر كتب الهى براى اماء رحمانى

صفحه ٦ -بواسطه حضرت ابن ابهر جناب آقا محمّد هاشم كاشانی بیان مبارك

مفسّر آیات اللّه در خصوص اینكه فقر و غنا از مقتضیات نظام عمومى عالم و سوء

تدبیر را نیز در آن اثر نیست و همچنین فقر در موقعى جزاى عمل است

صفحه ٨- طهران كاشان بافتخار جناب محمّد هاشم كاشانی و احبّای الهی بیان حضرت

عبدالبهاء در خصوص تعطیل ایام هفته در ادوار مختلفه نظر بمقتضیات آن دور

و اینكه رجالال غیب نفوسى هستند كه بشارت بظهور جمال ابهى و ربّ اعلى داده اند

صفحه 9 - بعنوان اى مشتاق جمال پروردگار رجاء قلم میثاق از درگاه الهى باعطاء

فضل و موهبت در حق مخاطب لوح

صفحه 10 - بعنوان یا غلام طلعت پیمان باین بیان احلى ناطق قوله عزّ و علا

«این نجوم اجسام عنصرى و از جهان طبایعند چون در عالم خود یعنى جهان

عناصر لطافتى دارند در فجر و افق عالم روشن و منیرند پس ملاحظه كن حقیقت

انسانیه كه از جهان الهیست چون در مراتب وجود ترّقى نماید ...چگونه

از افق وجود بنور شهود مشهود گردد»

صفحه  -بافتخار جناب میرزا محمّدعلى من اهل ار. بیان مركز عهد الهى در خصوص

شدّت امتحان و رجاء تائید و استقامت در حقّ احبّا

صفحه  -طهران بواسطه جناب آقا محمّد هاشم تاجر كاشانى جناب آقا سید جلال

و عدّه ئى از احبّا اظهار مسرّت طلعت پیمان حضرت احدیت از اینكه آن نفوس مهتدى

بنور هدایت گشته و از معین حیوان نوشیده اند

صفحه  -بواسطه جناب آقا محمّد هاشم جناب آقا غلام حسین مناجات میثاق حی

قدیر بدرگاه الهى و طلب تائید در حق مشار الیه

صفحه  -بواسطه جناب آقا محمّد علاقه بند مناجات نازله از قلم میثاق بجهت

ورقه طیبه خاور سلطان ضلع آقا محمّد هاشم

صفحه ١٥ -بافتخار جناب رضا خان تضرّع حضرت عبدالبهاء بدرگاه خداوند یكتا

و طلب عون و عنایت در حق مشار الیه و ظهور مكرمت دربارهء امةاللّه قمر

و غلام حسین نجى

صفحه 15 -ط بافتخار جناب زائر میرزا فضل اللّه ظهور عنایت طلعت میثاق در

حق مشار الیه

صفحه ١٦ -بافتخار ورقه طیبه ضلع جناب زائر آقا میرزا فضل اللّه طلب تائید

و توفیق از یراعه محیطه حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیها

صفحه ١٧ -ط بافتخار جناب آقا شكراللّه اخوی آقا میرزا فضل اللّه امر مركز

عهد الهى بمشار الیه باداى شكرانه بدرگاه بارى تعالى بجهت انتساب

بنفسى كه در بدایت نداء بكلمهء بلى موفق گردید

صفحه ١٨ -ط بواسطه میرزا فضل اللّه جناب میرزا علیمحمّد خیاّط حضرت

عبدالبهاء باین بیان احلى ناطق قوله جلّ و علا «طبّ نفساً و قرّ عیناً

و استبشر روحاً و انجذب فواداً بما ذكر اسمك فى ساحة عتبته العلیا»

صفحه ١٨ -ط بافتخار جناب آقا محمّد ابن گندم پاك كن ظهور عنایت و طلب

تائید از كلك میثاق در حق مشار الیه

صفحه ١٩ -ط بوایطه حضرت ادیب جناب میرزا آقای طالقانی بیان طلعت

پیمان در خصوص فریضه نماز و وجوب اجراء آن بر كلّ

صفحه ٢٠ -طهران بواسطه حاجی میرزا عبداللّه جناب آقا احمد طالقانی بشارت

قلم میثاق نیر آفاق در طلب مغفرت در حق پدر و مادر مشار الیه

صفحه ٢٠ -بواسطه قائم مقام جناب ملّا میرزا آقای طالقانی بیان حضرت عبدالبهاء

در اینكه حكومت ایران میخواست طالقان تیول جمال مبارك نماید ولى بعد از

ارتفاع ندا منصرف گردید و اجازه تشرّف بعتبه مقدسّه بمشار الیه

صفحه ٢١ -ط بافتخار جناب ملا محمّد علی طالقانی نزول مناجات از قلم حضرت

عبدالبهاء در تقدیس و تنزیه ذات احدیت و در ذیل لوح مبارك ظهور

عنایت در حق برادر مشار الیه و عائله آنها

صفحه ٢٢ -بواسطه حضرت ادیب بافتخار احبّاء طالقان بیان پیمان حضرت

یزدان در اینكه چون شمس حقیقت از افق ایران طلوع نموده اند لذا اهالى ایران

باید بشكرانه این موهبت بفضائل و خصائلى ظاهر گردند كه زینت بخش

عالم انسانى گردد

صفحه ٢٣ -ق بواسطه جناب حكیم احبّاء طالقان نزول مناجات از یراعه میثاق

ربّ الارباب و طلب تائید در حق آنان

صفحه ٢٤ -طالقان بواسطه جناب ادیب بافتخار جناب میرزا آقا جناب میرزا

فضل اللّه جناب آقا یحیى جناب آقا زین العابدین جناب آقا سید حسین جناب

آقا محمّد تقى و سائر دوستان بیان مركز عهد الهى باینكه هر چند یاران

مورد آزار و جفایند ولى چون مفتون دلبر آفاقند باید مسرور باشند

و تقدیر از ثبات واستقامت جناب آقا میرزا آقا در تحمل مصائب در سبیل امر الهى

فهرست

صفحه ٢٥ -طالقان بواسطه جناب آقا سید اسداللّه جناب میرزافضل اللّه

جناب میرزا اسحاق جناب میرزا عبدالغنى جناب ملا اسمعیل امةاللّه فاطمه

امةاللّه ساره خاتون امةاللّه رباب و سائر احبّاء

و اماء قلم میثاق باین ترانه جان افزا مترّنم قوله الاحلى «اى یاران

صهبای میثاق را نشئه اشراق باید ....باید چنان شور و ولهی

ظاهر نمائید كه خاموشان را بنعره و فریاد آرید»

صفحه ٢٦ -بدون عنوان نزول مناجات از قلم مركز میثاق در حق مخاطب

لوح و ظهور مكرمت در حق میرزا هاشم خان و جناب میرزا حبیب اللّه خان

و جناب میرزا عزیزاللّه خان

صفحه ٢٧ -طالقان بواسطه جناب ایادی حضرت ابن ابهر احبّای الهی

نزول مناجات از یراعه پیمان حضرت سبحان و طلب تائد در حقّ احبّاء

صفحه ٢٩ -م س بافتخار جناب حافظ الصّحه نزول مناجات از

كلك گهربار مركز عهد الهى در حق مشار الیه و طلب تائید و در ذیل لوح

مبارك خطاب بواسطه ایشان راجع بحصول آمال و مشروط بودن

بایقان

صفحه ٣٠ -مازندران بافتخار آقا میرزا علی اكبر طبیب نزول مناجات از قلم میثاق

نیر آفاق و رجاء شفاء در حق مشار الیه

صفحه ٣١ -م بافتخار جناب میرزا علی اكبر اظهار تأثر حضرت عبدالبهاء

از خمودت منجمدان با وجود ارتفاع نداى الهى از ملكوت وجود

صفحه ٣٢ -بافتخار جناب میرزا علی اكبر خان بیان طلعت پیمان در اینكه آثار ظهور

نیّر اعظم عالم غیب و شهود را بحركت شوكیه آورده و حجر و مدر بشور و شعف

آمده دیگر معلوم است چه آثارى در قلوب و افكار نماید

صفحه ٣٣ -ساری بافتخار جناب میرزا احسان میرزا عطاء الله میرزا

اسمعیل میرزا حبیب اللّه انجال حضرت حافظ الصّحه طلب تائید از یراعه حضرت

عبدالبهاء در حق مشار الیهم و در ذیل لوح مبارك ظهور عنایت در حق و الد

صفحه ٣٤ -ساری بافتخار جناب میرزا علی اكبر حكیم نزول مناجات از قلم

میثاق حضرت احدیت در حق مشار الیه و طلب تائید

صفحه ٣٤ -بواسطه جناب امین جناب آقا میرزا فضل الله تقدیر میثاق الهی از

استقامت مشار الیه و اظهار رضایت

صفحه ٣٥ -بافتخار آقا میرزا نصراللّه خان مناجات طلب مغفرت از یراعه

فضل حضرت عبدالبهاء در حق آقا میرزا فضل اللّه خان

صفحه ٣٦ -بواسطه جناب زائر آقا عزیزاللّه خان بافتخار امة اللّه صفائیه خانم

ظهور عنایت از قلم من اراده اللّه در حق مشار الیها

صفحه ٣٧ -در عشق آباد بواسطه جناب میرزا محمّدحسین حكیم بافتخار جناب

منتصرالملك بیان طلعت پیمان باینكه بدرقه عنایت در عبودیت و خدمت

آستان جمال رحمن است

صفحه ٣٧ -رشت بافتخار جناب منتصرالملك ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء

صفحه ٣٨ -بافتخار جناب سعیدالملك ظهور مكرمت میثاق نیر آفاق درباره مشار الیه

صفحه ٣٩ -بواسطه جناب امین بافتخار امةاللّه والده جناب شجاع لشگر

بیان حضرت عبدالبهاء باینكه در این كور عظیم مواهب الهیه بر رجال

و نساء بنوع واحد تجلّى فرموده

صفحه ٤٠ -بواسطه جناب جذبه بافتخار حضرت منتصرالدوله پیمان حضرت

یزدان باین بیان احلى ناطق قوله جلّ ثنائه «...نصرت بر دو قسم است

یكى تعلّق بعالم جسمانى دارد و دیگرى تعلّق بعالم روحانى ...ولى نصرتهاى

جسمانى رانتائج موفوره و آثار مشكوره مقرّر نه ...ولى نصرت معنویه

روحانّیه آفتابى است كه شعاعش ابدى است»

صفحه ٤١ -طهران بواسطه جناب حاجی آقا محمّد بافتخار جناب منتصر بیان

طلعت پیمان باینكه انتصار حقیقى در ایقان و توجّه باستان الهى است

صفحه ٤٢ -بواسطه حاجی آقا محمّد آباده بافتخار جناب منتصرالدوله بیان

حضرت عبدالبهاء باینكه در این دور الهى نصرت باخلاق رحمانى است

و وعده اشراق پرتو تقدیس بشرق و غرب عالم

صفحه ٤٣ -طهران بواسطه جناب حاجی آقا محمّد بافتخار جناب منتصرالدوله

مناجات قلم میثاق باستان الهى و طلب تائید در حق مشار الیه

صفحه ٤٣ -بدون عنوان بیان طلعت پیمان باینكه انسان آیت

رحمن است و فرد كاملش سرور مظلومان و با وجود اسارت اكلیل

صفحه ٤٤ -طهران بافتخار همشیره جناب سینا بیان حضرت عبدالبهاء باینكه

عبودیت محضه تاج مباهات حضرتش میباشد

صفحه ٤٥ -بافتخار ورقه ناطقه اخت نیر و سینا ظهور عنایت مظهر عبودیت

در حق مشار الیها

صفحه 46 -بافتخار ورقه طیبه اخت جناب نیر و سینا اظهار تأثر نیر

میثاق از مصیبت وارده

صفحه 47 -نزول مناجات طلب مغفرت در حقّ آقا علی محمّد از یراعه میثاق الهی

صفحه 47 -بافتخار جناب آقا میرزا نعمةاللّه وعده ای از احبّاء ظهور عنایت

حضرت عبدالبهاء در حق آنان و نزول مناجات طلب تائید

صفحه 48 -ط بافتخار جناب آقا محمّدعلی میثاق نیر آفاق باین بیان اتم ناطق

قوله عظم برهانه «...این عهد الست است و این میثاق میثاق

نیر آفاق ....این بنیان خداوند عظیم است متین و حصین است ...»

صفحه 49 -بافتخار جناب آقا محمّدعلی من اهل ك بیان طلعت میثاق باینكه

در حق حضرتش غیر عبودیت مقامى قائل نشود

صفحه 50 -ط بافتخار جناب آقا محمّدعلی من اهل ك ظهور عنایت كبری در حق

مشار الیه و بیان اینكه رساله جوابیه مشار الیه برهان قاطع در وجود

شخص ناقض اثرى نبخشید

صفحه 52 -ط بافتخار جناب آقا محمّدعلی من اهل ك نزول مناجات بدرگاه حضرت

قاضی‌الحاجات از یراعه میثاق الهى و طلب تائید در حق دوستان

صفحه 53 -بافتخار جناب آقا محمّدعلی طلعت میثاق باین بیان احلی ناطق قوله

جلّ ثنائه «...بعد از مصیبت كبرى صعود الى اللّه موهبت

عظمى است»

صفحه 53 -ط بافتخار جناب آقا محمّدعلی من اهل كاف مناجات طلعت عبودیت

بدرگاه حضرت احدیت و رجاء عفو و غفران درباره والده مشار الیه

صفحه 54 -ط بافتخار جناب آقا محمّد علی من اهل كاف و جّم غفیری از احبّای

الهى نزول مناجات از یراعه میثاق الهى و طلب تائید در حق احبّاء

صفحه 59 -ط بافتخار جناب آقا محمّدعلی اخوی جناب آقا محمّدرضا ذكر قلم

میثاق از خدمات اخوى مشار الیه در ارض مقصود و ظهور عنایت در

حق خود ایشان

صفحه 59 -ط بافتخار جناب آقا محمّدعلی من اهل ك مبّین آیات باین كلمات

درّیات ناطق قوله عزّ بیانه «...این تحیات اربعه از اوامر حضرت

اعلى روحى له الفدا و ناسخى ندارد ... ولى آرزوى این عبد اینست

كه جزئیات سنن ایام تا یوم القیام مجرى گردد ...( مقصود تحیت

الله ابهى است )»

صفحه 60 -ط بافتخار والده جناب آقا محمّد رضا و اماء الرحمن ظهور عنایت

حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیها و هر یك از اماء اللّه

صفحه 61 -ط بافتخار امةاللّه والده آقا محمّد رضا عنایت قلم میثاق الهی در حق

مشار الیها

صفحه 62 -ط بافتخار جناب حسین آقا ابن آقا محمّدعلی بیان طلعت میثاق در

خصوص وجود آیت تجلّى جمال مبین در كلّ شئى

صفحه 63 -ط بافتخار جناب اسد آقا ابن آقا محمّدعلی ظهور مكرمت حضرت

من اراده اللّه در حق مشار الیه

صفحه 63 -ط بافتخار جناب عنایت اللّه ابن آقا محمّدعلی ظهور عنایت

حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه و پدر و مادر

صفحه 63 -بدون عنوان نصیحت قلم میثاق بمخاطب لوح در

آزادگى از قیود و تبصّر در عرفان آیت الهى

صفحه 64 -بدون عنوان نصیحت طلعت عبودیت بمشار الیه به

ثبوت در صراط ممدود و استقامت در میثاق الهى

صفحه 64 -بدون عنوان مناجات قلم میثاق بساحت قدس الهی

در تطهیر نفوس از شئون هوى و ثبوت در صراط الهى

صفحه 64 -بدون عنوان ظهور عنایت میثاق الهی در حق مشار الیه

صفحه 65 -بافتخار عیال اخوی جناب آقا محمّدرضا پیمان حضرت یزدان

باین بیان ناطق قوله الاحلى «...از آثار باهره یوم الله آنكه

امائى از رقد نفس و هوى مبعوث و در ظلّ لواء كلمه جامعه محشور شدند

كه فخر رجال و روشنائى جهان گشتند ...» و در ذیل لوح

مبارك تسلیت از صعود طفل مشار الیها

صفحه 66 -بعنوان ( ای امةاللّه ) ستایش قلم میثاق از مشار الیها بجهت

ثبوت و رسوخ بر عهد الهى

صفحه 66 -مصر بافتخار حضرت ابیالفضائل بیان طلعت میثاق

بوصول كتاب مشار الیه در رّد بر معترض على اللّه و طلب تائید در

حق ایشان

صفحه 67

-بافتخار احبّاى ارض طا رجاء طلعت عبودیت بدرگاه حضرت احدیت

نزول خیر و بركت باحبّاء الهى لاجل اتفاقى كه بجهت مودع امانات

هندوستان كرده‌اند

صفحه 70

-طهران بواسطه جناب آقا محمّدعلى كاشانى جناب حاجى غلام حسین

بیان مفسّر آیات الهیه در خصوص اینكه ظهورات سالفه را در ادوار

قبل شرائطى مقرر بود و چون شرائط مزبور بر حسب ظاهر واقع نگردید

لذا نفوس محتجب میماندند ولى این ظهور اعظم بموجب نص صریح

حضرت اعلى مشروط بشرائطى نه معذالك بیانیها باوهامات خویش

متشبّث و خود را از فیض ظهور محروم ساختند و هادى دولت آبادى

بر روى منبر از حضرت اعلى تبرّى جست و مرشدشان میرزا یحیى بتكثیر

زوجات پرداخته و حتى حرم حضرت اعلى را تصرف نموده وبعد بحاج

سید محمّد بخشید

صفحه 76 -عشق آباد بافتخار جناب استاد محمّدعلی نقاش و جناب

استاد حسین ابن علیمحمّد كاشى ساز و امةاللّه حرم جناب آقا محمّدعلى

ظهور عنایت و رضایت هیكل میثاق از مشار الیهم بجهت رفتن از طهران

به عشق آباد و تحمّل زحمت در ساختمان مشرق الاذكار

صفحه 78 -ط بافتخار استاد علی محمّد و جناب میرزا حسین و جناب میرزا

عبدالرحیم ظهور مكرمت طلعت میثاق در على محمّد بجهت مهماندارى از غرباء

صفحه 79 -بافتخار جناب میرزا حسین نصیحت حضرت عبدالبهاء

بمشار الیه در عدم آلایش باسایش دنیوى

صفحه 79 -ط بواسطه حضرت اسم اللّه منتسبین راجع الی اللّه استاد علی محمّد

ظهور عنایت پیمان الهى بمشار الیهم بموفق شدن بتقسیم میراث مطابق

حكم كتاب و اهمیت تنظیم وصیت نامه در این دور عظیم

صفحه 80 -ط بافتخار جناب میرزا حسین ابن جناب استاد محمّدعلی كاشی

طلائی‌ساز بیان حضرت عبدالبهاء باینكه ارسال صنعت كاشى باستان

مقتضى نه و در ذیل لوح مبارك اظهار عنایت بعائله جناب استاد محمّدعلى

صفحه 81 -تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی بافتخار محفل روحانی میانج

بیان طلعت پیمان در اینكه دانایان همواره قلیل بوده و هستند و در

ذیل لوح مبارك نزول مناجات و طلب تائید در حق آنان

صفحه 82 -بافتخار جناب بهاء السلطان حكمران میانج نزول مناجات

از یراعه میثاق الهى و طلب تائید در حق مشار الیها

صفحه 83 -بواسطه آقا سید عبداللّه میانجی جناب مشهدی رحمت اللّه

و جناب اعتمادالعلماء بیان طلعت پیمان در مذمّت از آسایش این

جهان كه عاقبت منتهى بخسران شود و جانفشانى در سبیل حضرت یزدان

منتهى بعزت جاودانى

صفحه 83 -بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی اسكوئی میانج جناب آقا علی عطّار

بیان مركز عهد الهى در محصور بودن نفحه مشك بمسافتى محدود ولى بوى

گل گلستان الهى در خاور دلهاى مرده را در باختر زنده نماید

صفحه 84 -میانج بافتخار جناب آقا عبدالاحد تاجر بیان حضرت عبدالبهاء

در اینكه نفوسى از شرق و غرب در یك انجمن مجتمع شوند ولى نفوسى

بظاهر آشنا بیگانه گردند

صفحه 85 -تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی اسكوئی میانج

جناب احد ظهور عنایت میثاق الهى در حق مشار الیه و نزول

مناجات طلب تائید

صفحه 86 -میانج بافتخار جناب احد ظهور مكرمت از یراعه حضرت عبدالبهاء

و طلب تائید از درگاه ربّ مجید در حق مشار الیه

صفحه 87 -تبریز بواسطه آقا میرزا حیدرعلی اسكوئی جناب آقامیرآقای

میانجى بیان طلعت میثاق در هجوم الطاف نیر آفاق بیاران خویش

و امر بقیام در خدمت امر الهى

صفحه 88 -قزوین بواسطه حضرت حكیم میانج احد زاده آقا میرزا علی اكبر

نزول مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق در حق احد و در ذیل آن

ظهور عنایت در حق مشار الیه و احباى میانج

صفحه 90 -طهران بواسطه جناب امین حضرت صلاح الّدین غرب ظهور

عنایت طلعت پیمان در حق مشار الیه و طلب تائید

صفحه 91 -رشت بافتخار امةاللّه اخت ضجیع میرزا محمّدعلی خان ظهور عنایت طلعت

عبودیت بمشار الیها و امر بتوّجه بملكوت ابهى

صفحه 91 -رشت بافتخار امةاللّه ضلع جناب میرزا محمّد علی خان شهادت قلم

میثاق بتضرّع و زارى جناب خان در آستان مقدس جهة آمرزگارى مشار الیها

صفحه 92 -طهران بواسطه علی اصغر شیرازی ضلع آقا میرزا محمّدعلی خان و همشیره

ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیها

صفحه 92 -رشت بافتخار جناب آقا میرزا محمّدعلی بیان طلعت پیمان در

استضائه افق مبین بانجم ساطعه مضیئه و ضلالت و جهالت نفوس

صفحه 93 -ج انزلی بافتخار جناب آقا میرزا محمّدعلی خان نصیحت قلم میثاق در

لزوم تشبّث بوسائلى كه سبب ازدیاد الطاف از ملكوت ابهى شود

صفحه 94 -بافتخار جناب میرزا محمّدعلی خان نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشار الیه

در تربیت نفوس و نشر نفحات الله

صفحه 94 -بافتخار ورقه مطمئنه والده و ورقه موقنه همشیره جناب میرزا

اسمعیل بیان میثاق الهى باینكه جناب آقا محمّداسمعیل دومرتبه بزیارت

عتبه مقدسه موفق و بالنیابه از قبل آنها زیارت نمود

صفحه 95 -بافتخار احبّاء رشت عموماً بیان طلعت پیمان در اینكه در ادوار

سابقه چون عهد و میثاق بصراحت ذكر نگردیده بود لذا سبب لغزش

اهل فتور میگردید ولى در این كور اعظم میثاق الهى در كمال وضوح شاهد انجمن است

صفحه 96 -رش بافتخار احبّای الهی بیان حضرت عبدالبهاء در عدم بقای

حیات دنیوى و مصائب انبیاء و اولیاء در جمیع اعصار و نصیحت احبّاء

باشتعال بنار محبّة الله

صفحه 98 -ق بافتخار جناب اسمعیل رشتی بیان طلعت میثاق در عدم تأثیر

مكتوب زین بعموى مشار الیه و تاكید در تعدیل رفتار خود ایشان

صفحه 99 -رش بافتخار جناب میرزا مهدی حضرت عبدالبهاء باین

بیان احلى ناطق قوله عزّو علا « اگر در زجاجه ملكوت شعله افروزى

خواهى در این ناسوت ادنى جانفشانى كن ...»

صفحه 99 رشت بافتخار جناب شیخ محمّد بیان طلعت پیمان در سطوع انوار

توحید و تزلزل شمل ضلال

صفحه 100 -رش بافتخار والده جناب آقا محمّد اسمعیل بیان حضرت عبدالبهاء در

اینكه هرگاه بالطاف جمال مبارك پی برد از شدّت سرور پرواز نماید

صفحه 101 -در مدینه كبیره آقا نصراللّه بیان حضرت من اراده اللّه در

منع از تبلیغ در آن مدینه نظر بحكمتهاى بالغه

صفحه 102 -بافتخار جناب آقا محمّدمهدی واعظ رشتی تسلیت قلم میثاق بمشار الیه

بجهت صعود ولد عزیزش بملكوت ابهى

صفحه 102 -بواسطه جناب میرزا اسحق خان جناب میرزا علی خان گوران امر

طلعت پیمان باداء شكرانه بدرگاه الهى بجهت فوز بایمان

صفحه 103 -بواسطه جناب آقا محمّدحسین نراقی و جناب آقا میرزا تقی خان زائر جناب

آقا میرزا یحیى بیان حضرت عبدالبهاء در ترّقى عقول و ارواح بواسطه الطاف

الهى و ظهور اكتشافات عظیمه و ترغیب بایجاد صنعت جدید و اكتشاف

بدیع و مشروعى عظیم

صفحه 104 -بواسطه جناب ملاحسین غضنفر ابن غضنفر بارفروش جناب

آقا رضاى صحاّف بیان حضرت عبدالبهاء در بشارت مندرجه در

صحف الهّیه در خصوص ظهور نور حقیقت و ذكر حدیث كلّما فی الفرقان

فى الفاتحه

صفحه 104 -قزوین بواسطه جناب حكیم جناب میرزا باقر درویش توصیف

قلم میثاق از منظومه مشار الیه

صفحه 105 -طهران بافتخار جناب آقا محمّدعلی كاشانی و جناب آقا میرزا علیمحمّد

خیاط رجاء مظهر عبودیت از درگاه الهى بشمول تائید در حق مهدى و طلب

مغفرت درباره والده محمّد قبل على و برادر مشار الیه

صفحه 106 -بافتخار حضرات ذوی القربای جناب زائر میرزا علی محمّدخان بیان

طلعت پیمان بتفوّق و ترّقى و امتیاز این قرن بر سایر قرون در جمیع

شئون و غفلت اهل عالم از معرفت موجد این ترّقى

صفحه 109 -بافتخار جناب هاشم ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه

صفحه 109 -ق بافتخار امةاللّه حبیبه بیان طلعت پیمان باینكه جناب میرزا

طرازاللّه در روضه مباركه بذكر ایشان مالوف بوده و همچنین ظهور مكرمت در حق

ورقه روحیه مهریّه و ورقه نوریه خاتون جان

109 -بواسطه آقا میرزا منیر و امةاللّه منجذبه فائزه طهران جناب آقا سیدهاشم

رجاء حضرت عبدالبهاء از درگاه الهی براى رهائى یافتن مشار الیه از

عسرت و سلوك در رضاى الهى

110 -قزوین بافتخار جناب آقا سید هاشم ظهور عنایت از قلم میثاق الهى در

حقّ مشار الیه و والده

110 -قزوین بافتخار جناب آقا هاشم و امةاللّه والده و امةاللّه ضجیع تمجید هیكل

میثاق از احتفال عید مبارك رضورن و الفت احبّاى الهى

111 -طهران بواسطهء جناب امین جناب آقا سید هاشم ظهور عنایت كبرى از یراعه

حضرت عبدالبهاء در حقّ مشار الیه

112 -بواسطه حضرت امین ارض ط سادات خمس ظهور عنایت طلعت میثاق در

حقّ اخوان خمس

113 -بواسطهء جناب بهائى مناجات طلعت عبودیت بدرگاه حضرت احدیت و

طلب مغفرت دربارهء آقا میرعلینقى

114 -قزوین بواسطه حضرت سمندر جناب آقا سید هاشم و والده و ضجیع تحسین قلم میثاق

از اشتعال و انجذاب آنان

120 -بواسطه جناب بشیر الهى جناب میرزا محمّدخان ستایش میثاق الهى از مشارٌ الیه

براى موفقیت بخدمت

120 -بواسطهء جناب بشیر الهى جناب مصطفى خان ابن میرزا محمّدخان غلام ظهور عنایت

حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه و رجاء حصول آمال از درگاه خالق متعال

121 -طهران بواسطه حاجى میرزا عبداللّه و آقا محمّدصادق جناب مصطفى خان استغاثه

حضرت عبدالبهاء بملكوت ابهى و رجاء مقامات عالیه روحانى براى ایشان و امّ و اب

مشارٌ الیه

121 -بواسطهء جناب آقا سید صادق جناب مصطفى خان امر قلم میثاق بمشار الیه باداى

شكرانه بدرگاه الهى از القاء قلب بسراج هُدى

122 -بعنوان ( اى ناطق بذكر الهى ) بیان طلعت پیمان در خصوص اینكه در بحبوحه

مشّقت و متاعب قلب حضرتش بیاد دوستان الهى مسرور است

123 -بعنوان ( اى منجذب بملكوت ابهى ) امر حضرت من اراده اللّه بمشار الیه

باداء شكرانه بدرگاه خداوند یگانه از روشن شدن قلب بانوار شمس احدیت

123 -اصفهان بافتخار ورقات محترمه امةاللّه گل افروز و عده ئى دیگر ظهور عنایت

قلم میثاق در حق آنان و امر باداء شكرانه باستان حضرت بهاء اللّه از موهبت

مبذوله

124 -بواسطهء آقا میرزا هادى افنان شیراز جناب میرزا بینش سیاح تقدیر قلم

میثاق از احبّاء شیراز بجهت سعى در نشر نفحات و تأثیر ملاقات و سلوك با

شخص محترم بحسب تعالیم جمال مبارك

125 -بافتخار جناب محمّدرضا میرزاى مقرّب تاكید حضرت عبدالبهاء بابتیاع

خانهء جنب بیت مبارك

126 -بواسطهء جناب میرزا لطف‌اللّه زائر لندن جناب میرزا یوحنّا داود

ظهور عنایت از كلك میثاق در حق مشار الیه و رجاء تائید و توفیق

126 -بواسطهء آقا میرزا هادى افنان شیراز جناب محمّد رضا میرزا رئیس پست بیان

طلعت پیمان در علّو امر الله در جمیع آفاق و حسد ارباب عمائم و امر بحكمت

احبّادر شیراز

127 -بواسطهء جناب بشیر الهى جناب ناظم حضرت محمّد قبل رضا بیان حضرت

من طاف حوله الأسماء در شدت امتحان و قلع اشجار ضعیفه و استقامت

اشجار شاخسار حدیقهء الهى

128 -بواسطهء جناب ذبیح اللّه خان زائر شیراز حرم جناب محمّدرضا میرزا ورقهء

منجذبه كوكب سلطان و عبدالحسین میرزا و عبدالعلى میرزا و عبّاس خان ظهور

عنایت حضرت عبدالبهاء در حق آنان و طلب مغفرت دربارهء والدین

كوكب سلطان و در ذیل لوح مبارك خطاب بحضرت محمّد قبل رضا و اعطاء

كنیهء مقرّب بخانوادهء ایشان

128 -اصفهان بواسطهء جناب وزیر جناب محمّدرضا میرزا ظهور عنایت طلعت

میثاق در حق مشار الیه بجهت مساعدت دربارهء حضرت افنان و اطّلاع

باینكه حضرتش نظر بسفارش ایشان رئیس مدرسه را ملاقات فرموده اند

129 -اصفهان به افتخار حضرت محمّد رضا میرزا رئیس پست صدور اجازه

از قلم میثاق الهى جهت تشرّف مشار الیه ببقعهء مباركه نورا

130 -بواسطهء جناب آقا میرزا محمّدباقرخان شیراز جناب محمّدرضا میرزا بیان حضرت

عبدالبهاء در اجتناب از مظاهرات و سلوك در منهاج حكمت و اعتدال و سعى

در ترّقى عالم نساء

131 -بواسطهء جناب آقا میرزا هادى افنان شیراز جناب شاهزاده محمّدرضا میرزا

بیان حضرت عبدالبهاء در غفلت اهل عالم و محرومیت از الطاف حضرت احدیت

131 -شیراز بواسطهء میرزا محمّدرضا میرزا بوشهر در گمرك جناب آقا میرزا محمّدعلى

جهانگرد بیان حضرت عبدالبهاء در عدم وجود احبّا در بوشهر و امر ببذل همّت

در ایقاظ نفوس

132-بواسطهءحضرت افنان میرزا جلال حضرت محمّدرضا میرزا و حضرت بشیر الهى

ظهور عنایت قلم میثاق در حق آنها بواسطهء مساعدت دربارهء جناب افنان

133 -شیراز بواسطهء محمّدرضا میرزا جناب لهراسب خان فریدنى بیان حضرت

عبدالبهاء در خصوص اینكه دو داود بوده یكى قبل از حضرت موسى و یكى بعد از

حضرت موسى و طلب مغفرت در حقّ اجداد و امّهات مشار الیه

133 -شیراز بافتخار رئیس پست جناب محمّد رضا میرزا ظهور عنایت میثاق الهى

در حقّ مشار الیه و امر ببذل جهد در مسرور گردانیدن احبّا و واسطه شدن

جهت مخابره اهل راز

134 -شیراز بافتخار جناب آقا سید محمّدحسین افنان و عده ئى از احبّاء

ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حقّ آنان و ابراز اشتیاق حضرتش بترّنى

موطن حضرت اعلى و مناجات طلب تائید در حقّ احبّاء

136 -شیراز بواسطهء جناب میرزاى بینش سیاح حضرت شخص محترم نزول

مناجات از قلم میثاق حی قدیر در حقّ مشار الیه و سلیل ایشان و طلب تائید

137 -آذربایجان رومیه بافتخار جناب وحید بیان طلعت پیمان از كثرت

مشاغل و ابلاغ كلمةاللّه در كنائس و دارالفنونها

137 -تبریز بواسطهء جناب آقا میرزا حیدرعلى اسكوئى ارومیه جناب وحید

لسان حضور موافقت مركز میثاق در خصوص مكتب تعلیم و طلب اعتدال مزاج

اصلان خان و ظهور عنایت در حقّ احبّاء

138 -بافتخار جناب یوسف خان نزول مناجات از یراعه میثاق الهى و

طلب تائید در حقّ مشار الیه

139 -ارومیه بافتخار جناب لسان حضور بیان طلعت پیمان در ناپایدارى

سلطنت این جهان و حصول عزّت ابدّیه دربندگى حقّ

139 -بواسطهء جناب وحید جناب آخوند ملّا حسین توصیف قلم میثاق در

منقبت شهادت و اینكه حضرت سیدالشهدآء بمثابه شمس از افق ابهى ساطع است

140 -بواسطهء جناب آقا سید اسداللّه جناب آقا میرزا یوسف خان همشیره زاده

حضرت وحید اجازهء حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بمسافرت ببلاد غرب

و اذن حضور

141 -تبریز بواسطهء حضرت بنكدار ارومیه جناب لسان حضور بیان طلعت میثاق در اینكه

حوادث از لوازم ذاتى ممكنات بوده و عدم تغیر لزوم ذاتى قدیم و در ذیل لوح مبارك

تأكید در قیام بخدمت امر الله

142 -ارومیه بافتخار جناب وحید امر حضرت عبدالبهاء بخواستن ماكنت از بادكوبه

و تأكید در ابلاغ كلمةاللّه

142 -تبریز ارومیه بواسطهء آقا میرزا حیدرعلى جناب وحید لسان حضور امر میثاق

نیر آفاق بمشار الیه باقامت در ارومیه و شیشوان

145 -تبریز ارومیه بافتخار جناب وحید حضرت لسان حضور تفسیر مفّسر آیات اللّه

در خصوص ناقض اكبر و حقوق اللّه و خمسین الف سنه و الف سنه و انذارات بطاء و

بشارات نبوّت اوّل دانیال و مكاشفات یوحنّا در خصوص وحش و شعر

سید حسین اخلاتى و عدم جواز تصرّف در حقوق الله و مسئله یبارک سریرالطار

147 -ارومیه بافتخار جناب میرزا یوسف خان نصیحّت میثاق حضرت یزدان

بمشار الیه بتبلیغ امر الله و ایقاظ غافلان

148 -بواسطهء حضرت آقا میرزاعلى بنكدار آذربایجان جناب آقا میرزا یوسف خان

امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بقیام در نشر نفحات الله وتسریر روح

حضرت وحید در ملكوت ابهى

149 -تبریز ارمیه بافتخار حضرت وحید جناب لسان حضور میثاق

نیر آفاق باین بیان متكلّم قوله الأحلى «توجه باید بروضهء مباركه باشد مقر الذى

قدرناه آنست ...»

149 -بواسطهء جناب وحید ارومیه جناب آقا میرزا قربانعلى و احبّاء سائره بیان

حضرت عبدالبهاء در خصوص مراجعت حضرتش از مسافرت غرب بعد از سه سال

و تحمّل مشقّت بیپایان و بشارت بظهور شمس حقیقت

151 -تبریز ارومیه بافتخار جناب وحید بیان طلعت پیمان از ضعف ونقاهت

سفر سه ساله و اجازه بیوك آقا بمطاف ملأاعلى

152 -آذربایجان ارومیه بافتخار حضرت وحید فرید لسان حضور ظهور عنایت

طلعت عبودیت بمشار الیه و ذكر تشویش میرزا عبداللّه و میرزا سمیع از روایات

مجعوله

153 -تبریز ارومیه بافتخار حضرت وحید حضرت من طاف حوله الأسماء و

اجازه میفرمایند مكان منظور ابتیاع شود

154 - 9 جمادى الثانى 1338 ارومى حضرت لسان حضور ظهور عنایت

قلم میثاق در حقّ مشار الیه و خطاب وحید بایشان

154 -ارومیه بافتخار حضرت وحید بیان حضرت عبدالبهاء باینكه

از سنین متوالیات عصبه ئى از مبشرین انجیل بان ناحیه توجّه نموده و با

بذل مال و افتتاح مكاتب معذلك احدى اقبال ننموده ولى در این امر

عظیم با وجود قواصف و امتحانات شدیده فوج فوج داخل میگردند

155 -تبریز ارومیه بافتخار جناب وحید لسان حضور بیان حضرت عبدالبهاء

در عدم اقتضاى تشرّف بعتبهء مباركه و قیام بنشر نفحات الله

156 -نیورك[[1]](#footnote-1) بافتخار جناب میرزا یوسف خان (این مكتوب بامریكا رفته

اعاده نموده اند) ستایش قلم میثاق از حال بزرگوار مشار الیه و جانفشانی‌اش

در قربانگاه ربّانى و امر بتحمّل محن وبلایا در سبیل محبوب ابهى و سلوك در منهج

قویم توكّل و انقطاع و بالضمیمه لوح مبارك دیگرى مشعر بر گشایش امور مشار الیه

158 -بافتخار جناب آقا میرزا یوسف خان استغاثه حضرت عبدالبهاء بساحت

كبریا و به تشدید مصائب ومتاعب و نزول بلایا بهیكل مكرمش در سبیل حبّ

جمال اقدس ابهى و طلب توفیق و گشایش در حقّ میرزا یوسف خان

159 -ارومیه بافتخار جناب میرزا یوسف خان بیان طلعت پیمان در منقبت

حضرت وحید شهید و نعرهء آنحضرت بر فراز منابر در ذكر ظهور حضرت ربّ اعلى

و توصیه بمشار الیه باینكه شمع حضرت وحید را در هر انجمنى برافروزد

161 -طهران بافتخار جناب آقا میرزا حسین بروجردى و حاجى ابوالقاسم دبّاغ

بیان مظهر عبودّیت باینكه در مدّت یكسال فقط یكدفعه فرصت رفتن بحمّام را

فرموده اند و اهمیت ساختمان مرقد حضرت ملّاعلى جان و وعده اكشف مرقد

جناب سلیمان خان و جناب طاهره و ذكر بیست و چهار نفر دوره مبارك یعنى

واحد اوّل و پنج نفس مبارك دیگر كه بعد ظاهر خواهد شد و تفسیر بیان الف سنه

مذكوره در كتاب مستطاب اقدس

163 -بافتخار جناب آقا ابوالقاسم دبّاغ و جناب آقا غلامعلى و جناب

آقا غلامحسین و سایر متعلّقان امر من اراده اللّه باداى شكرانه بدرگاه خداوند

یگانه از ورود بشریعهء رحمانیه و قیام بخدمت مقرّبان كبریاء

164 -ط بافتخار جناب ابوالقاسم دبّاغ كاشانى اجازهء حضرت عبدالبهاء

بمشار الیه در تشرّف بروضه مطّهره و امر بتنزیه وتطهیر قلب از آلایش

164 -بواسطهء جناب یونس خان جناب استاد على اكبر چینی‌ساز و ضجیع محترمه

ایشان ظهور مكرمت از یراعه میثاق حضرت احدیت درحق مشار الیها

165 -نور محمّد خان استاد غلامعلى و استاد على دبّاغ بیان حضرت عبدالبهاء

باینكه چون اخوّت جسمانى و اخوّت روحانى با یكدیگر توأم شود نور على نور گردد

165 -طهران بافتخار حضرات دبّاغان حاجى ابوالقاسم واخوان اظهار رضا

و تقدیر میثاق حی قدیر از زحمات مشار الیهم در خدمت احبّاء الهى

167 -بواسطهء جناب غضنفر ابن غضنفر جناب حاجى ابوالقاسم دبّاغ كاشى

بیان طلعت پیمان در تطهیر جلد بواسطه دارو و اجزاء دبّاغى و تأثیر داروى

الهى در تطهیر قلوب

167 -بواسطه جناب جلال ابن سینا جناب آقا مشهدى شعبان حضرت عبدالبهاء

باین بیان احلى ناطق قوله جلّ ذكره «...گویند كه شعبان ماهیست كه تقسیم رزق

در آن شده امیدوارم كه تو سبب تقسیم رزق روحانى گردى ...»

168 -بواسطهء جناب سر رشته دار جناب شاهزاده عزیز و جناب حسینعلى نیك

تقدیر قلم میثاق الهى از مشار الیها بجهت دلالت نفوس تسلیل هدایت بر عین تسنیم

168 -بافتخار جناب نعیم و عدّه ئى از احبّاء و اماء اللّه مناجات میثاق ربّ الایات

بدرگاه حضرت قاضى الحاجات و طلب تائید جهت نفوس مذكوره

170 -بواسطهء جناب آقا محمّد على اخوى آقا محمّدرضا من اهل ك احبّاء الهى

ستایش حضرت عبدالبهاء از احبّاء اللّه بجهت وفاى بعهد و میثاق حضرت احدیت

172 -بافتخار امةاللّه والده و اخوان جناب آقا ابوالقاسم مناجات قلم میثاق

بدرگاه الهى و طلب تائید در حقّ مشار الیهم

173 -ط بافتخار احبّاء الهى نزول مناجات از یراعه پیمان حضرت رحمان

و طلب تائید در حقّ یاران و رجا و مغفرت در حقّ متصاعدین الی اللّه

174 -طهران بواسطهء جناب امین جناب عطاء اللّه و جناب غلامحسین

و امةاللّه درخشنده ظهور عنایت از قلم میثاق حضرت احدیت و طلب

حصول آمال جهت مشار الیهم

174 -مریم آباد یزد بافتخار امةاللّه رقیه سلطان صبیهء آقا محمّد ابراهیم

ترك ظهور مكرمت حضرت عبدالبهاء در حقّ مشار الیها

175 -بواسطهء امةاللّه بنت شهید امةاللّه نه‌نه خانم تسلیت قلم میثاق بمشار الیها

جهت رحلت آن دو نهال از گلخن فانى بگلشن الهى

175 -عشق آباد بافتخار امةاللّه الممتحنه الثابته الراسخه ورقه مظلوم نه‌نه خانم

و امةاللّه المطمئنه رقیه اظهار لطف و مكرمت حضرت عبدالبهاء در حقّ مشار الیها

176 -بافتخار امةاللّه المظلومه نه‌نه خانم تقدیر قلم میثاق در حقّ مشار الیها

بجهت تحمّل مصائب در سبیل الهى و پرستارى ورقه مقدّسه والدهء حضرت افنان

176 -بعنوان یا امةاللّه المهیمن القیوم رقیه تقدیر حضرت عبدالبهاء

از مشار الیها بجهت حمل بلایا در سبیل حضرت محبوب

177 -برجاى امةاللّه حرم شهید سكینه سلطان حضرات ورقات مطمئنه امةاللّه

نه‌نه خانم صبیه و عموم خویش و بستگان حرم شهید و كافّه احبّاى الهى ظهور

فضل و موهبت از یراعه میثاق حضرت احدیت و طلب تائید در حقّ آنان

178 -بافتخار جناب آقا لطف‌اللّه نصیحت میثاق الهى بمشار الیه در تحقّق

باخلاق حضرت خلّاق

178 بافتخار جناب آقا لطف‌اللّه امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در اداى

بدرگاه خداوند یگانه از فوز بتقبیل آستان مقدّس

179 -بعنوان اى بندهء الهى بیان طلعت پیمان باینكه هرچند آن بندهء الهى

بظاهر پیرست ولى بحقیقت جوان است

179 -بواسطهء جناب آقا مهدى جناب آقا لطف‌اللّه نصیحت حضرت عبدالبهاء

بمشارٌ الیه در عدم تأثر بازگشت بوطن و نوید ایشان بمشمول تائیدات الهیه

180 -بواسطهء جناب امین جناب میرزا مهدى و میرزا عبدالوهّاب اردكانى

اظهار تأسف هیكل میثاق از وقایع مولمه شاهرود و امر بنگارش تفصیل وقایع

بجناب باقراف

180 -مناجات حضرت عبدالبهاء بدرگاه كبریا و طلب مغفرت در حقّ والدهء

جناب آقا مهدى و جناب آقا عبدالوهّاب

181 -طهران بواسطهء جناب حاجى میرزا عبداللّه جناب میرزا لطف اللّه اظهار

تأثر میثاق الهى از تحمّل زحمت مشار الیه در مسافرت بارض مقصود و عدم

موفقیت بزیارت بواسطهء انقلاب آن ارض

182 -بواسطهء زائر عتبه رحمانى جناب آقا غلامعلى جناب آقا على اكبر ظهور عنایت

مظهر عبودیت در حقّ مشار الیه و طلب تائید

182 -بواسطهء حضرت ابن ابهر كاشان جناب على اكبر تقدیر هیكل میثاق

از مشار الیه جهت تخصیص غرفه ئى براى مشرق الاذكار

183 -بافتخار امةاللّه زن آقاى شاه عبدالعظیمى ظهور عنایت حضرت

عبدالبهاء در حقّ مشار الیها

184 -بافتخار امةاللة بگم صاحب قلم میثاق باین بیان احلى ناطق قوله جلّ افضاله

«...اعظم وسائل حصول عنایت ملكوت ابهى تحمّل زحمات و مشقّات

اماء رحمن است ...»

184 -بافتخار آقا علی‌اكبر بیان طلعت پیمان در اینكه نفوس ملكوتى كسانى هستند

كه بمیثاق الهى ثابت بوده و بنشر نفحات الله قیام نمایند

184 -بواسطهء آقا سید مصطفى بافتخار امةاللّه زن آقاى شاه عبدالعظیمى بیان

عهد قویم الهى در نورانیت اسم اعظم و ارتفاع نداى یا بهاء الأبهى در آن كشور

185 -بواسطهء امةاللّه المنجذبه شاهزاده عبدالعظیم امةاللّه المقرّبه زن آقا

ظهور مكرمت حضرت عبدالبهاء بمشار الیها و رجاء بعث نفوس از اماء الرّحمن

ایران كه گوى سبقت از اماء امریكا بربایند

185 -طهران بواسطهء امةاللّه المنجذبه فائزه امةاللّه بگم صاحب زمان آقاى

شاه عبد العظیمى ظهور رأفت كبرى از یراعه حضرت عبدالبهاء در حقّ مشار الیه

بجهت دلالت نه نفر از منتسبین در ظلّ كلمهء توحید و اظهار عنایت بان نفوس

187 -بدون عنوان مناجات قلم میثاق بدرگاه الهى و طلب تائید بجهت

مؤسسین مشرق‌الاذكار

187 -ط بافتخار جناب آقا شیخ محمّد ابن آقا شیخ ابوتراب بیان حضرت

عبدالبهاء در اشراق شمس قدم از افق عالم و ظهور آثار و كمالات او در شرق و غرب

188 -بواسطهء جناب امین امةاللّه حرم محترم مرحوم آقا شیخ محمّد اشتهاردى

ورقه مطمئنه فاطمه تسلیت قلم میثاق بمشار الیها از صعود دختر پاك گهر و طلب

مغفرت بجهت ابوى بزرگوار

189 -بافتخار جناب حسین ابن من طار الى ساحت كبریا آقا نور از اهل صاد

ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق پدر مشار الیه و امید باینكه آن ولد سرابیه شود

189 -ط بافتخار جناب آقا زین العابدین ابن مرحوم آقا نور ظهور عنایت میثاق

الهى در حقّ پدر مشار الیه و امید باینكه آن پسر برتر از پدر گردد

190 -بافتخار حسینعلى پسر آقا على نور ستایش پیمان الهى از پدر مشار الیه و نصیحت

بسعى مستمر بوصول خلق و خوى پدر

191 -بافتخار ابن من صعد الى اللّه آقا على نور ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حقّ

مشار الیه و جناب حاجى محمّد هاشم و آقا میرزا محمّدابراهیم

192 -بافتخار جناب مشهدى على حیدر من اهل الّصاد بیان طلعت پیمان در اینكه اعظم

امور پس از ثبوت بر عهد و میثاق تبلیغ امر الله است

193 -بافتخار ورقهء زكیه والده آقا حسینعلى امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیها

باینكه بعد از ورود در ظلّ كلمهء جامعه الهیه جان را بنفحات تقدیس زنده نماید

193 -بدون عنوان مناجات حضرت عبدالبهاء بساحت قدس الهى و رجاء ثبوت بر

میثاق در حقّ یكى از احبّاء

194 -بافتخار داماد جناب آقا على كاشانى جناب آقا حسینعلى بیان میثاق الهى

باینكه بعد از اقبال بمطلع انوار بتقواى الهى بعبادت حقّ مشغول شود

194 -بواسطهء جناب شمس الحكماء و جناب آقا حسینعلى مهاجر من اهل الصّاد و خاندان

متصاعد الى اللّه آقا على و عده ئى از احبّاء و اماء اللّه ظهور عنایت مظهر

عبودیت در حقّ خاندان آقا على نور و در ختام لوح طلب مغفرت بجهت فضل اللّه و

فاطمه بگم و زین العابدین و عنایت اللّه

195 -بواسطهء جناب شمس الحكماء جناب حاجى نظام الّدین بیان طلعت پیمان در اینكه

خداوند عالمیان نشئه اولى را معرض توارد حوادث و آلام قرار فرموده تا قلب

از تعلّق بحیات دنیوى و قیود منسلخ شده و فوز وفلاح را در نشئه اخرى آرزو نماید

197 -بافتخار جناب زائر آقا حسینعلى اصفهانى ظهور عنایت من طاف

حوله الأسماء در حقّ مشار الیه و خاندان آقا على نور وطلب مغفرت در حقّ آن

متعارج الی اللّه

200 -بافتخار امةاللّه همشیره عنایت الله مناجات قلم میثاق بدرگاه حی قدیر

و رجاء عون و صون در حقّ مشار الیها

201 -بافتخار امةاللّه صبیه جناب آقا على نور نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشار الیها

در تمسّك بتقوى و غمض عین از آنچه در عالم امكانست

201 -عكّا بافتخار جناب آقا سید اسداللّه امر حضرت من اراده اللّه بمشار الیه

بحفظ و مواظبت بیت از دستبرد دزدان

202 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه انتظار هیكل میثاق از وصول اخبار خوش

مشار الیه و ارجاع مكاتیب واصله بجهت ایشان

203 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه بیان طلعت میثاق راجع

بعدم وصول لوح مبارك بعنوان میرزا فضل اللّه پسر بنان الملك و تحقیق از

چگونگى امر از جناب بشیر الهى و امر بنمره گذارى بالواح مباركه

203 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه

در ترك مزاح وشوخى با میرزا عبداللّه صحیح فروش و در ذیل لوح مبارك تأكید

در ارسال اخبار واصله

214 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه بیان حضرت عبدالبهاء در اینكه مكاتیب

مدّتى در نزد شما میماند چنانكه مكتوب میرزا جلال بعد از ورودش واصل گردیده و

امر بدقّت در این خصوص

204 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه بیان میثاق الهى در ارجاع مكاتیب واصله

بعنوان مشار الیه بمقصد ایشان

205 -بدون عنوان مناجات مظهر عبودیت بدرگاه حضرت احدیت و رجاء توفیق

در مخاطب آن

205 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه شكوه قلم میثاق از عدم فرصت تحریر و

بروز نوازل و تصمیم عزیمت بكنوشه و كلیفورنیا

205 -بعنوان ( اى غلام حقّ ) توبیخ حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در عدم

تفّوه بكلمات ركیكه و نصیحت ایشان بثبوت بر عهد و میثاق و وعده التماس

دعا در روضهء مباركه بجهت معزى اللّه

209 -بافتخار جناب غلام اللّه ذكر قلم میثاق قدم از مصائب و متاعب وارده

بر هیكل اطهر و تمنّاى عروج بملكوت ابهى

211 - 9 پورتسعید بواسطهء جناب آقا احمد جناب آقا سید اسداللّه امر حضرت

عبدالبهاء بمشار الیه بارسال اوراق و در ذیل لوح امر بنگارش بملّا بهرام و

اذن حضور باردشیر پور رستم خان

212 -اردبیل بافتخار جناب آقا حسن اخوى آقا ملّا مهدى حضرت

غصن الله الاعظم باین بیان اتم ناطق قوله عزّ برهانه «...این عالم امكان

میدان اكتساب شئون رحمانیه است ... و همچنین محل وقوع در مهالك

نفسانیه ... تا انسان در ظلّ تربیت الهیه داخل نشود و بنار كلمهء الهیه

مشتعل نگردد انوار توحید در زجاجهء قلب نیفروزد ...»

213 -اردبیل بافتخار جناب میرزا معصوم ظهور عنایت مظهر عبودیت در

حقّ مشارلیه و توصیف از صنعت ایشان كه مطّرز الواح مقدّسه است

213 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید تقى اخبار میثاق الهى بمشار الیه از قصد

عزیمت حضرتش بمصر

214 -بافتخار میرزا احمد بیان طلعت پیمان در هطول فضل و رحمت الهى

و قلّت وجود سامعون و مبصّرون

214 -پورتسعید بواسطهء جناب آقا احمد جناب آقا سید اسداللّه امر حضرت

من اراده اللّه بمشار الیه بارسال لوح مبارك بقائم مقامى و قبض بجمشید

خداداد و مومن شدن دو عالم در نجف اشرف

215 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه

بارسال الواح مباركه بمقصد و عدم جواز گشودن مكاتیب آقا میرزا حیدرعلى

215 -پورتسعید بواسطهء جناب آقا احمد جناب آقا سید اسداللّه ظهور عنایت

حضرت عبدالبهاء در حقّ مشار الیه و استغاثه حضرتش بنشر نفحات الله و

خطابه هاى شب و روز و قصه عزیمت باسكندریه

216 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه بیان میثاق الهى در خصوص تبلیغ حضرتش

در مجامع عمومى اروپا و امر باحبّاء باینكه دو ماه بحضرتش مهلت بدهد كه اوقات

را حصر در تبلیغ بفرماید

216 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سیداسداللّه امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه

در ارسال سفره و همچنین ارسال وجه بشیكاغو جهت مشرق الاذكار

217 -بافتخار جناب همدم بیان حضرت من طاف حوله الاسماء در خصوص رسید

نامه بقائم مقامى و قرض نگینها و سفره‌ها

217 -بافتخار جناب اسد خدا امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در ارجاع

اوراق شجره نفى بقبریس

218 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سیداسداللّه بیان طلعت پیمان در خصوص

صدور لوح طلب مغفرت درباره معمارباشی و همچنین امر باشعار وصول مكاتیب درّه‌جز

218 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه تأكید هیكل میثاق بمشار الیه

در تسریع ارسال مكاتبات و ابتیاع زمین جهت مقبرهء جناب منشادى

219 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سیداسداللّه بیان طلعت پیمان در صحّت

عنوان بندر جز كه بواسطهء سهو قلمى كاتب اشتباه نوشته شده

219 -بافتخار جناب حاجى میرزاحسین بیان حضرت عبدالبهاء در عدم صلاحیت

تشرف مشار الیه و امر بارسال لوح مبارك بفاضل محترم

220 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه طلعت میثاق وصول معروضهء

مشار الیه و میرزا یوحنا داود را اشعار و اظهار عنایت بعده ئى از احبّا میفرمایند

220 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه مناجات طلعت عبودیت بدرگاه

حضرت معبود و طلب تائید دربارهء مشار الیه

220 -بدون عنوان مناجات غصن دوحهء بقا بدرگاه ملیك ارض و سماء

و طلب تائید در حقّ صاحب لوح

221 -تفلیس بافتخار جناب آقا سید اسداللّه ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء

در حقّ مشار الیه و در ذیل لوح خطاب مبارك به عثمان بیك مرتضى و استغاثه

بدرگاه الهى در استخلاص ایشان از شر عدوّ لدود

221 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه ارسال مناجات طلب

مغفرت منزله از قلم میثاق در حقّ مرحوم میرزا بهلول قائم مقامى و اظهار قدردانى

از زحمات حضرت حكیم باشى

222 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه بیان هیكل میثاق در وصول قصیدهء

ناظم و اذن حضور بعده ئى از احبّاء

223 -پورتسعید تقدیر قلم میثاق از حضرت قائم مقامى بجهت واگذارى

مبلغ كلّى بورثهء حضرت صحیح فروش و همچنین واگذارى خانه بواسطهء آقا غلامعلى

وامر بارسال پنجاه لیره بمشرق الاذكار امریكا و نیز امر بتسلیم قیمت مخلّفات

جناب منشادى بهمشیره زادهاش

224 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه تعبیر قلم میثاق از رویاى مشار الیه

و ذكر وفادارى جناب قائم مقام بزرگ و اظهار رضا از خریدارى مدفن شهداء

226 -پورتسعید جناب آقا سیداسداللّه بیان طلعت پیمان در لزوم تسلیم

برات قائم‌مقامى بمس ترو

226 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه تقدیر حضرت عبدالبهاء

از مشار الیه بواسطهء ضبط و انتظام مكاتیب ارسال و مرسل

227 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه بیان طلعت عبودیت

مشعر بر وصول مكاتیب مشار الیه و امر بارسال الواح مباركه بسائر جهات

227 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه نزول مناجات از قلم میثاق

حضرت قیوم دربارهء مشار الیه و طلب تائید و در ذیل لوح مبارك امر توصیه

بانزلى و رشت و قزوین و طهران در پذیرائى عده ئى از احبّاء زردشتى

228 -بافتخار جناب حسین ابن جناب ملّاعلى من اهل كاشان بیان طلعت

میثاق در اجابت مسئول ایشان و حصول موفقیت و در ذیل لوح مبارك اظهار

عنایت در حقّ و الدهء مشار الیه و ایضاً در ذیل آن اظهار مكرمت دربارهء ابوى ایشان

229 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه حضرت غصن الله الاعظم پاكت بعنوان

آقا احمد را اعاده و امر میفرمایند كه باحدى مرقوم نشود كه چرا درجوف كاغذ

دیگران مكتوب میفرستند و در ذیل لوح مبارك استفسار از سبب حزن جناب امین

230 -بافتخار جناب آقا سیداسداللّه بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص ارسال

نسخه اوّل و ثانى برات پنجاه لیره

230 -بافتخار جناب آقا سیداسداللّه بیان حضرت من طاف حوله الأسماء

در خصوص عدم جواز شوخى و مزاح با جناب صحیح فروش و در تعقیب لوح

مبارك ذكر موكول شدن خرید مزار و قبر حضرت منشادى مراجعت آقا احمد

از مسافرت فرنگ

231 -بافتخار جناب حاجى امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه باینكه شخص محترم

را ملاقات كرده و بایشان بگوید آنچه از جاى دیگر شنیده جز اوهام چیزى

نیست

232 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سیداسداللّه بیان میثاق الهى در خصوص تعویق

مكاتیب بواسطه نوازل چشم

232 -بافتخار جناب آقا سیداسداللّه بیان حضرت عبدالبهاء راجع بوصول

دو قطعه عكس لوح از اثر قلم اعلى و عكس حضرت غصن الله الأطهر

232 -پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسداللّه امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بقطع

مكاتبه با استاد محمّدعلى بنّا

232 -بافتخار جناب آقا سید اسداللّه بیان میثاق حی قدیر باینكه هر كس حقوق

تقدیم میدارد باید قبض بهر واسطه كه میفرستد مطالبه نماید

233 -مناجات مظهر عبودیت بدرگاه حضرت احدیت در تألیف بین قلوب

و تجاذب بین رئیس و مرئوس

233 -بافتخار جناب محترم بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عدم امكان

حكومت مستقّله در عصر حاضر و لزوم اعطاء حكومت مقنّنه

235 -بدون عنوان بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص پسر ناخلف مرحوم

مشهدى عبدالرّضا و امر باقناع ورثه بربع و ثلث مبلغ و همچنین در ذیل لوح

مبارك مأموریت جناب حاجى بخدمت مخاطب لوح و نیز در ذیل آن

امر بجناب حاجى در خیرخواهى از شخص محترم و اهتمام در تألیف بین

دولت و ملّت و ایضاً در خاتمه لوح مبارك ذكر شهادت حضرت آقا سید

یحیى در سیرجان و ایذاء احبّاء در سنگسر و قطعه قطعه شدن دو نفر از

یاران در تبریز بفتواى میرزا حسن مجتهد

236 -بافتخار جناب حاجى میرزاحسین امر حضرت من اراده اللّه بقبول تكلیف

شخص مغرّز و موكول بودن عنایت حضرت احدیت بشخص مذكور در الفت با

نفوس قدسیه و اجتناب از نفوس غافله

237 -بعنوان شخص محترم اظهار تأثر حضرت عبدالبهاء از اضطراب و كدورت

مشار الیه و اجازه تشرّف بحضور

237 -بواسطهء جناب امین بافتخار دولت آبادی‌ها ظهور عنایت قلم میثاق

در حقّ آنان و امر به تبعیت از نصائح قلم اعلى و قیام بر خدمت پیمان

238 -بافتخار مهاجرین دولت آباد تسلیت میثاق الهى بانان در اینكه هرچند

در سبیل رحمن بیسر و سامان شدند ولى زحمت ومشقّت در سبیل حضرت

احدیت عین رحمت و راحت است

239 -بواسطهء جناب دكتور حبیب اللّه خان جناب میرزا نور الّدین خان

بیان طلعت پیمان در اینكه قریه وقتى قصر خسرو شیرین بوده و بعد مطمور

گردیده حال عمران آن موكول بهبوب نغمات رحمن است

239 -بافتخار جناب شهاب الّدین فتح اعظم و منتسبین ظهور مكرمت حضرت

عبدالبهاء نسبت بان عائله

240 -بواسطهء آقا میرزاحسین نجل حضرت اسم‌اللّه اردستان جناب آقا میرزا

شهاب ظهور عنایت مظهر عبودیت در حقّ مشار الیه و طلب عفو و غفران دربارهء

متصاعدالى اللّه آقا میرزاحبیب

241 -اردستان بافتخار جناب میرزا شهاب الّدین سلیل جلیل حضرت

فتح اعظم اظهار مسرّت طلعت میثاق از خبر اشتغال احباء طهران و كاشان و

اصفهان و یزد و اردكان و اردستان و تأكید در الفت و اتحّاد یاران و هدایت نفوس

242 -طهران بافتخار جناب آقا سیدشهاب ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء

بمشار الیه بجهت نیل برضاى آقا سید نصراللّه

242 -بواسطهء جناب آقا محمّدعلى از اهل ك احبّاء حسن آباد مزرعه متعلق به باقر اف

ظهور عنایت قلم میثاق در حقّ آنان و امر بسلوك در سبیل امانت و دیانت و اخلاق و

مهربانى با مزارع مجاوره

244 -بواسطهء جناب آقا میرزا شهاب امةاللّه ضلع ایشان حضرت عبدالبهاء

باین بیان جان افزا ناطق قوله عزّ برهانه «...شاخ و برگ هر شجرى برشحات سحاب

تر و تازه گردد و سبز و خرّم شود امّا ورقات جنّت ابهى بفیض غمام كبریاء

طراوت و لطافت بیمنتهى یابد...»

244 -بواسطهء حضرت اسم اللّه الهدى اردستان جناب آقا حسن على اكبر

خادم احباب تسلیت طلعت پیمان بمشار الیه بجهت از دست دادن ریش در

سبیل امر الله و فوز احبّاء بعنایت الهى و تحمّل جفاى ستمكاران

245 -اردستان بواسطهء جناب زائر جناب شهاب الّدین سلیل فتح اعظم

تقدیر قلم میثاق از فتوحات روحانیه و الد مشار الیه و نصیحت به پسرش

در سبیل پدر

246 -بافتخار جناب على خان كرمانى شكوه حضرت عبدالبهاء از كثرت مكاتیب

وارده و عدم مجال تحریر جواب

247 -بعنوان ایدوست روحانى اظهار لطف و مكرمت حضرت عبدالبهاء بمشار الیه

247 -طهران بواسطهء جناب نورمحمّدخان جناب میرزا رضاخان بیان طلعت

میثاق در اینكه رشد و بلوغ در اشتعال بنار محبّت الهى است

248 -ط بافتخار جناب منشى باشى بیان غصن اعظم الهى در خصوص اشراق نیر اسم

اعظم بملكوت وجود و تأثیر آن بر حقائق صافیه و محرومیت گروهى از آن

248 -بافتخار امةاللّه زهرا ضلع جناب محمّد قبل باقر امر حضرت عبدالبهاء

بمشار الیها در اداى شكرانه بدرگاه الهى از دخول در ظلّ كلمه جامعه

249 -ط بافتخار جناب منشى باشى بیان طلعت پیمان در خصوص اینكه هر نفسى را

خداوند دوست بدارد او را مبتلا سازد و برخوردارى مشار الیه از صحّت

روحانى

250 -مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق حضرت احدیت بجهت راجع

الى اللّه میرزا باقر منشى باشى

251 -بواسطهء حضرت حیدر قبل على طهران در منزل جناب میرزا مؤمن امةاللّة

ضلع محترمه متصاعدالى اللّه منشى باشى مناجات قلم میثاق و طلب مغفرت

در حقّ منشی‌باشى

251 -بواسطهء جناب محمّد نبى طهران امةاللّه زهرا ضجیع من عرج الى اللّه

منشى باشى تقدیر قلم میثاق از مشار الیها بجهت سلوك درسبیل وفا و امتیاز

از مادون بواسطهء تحمّل صبر

252 -بواسطهء جناب آقا میرزا عبدالحسین زائر طهران جناب آقا میرزا جواد خان

و آقا میرزا نبى خان بیان غصن ابهى در استعداد خاور و باختر براى اصغاء

نداء الهى و ترغیب یاران بهدایت طالبان

253 -طهران بواسطهء حاجى میرزاعبداللّه جناب میرزانبى خان لر ظهور

عنایت مظهر عبودیت در حقّ مشار الیه و طلب مغفرت دربارهء و الدین

253- بواسطهء جناب زائر آقا غلام حسین طهران جناب میرزانبى خان

طلعت پیمان باین بیان احلى ذاكر قوله عزّ بیانه «...چون یاد دوستان

شود دل و جان بگُل و ریاحین فیض آمال مزین گردد...»

254 -طهران بافتخار جناب میرزانبى خان نزول مناجات از یراعهء

حضرت عبدالبهاء و طلب مغفرت گناهان مشار الیه

255 -ط بافتخار جناب میرزانبى خان هیكل میثاق در محاسن اتحّاد و

مضّار نفاق

255 -ط بافتخار جناب میرزامحمّد نبى خان غصن دوحه بقا باین بیان

جان افزا ناطق قوله عزّ وعلا «...در درگاه جمال قدم روحى

له الفداء الفاظ وكلمات را حكمى نبوده معانى بدیعه و مقاصد صحیحه مقبول و

محبوب ...آن معانى الیوم ثبوت و رسوخ بر مركز میثاقست»

256 -بواسطهء جناب میرزا نبى خان اى هدهد سلیمان پر حشمت الهى بیان

حضرت عبدالبهاء بانتباه یاران الهى از احتراز از غراب منحوس نعیب

زاغ و نعیق كلاغ

257 -بافتخار جناب محمّد نبى خرّم آبادى ذكر حضرت عبدالبهاء از تشرّف

شخص لر بحضور نیر آفاق و خواندن اشعار لرى و عنایت جمال قدم بمشار الیه

258 -نورمحمّدخان جناب میرزا نبى خان حضرت من طاف حوله الاسماء

باین ندا حلى مترّنم قول جلّ ذكره «...ولى درصفحه سینه آنچه بقلم الهى

مرقوم مطابق این رقیم است و موافق ذكر حكیم و كتاب مبین اما نفوس

بیگانه هوش را از قرائت آن مسطور در صدور محروم نماید...»

259 -بافتخار جناب میرزانبى خان هیكل میثاق در خصوص اینكه چون

ذكر دوستان الهى شود خامه ونامه بوجد و طرب آید

259 -بدون عنوان اخبار قلم غصن دوحه بقا بعروج جمال كبریاء از عالم

انشاء بممالك اخرى و اشاره بلوح مبارك رؤیا و ترغیب و تشویق مخلصین

بثبوت و استقامت

260 -بافتخار جناب میرزانبى خان بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص اینكه

نجوم آسمان اعراضند و نجوم لامعه الهیه حقیقت ثابته

261 -ط بافتخارجناب میرزانبى خان حضرت عبدالبهاء باین بیان اعزّ اعلى

ناطق قوله جلّ برهانه «...حضرت حی قدیم روحى عظیمى مبعوث فرمود كه اساس

حیات جاودان نهاد و نفحه ریاض رحمن منتشر نمود هر نفسى مظهر و نفخنا فیه من

روحنا گشت ...»

262 -ط بافتخار جناب آقا میرزا نبى خان و آقا محمّدجواد بیان طلعت پیمان در

احاطهء فیوضات الهیه بعالم وجود و لزوم اقتباس اسرار حِكَم بالغه الهیه از

هویت آیات

263 -ط بافتخار جناب میرزا تقى خان بروجردى بیان حضرت عبدالبهاء

در خصوص اشتغال حضرتش بیاد دوستان الهى و طلب تائید بجمیع آنها در

آستان قدس حضرت یزدان

263 -ط بافتخار امةاللّه ضلع جناب منشى تقدیر قلم میثاق از مشار الیها

تحمّل زحمت در خدمت حضرت منشى

264 -ط بافتخار جناب میرزا محمّدباقر م ن حضرت عبدالبهاء باین

كلمات تامّات ناطق قوله جلّ برهانه «الیوم آنچه تكلیف عموم و دلیل بر

ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان جمال قیومت نسیان ماسوى اللّه و تشبّث بمیثاق اللّه

و توسل بعروهء وثقاى دین اللّه است»

265 -خرّم بافتخار جناب مهدى ح امر حضرت غصن الله الاعظم بنفحه سرائى

در سبیل محبّت الهى

265 -ط بافتخار احبّاء الهى نزول مناجات از یراعه میثاق حضرت قیوم

و طلب تائید در حقّ احباء

267 -بواسطهء جناب جذبه جناب میرزا یونس و عده ئى از احباء حضرت

عبدالبهاء باین ترانهء جان افزا مترّنم قوله عزّ بیانه «...ساقى

باقى در بزم الهى باده میثاق میدهد و دلبر پرده نشین از جهان پنهان جلوه

اشراق میفرماید جام حقّ سرشار است و آهنگ بلبل ملأ اعلى نغمه مطرب

مرغان گلزار و مرغزار ...»

\* ص1 \*

خط اصل

هواللّه

كاشان جناب آقا هاشم علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بنده بهاء حضرت هاشم جدّ حضرت رسول چون بجهت

مهمانها خوان نعمت می‌گسترد و هشم ترید میفرمود او را هاشم

نام نهادند حال تو نیز سفرهء نعمت روحانیه بگشا و ضیافت

پر حلاوت برپا كن یعنى ناس را بخدا بخوان و به پناه الطاف

ربّ رحیم دعوت نما و بامر الله هدایت نما تا مائدهء آسمانى

بدست آرند و بر خوان نعمت حضرت احدیت حاضر شوند و از

فیض یوم ظهور نصیب موفور برند زحماتت وشقائت بسیار بود در راه

خدا هر بلا تحمّل نمودى اخر جزیل و لطف جمیل مقرر و مقدور و مثبوت

لهذا تبریك و تهنیت لازم است و البهاء علیك ع ع

مقابله شد صحیح است

هواللّه

بواسطه جناب آقا مهدى جناب آقا محمّد هاشم علیه بهاءالله الأبهى

\* ص2 \*

یاصاحبى السجن

# **هو الأبهى** اى سرگشته كوه و بیابان احرام كعبهء مقصود برستى و اصنام

نفس و هوى شكستى و از قید راحت و آسایش رستى عازم

كوى یار مهربان شدى سدى حائل شد و حوادثى مانع گشت مأمور

برجوع شدید مأیوس مشو محزون مشو مسرور باش زیرا اجر

موفور محتوم است و موهبت زائرین مقرر و مقدور امیدوارم

كه بفضل حقّ در وقت رجوع بموطن معلوم شعله ات بیشتر گردد و نار

محبّت افروخته تر شود زبان بثناى جمال قدم بگشائى و از فضل حق

طوبى لى ثم طوبى لى فریاد بر ارى و علیك التحیة و الثناء ع ع

طهران جناب آقا محمّدهاشم از اهل كاشان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى هاشم عبدالبهاء تو از یاران قدیمى مطمئن باش فسخ محفل

اتحاد از شدت اعتماد بود كه آن نفوس نفیسه در نهایت

ثبوت امتثال خواهند نمود و فسخ آن محفل نظر بر آن بود كه

در بین اغیار خفیا زمزمه شده بود كه این محفل سیاسى است

\* ص3 \*

لهذا اعضاء آن محفل نهایت سرور داشته باشند كه عبدالبهاء

بی‌محابا و مدارا با آن نفوس مقابله كرد باید در بین جمیع اهل عالم

افتخار باین كنند و علیك البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

مقابله شد صحیح است

طهران جناب آقا هاشم من اهل الكاف علیه بهاءالله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** یا هاشم الثّرید بكل حبیب مجید نامه شما رسید مرقوم نموده بودى

كه عبدالبهاء نگاشته ایران بیمار و از طبیب بیزار و این

تشنه از دریاى عذب فرات در كنار لهذا این اواره اجازه

جز سفر فرنگ نه آنچه مرقوم نمودى صحیح است ولى مراد من

این است كه دولت و ملت ایران از عبدالبهاء درگریزند

و اگر حاضر شوم درستیزند و چون از این موهبت ممنوعم لهذا

بسفر فرنگ مجبورم و الّا نور حقیقت از افق ایران درخشید نیر

آفاق در خطهء مباركه طالع گردید و شاهد عشق در آن انجمن رخ

برافروخت و آهنگ ملكوت ابهى از آن خطه نورا بلند شد

هزاران عاشق آشفته شدند و دل بدلبر دادند و بقربانگاه

عشق شتافتند و جان وسر فدا نمودند هر بلائى كشیدند

\* ص4 \*

هر مصیبتى دیدند و هر بلیه ئى تحمّل نمودند با وجود این صابر بودند

شاكر بودند راضى بودند البتّه ایران تفوق بر اقالیم دیگر

دارد زیرا باین موهبت تخصیص یافته امّا اقالیم سائره استفاضه

از كشور ایران نموده و اقتباس انوار از آن اقطار كرده مقصود

عبدالبهاء این نبوده كه اهالى غرب استحقاق بیش از شرق دارند

مقصودم این بود كه چون حرمت افكار در ایران نمایان و ایران

بیمار و اهل رتق و فتق از طبیب بیزار لهذا چاره جزء آهنگ

بفرنگ نه بامةاللّه ضلع محترمه ورقه بهیه و امةاللّه صبیه مكرمه

تحیت ابدع ابهى برسان یك عكس مخصوص شما ارسال گردید

و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد صحیح است

طهران بواسطهء جناب حاجى حسین ملاعلى عمو جناب آقا

محمّدهاشم كاشانى علیه بهاءالله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان نامه شما رسید و بدقّت ملاحظه گردید

\* ص5 \*

حمد كن خدا را كه بر میثاق مستقیمى و در سبیل جمال مبارك جانفشانى

مینمائى فرصت نیست مختصر جواب مرقوم میشود عهدیكه در كلمات

مكنونه مذكور آن عهد و میثاق است كه در بقعه مباركه فاران

محبت‌اللّه قبة الزمان باثر قلم اعلى واقع گردید و اهل مدن

بقا و ملأاعلى نفوسى هستند كه ثابت بر میثاقند و ماعداى انان

متزلزل اهل نفس و هوى این مختصر جوابست دیگر تو تفكر در آن

نما تا بحقیقت بیان پی برى و علیك البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد صحیح است

بواسطه جنلب آقا محمّدهاشم امةاللّه بتول خانم صبیه آقا

محمّدهاشم علیه بهاءالله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى امةاللّه بتول حمد كن خدا را كه در درگاه احدیت مقبول

و در بین اماء رحمن منظور و مشهورى نامه بخط خویش نگارى و علم

و معرفت آموزى تا از براى دیگران حجّت و برهان

بیان كنى همتى فرما تا درست تحصیل نمائى بلكه انشاء اللّه

آیات كتب الهى را از براى اماء رحمانى ترجمه و تفسیر نمائى

\* ص6 \*

اگر بكوشى باین مقام اعزّ اسمى موفّق گردى و علیك البهاء الأبهى

ع ع

مقابله شد صحیح است

بواسطه حضرت ابن ابهر

جناب آقا محمّد هاشم كاشانى ساكن طهران علیه بهاءالله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى بنده الهى نامه شما رسید فوراً جواب مرقوم میگردد

تا تلافى مافات شود اى جناب هاشم مثلیست مشهور

العذر عند كرام الّناس مقبول عبدالبهاء دربین امواج

دریاى اوراق مستغرق است چگونه تواند هر نامه ای را

جواب نگارد اما جناب شما هر چند ماهى قلم رنجه میفرمائید

و نامه ئى مینگارید و دیگر نگارشى ندارید گمان میفرمائید

كه این عبد نیز مانند شما در نهایت وسعت وقت و فسحت

اشغال است لهذا گله میفرمائید شبانى كه باید هزار گلّه را

محافظه نماید و در چمنزار حقایق و معانى بچراند و از آبهاى

سرد خوش گوار بنوشاند و از سطوت گرگان درنده محافظه نماید

حال او قیاس بحال یك برّه عزیز نگردد زیرا برّه در مرغزار

\* ص7 \*

گاهى جست و خیز كند گاهى علف تازه میل فرماید و گاهى آب

گوارا بنوشد و در نهایت خوشى و فرح در اطراف چمن بخرامد

اینست حقیقت حال و الّا قصور نمیشد و فتور حاصل نمیگشت سئوال

فرموده بودید كه بعضى از نفوس غریق بحر غنا و نفوسى دیگر پریشان

ومبتلا آیا این از آثار تقدیر است یا خود از سوء تدبیر آیا براى

عمل است و یا خود قضا و قدر حقیقت این مسئله آنست كه

از مقتضیات نظام عمومى الهى در این كون نامتناهى آنست كه غنى

و فقیر هر دو موجود باشد اگر كل غنى گردند نظام كون بهم خورد

و اگر كل فقیر شوند رابطه كائنات از هم بگسلد پس این فقر

و غنا از مقتضیات سلسله كائنات و روابط محكمه موجوداتست

با وجود این سوء تدبیر را نیز اثرى و همچنین حصول فقر در مواضعى جزاى

عمل است مثلاً هر فاسق مقام البتّه جزاى عمل او فقر است

و در مواقعى فقر موهبت الهى و رحمت پروردگار است و آن

اینست كه نفس مباركى در سبیل الهى در امتحان شدید افتد

خانمان بتالان و تاراج دهد و فقر و ضرورت حاصل گردد

تا بدرجه ئى رسد كه الفقر فخرى گوید و به افتخر بر لسان راند

چنانكه اصحاب حضرت رسول علیه السلام در مكه خانمان

\* ص8 \*

بتاراج دادند و فراراً هجرت بمدینه نمودند در مدینه در نهایت

فقر و فاقه ایامى میگذراندند كار بجائى رسید كه در محاربه خندق

قوتى جز آب نماند نفس مبارك حضرت از شدت جوع سنگ

بر احشاء مبارك می‌بستند شبهه نیست كه این فقر فخر بود و موهبت

ربّانى زیرا از عقب غناى مطلق داشت و مورث ثروت

ابدى بجناب آقا میرزا لقائى تحیت ابدع ابهى ابلاغ دار

و همچنین بصبایاى محترمه عذرا خانم بتول خانم و نجل

سعید آقا عبدالحسین و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد صحیح است

طهران

كاشان جناب محمّد هاشم كاشانى علیه بهاءالله الأبهى

و احباب الهى ملاحظه نمایند

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان نامه شما رسید ولى ابداً فرصت

نیست با وجود این مرقوم میگردد الحمدللّه امر الهى جهانگیر گردیده

و احبّاى الهى روز بروز در ازدیاد و هر یك احبّا راساً

مخابره مینماید و باین اكتفا ننموده در نامه نویس از براى

\* ص9 \*

جمعى مكاتیب میطلبد و در بسیارى از ان سئوالات نیز موجود كرام

كاتبین از عهده برنیایند بارى ایام مخصوص در هفته در هر دورى

باقتضاى ان دور تعیین میشود در زمان حضرت موسى روز شنبه

راحت و اسایشى حاصل گردید و دین اللّه اكمال شد لهذا انروز

اختصاص یافت بعد از حضرت مسیح حضرات حواریین در روز یكشنبه

بامورى موفق شدند كه آنروز را دوست داشتند و در دور

حضرت رسول در روز جمعه تائیداتى حاصل گشت كه انروز را

محترم داشتند و اما دور فرقان بعد از امام حسن عسكرى علیه السلام

نفوسى كه متابعت حضرت رسول علیه السلام نمودند و بر منهج ائمه

اطهار سلوك نمودند بر حقّ بودند و امّا بشاراتى كه از نفوس

مختلفه در ظهور جمال مبارك وحضرت اعلى واقع ان نفوس

فى الحقیقه از رجال غیب بودند ولى بظاهر باسماء مختلفه و طوائف

متعددّه مشهور اما درحقیقت بر صراط مستقیم و منهج قویم قائم

و بر دین اللّه راسخ و سالك مسلك ائمه اطهار بودند

و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد صحیح است

**هو الأبهى**

\* ص10 \*

خط اصل

# اى مشتاق جمال پروردگار از فضل و موهبت ربّ رحیم

و مولاى كریم انكه این جمع پریشانرا در ظل عنایت مأوى داد و در

حصن حصین موهبت ساكن فرمود از یدى ساقى كوثر عذب سائغ

نوشانید و از دست جمال انور شهد فائق چشانید و این مرحمت

بصرف فضل بود و نه عدل موهبت بود نه استحقاق مرّوت بود

نه لیاقت له الحمد و له اشكر على هذا الفضل الجلیل العظیم ع ع

مقابله شد صحیح است

خط اصل

# **هو الأبهى** یا غلام در صقع رضا هركس محشور گشت در یوم نشور جام فرح و

سرور از دست ساقى ظهور نوشید و در ماء طهور از اوساخ

شئون امكان پاك و مقدس گشت پس تو انشاء اللّه غلام

درگاه حضرت رب علّامى از این كأس همیشه مدهوش و سرمست

باش تا در این تودهء خاك نفس پاكی گشتى و جلوهء انجم

افلاك نمائى و لیس هذا على ربك القدیم بعزیز این نجوم

اجسام عنصرى و از جهان طبایعند چون در عالم خود یعنى جهان

عناصر لطافتى دارند در فجر و افق عالم روشن و منیرند پس ملاحظه

كن اگر حقیقت انسانیه كه از جهان الهیست چون در مراتب

وجود ترقى نماید و لطافت و صفا و نورانیت و فیض بهاء

\* ص11 \*

اكتساب كند چگونه از افق وجود بنور شهود مشهود گردد و البهاء علیك ع ع

مقابله شد صحیح است

خط اصل

هو الأبهى

جناب میرزا محمّدعلى من اهل ار علیه بهاء الأبهى ملاحظه نماید

# **هو الأبهى** اى متوجه بملكوت ابهى آنچه مرقوم نموده بودى ببصر اشتیاق ملاحظه

شد و بگوش هوش استماع گشت از الطاف خفیه حضرت

احدیت امیدواریم كه احبّاى ان ارض را بر صراط امر ثابت و مستقیم

بدارد زیرا اریاح امتحانات شدید است و زلازل افتتانات

عظیم و از تائیدات غیبیه امیدواریم كه ان دوستان الهى

همچنانكه در ایام سابق نهایت اشتعال را بنار محبت اللّه داشتند

بهمچنین چنان در این ایام فوران نمایند كه شعله اش در كبد افاق

برافروزد و بگدازد از نزول این مصیبت دهماء عمیاء اگرچه

ظلمات هموم و احزان ملكوت وجود را احاطه نموده است

و حقیقت موجود آرزوى عدم مینماید لكن باید قیام بر اعلاء

كلمةاللّه نمود و بعد رجاى عروج كرد و البهاء علیك ع ع

ذكر فاطمه بیگم و ورقه فاطمة الاخرى بذكر ربهما انّ فضل ربهما علیها عظیم عظیم

مقابله شد صحیح است

خط كاتب

\* ص12 \*

طهران بواسطهء جناب آقا محمّدهاشم تاجر كاشانى

جناب آقا سید جلال المتخلّص بمیثاقى جناب آقا میرزا احمد علاقه بند

جناب آقا غلامحسین جناب كربلائى على جناب آقا غلامحسین ثانى

جناب آقا محمّدعلى كاشانى جناب آقا نعمت‌اللّه اصفهانى

جناب استاد على بناء جناب اقا

ابوالقاسم جناب استاد حسین جناب آقا محمّد عطار

جناب آقا عبدالحسن علیهم التحیة و الثناء 23 جمادى الاولى 1324

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اللهم یا الهى و ملجئى عند فزعى و ملاذى لدى جزعى و غیاثى

عند تفجعى و توجّعى ان هولا عباد ما حجتبهم غشاوة الهوى

عن مشاهدة النور الساطع على الارجاء و ما منعهم شهاب

اولى الضلال عن التوجه الى مركز الجلال بل هتكوا الاستار

و كشفوا الحجاب و رأوا آیات ظهورك ظاهرة فى الافاق

\* ص13 \*

و امنوا بك و بایاتك الكبرى ثبتو احلى امرك الذى به تزعزعت

اركان الارض و السماء حتى نبتوا بفیضك المدرار

فى حدیقة الاسرار و اطلعوا بالرموز المندمجة المندرجة فى الاثار

رب اجعلهم مطالع الانوار و ایات ترتّل فى الغدوّ و الأسحار

لیدلّوا علیك و ینطقوا بذكرك و ثبتوا على عهدك و یدعوا

كل غافل مرتاب الى معین الیقین ماء عذب فرات انّك

انت الكریم و انك انت العظیم المقتدر الرحمن اى یاران

جناب آقا هاشم نامه نگاشته و ذكر هر یك از شما را نموده و

بستایش لب گشوده كه الحمد اللّه بنار هدى مهتدى شده اند

و از فیض ملأ اعلى بحزب ابرار مقتدى گشته اند این خبر

نهایت سرور بقلوب یاران بخشید كه الحمدللّه ان طالبان

بكعبه رحمان پى بردند و ان تشنگان از معین حیوان نوشیدند

لهذا بدرگاه احدیت مناجات نمودم و از براى شما عون

و عنایت خواستم و علیكم التحیة و الثناء ع ع مقابله شد صحیح است

بواسطه جناب آقا محمّدهاشم جناب آقا غلامحسین علیه بهاءالله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** \* ص14 \* الهى الهى هذا عبدك الصبّور و رفیقك الغیور خاض فى بحور

السرور عند ما استبشر بنفحات قدسك التى احاطت الافاق

فى یوم النشور ربّ ثبت اقدامه على العهد القدیم

و اشرح صدره بفیض النور المبین و الهمه ترتیل ایاتك و اقامة

بیناتك بین العالمین انك انت الكریم الرحمن الرّحیم

ع ع مقابله شد صحیح است

بواسطه جناب آقا محمّد علاقه بند مناجات طلب مغفرت

بجهت امةاللّه الموقنه التى عرجت الى اللّه منشرحا صدرها

بالطاف ربها الورقة الطیبه خاور سلطان ضلع اقامحمّد كاشانى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** رب رب انّ امتك الطیبّه الروحانیه ودعت الحیاة

الدنیا و ودّعت ذوى القربى و قصدت المعارج العلیا

و وفدت على عتبة قدسك مستغفرة لذنبها مستكشفة لكربها

طالبة عفوها راجیة غفرانها منجذبة الى اللقاء مبتهجة بادراك

الطافك العظمى ربّ املأ كأسها بصهباء الغطاء و

ارشح انائها بماء الوفاء و قدّر لها لقائك فى الفردوس

\* ص15 \*

الا على انك انت الكریم انك انت العظیم انك

انت الرحمن الرحیم ع ع مقابله شد صحیح است

جناب رضا خان علیه بهاءالله الأبهى

# **هو الأبهى** اى بندهء استان الهى نامه شما رسید و تضرع و زارى

بدرگاه یارى در نیمه شب گردید و طلب عون وعنایت

عظیمه نمودم كه بصرف موهبت قوه ئى عنایت فرماید

كه در جمیع حواس معنویه ترقى نمائید بامةاللّه المحترمه قمر و بجناب

غلامحسین نجى از قبل من تحیت ابدع ابهى برسان مختصر مرقوم

شد معذورم حیفا 23 ربیع‌الثانى 1339 عبدالبهاء عباس

مقابله شد صحیح است

اصل خط

هواللّه

ط جناب زائر میرزا فضل اللّه علیه بهاءالله الأبهى

# **هو الأبهى** اى زائر خوش الحان یاد باد ایامى كه چون جوق طیور مجتمع بودیم

\* ص16 \*

و ان مرغ خوش الحان بابدع نغمات الواح و ایات تلاوت مینمود و

كل در كمال تضرّع و ابتهال و عجز و نیاز خاضعاً خاشعاً مقبلین الى الروضة

المقدسه حركت میكردیم و در راه غزلهاى مبارك را بنغمات بدیعه

ترتیل و آذان را بدر معانیش تشنیف و تزیین مینمودى ان روح و ریحان را

فراموش مكن و آن درّ مكنون را از گوش برون منما از خدا بخواه

كه مواهب آن ایام را در ملكوت ابهى بیابى و نتائج آن تضرعات را

در خلوتگاه كبریا بجوئى از فضل جمال مبارك امیدوارم كه احبّاى

ثابتین هر یك علمى مبین گردند و مكاتیبى كه خواسته بودید با وجود

مشغولیت بینهایت و شدّت احزان چون وعده داده بودم

مرقوم نمودم در جوفست ع ع

خط اصل

هواللّه

ورقه طیبه ضلع جناب زائر آقا میرزا فضل اللّه علیهما بهاءالله الأبهى

# **هواللّه** اى ورقهء منجذبه در این استان ورقاتى از رقد صمت و سكوت چنان

منبعث گردند كه جهان و جهانیان را بولوله و زلزله اندازند از

الطاف حی قیوم امیدوارم كه تو یكى از ان ورقات ناطقات گردى

\* ص17 \*

و ان كشور و بوم را بشوق و شور در ارى ع ع مقابله شد

خط اصل

ط هواللّه

جناب آقا شكراللّه اخوى آقا میرزا فضل اللّه علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بنده الهى الشكرللّه كه منتسب شخصى هستى كه بخدمت ساحت

اقدس مشهور و بخدّامى آستان معروف در بدو تجلّى از پرتو اشراق

مستضى باشد و در هدایت ندا كلمهء بلى بر زبان راند و چنان از باده

الست سرمست گردید كه پاكوبان و كف زنان و آستین افشان

بمیدان فدا شتافت و جان در ره جانان بباخت و از افق این

عالم غروب نمود و چون ستارهء سحرى از مطلع ملكوت طلوع فرمود

و البهاء علیك ع ع مقابله شد

هواللّه

ط ضجیع آقا شكراللّه اخوى میرزا فضل اللّه علیهما بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى امةاللّه صدهزار بانوى حرم ملوك آرزوى این مقام را مینمودند و

خائب و خاسر گشتند و تو محض فضل و الطاف فائز شدى و

\* ص18 \*

این نیست مگر صرف عنایت من دون استحقاق پس شكر الهى بجا اور

و قدر شكراللّه را بدان و البهاء علیك ع ع مقابله شد

خط اصل

بواسطهء میرزا فضل اللّه ط

جناب میرزا على محمّد خیاط علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** یا من شام الانوار فى فجرالاسرار طب نفساً و قرّ عیناً و استبشر روحاً

و انجذب فؤاداً بما ذكر اسمك فى ساحة العتبة العلیا مشهد

الكبریاء مطاف الملأ الاعلى لعمرك انّ هذا هوالفضل العظیم و الجود

المبین و النورالكریم و البهاء على كل مذكور فى تلك الحضرة الرحمانیه

و الاثار الربانیه ع ع مقابله شد

خط اصل

بواسطهء میرزا فضل اللّه

هواللّه

ط جناب آقا محمّد ابن گندم پاك كن علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى یادگار آن مظهر الطاف ربّ اعلى گویند سلسلهء سلاله بدو قسم منقسم شود

یكى سلاله عنصرى و دیگرى روحى یكى زاده آب و گل است و دیگرى

زاده جان و دل چون هر دو جمع شود نور على نور گردد پس تو نیز

رسم آن طیر ریاض وفا گیر و نقطهء مقابل چون شیخ محمّد حسن شو

\* ص19 \*

تا چون هدهد سباء ایقان تاج موهبت را بر سر نهى و سرفراز گردى

و چون طوطیان هند الهى شكرخا شوى و در انتخاب نفوس

چون گندم از دان خارج نمائى ع ع مقابله شد

بواسطهء حضرت ادیب

هو الأبهى

ط جناب میرزا اقاى طالقانى علیه بهاء الله الأبهى

  خط اصل 

# **هو الأبهى** اى بندهء بهاء نامهء پارسى باهنگ عراقى تأثیر الحان حجازى داشت و نشئه

عراقى داد چه كه آهى پر سوز و گداز بود و نداى خوش ثبوتى بر پیمان حضرت

بینیاز از انجهت تأثیر احتراق بود و از این جهت سرمستى از بادهء میثاق

طوبى لاصلاب دفقتك طوبى لأرحام وفعتك و طوبى ...[[2]](#footnote-2) ضعتك

حتى وجدت فى هذا الكور العظیم و شربت كاساً دهاقا فى رحیق عرفان

ربك الكریم در خصوص نماز مرقوم نموده بودید نماز فرض و واجب بر كل

البته جمیع را بقیام بصلات دلالت نمائید چه كه معراج ارواح است و

مصباح قلوب ابرار آب حیوان جنت رضوانست و تكلیف

منصوص از حضرت رحمن ابداً تأخیر و تهادن جائز نه ع ع

مقابله شد

\* ص20 \*

هواللّه

طهران بواسطه حاجی میرزا عبداللّه جناب آقا احمد طالقانى ابن فتح اللّه علیه

بهاء اللّه

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى ثابت بر عهد از درگاه احدیت بكمال عجز و نیاز استدعا نمودم

كه پدر و مادر پاك گهر را در دریاى بخشش و آمرزش مستغرق فرماید و در جنّت

خلد فردوس لقا حدیقهء بقاء داخل فرماید و مظهر الطاف بیپایان

نماید و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

بواسطهء قائممقام علیه بهاء الله الأبهى جناب ملّا میرزا اقاى طالقانى

علیه بهاء اللّه یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان طالقان را وقتى حكومت ایران خواست

كه تیول بجمال مبارك دهد ولى چون اهنگ ملأاعلى بلند شد

و انوار ملكوت ابهى بتافت حكومت منصرف گردید و این در

هدایت اشراق صبح هدى بود حال باید یاران بكوشند تا كشور رحمانى

گردد و اقلیم ربّانى شود و بآنچه بظاهر متصوّر بود بحقیقت محقّق گردد

یعنى نفوسى در انسامان بر انگیزد كه بنشر نفحات الهى پردازد

و در اركان ان خطّه و دیار نفوذ كلمةاللّه مانند روح در عروق

\* ص21 \*

و شریان سریان نماید شما فى الحقیقه بخدمت قیام نمودید و از طهران

در معیت جناب قائم مقام عازم بقعهء مباركه گشتید ولى حكمت

چنان اقتضا نمود كه انوقت مراجعت نمائید و این مراجعت

بینهایت بموقع واقع شد تا معلوم گردد كه نفحات گلشن الهى جناب

قائم مقام را بهیجان اورده و حركت داده نه بتحریك و تشویق شما

على العجاله برائت ذمه نمودید و از این بهتان در امانید ولى مشار الیه

دست از سر شما بر نمیدارد ارزوى تشریف فرمائى شما میكند

لهذا مأذون حضورید ولى بشرط انكه در نهایت روح وریحان باشد

و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

خط اصل

# **هو الأبهى** ط جناب ملّا محمّدعلى طالقانى علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

یا من فتح اللّه بصیرته بنور معرفته بین الورى فاعلم بانّ قلزم الكبریا

مواج طافح جزاّر مدار فى الافق الأبهى و یقذف الدرارى النوراء

و اللئالی الغراء من الفیوضات الكبرى على قلوب اهل الوفاء

و ...[[3]](#footnote-3) على ذیل ارواح الاصفیاء و حبیب فؤاد الاتقیاء لمثل هذا

الرب الجلیل فافتح اللسان بالتكبیر و التهلیل و ناطق البیان

\* ص22 \*

بالتعظیم و التسجیل و قل ربّ تقدسّت بذاتك عن الغیب و الشهود

و نزهت بكینونتك عن الصعود و النزول و تعالیت بهویتك عن

الطلوع و الغروب لك الحمد بما هدیتنی الى معین الطافك القدیم و

اوردتنی على منهل فضلك العظیم و سقیتنی من عین التسنیم و ادخلتنی

فى ریاض جنّتك النعیم لك الشكر یا مولى العالمین و لک الجود یا

اله من فى السموات و الارضین و البهاء علیك ع ع مقابله شد

# هو الأبهى ثم انثر لئالى التكبیر و البهاء و جواهر التلطیف و الثناء على وجه احبك

المتوجه الى الافق الأبهى المستبشر بنفحات ربك الاعلى المستضى

من انوار عرفان رب الورى و على الورقتین الموقنتین ضلعیكما و على

ابنیكما و على بنتیكما و البهاء علیهم و علیهن اجمعین مقابله شد

بواسطه حضرت ادیب هواللّه

احبّاى طالقان علیهم بهاء الله الأبهى

  خط اصل 

هو الأبهى اى احبّاى الهى در كرهء زمین قبائل و شعوب و ملل و دول پر تمكین موجود

و مشهود هر یك در معارف و علوم و فنون مشهور شرق و غرب

\* ص23 \*

و در حیز وجود ولى بصرف بخشایش الهى شمس حقیقت از ایران اشراق

فرمود و پرتو عنایت بر آفاق مبذول داشت و این از خصائص

بختصّ برحمة من یشاء و ذلك فضل اللّه یوتیه من یشاء پس اهل ایران باید

بشكرانه این فضل عظیم خداوند جلیل بفضائل و خصائلى در بین قبائل

ظاهر گردند كه زینت و طراز هیكل عالم انسانى گردد و این تشریف

الهى بر قامت این ملت برازنده آید اى دوستان در سایه عنایت

یزدان آرمیده اید و از جویبار رحمت رحمان چون سرو آزاد روئیده اید

و از چشمهء آب حیات نوشیده اید حال از خدا بخواهید تا ثمر

و تأثیرش در كینونات ظاهر و باهر گردد و البهاء علیكم ع ع

مقابله شد

ق بواسطهء جناب حكیم هواللّه

احبّاى طالقان علیهم بهاء الله الأبهى

  خط اصل 

# **هو الأبهى** اى یاران حقیقى و عاشقان جمال ابهى جناب میرزا فضل اللّه

در مكتوب خویش ذكر جمیع شماها را نموده و بحلاوت و ملاحتى ذكر

كرده كه فى الحقیقه سبب سرور گردید و از براى كل آثار عنایت استدعا

نموده و این عبد را مشاغل و متاعب و احزان و آلام

\* ص24 \*

چندانست كه وصف نتوانم با وجود این نخواستم كه خاموش نشینم و فراموش

كنم قلم برداشته و این نامه نگاشتم اى اشفتگان روى دلبر حقیقى و اى

شیفتگان روى یوسف رحمانى توجه بملكوت ابهى فرمائید و بگوئید

و بسرائید و مناجات كنید اى دلبر ابهى اى محبوب یكتا دل از هردو

جهان برداشتیم چون علم محبت بر افراشتیم رخ از عالم و عالمیان بر تافتیم

چون روى دلجوى تو یافتیم چشم از غیر تو بربستیم چون بجمال تو گشودیم

اى معشوق حقیقى پرتوى در دلها افكن و جلوه در قلوب بنما تا از هر قیدى

ازاده گردیم و بكلّى گرفتار تو شویم شعله میثاق گردیم و نجوم بازغه از مطلع

اشراق آیات توحید گردید و انوار ملكوت تجرید ینابیع هدى

شوید و منابع تقى و ملائكه ملأ اعلى قسم اى پروردگار تائید فرما

اى امرزگار بیامرز اى غفور مغفور كن ع ع مقابله شد

بواسطه جناب ادیب علیه بهاء اللّه طالقان

جناب میرزا آقا جناب میرزا فضل اللّه جناب آقا یحیى جناب

آقا زین العابدین جناب آقا سیدحسین جناب آقا محمّد تقى و سائر

دوستان علیهم بهاء الله الأبهى

\* ص25 \*

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى یاران عبدالبهاء هر چند هدف سهام جفائید الحمدللّه مشتاق

روى آن میر وفا سرمست جام صفائید و بنده آستان خداوند پر عطا

فضل و عنایت او را ملاحظه نمائید كه ما جمعیم كه در ظل خیمه عنایتش درآمده ایم

و در سایهء شجرهء رحمانیتش آرمیده ایم مانند نجوم در بروج همنشینیم و مانند

طیور در یك جوق انیس و قرین الحمدللّه ابواب الطاف مفتوحست

و صدور اهل انصاف مشروح تجلیات رحمانیت محیطست و مائده

سماویه مبسوط در بسیط با وجود این عطا و وفا و بخشش و عنایت بیمنتها

سزاوار انست كه در بحبوحهء اذا و جفا جمیع اوقات را بسرور و حبور و فرح

و شادمانى و مسرّت روحانى و موهبت اسمانى بگذرانیم جناب آقا میرزا

آقا فى الحقیقه تحمّل شماتت اعدا و مصائب و بلایا در سبیل جمال ابهى

فرموده اند استقامتشان اعظم منقبت روحانیانست و ثبوتشان سبب

حیرت عموم انسان گردد و انتباه بیگانگان و علیكم التحیة و الثناء

مقابله شد ع ع

بواسطه جناب آقا سیداسداللّه طالقان

هو

\* ص26 \*

جناب میرزا فضل اللّه جناب میرزا اسحاق جناب میرزا عبدالغنى

جناب ملا اسمعیل امةاللّه فاطمه امةاللّه ساره خاتون امةاللّه زینت

امةاللّه رباب و سائر احبّاء و اماء علیهم و علیهن بهاء الله الأبهى

  خط اصل 

# **هواللّه** اى یاران عبدالبهاء جناب آقا سید اسداللّه ستایش زیادى از یاران

طالقان نموده اند كه ثابت عهد و پیمانند و منجذب جمال حضرت یزدان

شب و روز بذكر حق مشغولند و ببشارات الهیه مشعوف و مسرور

اى یاران صهباى میثاق را نشئۀ اشراق باید و شمع عشاق را سوزش

و احتراق شاید باید چنان شور و شوق و ولهى ظاهر نمائید كه خاموشان

را بنعره و فریاد ارید و باده نوشانرا بخم خانه توحید دلیل گردید سودائیان را

بجلوگاه جمال رحمان دلالت كنید و اشفتگانرا ببزم لقا

هدایت نمائید و علیكم التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

خط كاتب

# هواللّه سبحانك اللهم یا الهى انى تضرّع الیك ان تجعل عبدك هذا

قواماً للممالك و ملاذاً من المهالك و قویماً فى المسالك

\* ص27 \*

و خادماً لامرك بین عبادك ربّ اجعله نارالهدى تتوقد باریاح

الوفاء و مصباح العطاء یوقد و یضىء فى زجاج البقاء انك انت المقتدر

على ماتشاء و انك انت الكریم العزیز الوهاب اى بنده الهى سلیل

جلیل میرزا هاشم خان را از قبل عبدالبهاء تحیت ابدع ابهى ابلاغ

دار و همچنین جناب میرزا حبیب اللّه خان را از قبل این مشتاق بنفحات

قدس مشام معطّر نما و همچنین جناب میرزا عزیزاللّه خان اخوی زاده را بنسیم

جنّت ابهى از قبل عبدالبهاء بحركت و اهتزاز آر و علیهم البهاء الأبهى

ع ع مقابله شد

یا صاحبى السجن طالقان بواسطه جناب ایادى حضرت ابن ابهر

طالقان احبّاى الهى علیهم بهاء الله الأبهى

خط كاتب

# **هواللّه** سبحانك اللهم یا الهى اننى اضع وجهى على الثرى و اغفر جبینى بتراب

الذل و الانكسار الى ملكوتك و الاعلى و اضّج ضجیج الخائفین فى غمار

البلا و اصرخ صریخ الهائمین فى بیدا المحو و الفناء و ادعوك بكل تبتّل

و تذلل و تضرّع و استغاثة كبرى و اقول ربّ ربّ انّ

المخلصین فى مدینة طالقان المنجذبین الیك بالروح و الریحان

\* ص28 \*

المشتعلین بنار محبتك فى كل اوان الناطقین بثنائك بین ملا الادیان

الدّالین علیك بالحجة و البرهان المنادین باسمك فى بحبوحة الاكوان

قد هاج فیهم نسائم الوفاء و ماج فى افئدتهم طماطم الولاء فانبعث

من قلوبهم انجذابات الى ملكوتك الأبهى یدعون الى الهدى و یرشدون

الى المنهج البیضاء و یهدون الى الطریقه المتحدالنوراء و یبثّون وصایاك

بین الورى فلا یفترون فى ذكرك لیلا و نهارا یواظبون لذكرك

عشیاً و اشراقا و یناجوك غدواً و اصالا یتذلّلون ببابك و یتوجهون

الى ملكوتك البدیع فى هذا الیوم العظیم رب اجعل لهم اجنحه بقوة

التأئید حتى یطیروا فى فضاء یعجز عن الصعود الیه كل رجل رشید و انبت

فى جناهم اباهر القوة و القدرة و مناكب العزة و العرفان و قوادم الموهبة

و الاحسان حتى یرفرفوا فى اوج الهدى و یتغرّدوا بابدع الانغام

فى جنّة الماوى ربّ اجّج نیران محبتك فى القلوب و اشرح

آیات موهبتك فى الصدور و اسمح بالفضل الموفور لكل عبد

شكور نیادیك بقلب خافق فى العشیّ و البكور انك انت

الرحیم بكلّ مظلوم معذور و انك انت القوى العلیم اللطیف

العظیم الغیور اى یاران الهى جناب مهدى و جناب

\* ص29 \*

حبیب اللّه زاید الوصف از احبّاى طالقان ستایش بیپایان نمودند

كه ان عاشقان جمال رحمان و ان مشتاقان دیدار جانان هیچ صبحى

نیاسایند و هیچ شامى سر ببالین پرند و پرنیان ننهند شب و روز انتشار

پرتو جهان افروز طلبند و ظهور بارقه صبح فیروز جویند بذكر حق مشغولند

و بثناى نیر آفاق مألوف طالبانرا برهان قاطعند و بینایان را

كوكبى لامع پرتو هدایت كبرى بر افروزند و بنار محبّة الله شعله

زنند پرده اوهام خلق بسوزند و استین بدو جهان بیفشانند گنج

روان بدهند و فیض حضرت رحمان مبذول دارند عالم امكان

بحركت ارند و ابواب موهبت بر وجوه خلق بگشایند از این خبر چنان

اثر در عروق و شریان ظاهر گردید و طلب تائید و توفیق شد امید

چنانست كه ان نفوس مباركه چنان آهنگ بدیع بر افرازند كه شرق

و غرب باهتزاز آید و علیكم البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

خط مبارك

م س هواللّه جناب حافظ الصحه علیه بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** یا من ذكرك شفاء قلوب الابرار و نعتك دریاق فاروق الاحرار

\* ص30 \*

و ثنائك دواء برء علل الاصفیاء و مناجاتك ضماد جروح الاتقیاء

فرّح قلب هذا العبد و سرّر فؤاد هذا المسكین بما یحب و یشاء و یسر اماله

و حقق رجائه بفضلك یا واهب العطاء و محى العظام الرمیمه بقدرتك

الّتى نفذت فى حقائق كل الاشیاء انك انت الكریم ع ع

مقابله شد

  خط اصل))

# **هو الأبهى** بامةاللّه والده ابلاغ دارید كه حصول آرزوى دل و جان منوط بایمان

و مشروط بایقانست ان تقرّب شبراً یتقرب فرسخا حركت سریع است

و سكون قلیل تعجیل در بعضى امور فرض و واجب تأخیر سبب ظهور تدبیر

بلكه حصول اشتداد تقدیر خواستى و آراستى ولى امور در تحت تصرّف

عالم بالاستى فاخترى لنفسك ما یجلو و البهاء علیك ع ع

مقابله شد

  خط اصل  هو الأبهى

مازندران جناب آقا میرزا على اكبر طبیب علیه بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** الهى و خلاّقى و حرزى و غایت رجائى اجترح بین یدى سلطان رحمتى

على كل شئى و سلطه قیومتك لكل شئى و ظهور ربوبیتك على كل شئى و

\* ص31 \*

و اقول ربّ ربّ انى خضعت لسلطانك و خشعت و سمائك

و آمنت ببرهانك و رضیت بقضاءك و تمنیت رضائك و سلمت

الامور الیك و توكلت علیك و رمیت نفسى بین یدیك فافعل فى ما تشاء

و قدر لی ما تشاء و یسر لى ما تشاء و اشرح صدرى بما تشاء فاشفنى ان شائت

شیئك و ابرئنى ان وافقت ارادتك فانى لا اشاء الاما تشاء

قدر لى الخیر فى اولاى و اخراى انك انت المقتدر على ما تشاء اى

ربّ عجزت نُطُس الاَطباء عن معالجتى و احتارت حذق الاسات

و الحكماء فى عللى انت شفاء علتى و برد لوعتى و رواء غلّتى ارحمنى بفضلك

و جودك انكّ انت الرحمن الرحیم ع ع مقابله شد

هواللّه

م جناب میرزا على اكبر علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

  خط اصل 

# **هواللّه** اى متضرّع الى اللّه چه نویسم كه دل در نهایت تأثراست و روح

در غایت تحیر كه با وجود انكه نداى الهى از ملكوت وجود مرتفع و

نداى سروش بگوش هوش متواصل و آهنگ توحید از ملأ اعلى

متصاعد و بحر عنایت متموّج و فیض الطاف نازل و مائدهء آسمائى حاصل

\* ص32 \*

باز منجمدان مخمود و بیجان و بی‌روان لا تسمع صوتاً ولا ركزا

و امید است كه انجناب بهیجان و ذوبان آید و البهاء علیك

و على كلّ ثابت على عهداللّه ع ع مقابله شد

هو الأبهى

جناب میرزا على اكبرخان علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هو الأبهى** اى بنده مبتهل متضرّع بملكوت ابهى در این صبح بقا كه انوار

ملكوت ابهى ممالك غیب و شهود را درغرق انوار نمود و فیض اعظم

عوالم وجود را احاطه فرمود شمس حقیقت از اوج اعظم در دائره نصف

النهار اشراق فرمود و چنان فیض و شعاعى مبذول داشت

كه غیب امكان را بحركت شوقیه آورد شجر و حجر و مدر بشور و شعف

آمدند بحر و بر مزین و مبهّج گردید بحور محل اثار قوت ظهور شد هواء

محل طلوع و پرواز اجسام ثقال گشت جبال عظیم بر صحارى و تلال

و قفار دویدن گرفت و شرق و غرب آواز راز یكدیگر شنیدن

یافت صنایع و بدایع چون بحر بموج آمد و حقائق و دقائق اسرار

طبیعهء معتدلهء تامهء اشیا اوج یافت بارى این اثار ظهور ان

\* ص33 \*

نیر اعظم است در نقطه خاك دیگر ملاحظه نما كه چه اثار باهره در قلوب

و افكار حاصل است ع ع مقابله شد

هواللّه

سارى جناب میرزا احسان میرزا عطااللّه میرزا اسمعیل میرزا حبیب اللّه

انجال حضرت حافظ الصحه علیهم بهاء اللّه

# **هواللّه** اى نهالهاى بیهمال باغ الهى انشاء اللّه اخوان نازنین چون خوشهء

پروین در سپهر برین علیین در نهایت درخشندگى روشن باشید و روز بروز

چون آفتاب جهانافروز روشنتر گردید عون وعنایت حضرت

احدیت شامل است و فضل و موهبت ملیك وحدانیت كامل

از نار محبّت الله چنان شعله زنید كه حرارتش ببقعهء مباركه رسد

و نفحهء جانپرور عود و عنبرش بمشام مشتاقان آید اینست موهبت

عظمى اینست رحمت كبرى التى سبقت الاشیاء

مقابله شد ع ع

حضرت والد علیه بهاء الله الأبهى را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید

\* ص34 \*

و بگوئید ان لك مقام و شأن عنداللّه عظیم بما صبرت على هذا البلاء

و تحملت هذا الامتحان الشدید ع ع مقابله شد

هواللّه

سارى جناب میرزا على اكبر حكیم علیه بهاء الله الأبهى بخط مبارك

# **هواللّه** ربّ و رجائى انى اتوسل الى ملكوت غیبك الأبهى و جبروت عظمتك

الظاهره فى علانیه الاشیاء ان تنظر الى هذا العبد بنظر رحمانیتك و

توّجه الیه بلحظات اعین فردانیتك و ارسل الیه نفحة من نفحات

قدسك و آنسه فى وحشته و ارویه من غلته و برده من لوعته و اكشف

الكرب العظیم یا من سبقت رحمته و سبغت نعمته و تمّت حجته

و ظهرت محجّته انك انت الرحمن الرحیم و انك انت الحكیم الكریم

مقابله شد ع ع

هواللّه

بواسطه جناب امین جناب آقا میرزا فضل اللّه علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى مونس دیرین گمان منما كه دمى فراموش شوى و نفسى از خاطر

بروى همواره نزد منى و در مأمنى و حاضر انجمنى فى الحقیقه

\* ص35 \*

استقامتى نمودى و قدم راسخى بنمودى و باستان مقدس وفا داشتى

جمال مبارك را فراموش ننمودى و گوش هوش بهر مست مدهوش

ندادى من از تو راضى هستم و از خدا خواهم كه اسبابى فراهم آرد

كه از این ملال بدرائى و در سبیل حق جان و مال فدا نمائى سردفتر شیدائیان

گردى و عنوان منشور فدائیان شوى و علیك التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد

طهران بواسطهء آقا میرزا عبداللّه و آقا محمود 9

اقا میرزا نصراللّه خان سلیل مرحوم آقا میرزا فضل اللّه ملاحظه فرمایند

مناجات طلب مغفرت بجهت مرحوم آقا میرزا فضل اللّه خان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اللهّم یا من اشرق بانوار الغفران على هیاكل الانسان واحیى

الحقائق الخامدة الحامدة الهامدة المحرومة فى الحیات بنفحات الفضل

و الجود الاحسان و منقذ المبتهلین من خلال الحجیم الى

فضاء جنته النعیم و منجى المتضرعین من وهدة العذاب الالیم

الى اوج الفوز المبین ربّ انّ عبدك سمى فضل لامقابله بالعدل

و اجعله آیة رحمتك فى الملأ الأعلى و مظهر عفوك فى ملكوت

الأبهى و غریق بحر عنایتك و اسیر عفوك و رعایتك و

\* ص36 \*

و مستجیر باب موهبتك و ندیم احبتك و اسمح بالقرب و اللقاء

فى روضتك الغناء و حدیقتك الغلبا انك انت الرحیم و انك

انت اللطیف و انك انت الغفور الودود الروف الحكیم

مقابله شد ع ع

یا صاحبى السجن 9

بواسطه جناب زائر آقا عزیزاللّه خان ورقه طیبه مشتعله بنار محبةاللّه امةاللّه

صفائیه خانم علیها بهاء الله الأبهی خط كاتب

# **هواللّه** اى صیبه آن مونس قدیم عبدالبهاء حضرت ابوى پدر بزرگوار در عراق

بشرف لقا فائز و نداى الهى بگوش خویش سامع و در انوار مشاهده

مستغرق گشت و با این عبد مدّتى ندیم و شب و روز در استان

مقدّس مستقیم بود تا انكه رجوع بفراهان نمود و جان و وجدان مشتاقان

بیاد ایشان مسرور و شادمان میگشت حال الحمدللّه تو صبیه ان شخص

جلیلى و وارث ثبوت و استقامت ان ندیم قدیم البتّه مانند او باخلاق

و اطوارى قیام مینمائى كه سبب عزّت ابدیه و حیات سرمدیه است

تا ان جان پاك در جهان تابناك مسرور و شادمان گردد و علیك

البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

\* ص37 \*

هواللّه 9

در عشق اباد بواسطه جناب میرزا محمّدحسین حكیم زائر برسد

جناب منتصرالملك علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** یار مهربانا من وتو هر دو بندهء این استانیم و خادم و پاسبان بیا دست

در آغوش یكدیگر نمائیم و بجان و دل بكوشیم و بجوشیم و بخروشیم شاید بدرقهء

عنایت رسد و گوى خدمتى از میدان عبودیت بربائیم انوقت سرور

اندر سرور است و حبور اندر حبور روح وریحانست و نشئهء صهباى

خم خانه جانان كأس ظهور است مزاجها كافور است حشر و نشور است

موهبت ربّ غیور است نور على نور است این مواهب در

عبودیت استان مقدّس پرتو افكند و جلوه نماید و رخ بگشاید و علیك

التحیة و الثناء ع ع

هواللّه

رشت جناب منتصرالملك علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بنده الهى الان در نهایت گرما كه حرارت تموز چون تنور اتش

افروز است این عبد خامه گرفته و بجواب نامه پرداخته تا نمى از محبّت

\* ص38 \*

الهى باحباى رحمانى از قلم جارى گردد ولى هیهات هیهات خامه را

چه توانائى كه در این میدان جولان نماید پس بهتر اینست كه تفصیل و

تشریح و توضیح حتى اشاره و تلویح این حقائق و معانیرا بقلوب روحانى

حواله نمائیم زیرا انعكاسات وجدانیه بهترین مبین است در خصوص

حضور ببقعهء مباركه مرقوم نموده بودید این ایام از هجوم و تحریك بیوفایان

محذور حاصل لهذا بوقت دیگر موقوف فرمائید و تا توانید در فكر

تربیت نفوس مستعده باشید زیرا الیوم تائیدات ملكوت ابهى متوجه

نفوسى بود كه در اعلاء كلمةاللّه كوشند و در نشر نفحات الله همت

نمایند و اللّه معینك و بصیرك ع ع

هواللّه

جناب سعیدالملك علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** یا من اشتعل بنار محبةاللّه فى سدرةالمنتهى قد ابتهج الابتهاج بذكرك حول

السراج و هذا شأن كل من سلك منهاج الحب الخالص و دخل فى

الوفاء الباب الرتاج و انك انت فا شكراللّه ربك بما وفقک

على هذا الحدین الذى هو خیر قرین و نعم رفیق وفیق یذكرك فى العتبة المقدسه

و یدعولك بالتوفیق و یطلب لك التأئید و یستمطر لك

\* ص39 \*

سحاب العطاء و یستدّر لك ثدى رحمةاللّه و یشاركك معه فى كل

موهبة من مواهب اللّه و یستكتبنى هذه الورقه المطرزة باحسن طراز الحب

الناطقة بعظیم ودادى و جلیل محبتى لك یا سعید الحق ع ع

هواللّه

× بواسطه جناب امین امةاللّه والده جناب شجاع لشكر علیها بهاء الله الأبهى ×

یا صاحبى السجن

# **هو الأبهى** اى امةاللّه در این كور عظیم و دور بدیع امائى مبعوث شدند كه آیات توحید

بودند در ایات تفرید زیرا تجلى مواهب نوع واحد بر رجال و نساء واقع

و ان اكرمكم عنداللّه اتقائكم ثابت چه رجال و چه نساء و چه عباد و چه

اماء كل در ظل كلمةاللّه و كل مستمد از فیوضات اللّه پس خود را حقیر مبین

كه امه از اماء در پس پرده حجاب چه تواند نمود ربّ ربیبة الخدور

و ربّت الحجال فاقت على اعظم الرجال پس با قلبى ثابت و قدى

راسخ و لسانى ناطق بر خدمت كلمةاللّه قیام نما و بگو اى پروردگار هر چند

در پس پرده عصمت پرده نشینم و با حجاب و عفّت همدم و قرین ولى مرا

آرزو چنانست كه علم خدمت برافرازم و به كنیزى آستان مقدست پردازم

و اسبى براندازم و بر سپاه جهلاء هجوم نمایم صفوف الوف را در هم شكنم

\* ص40 \*

و بنیاد ضلالت و نقض را براندازم توئى معین ضعفا توئى نصیر فقرا توئى

ظهیر اماء انك انت القوى القدیر ع ع مقابله شد

بواسطه جناب جذبه علیه بهاء اللّه

هواللّه

حضرت منتصرالدّوله علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

ع ع

# **هو الأبهى** اى منجذب بنفحات الله الحمدللّه منتصرى و منتظر منتصرى بجنود ملأاعلى

و منتظرى بظهور اثار موهبت كبرى نصرت بر دو قسم است یكى تعلق

بعالم جسمانى دارد و دیگرى بعالم روحانى هر چند هر دو مطلوب و محبوب

و هر دو مقبول و مرغوب ولى نصرتهاى جسمانى را نتائج موفوره و آثار

مشكوره مقرّر نه دمى است و عبارت از شبنمى ولى نصرت معنوّیه روحانیه

افتابى است كه شعاعش ابدى است و حرارتش سرمدى و اوجش

لم یزلى و موجش لایزالى بارى امید از فضل و عنایت جمال قدم

چنان است كه بهر دو نصرت منصور باشى و بهر دو فیض مشكور مؤید

و موفق و مشهور تا بقوتى الهیه و همتى رحمانیه و نطقى بلیغ و بیانى

فصیح و نفحاتى معطّر و آثارى منوّر و نسائمى معنبر و روئى روشن و قلبى

چون گلزار و چمن و ادراكى نافذ و ساعدى قابض بر خدمت امر الله

\* ص41 \*

قیام نمائى قسم بان روى منوّر و خوى معطّر اگر مؤید باین مواهب

گردى رخت چون آفتاب در عالم بالا روشن و تابان گردد و انوار پیمان

در جبین مبینت نمودار شود و علیك البهاء ع ع مقابله شد

طهران بواسطهء جناب حاجى آقا محمّد

جناب منتصر علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى بندهء استان حق امیدوارم كه از هر جهت منتصر باشى و منتظر ظهور

الطاف الهى انتصار حقیقى ایمان و ایقان و توّجه باستان حضرت

چنانست و ماعداى ان هر انتصارى عاقبت انكسار است یعنى

بقائى ندارد چه قدر ملوك منتصر كه الیوم در طبقات ارض مستقرّند

اما نفوسی كه منتصر روحانى بودند الى الان والى ابدالاباد بر سریر عزّت

ابدیه مستقرّند الحمدللّه قلبى بنور محبّة الله روشن دارى و خونى مانند

گلهاى گلزار و چمن معطّر در درگاه احدیت بنده مقبولى و در ملأاعلى و

ملكوت ابهى مذكور و ممدوح و مشهور از حق میطلبم كه انجناب را موفّق

بدان نماید كه مردگان ان اقلیم از قبور نفس و هوى مبعوث و

بحیات ابدیه زنده و مزروق گردند آنچه را بواسطه جناب حاجى اقا

\* ص42 \*

محمّد ارسال نموده بودید رسید و در مقام مقدس صرف میشود و علیك

التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

هواللّه

بواسطه جناب حاجى آقا محمّد علاقه بند علیه بهاء اللّه آباده جناب منتصرالدّوله

علیه بهاء اللّه الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هو الأبهى** اى بنده جانفشان جمال ابهى در قران حضرت رحمان میفرماید ان

تنصروا اللّه ینصركم و در این دور الهى نصرت باخلاق رحمانى است

و بیان حِكَم و اسرار آسمانى الحمدللّه احتیاج بسیف و سنان و تیغ برّان

و قوّت بازوى مردان روح است و ریحان امن است و امان

صلح است و صلاح صدقست و ایقان انقطاعست و وجدان

صد هزار جان قربان بیان حضرت جانان كه در الواح اشراقات میفرماید

در انمعانى دقّت نمائید و ملاحظه فرمائید كه جنت ابهى چه قدر

پر ملاحت و حلاوت و طراوت و لطافت است فاعتبروا

یا اولى الابصار قیاس بقرون اولى نمائید عنقریب این پرتو

تقدیس چنان بدرخشد كه شرق و غرب عالم مطلع آفتاب حقیقت

گردد و علیك البهاء یا من انجذب بنفحات الله ع ع مقابله شد

\* ص43 \*

طهران بواسطه جناب حاجى آقا محمّد جناب منتصرالدوله علیه

بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

هواللّه ربّ و رجائى و منتهى املى و غایة منائى ان عبدك المنتصر منتظر

لبدایع الطافك متضرّع الیك مفتكر فى امرك متشكر من

احبائك مضطرم فى قلبه نار محبتك منصرم صبره شوقا للقائك

و منسجم دمعه توقاً الى مشاهدة جمالك مستعین بك مستفید بفنائك

مستجیر بجوارك یتمنى الحفظ و الامان یبتغی العون و الصون و الاطمینان

حتى تویّده على العیش الرّغید و السّراء الرّخاء فى كلّ یوم جدید

یتمنّع فى ریاض الرّفاه و یرفل فى ذیل الغناء ربّ ایدّه على ما تحب

و ترضى و یسّر له ما یتمناه انك انت الكریم العزیز الوّهاب

و انك انت المعطى بلا سئوال و انك انت الجواد الكریم

مقابله شد

هواللّه

خط اصل

اى یار حقیقى گویند كه انسان آیت رحمن و مطلع اعظم بخشایش حضرت

یزدانست این آواره گوید اگر چنین است چرا مهین است چرا

\* ص44 \*

حقیر است چرا ذلیل است فرد كاملش همواره سرور مظلومانست

مهانست بیسر و سامانست سرگردانست بلكه اسیر زندان است

گویند این حقیقت برهانست و دلیل واضح نمایانست زیرا در عین اسارت

تاجى از موهبت عالم انسانى در سر دارد و اكلیل سلطنت اسمانى بر فرق

چون پرتو بالا و انعكاسات صور ملأاعلى بر زیر جهان ادنى افكنده

شود سلطنتش در جهان خاك نیز چون عالم پاك تحقق یابد چنانكه

مشاهده میشود كه حضرت مسیح چون بجهان فسیح رفت علمش بلند شد

و آئینش ارجمند و همچنین سلطان ابدى جمال احمدى چون بجهان

باقى شتافت قوت و قدرت و سلطنتش در عالم فانى نیز تحقق یافت

و این عزت امكانیه پرتوى از سلطنت لامكانست و این

درخشندگى در افق ملك نمایشى از تجلّى و پرتو افشانى در جهان

ملكوت بارى من سكوت نمودم تا انجناب چه گویند والثناء

علیك ع ع مقابله شد

طهران همشیرهء جناب سیناء علیها بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى امةاللّه الناطقه جوهر محامد و نعوت و ستایش بهر این عبد

\* ص45 \*

بیان عبودیت باستان مقدّس است اگر عبدالبهاء را عبودیت محضه

چنانكه باید و شاید حاصل گردد این تاج مباهاتست و اعظم ایات

و ارفع رایات و سفینهء نجات پس اگر قریحه الهام صریحه دارى و

طبع روانى نطق را باین حقائق و معانى بگشا و داد سخن ده من بندهء بهاء

هستم و تو كنیز بهاء من تو را بانتساب بان استان بستایم و تو مرا

بعبودیت ان عتبه ستایش نما تا جان تو و من هر دو خوش شود و مانند

گلشن الهى لطافت و طراوت بیفزاید و علیك التحیة و الثناء

مقابله شد ع ع

هواللّه

ورقهء ناطقه امةاللّه اخت نیر و سیناء علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

 خط اصل 

# **اللّه ابهى** اى ورقه ناطقه حضرت نیر و سیناء دو مرغ خوش الحان مرغزار وفا در

حدائق محامد و نعوت بابدع الحان در ترّنم و تغنى مشغول و تو نیز اخت

آن دو نجم افق محبّة الله هستى و این را ثابت نمودى از عنایت

جمال قدم امیدوارم كه چنان تائید رسد كه طوطى شكرشكن هند

تسبیح و تهلیل شوى و در ستایش و محامد و نعوت حقّ فصاحت و

بلاغت را ادا نمائى و البهاء علیك ع ع مقابله شد

\* ص46 \*

هو الأبهى

ورقه طیبه اخت جناب نیر و سیناء علیهما و علیها بهاء الله الأبهى ملاحظه

نمایند خط اصل

# **هوالأبهی** ایتهاالورقه الطیبةالناطقه بذكراللّه آنچه از حنجرهء روحانى ان طیر گلشن

انجذاب ظاهر بسمع قبول واصل و در حرم عزّ تقدیس بالحان

بدیع تلاوت شد عبرات از چشمان جارى گشت و زفرات از

قلوب بلند شد آتشى بدل و جان مكان حرم رحمن افكند و شعلۀ بفؤاد

و اكباد طائران هواى یزدان انداخت اه و فغان بلند شد

و ناله و حنین برافراخته گشت اركان وجود متزلزل شد و كینونت

شهود مضطرب گشت چه كه حكایت مصیبت عظمى نموده و شكایت

از زریه كبرى كرده اى ورقه ناطقه لسانرا بستایش پروردگار بینیاز

بگشا كه در این ریاض احدیه محشور شدى و بذكر مالك بریه ناطق گشتى

و در این فردوس اعظم جذب و شوق و وله و انجذاب داخل

شدى و الیهاء علیك و على اخویك الذین انفقا حیاتهما

فى اعلاء كلمةاللّه ع ع مقابله شد

\* ص47 \*

 خط اصل ص 9

مناجات طلب مغفرت بجهت من ادرك الافق الأعلى آقا علیمحمّد ابوى

امةاللّه طلعت علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** الهى الهى ان عبدك على محمّد یحتاج العفو و الصفح و المدد و انى اعفر

جبینى بتراب عتبة قدسك و ارجو له الغفران یا ربى الرحمن رب انله

كاس الالطاف فی بحبوحة الرضوان و اخلده فى قطب الجنان

و خلال فردوس القدس جوار رحمتك الكبرى و انت الغفور الرحمن ع ع

مقابله شد

هو الأبهى

جناب آقا میرزا نعمةاللّه جناب آقا میرزا جلال جناب آقا میرزا هاشم

جناب آقا میرزا سیدعلى جناب آقا میرزا حبیب جناب آقا حب اللّه برادر

جناب آقا میرزا محمّدعلى جناب آقا میرزا ابوالقاسم

جناب آقا على اكبر جناب آقا میرزا عنایت اللّه آقا محمّدكریم

جناب آقا میرزا عنایت الله استاد على آقا جناب آقا میرزا حسین

اخوى آقا عبدالرّحیم جناب آقا حب اللّه آقا محمّدعلى بزاز

جناب آقا سید حسین جناب آقا میرزا عنایت اللّه

\* ص48 \*

ابن جناب آقا محمّدعلى كاشانى علیهم بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى یاران حضرت یزدان صبح است و هوا را طراوتى و قلوب را

بشارتى و ارواح را ارتیاحى و اشباح را اصطباحى و این مستمند

بذكر و یاد دوستان الهى مأنوس بقسمیكه حقائق معقوله

یاران دقائق محسوسه گشته و چون شقائق در گلشن دلها شكفته

و نفحات حبشان مشام مشتاقانرا معطّر نموده اى جمال ابهى اى

حضرت كبریاء این سرگشتگان گمگشتگان كوى تواند و سودائیان

روى تو عنایتى فرما تا قلوب جلوگاه روى تو گردد و صدور

اتشكده هاى پرسوز انوار اسرار بر سرائر بتابد و پرتو مبینش

بر بصائر زند ع ع

هواللّه

ط جناب آقا محمّدعلى من اهل كاف علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند خط مبارك

# **هواللّه** اى بنده حضرت احدیت ایام افتتان است و جنود شبهات

در انتشار گردباد تزلزل در شدّت هبوبست و طوفان نقض میثاق

و ترك محكمات و تمسّك بمتشابهات در نهایت تهیج پاى

\* ص49 \*

مستحكم دار و قدم ثابت كن و جام عهد بدست آر و سرمست

رقص در میدان كن و فریاد برار این عهد عهد الست است

و این میثاق میثاق نیر آفاق اى نو هوسان آسان مشمارید

و اى سست عنصران پرده خود مدرید این بنیان خداوند عظیم است

متین و حصین است و یوم یفر المرء من امه و ابیه و اخته و اخیه است

سبحان اللّه اگر چه بظاهر دور و مهجورى ولى نزدیكتر از نزدیكان هر دمى

ع ع

مقابله شد

اللّه ابهى

خط مبارك ط جناب آقا محمّدعلى من اهل ك علیه بهاء الله الأبهى

# **اللّه ابهى** اى ثابت بر میثاق خوشا بحال تو كه متشبّث بعروة الوثقائى

و متمسّك بحبل المتین ممدود از ملكوت ابهى طوبى لك ثم طوبى

ولى اى رفیق قافیه را مباز از عبودیت استان مقدس در حق

من تجاوز مكن چه كه این كام دل و راحت جان من است و منتها

امال من و همچو گمان منما كه مقامى الیوم اشرف از عبودیت

استان مقدس در ابداع تصور توان نمود جمیع مقامات

مجاز و این حقیقت و كل مراتب تصوّر و این تحقق این

آهنگ یا عبدالبهاء از ملأ اعلى بگوش این عبد میرسد

\* ص50 \*

دیگر نداهاى دگر را چه حلاوت و السلام ع ع مقابله شد

ط جناب آقا محمّدعلى من اهل ك الذى اشتعل بالنار الموقده خط مبارك

فى سدرة میثاق اللّه علیه بهاء الله الأبهى

# **هوالله الأبهى** یا من توجه الى وجه اشرقت به الارض و السموات طوبى لك بما

ثبت على المیثاق بشرى لك بما رسخت قدماك على عهداللّه

تالله الحق ان حقائق التفرید و هیاكل التوحید ینطقون بالثناء

علیك و یكبرّون و یهلّلون مما جرى من قلمك مخاطبا لمن وقع فى الاغماء

من وساوس اهل الهوى و انّ مظاهر آیات ربّك الكبرى و مطالع

انوار الهدى یقدرونك حق قدرك و ینعتونك حق النعت بما

لم تأخذك فى الله لومة لائم و لم تمنعك روابطك العنصرّیه

عن الثبوت على میثاق الله اى ربّ هذا عبدك تشبّث بذیل رداء

الوهیتك و تمسّك باهداب ازار محبوبیتك و انقطع عن كل نسبة

لم تربطه بحبل عبودیته لایة رحمانیتك اى ربّ وفقه على الثبوت

و الاستقامة على ما هو علیه بقوتك القاهره و قدرتك الباهره

لئلا تسكن حرارة حبّه من برودة المتزلزلین و لایخمد سراج ثبوته

من شبهات المارقین بل زد فى حرارته فى كل حین و اجعله نجماً بازغاً

فى افق الیقین و شهاباً ثاقبا على المنجمدین و رادعاً فائقاً

\* ص51 \*

علی المرجفین انك انت القوى القدیر نامه ناطق انجناب واصل

مضمون حكمت مشحونش كاشف ثبوت و دال بر رسوخ بود و همچنین

رسالیه جوابیه فى الحقیقه برهان قاطع بود و دلیل واضح و بیان متین بود

و معنى مبین و اللّه هوالمعین ولى چه سود كه اذان واعیه مشروط

انك لاتهدى من احببت ولكن اللّه یهدى من یشاء با وجود ان

نصائح و دلائل و براهین كامل پیغام با استاد آقا دادند

و من النّاس من یتخذ لهو الحدیث لیضل عن سبیل اللّه و من النّاس من

یجادل فى اللّه بغیر علم و لاهدى و لاكتاب منیر با وجود انكه سواد ان

مداد را باید سرمه چشم نماید و معانیش را جلاء بصر كند فلما قرء عبس

و اغبّر و اصفّر و اخضّر ان بیچاره را بحال خود نگذارید القاء شبهات

بر او محیط و او محاط لهذا فرصت این ندارد كه چشمم باز نماید تلقى

علیه بكرة و عشیا و حال انكه پیش از صعود جمال مبارك كه غرضى

در میان نه بود كسى نامى از او نمیبرد و اگر میمرد كسى عیادتى از او نمیكرد

این عبد در شب و روز مهیمن بامور او نگذاشتم غبارى بر او نشیند

ولى بعد از صعود هر متزلزلى نهایت اظهار خلوص را باو مینماید دیگر

فكر نمیكند كه من همان شخصم چطور ورق برگشت بیچاره گول این

چیزها را خورده فسوف تراه فى خسران مبین و انك انت دع

المتزلزلین فى خوضهم یلعبون ع ع مقابله شد

\* ص52 \*

ط جناب آقا محمّد على من اهل ك اخوى آقا محمّدرضا علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى پروردگار این دوستانت را در بوستان عنایت و گلستان

موهبت در كنار جویبار احدیت سروهاى پر نضارت و طراوت فرما

و این اختران نورانى را در خاور رحمانى روشن و درخشان نما و این تشنگان

بادیهء هجرانرا بر بحر بیپایان وارد كن و این گمگشتگان صحراى اشتیاق را

بوثاق نور آفاق در ار تا در ظل كلمه توحید بتمجید تو مشغول گردند و در انجمن

امكان سرمست جام تو شوند و در بزم الست هریك قدحى بدست گیرد

و رقصكنان و پاكوبان در وجد و سرور اید و در شوق و شور و نغمه ئى

اغاز كند كه محیر عقول وشعور گردد اى یار مهربان اى پاك یزدان

عنایتى نما موهبتى عطا فرما احسانى كن تائیدى ده توفیقى بخش تا بانچه

رضاى مبارك است موفق گردیم و مؤید شویم توئى مقتدر و توانا

و مؤید دانا اى متشبّث بذیل عنایت شكر كن حضرت قیومرا

كه در فجر هدى بنور موهبت كبرى فائز گشتى استفاضه از كوكب

درّى نقطهء اولى نمودى و استضاعه از انوار مقدسه شمس حقیقت

اسم اعظم كردى حال از الطاف و عنایت حضرت احدیت

میطلبیم كه بقوتى موفق گردى كه هزار متزلزل میثاق را بنفحات

ثبوت راسخ گردانى و چنان در بزم عهد جلوه كنى كه چون شمع

پرتو افشانى جمیع دوستانرا فرداً فرداً تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید

\* ص53 \*

شب و روز بیادشان مشغولیم و البهاء علیك ع ع مقابله شد

ط جناب آقا محمّدعلى علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك

# **هو الأبهى** اى راضى بقضاى الهى مصائب و رزایا هرچند مصاعب و بلایاست

لكن اگر تفكر و تدبّر رود ملاحظه میگردد كه جمیع مبنى بر حكمت الهیه و مبتنى

بر اسرار خفیه است زیرا حكیم قدیر تقدیر عبث و امر عسیر بیسبب

و تأثیر نمیفرماید پس لابد جهتى دارد و حكمتى در امر است لو كشف الغطاء

لاخترتم الواقع و از این گذشته بعد از مصیبت كبرى صعود الی اللّه

موهبت عظمى است فواللّه الذى لا اله الّاهو اگر پرده از میان

برداشته شود كل تمنّاى این مینمایند كه خود و عزیزترین بستگان

و دوستانشان در نهایت سرعت و تعجیل رجوع الى اللّه نمایند

ولكن حكمت الهیه این سر مكنونرا مستور نموده لیهلك من هلك عن بینة

و لیبلوكم ایّكم احسن عملا بارى امید چنانست كه انجناب ببشارات

الهیه مطمئن باشید محزون و دلخون مباشید البهاء علیك عبدالبهاء

ع مقابله شد

ط جناب آقا محمّد على من اهل كاف علیه بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** الهى الهى انّى بكّل عجز و ابتهال و تضرّع و تخشع و تذلل و انكسار

\* ص54 \*

اناجى الى ملكوت احدیتك و ابسط اكف الرجاء الى افق رحمانیتك

ان تعفو و تغفر والد عبدك الّذى تمسك بعهدك و میثاقك و ...[[4]](#footnote-4) به

فى غمار رحمتك الكبرى و ان تعفو ان تغفر لوالدته الّتى امنت بك

و ایاتك و تمسك بحبل میثاقك و اشمله بذاته بلحظات عین

عنایتك و ادخله فى لجّة بحر الطافك و غفرانك اى ربّ انّه عطشان

و ظمئان فاسقه من معین جودك و احسانك و مشتاق اشرق علیه بنور

الطافك و متذلّل عزّزه بفضلك و منّك و اغفر لجمیع من انتسب الیه

بعفوك و حلمك و كرمك انك انت العفّو الغفور ع ع

مقابله شد

هواللّه ط جناب آقا محمّدعلى من اهل ك علیه بهاء الله الأبهى

جناب آقا میرزا ابوالحسن عطار جناب آقا میرزا اسداللّه پیله ور

عنایت اللّه ابن آقا سید نصراللّه عطّار جناب آقا محمّدكریم عطّار

جناب آقا شیخ محمّدعلى قائنى جناب حاجى محمّد تقى همدانى

جناب آقا سید نصراللّه قفل ساز جناب آقا محمّدصادق زرگر

جناب آقا محمّدحسن همدانى بلورفروش جناب آقا محمّدحسن همدانى

كوچك جناب استاد حسین نعلبند جناب نیر جناب آقا محمّد اسماعیل

همدانى جناب حاجى محمّدباقر همدانى جناب آقا میرزا حبیب

رفوگر حسینقلی خان ابن كلانتر جناب آقا سید حسین اصفهانى

\* ص55 \*

جناب آقا میرزا ابراهیم عطار جناب آقا میرزا نعمةاللّه مسگر جناب

استاد اقاى صبّاغ جناب حاجى میرزا على حریرفروش جناب آقا سید

عبدالحمید جناب آقا سید على ابن جناب نیر جناب سیناء جناب

اقا میرزا جلال ابن جناب سیناء جناب آقا میرزا حبیب ابن جناب سیناء

جناب آقا على اكبر ابن جناب اوستاد شعبان آقا عبداللّه ابن جناب

اقا محمّدصادق جناب ادیب جناب حاجى ملّامحمّد خونسارى جناب

اقا محمّدحسن اصفهانى جناب ملّاعلى كاشانى جناب مشهدى مراد

جناب آقا حسین اصفهانى جناب آقا مشهدى حیدر جناب فتح اللّه خان

جناب على قلی خان جناب محمّدحسن میرزا جناب حاجى میرزا عبداللّه عطّار

جناب آقا میرزا شكراللّه جناب حاجى محمّد سلمانى جناب آقا میرزا نورذر

علّاف جناب آقا شیخ محمّد اشتهاردى جناب آقا میرزا مؤمن جناب

استاد على آقا شیشه بر عنایت اللّه ابن جناب آقا محمّدحسن آقا سید حسین ابن

اقا سید نصراللّه جناب محمّدخان جناب روح اللّه میرزا جناب

محمّد میرزا جناب میرزا محمّدعلى علاقه بند جناب حاجى میرزا حیدرعلى

جناب آقا حبیب اللّه مسگر جناب آقا محمّدحسین قفلگر جناب حاجى امین

جناب آقا میرزا محمود شیرازى جناب آقا محمّدحسین ندّاف جناب

حاجى سید میرزا سدهى جناب آقا على همشیره زاده آقا محمّدصادق

جناب آقا على رضا جناب آقا محمّدعلى قمصرى جناب سفرعلی خان

جناب میرزا رضاى قورخانه چى جناب روح اللّه عنایت اللّه

\* ص56 \*

ابن جناب استاد على آقا جناب حاجى ابوالقاسم دبّاغ جناب استاد حسن

معمار جناب آقا سید حسن معلم جناب حاجى حسنعلى شیرازى جناب

اقا زین العابدین پیله ور جناب آقا یداللّه جناب حاجى میرزا محمّد

افنان جناب اقامحمّدعلى میرزا جناب آقا محمّد مسگر مشهدى قربانعلى

هاشم آبادى جناب حاجى سید محمّد نجم آبادى گماشته استاد حسن معمار

جناب میرزا هاشم خان جناب آقا محمّدكریم ولد آقا محمّدصادق

جناب آقا على عسكر جناب آقا على اصغر دولابى مشهدى نجفعلى

تبریزى جناب آقا میرزا حاتم خان جناب حاجى سید نصراللّه كاشانى

جناب آقا میرزا غلامحسین خان جناب عبدالحسین خان جناب استاد حسن

صبّاغ جناب استاد ابراهیم مسگر جناب عبداللّه میرزا جناب

مهدى پیك جناب آقا حسین آقا ملاعلى جناب آقا میرزا خلیل كلیمى

جناب آقا میرزا آقاجان كلیمى بزّاز جناب آقا سید آقا عطار جناب

اقا سید محمّد برادر مذكور جناب آقا شیراكبر جناب آقا ابوالحسن توتونچى

جناب استاد حسن مسگر جناب آقا محمّدصادق ابن دبّاغ جناب

استاد محمّد بناء جناب استاد غلامحسین دبّاغ جناب آقا محمّدتقى

خبّاز جناب حسین خان قراق جناب آقا میرزا نصراللّه عطار جناب

حاجى حاجى میرزا محمّدعلى اصفهانى جناب میرزا ابوالقاسم ابن آقا محمّد ابراهیم

جناب كربلائى اسماعیل پاره دوز جناب میرزا آقا صبّاغ جناب

كربلائى غلامعلى پاره دوز جناب ابراهیم یعقوب كلیمى جناب

\* ص57 \*

جناب شعبان ولد اسحاق میرزا ربیع ولد خدابخش آقا میرزا عبدالوّهاب

شیرازى جناب آقا حسن پاره دوز جناب محمّد على نجّار جناب حاجى ملّا على اكبّر

اقا میرزا اقاجان ولد حزقیل آقا میرزا اقاجان ولد یعقوب آقا میرزا اسحاق

ولد ابا جناب آقا میرزا سید علی محمّد جناب آقا محمّد رحیم قزوینى آقا سید حبیب

ابن آقا سید على مرحوم جناب عزرا ولد نعمى جناب الیاس ولد مرتضى

جناب ابراهیم ولد موسى جناب استاد حسن مخمل باف جناب میرزا

حب اللّه ابن صبّاغ جناب افلاطون جناب آقا میرزا غلامحسین عطّار

جناب آقا میرزا احمد قزوینى جناب آقا میرزاغلامحسین علاقه بند جناب

اقا مشهدى محمّدعلى طبّاخ جناب آقا میرزا فروغى جناب آقا شیخ زین العابدین

پیله ور جناب آقا محمّدعلى نقّاش جناب آقا محمّداسماعیل مسگر آقا میرزا

حسین ابن آقا میرزا اشرف شهید جناب آقا سلیمان كلیمى سمسار جناب

اقا مشهدى رضاى نداف جناب آقا محمّدحسن نجّار قم جناب امان اللّه

سمسار حبیب اللّه پسر آقا محمّدعلى بزّاز جناب آقا على اكبر نعلبند جناب

میرزا علی محمّد خان آقا حبیب اللّه ولد آقا على اكبر جناب آقا محمّدعلى

كاشانى امةاللّه و الدهء ایشان امة اللّه همشیره امةاللّه ضلع سلیل

جناب مذكور عنایت اللّه ایضاً حسین آقا ایضاً اسد آقا جناب

اقا مهدى زوج همشیره اخویزاده جناب آقا محمّدعلى آقا شكراللّه

و جناب آقا حبیب اللّه و آقا فرج اللّه همشیره زادهء مذكور و كل دوستان الهى

علیهم بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

\* ص58 \*

# **هواللّه** الهى الهى انت البصیر بحالى و السمیع لندائى و الطبیب لدائى و الدواء

لشفائى لك الحمد بما انعمت و اولیت و احسنت و اعطیت

و اسقیت و ارویت من عین التسنیم و ماء معین و الكوثر و السلسبیل

وهدیت الطالبین الى الصراط المستقیم و الّنور المبین و ثبت الاقدام

على العهد القدیم و شرحت الصدور باشعة ساطعة من نیر المیثاق

فى قطب الآفاق و عممّت الاشراق و زینّت الاوراق بالثناء على

كل ثابت و الصلوة على كل راسخ و النعت على كل متمسّك بحبلك

المتین اى رب هؤلاء احبتك و اصفیائك و صفوتك

و اولیائك و خیرة خلقك و خلّص اوّدائك قد اجتمعوا فى ظل

كلمة وحدانیتك و اتفقوا فى اعلاء رایة فردانیتك و نشر نفحات

رحمانیتك و الثّبوت على عهدك و میثاقك و اجتنوا من ثمار

حدائق ملكوتك و خضعوا لسلطان جبروتك و سمعوا لندائك و اجابوا

لدعائك و هتفوا باسمك و ملئت قلوبهم بذكرك و دلعت السنتهم

بثنائك و تلوا ایاتك و اظهروا بیناتك اى ربّ نورّ مجامعهم

بانوار ملكوتك الأبهى و عطّر صوامعهم بنفحات قدس تعبق من جبروتك

الاسمى و لذذ مسامعهم باستماع النّدا من الملأ الاعلى و بشر نفوسهم

بحصول موهبتك الكبرى انك انت الكریم الرحیم الاوفى

ع ع

مقابله شد

\* ص59 \*

ط جناب آقا محمّدعلى اخوى جناب آقا محمّدرضا علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه

نمایند

# **هو الأبهى** یا من اقبل الى وجه اشرقت به الارض و السموات جناب اخوى آقا

محمّدرضا در جمیع اوقات در طواف ملأ اعلى و در محافل انس بذكر شما

مشغول و بجذبات نفحات قدس مألوف اى كاش هركسی چنین برادر

داشت كه مدت حیاتش را در محبت اللّه و در جوار لقا و خال در طواف

روضه نوراء متمسّكا بمیثاق اللّه گذراند و چنین محب و مهربان

كه در این بامداد با كثرت مشاغل چون بحر بى پایان این عبد را بذكر تو و

والده و همشیره مشغول نمود و البهاء علیك و على كل ثابت على میثاق اللّه

مقابله شد ع ع

ط جناب آقا محمّد على من اهل ك علیه بهاء الله الأبهى

الله الأبهى اى ثابت بر میثاق از فضل و موهبت جمال قدم امیدوارم كه رویت

بنور ثبوت دائماً ابداً در ملكوت روشن گردد در خصوص تحیت

مرقوم نموده بودید این عبد را آرزوى دل و جان انست كه اسم مبارك

وحده در ریاض ملك و ملكوت نفحهء روح مخلصین باشد و چون

این نام مقدس بسمع این عبد رسد جانم پر روح وریحان گردد

و روحم مهتز شود پس تو اى دوست سرور جان و دل مرا

طلب و چنان بانگ الله ابهى بر ار كه بسمع كل مخلصین در اینجا رسد

\* ص60 \*

و قلب این عبد مسرور گردد و بشرافت این اسم مبارك اشتیاق مشاهدهء روى

تو دارم تا بگوش خویش این اسم مبارك را از لسان تو شنوم ملاحظه كن

كه بچه عنایتى ممتاز گشتى ینبغى لك ان تنادى بین ملأ العالم طوبى لى

من هذا الفضل العظیم و البهاء علیك و على عباداللّه المخلصین این تحیات

اربعه از اوامر حضرت اعلى روحى له الفدا و ناسخى ندارد و شما مخالف

شریعت اللّه حركتى ننموده اند ولى آرزوى این عبد اینست كه جزئیات

سنن ایام مبارك تا یوم القیام مجرى گردد تا چه رسد باین تحیت كه از خصائص

ایام مبارك بود و از استماعش روح این مهتز و جانم پربشارت میگردد

و البهاء علیك یا ایها الثابت على میثاق اللّه ع ع مقابله شد

ط و الدهء جناب آقا محمّدرضا و اماء الرحمن علیهن بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط اصل

# **هو الأبهى** اى امةاللّه جناب آقا محمّدرضا علیه بهاء الله الأبهى حاضر و صفحه آورده

و در بدایت اسم آن ورقهء طیبه را مرقوم نموده و این سرگشته صحراى محبةاللّه

نیز قلم برداشته بذكر اماء الرحمن پرداخته كه شاید از این نامه نفحهء

مشكینى وزد و حدیقه نامه را معطّر نماید شبهۀ نه كه اگر صفحۀ بذكر جمال قدم

مزین گردد حدیقهء عنایتست و روضه موهبت ریاض حقایقست

و حیاضِ لطائف بهشت برین است بلكه فردوس علیین امةاللّه

خدیجه بگم اگر مشام جانرا متوجّه این گلستان نماید رائحه روضه رحمن را

\* ص61 \*

استشمام كند و امةاللّه اخت جناب آقا محمّد رضا چون دیده باز نماید

مشاهدهء ازهار و اوراد كند كه در این گلستان شكفته و امةاللّه ضلع

استاد هاشم چون سمع را متوجه نماید استماع نغمات طیورى نماید

كه بمزمور آل داود تغنى كنند امةاللّه ستاره بیگم چون از فواكه این

حدائق چشد مذاق را شیرین نماید و امةاللّه مرصع چون توجّه

بملكوت كند تاج مرصع بر سر نهد و امةاللّه منوّر چون اقتباس

آن نورنماید جهانرا منوّر نماید و امةاللّه جمالیه چون نظر بجمال اللّه

ببصر قلب كند روى پرتو جمال روشن نماید امةاللّه جانى بیگم چون

بان روح زنده گردد بنفحات انجذاب جانبخش شود و امةاللّه صاحب

چون بان قدرت مؤید گردد در اقلیم اشتیاق سلطان شود و امةاللّه

صاحب خانم چون از آن كأس نوشد صاحب نشئه روحانیه گردد

و امةاللّه قمر چون از ثمر آن شجر منظر اكبر چیند در سماء محبت اللّه

بدر انور شود امةاللّه گلسرخ چون در ان ریاض بشكفد چون ورد

احمر رخرا بنار محبّة الله برافروزد و امةاللّه نازنین بگم چون

بان درگاه نیاز آرد در جنّت فردوس با نازنینان حوریات فردوس

مؤانس جانپرور گردد و امةاللّه خدیجه سلطان چون از این

سلطنت خبر گیرد از سلطنت جهان درگذرد امةاللّه خاتون

چون از این ختن مشك اذفر ارد مشام ورقات قدس را معنبر نماید

و امةاللّه فاطمه چون از ثدى ماسوى اللّه فطام جوید از پستان

\* ص62 \*

موهبت الله شیرخوار شود ع ع مقابله شد

ط ورقه طیبه امةاللّه والده جناب آقا محمّد رضا علیها بهاء اللّه الأبهى

ملاحظه نمایند خط اصل

# **هو الأبهى** اى امةاللّه اگر بظاهر بشرف لقا فائز نشدى و بین یدى حاضر نگشتى

ولى مورد عنایت جمال قدم بودى و ملحوظ بنظر الطاف اسم اعظم

جناب ابن مكرم آقا محمّدرضا بالنیابه از شما بكرات فائز و الان

بالوكاله حول روضه مباركه طائف اصل رضاى الهیست الحمدللّه

بان موفّق شدى و مدت حیات را در اشتعال بنار محبت الله گذراندى

اویس قرن بظاهر بخدمت حضرت رسول نرسید ولى حضرت انّى اجد رائحة

الرحمن من جانب الیمن میفرمودند و البهاء علیك ع ع مقابله شد

ط جناب حسین آقا ابن آقا محمّدعلى علیه بهاء اللّه

خط اصل

# **هو الأبهى** اى نوشكوفه در گلزار معرفت آیت تجّلى جمال مبین در حقیقت

كلشیئى مودوع و مستور و شعاع منتشر شمس حقیقت در مجال كل

موجود عاكس و مشهود و مكنون در نفوس مطمئنه آیت موهبت ظاهر

و باهر و در نفوس متزلزله مخفى و مكنون و غیر زاهر تو از خدا بخواه

كه شمع روشن گردى و البهاء علیك ع ع مقابله شد

\* ص63 \*

ط جناب اسد آقا ابن آقا محمّدعلى علیه بهاء اللّه

خط اصل

# **هو الأبهى** اى سبزه نوخیز باغ عنایت باغبان احدیت تو را نهال دست

نشان موهبت فرمود و بوستانى قدرت ترا تربت كرد و از جویبار

فضل آب داد رجا از محبوب ابهى داریم كه در نهایت سبزى و خرّمى

در این چمنستان حقیقى جلوه نمائى و البهاء علیك ع ع مقابله شد

ط جناب عنایت الله ابن آقا محمّدعلى علیه بهاء اللّه

 خط اصل 

# **هو الأبهى** اى زاده بندهء الهى در عالم وجود عزیزترین موجود پدر مهرپرور

و مادر مهربان است حمد خدا را كه بچنین ابوین مؤید گشتى كه مطلع ایقان

و مظهر اطمینانند خوشا بحال پسرى كه چنین پدر دارد و خوشا بحال

پدرى كه پسر خیر خلف و مظهر لطف جلیل اكبر دارد ع ع مقابله شد

 خط اصل 

# **هواللّه** اى بنده حق جناب میرزا حسین از مصر مكتوبى مرسول داشت در جاى

ترقیم این نامه نمود و این عبد بقدرى مشغول كه فرصت ممتنع الحصول بود

با وجود این محض خاطر او و شما بنگارش پرداخت پس نصیحتى بتو بنمایم

و آن اینست كه از هر قیدى آزاد باش و در عرفان آیت رحمن

\* ص64 \*

بصیرت جوى و حقیقت خواه بهیچ حجابى محتجب مشو و بهیچ سدّى ممنوع نگرد

از نفوسى باش كه میفرماید لاتأخذهم فى اللّه لومة لائم ع ع مقابله شد

خط اصل

# **هوالله** اى پرورده دست الطاف جناب میرزا حسین توسط ترا مینماید

استدعاى عاطفتى میكند عاطفت الیوم دعاى ثبوت بر صراط ممدود است

از خدا طالبیم كه چون طفل رضیع از ثدى میثاق شیر استقامت نوشى

و در آغوش ثبوت و رسوخ پرورش یابى ابن میثاق باشى و سلاله

عهد نیر آفاق ع ع مقابله شد

خط اصل

# هواللّه طهرّ النفوس یا سبّوح یا قدوس عن شئون النفس و الهوى و ثبت الاقدام

على صراطك یا رب الاخرة و الاولى و نور الوجوه بانوار الهى

و شید فى القلوب اركان التقى یا ربى الأبهى و محبوبى الاعلى

اى رب هؤلاء عبید اسراء حرر رقابهم عن السلاسل و الاغلال ع ع

مقابله شد

خط اصل

# **هو الأبهى** اى ثابت بر عهد و راسخ در میثاق مكاتیب متعدّده ناطقه

# كه از مصدر انجذاب بنفحات الله صادر متتابع واصل و مضامین شهد و شیرین

\* ص65 \*

و شكرین بود چه كه انوار استقامت از مطلع عبارت ساطع و لامع

و حقائق عرفان از معانى وبیان واضح و باهر كلام صفت متكلم بود

و از مضمون قلوب متاثر گردید هر بوستانى رائحه دارد و هر گلستانى

فائحۀ از ریاض قلوب یاران نفحهء مشكبار بوزد و از گلزار فؤاد دوستان

نسیم عنبربار مرور نماید اى پروردگار این بنده جان نثار را در پناه

ملكوت ابهایت محفوظ و مصون دار و در ظل شجرهء انیسایت

محفوظ و مسرور قوّت توحید بخش و آیت تفرید فرما و جمیع

اهل و اطفال و یارانش را دوست دار ع ع مقابله شد

عیال اخوى جناب آقا محمّد رضا علیها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

 خط اصل 

# **هو الأبهى** اى ورقه طیبه از اثار باهره یوم اللّه انكه امائى از رقد نفس و هوى

مبعوث و در ظل لواء كلمهء جامعه محشور شدند كه فخر رجال و روشنائى

جهان گشتند لسان بذكر رحمن گشودند و وجود و جان بنفحات جانان

تر و تازه كردند چون جبل راسخ بر امر الله استقامت نمودند و

چون بحر مواج در معرفت پروردگار لئالى معانى افشاندند

پس از خدا بخواه كه یكى از این ورقات ثابتات ناطقات شوى

عبدالبهاء ع

\* ص66 \*

از صعود طفل محزون مباش و مغموم مگرد از خاكدان ترابى بفضاى جان

فزاى الهى شتافت و از تنگناى جسمانى بصحراى وسیع روحانى پرواز نمود

و از این منزل فانى بنَزَل قدس الهى عروج نمود خوشا بحال او خوشا بحال او

ناله مكن فغان منما صبر و قرار را شعار خود كن و تحمّل و اصطبار را وقار خویش

نما اگر بدانى كه در چه مقعد صدقى ساكن و در چه ملأ اعلائى حاضر البته شكر نمائى

و حمد كنى و البهاء علیك و على كل ثابت على عهداللّه و میثاقه

الذى اخذه من اهل السموات و الارضین ع ع مقابله شد

خط اصل

# **هواللّه** اى امةاللّه ورقه موقنه زائره نهایت ستایش از استقامت و ثبوت

شما مینماید پس خوشا بحال تو صد هزار تحسین بر ثبوت و رسوخ تو چه كه الیوم

یوم امتحان عظیمست و افتنان مبین و ثبوت و رسوخ از خصائص نفوسیكه

بمواهب كلیه جدیده فائز طوبى لك ثم طوبى لك ع ع مقابله شد

هواللّه

مصر حضرت ابى الفضائل علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

# **الله ابهى** یا بهائى الابهى اصبحت فى هذا الیوم النیروز و انوار تقدیسك متلئلئة

من كل الارجاء و آیات توحیدك متلوة فى السن كل الاشیاء

\* ص67 \*

و بینات تفریدك موضحة فى منشور كتاب الانشاء فطوبى لمن رتلّها ترتیلاً

یرنح اهل الملاء الاعلى و یسمعه اهل ملكوت الأبهى فسبحان ربى الاعلى

و لما یا الهى استقر بى المقام مقبلاً الى مطاف المقرّبین و اذا ً امامى

كتاب مسطور و لوح محفوظ ورق منشور یحتوى على حجج بالغه و براهین واضحه

و دلائل لائحه رداً على من رد علیك و شهاباً ثابقاً على من استرق

السمع و هو معترض علیك اى ربّ اید منشئها بتأئیدات ملكوتك

الأبهى و اشدد ازره بشدید القوى و انطقه بثنائك فى المجامع

العظمى و اجعله آیتك الكبرى و الحجة البالغه فى اثبات امرك

بین الورى و الایة الباهرة فى عالم الانشاء و الرایة المرتفعه على

صروح المجد الاعلی و الدرة الیتیمة و الجوهرة الفریده المتلئلئة فی اكلیل

العلى اى ربّ نور وجهه بانوار ساطعة من ملكوت الأبهى و اشعّة

بازغة من الافق الاعلى بما خدم امرك و اشهر برهانك و اظهر

دلیلك و بین سبیلك و زین صحائف التبیان بایات

توحیدك انك انت الكریم الرحیم ع ع مقابله شد

اسامى احباى ارض طا علیهم بهاء اللّه

كه بر حسب امر اقدس ارفع رعایت و كمكى بجهة قبرستان هندوستان

نموده اند بتفضیل ذیل است چون در عملشان خالص بودند

رجاى فضل و عنایت است و هوالمجیب

\* ص68 \*

جناب آقا محمّدعلى كاشانى جناب آقا میرزا حبیب اللّه جناب آقا میرزا

غلامحسین جناب آقا فرج اللّه ابوى جناب فرج الدوله و والدهءشان

جناب آقا میرزا خلیل جناب آقا میرزاجان دولابى جناب اقا

شكراللّه جناب حاجى كاظم جناب آقا محمّد جواد قناد جناب

اقا میرزا سیف اللّه جناب آقا میرزا احمد قزوینى جناب حسینقلی خان

جناب آقا میرزا آقاجان جناب آقا میرزا مهدى همدانى جناب

اقا عبداللّه جناب آقا میرزا آقاجان ابن یعقوب ربیع شمعان

خلفان مرحوم میرزا سلیمان جناب آقا میرزا آقاجان عطار جناب حق نظر

كاشانى آقا ابراهیم خیاط آقا عزیز پسرش آقا ماشیه كاشانى

اقا ارزا ابا الیاهو جناب آقا میرزا مختار جناب آقا میرزا خلیل

ص 69

جناب آقا میرزا رحیم آقا میرزا ابراهیم جناب میرزا مسیح جناب

اقا میرزا جلال آقا اسداللّه مهاجر اصفهانى آقا نصراللّه مهاجر

جناب آقا عبداللّه مهاجر آقا ذكریا جناب آقا میرزا رحیم على اكبر بیك

خانجان بیك میرزا حقوردى حاجى میرزا عبداللّه آقا میرزا ابوالحسن

آقا میرزا یونس خان حاجى میرزا على آقا سید حسین بزاز غریب آقا

محمّدحسن همدانى و آقا میرزا فضل اللّه حاجى میرزا حسین دوا فروش

اقا محمّدصادق حاجى عبدالعظیم جناب آقا شاطر غلامحسین و

اقا مشهدى على و آقا ماشاء اللّه و آقا محمّدحسین جناب آقا مشهدى

عباداللّه جناب قویشوكت ع ط

\* ص70 \*

 خط اصل 

# **هوالله** الهى و سیدى و موئلى و منائى هولاء عباد اخلصوا و جوهم لعظمتك و

سلطانك و زكّوا نفوسهم بحبك و عرفانك و احیوا ارواحهم بنسیم

مرّ من ریاض قدسك و شرحوا صدورهم بایات توحیدك الباهرة

فى آفاق بلادك اى ربّ اقبل منهم ما انفقوا فى سبیلك و ما بذلوا

فى انشاء مودع الامانات من هیاكل احبتك و انزل علیهم بركة

من سمائك و اجعلهم مخازن الثراء و معاون الوفاء و مؤیدا بما

یحبّون بین الورى و یرضون به من رحمتك الكبرى و مواهبك العظمى

اى ربّ عوّض على كل من انفق و بدّل عسر كل من یسّر بشئى فى

موارد الخبیر و ادفع عنه الضیر و اجعل بركتك حافة به و اهله انك

انت المعطى المحسن الوّهاب ع ع مقابله شد

طهران بواسطه جناب آقا محمّدعلى كاشانى جناب

حاجى غلامحسین علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى بنده حق در دورهاى سابق اثار قدرت الهیه و حقیقت امر

هرچند واضح و باهر بود ولى بظاهر امتحانات الهى شدید

و جاهلانرا مدار ترددّى حاصل زیرا شمس حقیقت از خلف

سحاب رقیق ساطع و لامع چه كه حضرت موعود را بحسب نصوص

قاطعهء صریحه شروطى در الواح الهى نازل و عوام ان نصوص را

\* ص71 \*

بظاهر ظاهر تفسیر مینمودند و چون مطابق فكر خویش نمییافتند محجوب و محروم

میماندند مثلاً ظهور حضرت قائم را شروطى مانند ظهور دجال و سفیانى

و لواى قاهر و سیف شاهر و سلطنت ظاهر و پیشآهنگى تیوس سبعه

و پرواز نقبا و نجبا از اطراف عالم بكعبه و ظهور اثار عجیبه و فتوح

شرق و غرب و خضوع عجم و عرب و سفك دماء علماء و گردش

هفت آسیاب بخون آن سفهاء و در انجیل شرائط ظهور نیز

منصوص و آن كسوف و خسوف و سقوط نجوم و تزلزل ارض

و ارتجاج جبال و فریاد و فغان قبائل و امم و نزول موعود بر سحاب

مركوم و هبوط جنود ملائكه و نفخ صور و صوت صافور و امثال

ذلك لهذا محتجبانرا بحسب ظاهر اسباب غدرى در دست و

همچنین ظهور قیامت كبرى را شروط تزلزل ارض و بعث قبور

و خروج اموات و تكور شمس و انشقاق قمر و انتثار نجوم و نسف

جبال و حشر وحوش و انفطار سما و امتداد صراط و نصب

میزان و حشر اجسام و تسّعر نیران و تزیین جنان و حور

و غلمان و فاكهة و رمّان و حوریات لم یطمثهنّ انس قبلهم

و لا جان بود یعنى قیامت موقوف بر ظهور جمیع این آثار بود

و جمیع این وقایع عظمى و قیامت كبرى را حضرت اعلى روحى

له الفداء میفرماید در طرفة العین واقع و در نفسى حاصل شد

و نفسى بوئى نبرد و ابداً ملتفت نشد اما این ظهور اعظم را

\* ص72 \*

الحمدللّه شروطى نه و عهودى نیست حجابى در میان نه و وسیلهء

حرمانى در دست نیست اولّا انكه حضرت اعلى روحى له الفداء

خطاباً باعظم اركان بیان میفرماید ایاك ایاك ان تحتجب

بالواحد البیانى او بما نزّل فى البیان یعنى در ظهور من یظهره اللّه

زنهار زنهار بواحد بیانى محتجب نشو لانه خلق عنده زیرا واحد

بیان خلق من یظهره اللّه است و واحد بیان هجده حروف حیند

و نوزدهم خود حضرت اعلى روحى له الفداست و لا بما نزّل

فى البیان و همچنین میفرماید زنهار زنهار مبادا بآنچه در بیان نازل

به آن از او محتجب گردید یعنى مبادا بگوئى كه در بیان چنین مذكور است

این دلالت بر این میكند كه من یظهره اللّه باید دو هزار سال بعد

ظاهر شود دیگر عدم شروط و عهود از این صریحتر چه پس معلوم شد

كه در این دور اعظم ابداً اسباب احتجابى نه حضرت اعلى

روحى له الفداء میفرمایند كه وقوعات قیامت كبرى كه در یوم

خمسین الف سنه باید وقوع یابد در طرفةالعین واقع شد باوجود

این بیانیها میگویند چرا مكتب من یظهره اللّه امتداد نیافت

و با صبیان محشور نگردید و الف با تا نخواند و طفل ابجدخوان

نگشت ملاحظه نمائید كه چقدر غافل و ابله و بلید و محتجبند

و از این گذشته ملاحظه نمائید كه در این دور الهى چگونه قدرت

نامتناهى ظاهر و اشكار شد در سلف محتجبین بمظاهر الهیه استناد

\* ص73 \*

جهل و عجز میدادند یكى ان تبتّعون الّا رجلاً مسحورا میگفت و دیگرى افترى

على الله ام به جنّة بر زبان میراند و دیگرى اذا رأوك ان یتخذوك

الا هزواً هذا الّذى بعث اللّه رسولا تكلّم میكرد و در كور مسیح بیا مریم

ماكان ابوك امرء سوء و ماكانت امّك بغیا اعتراض میكردند

و در كور حضرت موسى انّه لكبیر كم الّذى علّمكم السحر فرعون بر زبان میراند

و اقوام بسائر انبیا و مانراك اتبعك الّا اراذلنا بادى الرّاى

بكمال استهزا میگفتند اما در این یوم الهى و عصر ربّانى و قرن رحمانى

نفسى باینكلمات تفوّه ننمود كل قبائل و امم از ترك و فرنگ

و تاجیك و امریك و افریك شهادت بر عظمت و بزرگوارى

مظهر الهى دادند نهایت اینست كه انكار حقیقت و مظهریت

نمودند و بس و الیوم در جمیع اوراق و جرائد عالم امم متمدّنه شهادت

بر عظمت جمال مبارك میدهند پس ببین قوّت و قدرت كلمةاللّه

چگونه در عروق و اعصاب هیكل عالم تأثیر نموده حتّى بیانیها

نیز از نفوذ امر بهاء اللّه و سطوع انوار ملكوت ابهى و قوّه نافذهء

كلمةاللّه در میان اغیار اعتبارى حاصل نموده زیرا خلق كل را یك

طائفه میدانند مثلاً ملا هادى دولت آبادى در اصفهان در حضور

ذئب نجفى محض حفظ روح بیفتوحش بر روى منبر تبرّى تام

استغفراللّه از حضرت اعلى نمود و لعنت نمود و جان در برد

و چون بطهران آمد صمّ بكم عمى فهم لایرجعون بود پس از انكه

\* ص74 \*

نفوذ امر بهاء اللّه در اركان عالم تأثیر كرد شرق معطر شد و غرب

منوّر گشت و حكومت مأیوس از قلع و قمع شد و اكثر ناس در سر

سر طالب اطلّاع بر حقیقت حال شدند شخص معهود با متعلّقین و منتسبین

خویش در نزد اكابر و اعاظم طهران اظهار وجود نمودند و مشغول بترویج

اوهامات خویش گشتند جمهور ناس نیز جمیع را یك طائفه میدانستند

لهذا از طالبان بعضى پذیرفتند این باید سبب شكرانهء ایشان باشد

بالعكس بكفران برخواستند و در میان یار و اغیار اهل حق را هزار

افترا زدند و بدنام نمودند فسوف یرون انفسهم فى خسران مبین

از این گذشته جمیع یار و اغیار حتى افراد بیانیها مطلعند كه جناب

میرزا یحیى بعد از شهادت حضرت اعلى تاج درویشى بر سر نهاد

و كشكول فقر بدست و پوست طریقت بر دوش از مازندران

باین وضع فرار نمود و جمیع یاران را گیر داد و خود در نهایت تقیه

و خفا در مازندران و رشت سیر و گشت مینمود عاقبت چون جمال

مبارك در كمال ظهور و شكوه ببغداد وارد شدند او نیز خفیاً بلباسى

تبدیل حاضر و چون جمال مبارك بسلیمانیه تشریف بردند او

در سوق الشیوخ بغداد و سماوه و بصره بكفش فروشى مشغول

و مشهور بود و چون عودت ببغداد از راه نجف نمود بحاجى على

لاص فروش یعنى گچ فروشى معروف بود ابداً ذكرى از امر باقى

نمانده بود و چون جمال مبارك مراجعت فرمودند و اعلاء كلمة اللّه

\* ص75 \*

فرمودند و سفر اسلامبول شد و صیت و صوت حق جهانگیر گشت

و خوف و خطر نماند هركس از پس پرده برون آمد و میدانى یافت

و جولانى كرد كسى نگفت كه اى شهسوار میدان قبریس متظلّل در ظلّ

انگلیس تابحال كجا بودى یازده سال بغداد در چه حفره خزیده بودى

بعد از شهادت حضرت اعلى روحى له الفداء چه نصرتى شد و چه

استقامتى ظاهر گشت و در مقابل اعداء چه مقاومتى حاصل شد

جزاینكه بهفت شهید باصطلاح توقیع مرقوم گشت از جمله ملّا جعفر

در كاشان و سید محمّد ملیح در طهران و دیگران و در اخر هریك توقیع

ارسلوا لنا بكراً مرقوم بود و هیچ یك هم نیز الحمدللّه ارسال ننمود

و در لوح مسطور مرقوم گشت ان اللّه یحّب ان یراك بین الفین

من الحوریات و هرچه ممكن بود تزیید نساء شد از شیراز امّ

احمد از تفریش بدرى از مازندران رقیه و از بغداد متعدّد

با وجود این باینها قناعت نشد حرم محترمه حضرت اعلى همشیرهء ملّا رجب

على امّ المؤمنین و بنصّ قاطع حضرت اعلى ازدواج جایز نه

او نیز تصرّف شد و بعد از چند روز بحاج سید محمّد بخشیده گشت

دیگر نه صدائى نه ندائى نه ذكرى و نه ثنائى بكلّى امر حضرت اعلى

روحى له الفداء محو و نابود گردید و اگر جمال مبارك روحى لاحبائه

الفداء از سفر كردستان مراجعت نفرموده بودند و اللّه

الّذى لا اله الّا هو اسمى از این امر باقى نمانده بود و جمیع خویش

\* ص76 \*

و بیگانه باین شهادت میدهند بارى حال نیز در قبریس تحت حمایت

انگلیس الحمدللّه براحت و سرور مشغول و بیچارگان مریدان در طهران

بمواعد عرقوبیه و رمل و اسطرلاب وهمیّه ترغیب و تحریص

بر فساد و فتنه در حقّ حكومت گردید كه چنین و چنان خواهد شد

و بواسطهء مریدان بیخردان تاج و صولجان بخشیده شد و جمیع

گرفتار گشتند و آن بیچارگان بنكبت ابدى و خسران سرمدى مبتلا

شدند و خود در كمال راحت نه خوفى نه باكى و نه بیم از موقع

خطرناكى در كمال نعمت و آسودگى ایامى میگذراند بارى

مقصود اینست این مریدان كه در طهران عربده مینمودند و مطمئن

بوعده و وعید او بودند لازم بود كه او را بخواهند كه بطهران

قدم‌رنجه فرماید و سرور و سردار گردد و چنین تشویقات و

تحریصات را در انجا مجرى بدارد مظاهر الهیه و اولیاى الهى

آنچه بدیگران تكلیف مینمودند اوّل خود متصّدى آن میشدند

لكن جناب معلوم در قبریس در مهد امن وامان آرمیده و بیچارگان

مرید انرا دم توپ انداخت و بدار كشید اگر نفسى

انصاف دهد همین كفایت است و علیك البهاء الأبهى

مقابله شد ع ع

عشق‌اباد هواللّه جناب استاد محمّدعلى نقّاش

\* ص77 \*

و جناب استاد حسین ابن استاد على محمّد كاشى ساز و امةاللّه حرم جناب

اقا محمّدعلى علیهم بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى مشتاقان بقعه مبارك نوراء فى الحقیقه زحمت كشیدید و خدمت

نمودید و نیت صادق فرمودید و محض ترویج امور مشرق الاذكار

از طهران بان دیار شتافتید خدمتتان مقبول و محبوب و زحمتتان

ممدوح و مشكور آنچه كردید در راه حق بود و طلب رضاى حق

شبهه نیست كه این عمل مبرور سبب تقرب درگاه ربّ غفور

گردد و نتائج مستحسنه بخشد عبدالبهاء نهایت رضایت را

از شما دارد و طلب عون و عنایت نماید آنچه حضرت افنان

سدرهء مباركه جناب حاجى میرزا محمّدتقى علیه بهاء الله الأبهى

مصلحت بدانند همان عین حكمت است و مطابق مصلحت

و این اثر از شما ابد الاباد در اوّل مشرق اذكار باقى و برقرار ماند

امّا در خصوص حضور باین بقعهء مباركه در این ایام بسیار صعوبت دارد

بلكه سبب تزیید بغض و عداوت آشنایان بیگانه گردد

لهذا بوقت دیگر مرهون نمائید و علیكم التحیة و الثناء

این عبد محض آنكه شما را دراین اوّل مشرق الاذكار اثرى نمایان

باشد و سبب ذكر خیر در كرور و مرور اعصار بحضرت افنان

سدرهء مباركه جناب آقا سید احمد گفتم بعشق آباد مرقوم نمائید

\* ص78 \*

كه صحن داخل مشرق الاذكار را آجر كاشى نمایند و این مشرق الاذكار

چون اوّل تأسیسات الهیه است در قرون آتیه اهمیت

كبرى حاصل نماید و محل زیارت امم و ملل گردد و كل در حق بانى

و مؤسسان و بنّا و صانع و یاران كه بجهت رضاى الهى عزة

لامر الله بفعلكى قیام نمودند و چنین خضوعى و خشوعى فرمودند

طلب الطاف حضرت رحمن نمایند اثرى اعظم از این

الیوم در ابداع تصوّر نتوان نمود ع ع مقابله شد

هو الأبهى

ط جناب استاد علیمحمّد و جناب میرزا حسین و جناب میرزا

عبدالرحیم علیهم بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

جناب علیمحمّد كاشی‌ساز علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

# **هو الأبهى** اى مهماندار غرباى راه خدا خوشا بحال تو كه میزبان اسراء رحمن شدى

و بخدمت بیسر و سامانان سبیل یزدان پرداختى اگر كشف غطاء گردد

و رفع حجاب شود دیده بصیرت گشوده گردد وجمال حقیقت

جلوه نماید معلوم شود كه این خدمت نیست سلطنت دو جهانست

و شهنشاهى كیهان قسم بجوهر وجود كه این عبد غبطه مینماید ع ع

مقابله شد

\* ص79 \*

 خط اصل جناب میرزا حسین علیه بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى ناظر بمنظر اعلى در این چند روزه حیات دنیا خود را

به آلایش و آرزوى آسایش آلوده منما اگر راحت سرمدى خواهى

در صون حمایت جمال كبریا درآ و اگر نعمت ابدى جوئى در ظلّ

عنایت و الطاف رحمانى داخل شو این صون حمایت

و ظل عنایت انجذاب بنفحات قدس جمال احدیت است

و البهاء علیك ع ع مقابله شد

طهران هواللّه

بواسطه حضرت اسم اللّه منتسبین راجع الى اللّه استاد على محمّد

علیه بهاء الله الأبهى امةاللّه ضلع مرحوم جناب میرزا عبدالرحیم

جناب میرزا حسین جناب آقا میرزا عطاء اللّه جناب آقا میرزا حسن

جناب خانم سلطان علیهم بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى منتسبین بندهء الهى حمد كنید خدا را كه موفّق بر تقسیم میراث

بما انزله اللّه شدید این اوّل تقسیمست كه در این كور عظیم گشته انشاء اللّه

كل بشما اقتدا نموده مجرى خواهند داشت بمناسبت ذكر میشود كه مسئله

وصیت بسیار مهّمست نهایت اهتمام را هر نفسى باید در تنظیم وصیتنامه

بنماید كه كسى بدون وصیتنامه نباشد این از احكام قاطعه این دور عظیمست

\* ص80 \*

از خدا میطلبم كه بركتى در امور عنایت فرماید و سبب ربح موفور شود

و علیكم التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

ط هواللّه

جناب میرزا حسین ابن جناب استاد محمّد على كاشى طلائى ساز علیه بهاء اللّه الأبهى

# **هواللّه** اى شعله افروخته تبتّل و ترتیلت معلوم و مسموع و تضرّع و تهلیلت

در درگاه احدیت مقبول تا توانى باستان جمال ابهى عجز و نیاز نما

و بذكر اسم اعظم روحى له الفداء دمساز شو پدر باین صنعت

مدنیت پرور اثرى خواهد گذاشت كه صیت سرمدى گردد

و مقرّبى ابدى در درگاه احدیت شود و مظهر تائیدات و توفیقات

كلیه گردد حال ارسال ان صنعت باستان مقدس وقتش نه

انشاء اللّه وقتش ارسال میگردد و خبر داده میشود از خدا

بخواه كه وقتش برسد زیرا سبب موهبت است ع ع

جناب و الد ضجیعش و صبیه‌اش و جناب میرزا عبدالرحیم و ضلعش و

جناب میرزا نعیم و جناب آقا محمّدعلى نقّاش و جناب استاد

ابراهیم و جناب میرزا نعمةاللّه و صبیه مرحوم حاجى قاسم و ضلعش

و جناب میرزا نصیر كل را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید ع ع

مقابله شد

\* ص81 \*

تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلى

میانج محفل روحانى علیهم بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى بندگان صادق جمال مبارك محفل روحانى انسامان گلشن حضرت

یزدانست لهذا نفسى مشكین از ان بهشت برین میرسد و مشام مشتاقان

عنبرین میگردد هرچند یاران در آن دیار قلیلند و غافلان بسیار ولى

این قلت به از ان كثرت است شاعر عرب سموئل گفته تعیرنا

الاقوام انا قلیل عدادنا فقلت لهم انّ الكرام قلیل فما ضرنّا انّا

قلیل و جارنا عزیز و جار الاكثرین ذلیل میگوید كه دشمنان ما را

ملامت بقلّت مینمایند در جواب گویم دانایان بزرگوار همیشه قلیلند

و هرچند نفوس قبیلهء ما قلیل است ولكن هركس پناه آرد عزیز گردد

و بسا قبائل كثیره هستند كه پناه ندهند و ملتجى ایشان ذلیل گردد

حال یاران الهى نیز در انسامان هرچند قلیلند ولى جلیلند و مورد مواهب

ربّ قدیر و مشمول بلحاظ عنایت خداوند مجید بارى مطمئن بالطاف

بدیع الاوصاف باشید و همواره بوجد و طرب و سرور و حبور

و الفت و محبّت با یار و اغیار پردازید احباى الهى باید هریك

جانفشان دیگرى باشد تا مفتون و مجنون همدگر گردند اگر این

محبّت و وحدت جلوه نماید وصایا و نصائح جمال مبارك روحى

لاحبائه الفداء در حیز شهود تحقّق یابد و علیكم البهاء الأبهى

\* ص82 \*

اى بخشندهء مهربان یارانرا دل و جان شادمان كن و روح و وجدان

جنّت رضوان فرما در هر دمى تائیدى جدید بخش و در هر نفسى

نفس رحمانى بفرست نفوس را ایات هدى كن و وجوه را سُرج

ملأاعلى زبانها گویا كن و گوشها شنوا نما تا ترتیل ایات

تقدیس كنند و استماع الحان بدیع از ملكوت جدید هر یك را

كوكبى كن و از افق موهبت كبرى درخشنده فرما تا از مشرق هدى

بر قرون و اعصار بتابند توئى مقتدر و عزیز و بخشنده و درخشنده و دانا

لا اله انت العزیز المستعان ع ع مقابله شد

جناب بهاء السلطان حكمران میانج علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** یا من تزین اسمه انتساباً الى الاسم الاعظم ربّ و رجائى انّ

عبدك هذا قبل الیك ببصر ناظر و وجه ناضر و اخذ بیده الیمنى

كأس الهدى و شرب صهباء العرفان و یرید ان یسقى المخلصین

من هذا المدام ربّ اجعله حافظ الاحبّاء و صائن الاصفیاء

و خادماً لعتبة قدسك بین الورى و انصره بجنود ملائكة السّماء

انك انت القوى القدیر و انك انت الرّحمن الرحیم

ص 17 ج (1) 1338 حیفا عبدالبهاء عباس

مقابله شد

\* ص83 \*

بواسطه جناب آقا سید عبداللّه میانجى

جناب مشهدى رحمتاللّه و جناب اعتمادالعلماء علیهما بهاء اللّه

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى دو یار عزیز سرگونى من در اینجهان امن و امان و سر و سامان

چه كار آید اسودگى بدن و خفتن شب و گفتن روز و اندوختن در صبح

و افروختن در شام و راحت بستر عبقرى حسان و پرند و پرنیان

بچه كار انسان آید اوقاتى بهذیان بگذرد و چون بپایان رسد

زیان اندر زیان و خسران نمایان امّا سرگونى و بیسر و

سامانى و فلاكت و ناتوانى و صدمات و رسوائى و تنگناى

زندانى و فراز دار و جانفشانى و قربانگاه عشق ربانى این

نعمت موهبت جاودانى و عزّت ابدى و مسرت وجدانى

و كام دل و جانیست طوبى لمن فاز به بشرى لمن حاز به و

علیكما البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلى اسكوئى

میانج جناب آقا على عطّار علیه بهاء اللّه

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى عطّار تا توانى نفحهء مشكبار بر عالم نثار كن تا مشامها از

نافهء اسرار معطّر گردد عطار بلسان عربى عطرفروش را گویند

\* ص84 \*

لهذا چنین خطاب گردید و هرچند مشك وعنبر خوشبوى و معطّرند

ولى انتشار ان بمسافتى محدود و محصور اما نافهء اسرار شرق وغربرا

مشكبار نماید زیرا اگر گل گلستان الهى در خاور بشكفد بوى جانبخش

در باختر دلهاى مرده زنده نماید پس اى عطّار در چنین فكرى باش

تا گل بهشت برین گردى و پر طراوت و لطافت و رنگین شوى

و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

میانج جناب آقا عبدالاحد تاجر علیه بهاء اللّه

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى منجذب بنداى الهى آنچه مرقوم نموده بودى دلیل سلوك در سبیل

بود و برهان الطاف ربّ جلیل زیرا نفحه خوش محبت اللّه

از گلشن معانى استشمام شد و نور هدایت كبرى از مشكاه الفاظش

مشاهده گردید خدایا حیرانم نفوسى از شرق و غرب در سایهء شجرهء

مباركه درآیند و دست در اغوش نمایند یكى از خاور ایران و دیگرى

از باختر امریكا یكى از شمال اورپا و دیگرى از جنوب افریكا در یك

محفل الفت یافته و در یك انجمن اجتماع نموده ولى نفوسى كه بظاهر

آشنا بودند بیگانه گشتند اغنام بودند گرگان درنده شدند ایخدا

این چه حكمت است حیرت اندر حیرتست این شخص فرید عبدالاحد

\* ص85 \*

بظاهر دور و بحقیقت در محفل حاضر و محرم اسرار است و مقبول ابرار

اى خداوند توفیق بخش كه بعبودیتت قیام نماید و سبب هدایت

دیگران شود انك انت الكریم الرحیم الرحمن ع ع

مقابله شد

تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدر على اسكوئى

میانج جناب احد علیه بهاء اللّه الفردالصمّد

یا صاحبى السجن

هواللّه ایها المنشرح الصدر بایات الهدى المنجذب القلب بنفحات

مرّت من ریاض الملكوت الأعلى القریر العین بمشاهدة الایة

الكبرى القوى الروح بتأیید من شدید القوى انى رتلّت

آیات شكرك للّه بما ایدّك على الهدایة العظمى و الموهبته الكبرى

و سلك بك على الصرّاط المستقیم و بین لك المنهج القویم

و انّى بكل ذلّ و انكسار اتذلّل الى ملكوت العزیز الجبّار ان ینعم

صباحك و ینیر مصباحك و یملأ اقداحك بصهباء العلم و العرفان

حتّى تدیر تلك الكأس الطافحة بمحبةاللّه فى كلّ محفل یجتمع فیه

احبّاء اللّه و ینطقك ما تشاء و یعلمك من اسرار الملأ الاعلى و

یجعلك اسوة حسنة لكلّ من سمع و نادى و قال ربّنا اننّا سمنعا

منادیاً ینادى للایمان ان آمنوا برّبكم فامنّا

\* ص86 \*

الهى الهى هذا عبدك الّصدوق و رفیقك الّصدیق قد سمع النّدا

المرتفع فى الأوج الأعلى متوجّه الى ملكوتك الأبهى و خرّ ساجداً

لعظمتك بین الورى خاضعاً خاشعاً لسلطنتك الّتى احاطت كل

الاشیاء ربّ اجعله منادیاً الوفاق فى الآفاق و مبشرّاً بكلمة ربّ

الاشراق بین العشاق و اهد به النفّوس و نورّ به الوجوه و اشرح

به القلوب و بشّر به الأرواح بایات موهبتك یا رب الألطاف

انّك انت الكریم العزیز الوّهاب انك انت القوى المتین

ذو الفضل و الاحسان ع ع مقابله شد

میانج جناب واحد علیه بهاء اللّه الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** ایها الظئمان الى معین الحیوان تاللّه الحق قد اُزلفت الجنان

و تانقّت ایكة الرحمن و تدفقت حیاض العرفان و طفح كوثر

الأیقان بماء عذب فرات سائغ و شراب طوبى للشاربین

و انّى ابتهل الى الافق المبین ان یوردك ربّ العالمین على

الماء المعین و تروى غلّتك و تبرد لوعتك و تشفى علّتك

طوبى للشاربین ایها الجلیل اعلم انّ النّاس فى حیز تجلّى الرحمن

و مورد الفضل و الأحسان الّا كلّ نسناس محتجب بوسواس

\* ص87 \*

الخناس و لیس له نصیب من الكتاب و لا ینتبه لفصل الخطاب

اسئل اللّه ان یجعلك الهادى الى الصوّاب و المنادى لاولى

الألباب بحیّوا الى ربّ الأرباب فى یوم الأیاب ربّ ادرك

عبدالوحید و اجعله واحد العصر الجدید و الفرد المجید حتّى یحیى العظم

الرّمیم بنفحات قدسك فى ذلك القطر السحیق ربّ اجعله نجما

بازغاً و لساناً ناطقاً و سراجاً بارقاً و شجراً باسقاً حتى یؤادى الى

ظلّه كل خائف من یوم الوعید و العذاب الشدّید انك انت

الربّ المجید و انك انت الربّ الرحیم ع ع

مقابله شد

تبریز بواسطه آقا میرزا حیدرعلى اسكوئى

جناب آقا میراقاى میانجى علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان جناب حیدر قبل على اسكوئى در نامه خویش

بشفاعت زبان گشوده و از جناب آقا سید اسداللّه رجا نموده

كه عبدالبهاء باوجود عدم فرصت و مهلت نامه ئى بشما تحریر نماید

این شفاعت تأثیر سریع بخشید جمیع امور را گذاشته بنگارش

این نامه پرداختم تا بدانى كه دل و جان این عبد بمحبّت

یاران چون جام سرشار است علی‌الخصوص بان خلاصه ابرار

\* ص88 \*

مختصر اینست امروز روز مبارك است زیرا الطاف جمال ابهى مانند

سیل سائل و جیش صائل از جمیع جهات مهاجم است یاران

خویش را چنان امر و تربیت فرموده كه هر بیگانه خویش گشته

و اغیار یار شده ابواب رحمت كبرى بر وجه عالمیان گشوده

و دوستانرا تاجى از موهبت كبرى بر سرنهاده قطره را حكم دریا

بخشیده و سبزه را شجر با ثمر نموده حقیران را در ملكوت خویش

عزیز كرده و افتادگان را قیام ملكوتى بخشیده فقیرانرا بكنج روان

دلالت فرموده و گمگشتگان را بشاهراه حقیقت رسانده پس

بشكرانه این الطاف و اعطاف و اسعاف باید بر خدمت

امرش قیام نمائیم و بموجب وصایا و نصایحش عمل نمائیم تا جهان

تاریك روشن شود و گلخن غبطه گلزار و چمن گردد پرتو حقیقت

چنان بتابد كه عالم مجاز نسیاً منسیاً شود اینست صفت بهائیان

و اینست سمت ربانیان دوستانرا فرداً فرداً از قبل من نهایت

اشتیاق ابلاغ دارید و روى و موى ببوسید و علیك

البهاء الابهى ع ع مقابله شد

قزوین بواسطه حضرت حكیم علیه بهاء الله الأبهى

میانج احد زاده آقا میرزا علی اكبر علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** \* ص89 \* اى ثابت بر پیمان اوراق از شرق و غرب مانند باران نیسان

ریزانست و مشاغل دیگر بیحد و شمار لذا از اختصار در جواب

محزون مگردید مجبورم حضرت آقا احد ابوى در ملكوت سرمدى غرق

بحر غفرانست و در جهان اسرار از بادهء لقا جام سرشار است

الهى الهى هذا عبدك احد كان وحیدالمقرّبین و فرید المخلصین

و مجیدالثابتین ثبت على الأیمان و نبت فى جنّة الرضوان رجع

الیك بلسان ناطق و قلب طافح بصهباء محبّتك و كان یتحمل كلّ

مشقّة و بلاء من الاعداء و لایفتر فى الذكر و الثناء بل یتلئلأ وجهه

كالمصباح و یبذل البشائر و الافراح بكلّ قوّة و انشراح ربّ

انعم صباحه و انر مصاحبه و اغرقه فى غمار الالطاف و اجعله

ایة رحمتك فى ملكوت الغفران انك انت الكریم الرحیم

الوّهاب

اى ثابت بر پیمان الحمدللّه در محبّة الله دلى سوخته و رخى

افروخته دارى و در بلایا صبور و وقورى و پر همّت و غیورى بجناب

اقا میرزا فضل اللّه یادگار حاجى ایمان از قبل من نهایت اشتیاق

ابلاغ دارید امیدم چنانست كه در میانج ایمانرا مجّسم نماید تا

بزنجان سرایت كند و نورانیت سید اشرف و آقا بصیر

و حضرت طبیب را مصوّر فرماید و همچنین باحبّاى میانج از قبل

من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید از الطاف الهى بینهایت

\* ص90 \*

تضرّع و زارى و بیقرارى استدعا مینمایم كه آن نفوس محترمه احبّا را

نهایت شوق و شعف مبذول فرماید تا آهنگى بدیع بفلك اثیر

رسانند و در بارگاه قدس روحانیان را روح و ریحان بخشند

جمال الثانى 1338 عبدالبهاء عباس

مقابله شد

طهران بواسطه جناب امین

حضرت صلاح الدین عرب علیه بهاء اللّه

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** ایها الرّجل الرشید قد تلوت آیات شكرك للّه بما ایدك

على السلوك فى صراط الهدى و انقذك من النفس و الهوى

و ایدك بشدید القوى حتى تلوح و تضیئى بنور محبّةاللّه بین الورى

فعلیك بالاستقامة الكبرى على هذا المنهج البیضاء و الثبات

على هذه الطریقة السّمحة المُثلى و انّى ادعواللّه ان یجعلك

آیة كبرى باهرة بنورالعرفان ساطعة فى عالم الاكوان

منجذباً بنفحات الله مشتعلاً بنار محبّةاللّه محبّاً لعموم البشر

ناظراً الى المنظر الاكبر مظهر الرحمه و ایة الحب لعموم البرایا

و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

\* ص91 \*

هواللّه

خط مبارك رشت امةاللّه اخت ضجیع میرزا محمّد علی خان علیها بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى ورقهء روحانیه چشم بگشا و بملكوت ابهى توجه كن تا از جهان

پنهان سبحان ربّی الأبهى شنوى قسم بجمال قدم كه تأثیرات

اسم اعظم چنان در جان و وجدان حتى عظم و لحم ظاهر و اشكار

گردد كه عقل حیران و سرگردان شود نظر عنایت شامل بوده

و خواهد بود منتهاى آرزوى روحانى نهانى بعون و عنایت

الهیه میسّر گردد و البهاء علیك ع ع مقابله شد

هواللّه

خط مبارك رشت امةاللّه ضلع جناب میرزا محمّدعلی خان علیها بهاء اللّه

# **هواللّه** یا امةاللّه و الورقة المخضرّة الریانه بماء محبّة الله جناب خان

كوه و دشت و صحرا و دریا قطع فرمود تا انكه باستان مقدّس

جمال ابهى مطاف ملأ اعلى فائز گردید و چون سر بان استان

نهاد تضرّع و زارى نمود و از براى كل استدعاى آمرزگارى

فرمود و این عجز و زارى و تضرّع و بیقرارى و دعاى خالص

روحانى در ملكوت باقى مقبول افتاد و من شهادت میدهم

\* ص92 \*

كه در حق شما بهیچوجه كوتاهى ننمودند و البهاء علیك و على جمیع

اماء الرحمن كل را از قبل عبدالبهاء تحیت و تكبیر برسان

و بگو اى اماء رحمن وقت اشتعال و اشتغال و تضرّع و ابتهالست

ع ع مقابله شد

طهران بواسطهء آقا علی اصغر شیرازى

ضلع آقا میرزا محمّدعلی خان و همشیره علیهما بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى دو كنیز عزیز الهى پروردگار مهربان كنیزان پرهیزكار خواهد

تا سرج هدى گردند و نجوم تقوى سبب هدایت نساء شوند

و مؤید بجنود ملأاعلى لشكر حیات باشند و جیوش ملكوت

ابهى امیدوارم كه شما دو تا از انان گردید و علیكما البهاء

الأبهى ع ع مقابله شد

هواللّه

رشت جناب آقا میرزا محمّدعلى علیه بهاء الله الأبهى خط مبارك

# **الله ابهى** یا ایهاالمتشبّث بالحبل الوثیق انّ الكأس الانیق قد طفحت

بالرّحیق و انّ الزّجاج اللطیف قد تشعشع بالسراج المنیر و انّ

\* ص93 \*

الافق المبین قد استضاء بالنجم الساطع المضى و انّ العقد الثمین

قد رصّع بالیاقوت و الدّر الیتیم و انّ النهر العذب النمیر

قد فاض بالفیض الجلیل و لكن النّاس فى ظلمات العمى و فى

دركات السفلى و فى طبقات الحسرة الكبرى و فى حفرات

الجهل و الهوى و انك انت فا شكراللّه بما هداك و

عرفك مطلع الاذكار ع ع مقابله شد

ج هواللّه

خط مبارك انزلى جناب آقا میرزا محمّدعلی خان علیه بهاء الأبهى

# **هواللّه** اى بندهء حق احبّاى الهى در هر ارض الحمدللّه موجود و مشهود

و كل در ظل سدرهء وجود محشور الطاف حضرت بیچون چون

بحر بى پایان و عنایات ملكوت پى در پى چون باران

نیسان پس باید ربّ ارنى گفت و بوسائل و وسائطى

تشبّث نمود كه سبب تزاید این فیض گردد و علّت تكثیر

تائیدات غیب از اعظم وسائل ازدیاد الطاف از ملكوت

ابهى دلجوئى احباست و تطییب خاطر دوستان كما قال

دل بدست آور كه حج اكبر است ع ع جناب آقا میرزا آقا را

تكبیر ابهى ابلاغ فرمائید و همچنین سائر دوستانرا و البهاء

\* ص94 \*

علیك و علیهم اجمعین ع ع مقابله شد

هو الأبهى

جناب میرزا محمّدعلی خان علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند خط مبارك

# **هو الأبهى** اى شمع افروختهء محبّت الله الیوم وقت توكل است و هنگام توسّل

زمان جوش و خروش است و دم تائید هاتف و سروش چشم

ملأاعلى در انتظاراست كه فدائیان جمال ابهى روحى الارقائه فدا

در میدان وفا چه جانفشانى كنند و در انجمن هدى چه نور افشانى

در دبستان عالم چه سبقى درس دهند و در نزد ادیب الهى چه

دانش آموزند بارى وقت پرواز است و دم آغاز نشر

اسرار بقلوب پردازید و با ارواح دمساز گردید نفوس را تربیت

كنید و فائزین را تهنیت فرمائید در نشر نفحات الله بكردار

و رفتار و گفتار بكوشید ع ع مقابله شد

هواللّه

ورقه مطمئنه والده و ورقهء موقنه همشیره جناب آقا میرزا اسمعیل علیهما خط مبارك

بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى ورقات مخضرّه موقنه جناب آقا محمّداسمعیل دومرتبه

\* ص95 \*

بزیارت عتبه مقدسه فائز و بالنیابه از شما نیز در كمال ابتهال

زیارت نمود از فضل عظیم موفّق شد كه در روز چهارم عید قربان

حاضر بود و با جمیع یاران الهى در كمال خضوع و خشوع حمل كوزه با كل

نموده و از باغ عموم تا روضه مباركه متوّجها الى تلك العتبة المقدسه

تضرّع و ابتهال كرد پس شكر نمائید كه بچنین موهبتى موفق شد

و البهاء علیكما و على كل ثابت على المیثاق ع ع

مقابله شد

خط مبارك هواللّه

احباى رشت عموماً علیهم بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

جناب ابوى زائر آقا میرزا مهدى جناب میرزا ابراهیم خان جناب

علی اكبرخان جناب سید احمد جناب میرزا محمّدعلى

# **هو الأبهى** اى احبّاى جمال الهى در هر عهد و عصر كه شمس حقیقت از افق

تقدیس طلوع فرمود و انوارش بر آفاق اشراق كرد جمعى در ظلّ

كلمهء وحدانیتش جمع شدند و چون ان نیر اعظم از افق عالم

بحسب ظاهر و انظار امم افول فرمود ابواب امتحان باز

شد و اریاح افتتان بهیجان آمد آتش ازمایش افروخته

شد و دریاى بلایا بجوش آمد نفوسى چون جبل متین راسخ

و ثابت ماندند و گروهى چون بعوضه و پشّه بمرور نسیم

\* ص96\*

خفیفى پراكنده و پریشان و متحیر و بی‌نشان شدند و تا بحال در هیچ

كورى عهد و پیمان باین عظیمى و صریحى در میان نبود اگر چنآنچه لغزش

حاصل میشد تعجب نبود و استغراب نمیشد حال در این كور اعظم

اتم الحمدللّه شمع روشن است و شاید پیمان در كمال صباحت

و ملاحت ساقى انجمن عهد وثیق است در حق میثاق در كأس

انیق جمیع دول و ملل عالم بر این عهد قدیم مطلّع و آگاه و كل

بیخبران جهان باخبر ولى عجب اینست كه بعضى دوستان بكلى

از این نداء بیخبر و محروم بلكه بكلى مأیوس بارى الیوم جمیع دول

عالم و ملل و امم تعجّب از این نفوس مینمایند و میگویند ما بیگانه‌ایم

و از این میثاق الهى باخبر و هشیار و آشنایان بكلى بیگانه و

بیخبر و بیهوش الهى الهى ثبّت اقدام احبّائك

على عهدك و میثاقك و اشرح صدورهم بانوار الرّسوخ

على امرك انك انت المقتدر القدیر ع ع مقابله شد

هو الأبهى

رش احباى الهى علیهم بهاء الله الأبهى ملاحظه فرمایند خط مبارك

# **هو الأبهى** اى احباى الهى این جهان ترابى و خاكدان فانى اشیان مرغ

\* ص97 \*

خاكیست و لانه خفاش ظلمانى نه طیر الهى ملاحظه فرمائید كه طیور حدائق

قدس و نسور خطائر انس در هیچ عصرى در این گلخن فانى آرمیدند و یا

از شاخسار امال گلى چیدند و یا دمى راحت و اسایش دیدند و یا

انكه مسرّت جان یافتند و فسحت وجدان جستند هر صبحى را از شدت

بلایا شام تاریك دیدند و هر شامی را وقت سرگردانى و بی‌سرو سامانى

یافتند گاهى غل و زنجیر یوسفى اختیار نمودند و گاه تلخى شمشیر چون

سید حصور بكمال سرور چشیدند دمى اتش جانسوز نمردد را گلستان

یافتند و گهى صلیب و دار یهود را اوج ارزوى دل و جان

ملاحظه نمودند وقتى نیش ستمكاران را نوش یافتند و زمانى تیر

و تیغ یزدان را مرحم زخم دل ناتوان بارى اگر جهان بی‌بقا

و یا جهانیان بیوفا را قدر و بهائى بود اوّل این نفوسه مقدسه

تمناى آسایش و زندگانى مینمودند و آرزوى خوشى و كامرانى

پس یقین بدانید و چون نور مبین مشاهده كنید و اگاه و پرانتباه

گردید كه اهل هوش و دانش بلایاى سبیل الهى را راحت جان

و مسرت وجدان شمرند و مشقاترا صرف عنایات دانند زحمت را

رحمت بینند و نقمت را نعمت نامند ملح حاج صدمات را

عذب فرات خوانند و تنگى زندان را فسحت ایوان یابند

و حرارة محبّت الله با خمودت و جمودت جمع نشود و انجذابات

جمال اللّه با متانت و سكونت مجتمع نگردد آتش و ثلج دست

\* ص98 \*

در اغوش نشوند و كرهء نار در تحت برف و تلّ خسك و خار پنهان

نگردد اى احباى خدا صدا و ندائى و اى بندگان درگاه فغان

و آهى و اى عاشقان سوز و گدازى و اى عارفان نیاز و رازى

در الواح الهى ذكر حكمت گشته و بیان مراعات مقتضیات مكان

و وقت شده مراد سكون روحى و شئون عنصرى نبوده بلكه

مراد الهى این بوده كه شمع در جمع برافروزد نه در صحراى بینفع

ماء فیض الهى بر ارض طیبه نازل گردد و نه ارض جرزه و الا خاموشى

شمع را حكمت نتوان گفت و پریشانى جمع را علامت وحدت نتوان

شمرد افسردگى و مردگى حیات و زندگى تعبیر نشود و ناتوانى و

درماندگى و هوشمندى و زیركى نگردد ایدكم اللّه یا احباء اللّه على

الاشتعال بنار محبّت الله ع ع مقابله شد

ق جناب اسمعیل رشتى علیه بهاء الله الأبهى خط مبارك

# **هو الأبهى** اى بنده الهى مكتوب شما رسید مضمون مفهوم شد در خصوص

مكتوب از جناب زین بعموى شما مرقوم نموده بودند مكتوب

باو ثمرى ندهد بلكه آنچه ثمر دهد حالت و رفتار و كردار و گفتار شماست

اگر در مراجعت ملاحظه نماید كه شما ان آقا محمّداسمعیل پیش نیستید

\* ص99 \*

البته منقلب گردد چه كه نفحات قدس استشمام نماید پس شما بكوشید تا خلق

و خوئى و گشایش روئى و تبتل و توجهى و ترتل و تضرعى حاصل نمائید

كه سزاوار احباء حق باشد ع ع مقابله شد

هو الأبهى

خط مبارك رش جناب میرزا مهدى علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هو الأبهى** اى شمع حب اگر در زجاجهء ملكوت ابهى شعله افروزى خواهى در این

ناسوت ادنى جانفشانى كن و اگر در بحر اعظم غوطه خورى جوئى در بیداء

عشق سرگردان شو و اگر مقام خلت طلبى در اتش نمرودى برداً و سلام جو

و اگر شعلهء طور و لمعهء نور جوئى در بریه سیناء بجان بشتاب و اگر مقام

حصور جوئی چون یحیى سر و جان فدا نما و اگر نفحات سیدالشهدا

استشمام خواهى در دشت كرب و بلا خون خویش سبیل كن هذا شأن

العشاق و هذا وصف المشتاق ع ع مقابله شد

هو الأبهى

خط مبارك رشت جناب شیخ محمّد علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هو الأبهى** \* ص100 \* یا من سمع الندا و انجذب الى الملكوت الأعلى قد تزلزل اركان الشرك

من سطوع انوار التوحید و تشتّت شمل الضلال بما هجم افواج جنودالهدى

ناشرة اعلام التأئید و انشق حجاب الظلّماء بما لاحت انوار صباح

الفلاح من جمیع الارجاء قد اهتزت و ربّ ارض الوجود بما فاضت

سحائب الفیض بماء التجلّى علی الدیار قد تمایلت اشجار حدائق التقدیس

من النسیم التى مرت من جنّة النعیم فى هذه الریاض فطوبى لمن اتخذ نصیباً

و تضلع نسیما و استنشق شمیما و حاز نعیما و البهاء علیك و على كل ثابت

متمسكاً عهدا قدیما ع ع مقابله شد

هو الأبهى

رش و الدهء جناب آقا محمّداسمعیل علیها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هو الأبهی الأبهى** اى ورقهء طیبهء زكیه اگر بالطاف جمال قدم در حق اماء رحمن پى بری

از شدّت بشارت و وفور مسرّت بر پرى و حجبات اماء محتجبات را

بردرى و چون فرشته و پرى پرى گشائى و از خضیض مراتب ترابى

و پستى و نیستى برى گردى و باوج سعود و شهود جمال مقصود صعود نمائى

ذلك من فضله و یختص به من یشاء من عباده و امائه انه لهو الفضال المجید

ع ع مقابله شد

\* ص101 \*

هوالحفیظ

خط مبارك در مدینهء كبیره آقا نصراللّه علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هوالأقدس** اى طالب رضاى الهى لم یزل نظر عنایت شامل تو بوده و خواهد بود

از الطاف جلیله حضرت رب عظیم و خداوند كریم امیدوارم كه در كل

شئون و احوال مؤید بعون و صون رب متعال باشید و در جمیع اوقات

در عتبهء باهرة الایات بادعیه روحانیه در حق شما مشغولیم و بیاد

دوستان مألوف در آن مدینه كه شما الان ساکنید نظر بحكمتهاى

خفیه بنص صریح تبلیغ را در این اوان منع فرمودند و اگر مباین منع صریح

حركتى شود البتّه مضرّت كلیه حاصل گردد لهذا اگر چنآنچه در انجا حتّى

از اعجام اگر كسى پاپى شود و یا خود اظهار طلب و جستجو نماید و عجز

و لابه نماید البته باو كلمه در اینخصوص تكلم ننمائید بلكه مشغول بكسب

و كار خود باشید تا انكه شما را در یوم مرهون بایران روانه نمائیم

انشاء اللّه در انجا با جمیع قوى در اعلاء ذكراللّه میكوشید

حال در ان ارض سكوت و صمت را دستورالعمل نمائید و

بتربیت اخلاق و تحسین احوال مشغول گردید و البهاء علیك

ع ع

مقابله شد

\* ص102 \*

جناب آقا محمّدمهدى واعظ رشتى علیه بهاء الله الأبهى خط مبارك

# **هو الأبهى** اى معرض مصائب شدیده این مصیبت وارده هرچند رزیه عظمى

و بلیه كبرى بود ولى صبر و تحمّل انجناب موهبتى از خدا ان

ولد عزیز چون در اواخر ایام از جام لبریز حق سرمست گشت و

در نهایت توجه بملكوت احدیت بود لهذا صعودش حكم عروج

داشت و وفاتش حیات ابدى بود حال چون مرغ صبحدم در ریاض

ملكوت ترنم و نغم است و بر شاخسار جهان بقا در تغنى دمبدم

سرمست كأس عنایت است و مدهوش صهباى عفو و مغفرت

تو دل خوش دار و راضى بقضا شو انمّا یوفى الصابرون اجرهم

بغیر حساب و البهاء على كل صابر على البلاء ع ع جناب حاجى

محمّداسمعیل را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید مقابله شد

بواسطه جناب میرزا اسحق خان علیه بهاء الله الأبهى

جناب میرزا علی خان گوران علیه بهاء اللّه الأبهى

# **هواللّه** اى بندهء استان یزدان الحمدللّه دل وادى ایمن شد و سینه

صحرای سینا گشت شعلهء نور برافروخت و طور دل و جان

روشن و تابان گردید نداى الهى شنیدى و از طور ایمن نغمهء

\* ص103 \*

انظر ترانى استماع فرمودى قدر این موهبت بدان و بشكرانه

این هدایت زبان بگشا و علیك البهاء الأبهى 29 ربیع 1338

عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطهء جناب آقا محمّدحسین نراقى و جناب آقا میرزا تقى خان زائر

جناب آقا میرزا یحیى علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى سمى سید حصور بحر الطاف بیپایان چنان باوج زد

كه سواحل كائنات از فیض نامنتناهى سیراب شد لهذا در عالم

ایجاد حركت و جنبشى عجیب حاصل گشت و بركت و انتعاشى

عظیم ظهور یافت عقول صعود نمود و ادراك شدید گشت حركات

سریع گردید و ترّقى در جمیع مراتب بنهایت قوّت جلوه نمود اینست

كه اكتشافات عظیمه گشت و مشروعات جلیله تاسیس یافت

و صنایع بدیعه جلوه نمود و اسرار كائنات از حیز غیب بعرضهء شهود

ظاهر و هویدا گشت پس باید جمیع یاران همتى نمایان اشكار وعیان كنند

تا ایجاد صنعتى جدید فرمایند یا اكتشاف فنّى بدیع كنند یا بمشروعى

عظیم پردازند یا قوّت و موهبتى در عالم انسانى بنمایند از خدا

خواهم كه در جمیع موارد موفّق و مؤید باشى و علیك البهاء الأبهى

ع ع مقابله شد

\* ص104 \*

بواسطه جناب ملاحسین غضنفر ابن غضنفر

بارفروش جناب آقا رضاى صحاف علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى صحّاف چون بصحف الهیه و صحائف ربانیه رجوع نمائى و در معانى

مندمجه مندرجه در ان تامل فرمائى جمیع بشارات و ایات بر ظهور نور

حقیقت و مركز رحمانیت است حدیث كل ما فى التوارة و الانجیل

و الزبور فی القران و كل ما فی القران فی الفاتحة و كلّما فى الفاتحة

فی البسملة و كلّما فی البسملة فى البا را فراموش منما ولكن چه فائده

كه ناس را چشمى نابینا و گوشى ناشنوا چه خوش گفته نكته رمز سنائى

پیش نادان چنان پیش كر بربط سرا و پیش كور آئینه دار سبحان اللّه

چه امر عجیبى است و چه كیفیت غریب اهل كتاب متوارى در حجاب

و نفوس امّى واقف بر اسرار خطاب و هذا من فضل ربی العزیز

الوهاب و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

قزوین بواسطهء جناب حكیم

جناب میرزا باقر درویش المتخلّص بمسعود علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى ناظم لئالى لئلا منظومهء غرّآء خریدهء نورآء یتیمهء عصماء

\* ص105 \*

ملاحظه گردید نغمهء بلبل معانى بود و ترانهء عندلیب رحمانى شهناز حمامهء

حدائق بود و آواز ورقاء گلشن حقائق فى الحقیقه در نهایت سلامت

مانند آب روان بود و در غایت فصاحت و بلاغت نطق طوطى

شكرخوا شعر باید چنین باشد نغمهء علیین باشد و آهنگ بهشت برین باشد

و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

طهران

جناب آقا محمّدعلى كاشانى و جناب آقا میرزاعلیمحمّد خیاط علیهما

بهاء الله الأبهى ملاحظه فرمایند

یا صاحبى السجن

هواللّه الهى و رجائى و حرزى و منائى و موئلى و غیاثى ترانى متذللاً منكسراً

مكبّاً بوجهى على الترّاب راجیاً متمنیاً عفوك و غفرانك للّذى قصد

باب رحمتك و سمّیته فى عالم الاسماء باسم مشتّق من الهدى عبدك

مهدى من طلب السلوك فى المنهج البیضاء رب انعم صباحه و انر مصباحه

و طیّب اسراره و ابق اثاره و اقض اوطاره و قربّه الیك و ادخله

علیك و نورّ جبینه بانوارالقبول بین یدیك ثمّ ارجوك یا غفور

ان تنزل طبقات النور من العفو و الغفران على رمس الورقة المطمئنة

الرّاجعة الیك والدة عبدك محمّد قبل على و ان تغرق اخاه

فى بحار الرّحمة و الغفران و توّیدهما بالدخول فى جنة الرضوان

\* ص106 \*

و تملأ لهما كأس العطاء بالفضل و الاحسان و تنزلهما فى نزل مبارك

جنتك العلیا و رنّحهما بصهباء البقاء و انلهما اقداح الوفاء و اجعلهما

ایتى رحمتك الكبرى فى جنّة الأبهى انك انت الغفور الرّحیم

الكریم و الوّهاب ع ع مقابله شد

حضرات ذوی القرباى جناب زائر میرزا علیمحمّدخان علیهم و علیهن البهاء

الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى منتسبان حضرت زائر جناب خان كوه و بیابان پیمود و از صحرا

و دریا مرور نمود تا اینكه بانحدود و ثغور رسید ایامى چند مونس این آواره بود

و معاشر این افتاده فى الحقیقه دلى طیب و طاهر از اب و گل دارد و جانى

منجذب جانان از الطاف بیپایان حضرت رحمن امیدم چنانست

كه با نهایت روح و ریحان و روحى مستبشر ببشارات حضرت یزدان

و نفسى در نهایت اطمینان رجوع بانسامان نماید لهذا بذكر آن یاران

و اماء رحمن پرداختم تا بدانند كه او یاد ایشان نمود و ذكرشان

در این بساط فرمود و از براى هریك نامه مخصوص خواست

ولى افسوس كه من فرصت ندارم و از كثرت مشاغل و غوائل از عهده

برنیایم ولى این نامه بعموم مینگارم كه فى الحقیقه بهتر از نامه های

مختصر است زیرا مفصّل است و بیان احساسات جان

\* ص107 \*

و وجدان اى دوستان حقیقى الحمدللّه آن خاندان مانند چمن از رشحات سحاب

هدایت كبرى در طراوت و لطافت بیمنتهى و شمس حقیقت پرتوى بر آن خانواده

انداخت تا بنور هدایت كبرى نورانیت تامه یافت و از روحانیت

ملكوت ابهى بهره و نصیب برد این موهبت تاجیست كه گوهر درخشنده اش

در جهان ابدى روشن و تابان و جمیع اندودمان در قرون و اعصار آتیه

سرفرازند و باین موهبت كبرى ممتاز در یوم ظهور و قرن مجلّى طور هر نفسى

از كأس طهور قطره ئى نوشید پرتوى یافت ان قطره دریا شد و آن

سراج در ممّر اعصار آفتاب گردید ملاحظه نمائید كه در قرون اولى

هر نفسیكه باستان الهى انتساب یافت بعد در عالم وجود و حیز شهود

چه جلوه و ظهورى نمود حال هزاران درجه افزونست زیرا عصر عصر حضرت

بیچون است و قرن قرن حی قیوم لهذا این عصر و قرن در جمیع مراتب

تفوّق و امتیاز بر سائر قرون دارد و در نزد اهل دانش و فضلاى این

عصر از مورخّین و غیره محقق و مسلّم است كه ماثر این قرن از مفاخر پنجاه قرن

افزون است و این قرن حكم آفتاب دارد و قرون سائره حكم نجوم

این عصر نظیر بحر است و سائر اعصار بمثابهء نهر مثلاً اگر اثار و اكتشافات

و معارف و صنایع و بدایع و فنون و علوم پنجاه قرن را با این قرن

نورانى مقایسه كنى البتّه فضائل این قرن رحمانى بر ماثر جمیع قرون

ماضیه افزونست مثلاً اگر تألیف و كتب قرون اولى بتمامها

و قرون وسطى باسرها و قرون اخیره باجمعها جمع گردد

\* ص108 \*

یقین است كه تالیف و صحائف این قرن عظیم افزونست و همچنین صنایع

و بدایع و اكتشافات فنیه و مشروعات مفیده و مدنیت كامله

و اتساع افكار و ازدیاد فهم و ادراك و ظهور اسرار كائنات و بروز

حقایق ممكنات این قضیه مسلّم عمومست و كل اقرار و اعتراف مینمایند

ولى از سبب حصول این علویت و ظهور این فضائل و موجد این ترقى

و فلاح و نجاح غافلند افسوس كه بر خوان نعمت حاضرند و از خانسالار

غافل بحركت فوق العاده ناظرند ولى از محرّك ذاهل و در این روضه

غناء و حدیقه غلباء در نهایت شوق و شعف و انبساط ولى

از باغبان بیخبر بارى تضرّع بدرگاه كبریا نمائید كه این خفتگانرا

بیدار كند و این غافلانرا هوشیار نماید و این اطفال را بدرجه رشد

و بلوغ رساند تا بدانند كه بعنایت چه پدرى مهربان این ثدى رحمت را

رضیعند و این مهد الطاف را طفل عزیز تا انتباه رفع اشتباه كند

و بیدارى هوشیارى بخشد و بشكرانهء حضرت بارى پردارند بارى

ان یاران و اماء رحمن باید ستایش خداوند افرینش نمایند كه الحمدللّه

در ظلّ ظلیلند و مشمول عین عنایت ربّ جلّیل در بحر رحمت غریقند

و توفیق نعم الرّفیق بندگان جمال مباركند و كنیزان اسم اعظم

و منسوبان عتبهء مقدسه و علیكم و علیكن البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

\* ص109 \*

خط اصل

جناب هاشم علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اقا هاشم از خدا خواهم كه در ظلّ شجره مباركه نشو و نما نمائى و چنان قائم گردى

كه چون سرو روان در بوستان محبّة الله بخرامى عبدالبهاء عباس

مقابله شد

خط اصل

ق امةاللّه ورقه طیبه حبیبه علیها بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى ورقهء طیبه نونهال بوستان الهى جناب میرزا طرازاللّه دائماً

در قلب بذكر تو مشغول بود و در طواف روضهء مقدسه بیاد تو

مألوف آنى تو را فراموش ننمود شكر كن كه چنین برادرى دارى

و البهاء علیك یا امةاللّه ع ع ورقهء روحیه مهرّیه و ورقهء

نوریه خاتون جان را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید ع ع

مقابله شد

بواسطهء آقا میرزا منیر و امةاللّه المنجذبه فائزه

طهران جناب آقا سید هاشم علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى بندهء الهى از عسرت و شدّت مأیوس مشو بلكه بعفو و الطاف

\* ص110 \*

الهى امیدوار باش انكه بپدر عنایت كرد بپسر نیز میدهد ولى باید

در سبیل رضاى الهى همواره سلوك نمائى این شرط است

تا مظهر عون و صون جمال مبارك گردى و الطاف بیپایان

یابى من در حق تو دعا مینمایم و تأیید جدیدى میطلبم و علیك

البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

قزوین جناب آقا سید هاشم علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى بنده استان جمال ابهى نامهء شما ملاحظه گردید از كثرت كار

و مشغولى بال جواب باختصار مرقوم میگردد از الطاف افق

حقیقت و نیر رحمانیت مستدعیم كه نهایت آمال و ارزوى

ان یار معنوى در دو جهان میسّر گردد و موفّق بخدمت دلبر

آفاق گردى ورقه مبتهله والده را تحیت ابدع ابهى ابلاغ دار

و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

قزوین جناب آقا سید هاشم و ورقهء موقنه امةاللّه والده و ورقهء

منجذبه امةاللّه ضجیع علیه و علیهما بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى مشتاقان روى اندلبر مهربان الحمدللّه مدینهء قزوین چنین

\* ص111 \*

ضیافتگاه علّیین گردید كه در عید رضوان مائده رحمن از ملكوت اسمان

نازل شد محافل توحید اراسته گشت و انجمن خلق جدید تزئین یافت

تلاوت ایات شد ترتیل مناجات گشت و بیان بینات

قصائد و محامد و نعوت الهیه اهل ملكوت را باهتزاز آورد و عبدالبهاء را

بجان و دل در عالم مقدّس از اب و گل همدم و همراز و دمساز كرد

ملاحظه نمائید كه ان قلب حزین از نفحات ریاض الفت احباى الهى

چقدر سرور و تمكین حاصل مینماید كاشكى جمیع مدن اقتباس از اتحّاد

و یگانگى و محبّت و الفت احبّاى قزوین مینمودند و علیكم التحیة

و الثناء ع ع مقابله شد

هواللّه طهران بواسطه جناب امین

جناب آقا سید هاشم سلیل جلیل من فاز بالرفیق الاعلى آقا میرزا علی نقى علیه

بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى بندهء بها حقّا كه نجل ...[[5]](#footnote-5) ان بزرگوارى صهر جلیل سمندر نار

از عنصر جان ودل منبعثى نه مجرّد اب و گل سرّ پدرى و نور دیدهء

ان پاك گهر در ملكوت ابهى از تو خوشنود و شادمانست و

در ملأاعلى متباهى باین پسر ثابت بر پیمان شكر كن خدا را كه سراج

پدر بهّاج را وهاّج نمودى و زجاج انخاندان را منوّر كردى این

نور پرتو محبّت جمال ابهیست و این دُهن معرفت حضرت

\* ص112 \*

كبریاء و این فتیل قلب منجذب به جمال اللّه و این قندیل رخ مزّین بنضرهء

رحمن و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت امین علیه بهاء الله الأبهى

ارض ط سادات خمس علیهم بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى الأبهى** اى برادران چون اختران در یوم موعود چون نجوم محمود از مطلع صبح

شهود طالع گشتید و در فجر ابداع ساطع شدید متقبس از شمس حقیقت

گشتید و مستضئى از مشكاة رحمانیت ایات هدى شدید در ایات

موهبت كبرى در ظلّ سدرهء منتهى مأوى جستید و در سایهء شجرهء طوبى

آرمیدید ملحوظ نظر عنایتید و منظور نظر احدیت جمال قدم روحى

لاحبائه الفداء ظهیر و نصیر شماست و اسم اعظم مجیر و دستگیر جناب

امین علیه بهاء الله الأبهى نهایت ستایش را از شما مینمایند كه

در خدمت امر الله بجان ودل میكوشید و در اطاعت امر الله

جهد بلیغ مینمائید جزاكم اللّه جزاء موفوراً و جعل سعیكم مشكوراً

و قلوبكم زجاجات التقوى و ارواحكم مصابیح الهدى و وجوهكم

نجوماً تنكشف بها حجب الظلماء و البهاء علیكم ع ع یا صاحبى السجن

\* ص113 \*

بواسطهء جناب بهائى هواللّه

مناجات طلب مغفرت لمن فاز بالرّفیق الاعلى آقا میر علینقى علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** الهى الهى قد كل لسانى عند بیانى لاسرار ملكوتك و شروحى ایات

جبروتك و اثار فیض لاهوتك حیث عجز ادراكى عن الوصول

الى مدارك نعتك و ثنائك فتعالت قدرتك و تسامت

عظمتك و تجللّت سلطنتك و عظمت مغفرتك ربّى ربّى

انّ عبدك و ابن امتك هذا المقّر بوحدانیتك المعترف

بفردانیتك المنجذب بنفحاتك المرتل لایاتك المصّدق

بكلماتك قد رجع الیك و وفد علیك و ورد بین یدیك

مستغفر الذنوبه مستتر العیوبه مستعیناً بك مسترجیاً لعطائک

مستغنیاً ببابك ربّ ربّ اكرم مثواه و یسّر مناه و اجعل له

مرفقاً یا ربّ الاسماء الحسنى فاجعل خاتمته فى المطاف فاتحة

للالطاف و اسمح له بالاسعاف و اجعله جوهر العفاف

و ادخله فى ملكوت الاسرار و زین وجهه بانوارالغفران و

ارزقه لقائك فى جنّة الرضوان و ادخله مدخل صدق فى

بحبوحة الجنان و افرغ الصبر على الاخوان و الخلّان حتّى

یتجلّدوا فى هذه المصیبته القاصمه لظهور الاقران و المحرقة

لقلوب اهل الایمان انك انت الغفور الكریم الرحیم

\* ص114 \*

المنّان ع ع مقابله شد

قزوین بواسطهء حضرت سمندر نار موقدهء الهیه

جناب آقا سید هاشم و امةاللّه والدهءشان مطمئنه ضجیع‌شان علیه و

علیهما بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى گل و ریاحین بهشت برین محبّت الله حضرت سمندر نار موقدهء الهیه

ستایش مفصّل از آن منجذبان جمال ابهى نموده اند كه الحمدللّه از جام محبت اللّه

چهره افروخته اند و در دبستان معرفت اللّه معانى كلیه آموخته از رویشان

نور اشتیاق پرلمعانست و از دل و جانشان شعله عشق بمثابه نائره

نیران بذكر حق مشغولند و بنفحات قدس مألوف این مضمونرا باشاره

و لطیف العباره در غایت اختصار مرقوم نموده بودند لكن بحلاوتى كه

فى الحقیقه سبب سرور قلوب بود پس شكر خدا را كه احبایش را بنسیم جانپرور

ملكوت ابهایش مألوف فرمود و دوستانرا بگلستان موهبت

هدایت نمود خوان نعمت رحمانیتش در بسیط زمین مبسوط گشته و اثار وفا

و عطایش در محیط آفاق مشهود شده هر نفسى را در نقطهء مانند شمع روشن

نموده و روشنائى جمع فرموده له الفضل و الجود و له الاحسان على كلّ

موجود نشكره على فضله و رحمة و موهبته فى هذا الیوم المشهود ع ع

مقابله شد

از صفحه 115 تا صفحه 119 در اصل كتاب

سفید بوده است

\* ص120 \*

بواسطهء جناب بشیر الهى

جناب میرزا محمّدخان علیه بهاء اللّه الأبهى خط كاتب

# **هواللّه** اى سر مست پیمانه پیمان جناب بشیر ستایش زیاد از حسن خدمت آن یار عزیز

نموده اند بسیار سبب فرح و انبساط گشت كه موفق بر این خدمت گشتید و مؤید

باین موهبت شدید قدر آن را بدان و بشكرانه این موفقیت زبان

بستایش حضرت احدیت بگشا و علیك التحیة و الثناء ع ع

خط کاتب

# **هواللّه** بواسطه جناب بشیر الهى

جناب مصطفى خان ابن میرزا محمّدخان غلام علیه بهاء الله الأبهى

اى آواره سبیل الهى پریشانى و بیسر و سامانى در ره عشق كامرانى و شادمانیست

نظر بپایان كار نما زیرا عاقبت این پریشانى جمعیتست و نهایت این آوارگى

پناه حضرت احدیت اگر از قطره محروم شدى الحمدللّه بحر بیپایان در مقابل

دارى و اگر از ذرّه محجوب شدى آفتابى روشن در پیش دارى از حق طلبم كه

آنچه نهایت امال و آرزوى تست میسّر گردد و علیك التحیة و الثناء ع ع

\* ص121 \*

خط كاتب طهران بواسطه حاجى میرزا عبداللّه و آقا محمّدصادق

جناب مصطفى خان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** یا رب السموات العلى و مغیث الورى و ملجاء الضعفا و ملاذ الفقرآ ان عبدك

مصطفى قد تبرء من الضلالة و الغوى و اهتدى بنورالهدى و یدعوك بكلّ

تضرّع و انكسار و یقول یا ربى المختار اغثنى من ملكوت الاسرار اجعل لى مقاماً

علیاً فى عالم الانوار رب اجب له الدعاء و یسّر مناه و اكرم امّه و اباه و قدر

لهما ما یحب و یرضى و اجعلهما تحت لحاظ عین عنایتك محفوظین برعایتك

و كلائتك انك انت القوى القدیر ع ع

مقابله شد

بواسطه جناب آقا سید صادق

خط كاتب جناب مصطفى خان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بنده صادق حق شكر كن خدا را كه شبستان قلب بایقاد سراج هدى

منور گشت و جبین بپرتو نور مبین مزین شد جان منجذب ملكوت ابهى

گشت و وجدان مملّو از احساسات حیز لامكان در ایندم كه رشحات

سحاب عنایت از ابر رحمت فائض من بیاد آن ثابت راسخ پرداخته و با

وجود عدم فرصت بنگارش نامه مشغول گردیده تا بدرگاه احدیت حمد و شكر

\* ص122 \*

نمائى و از الطاف سلطان احدیت شادمان و كامران گردى ع ع

مقابله شد

# **هو الأبهى** اى ناطق بذكر الهى هر چند در نهایت خستگى و مشقت و ناتوانى و كسالت در

این ساعت هستم چه كه از طلوع فجر تا بحال یا بكتابت و یا بجواب مسائل بعضى

از ارباب فضیلت و یا خود در مهام امور و یا انكه در كوشش و جوشش با اهل

قبور مشغول بودم با وجود این موانست یار و مجالست اغیار نیز درجاى

خود مستمر و برقرار است با وجود اینها همه من بیاد دوستان چنان پر

روح و ریحانم كه گویا در بحبوحه جانم و در وسط جنت رضوان بارى در

این ایام بكوشید كه چون نجوم هدى از مطالع صفات و اسماء طالع

گردید و البهاء علیك ع ع مقابله شد

# **هو الأبهى** اى منجذب بملكوت ابهى شكر كن خدا را كه باشراقات انوار شمس احدیت

قلبت روشن گشت و جانت گلشن گردید آیت كبراى جمال كبریا را

مشاهده نمودى و پرتو انوار شمس احدیت هدایت یافتى كاس عرفان

را از ید ساقى الطاف نوشیدى و سلسبیل ایقان را از معین رحمانیت

\* ص123 \*

چشیدى این فضل اعظم چون ستاره صبحگاهى از افق جاودانى روشن و منیر است

ولكن جاهلان و غافلان محجوب و محروم از این موهبت رحمانى عنقریب اثار

باهره این بخشش الهى از مطلع آمال ظاهر و باهر گردد و آیات لامعه این

فیض نامتناهى در لوح منشور آفاق و انفس تلاوت شود و البهاء علیك

و على كل موقن كریم ع ع مقابله شد

اصفهان

خط كاتب

ورقات محترمه امةاللّه گل افروز امةاللّه انیس آغا امةاللّه میثاقى امةاللّه عهدى

امةاللّه عالیه خانم امةاللّه فرح انگیز امةاللّه فاطمه سلطان امةاللّه آغا بى بى

امةاللّه مونس امةاللّه همدم امةاللّه رقیه سلطان و امةاللّه گوهرخانم امةاللّه

رفعت خانم امةاللّه بشرى خانم امةاللّه رضوان خانم امةاللّه ماهرخ سلطان امةاللّه

بهجت خانم امةاللّه جهان سلطان امةاللّه طوبى خانم امةاللّه گوهرخانم امةاللّه

ضیائیه خانم امةاللّه منورخانم امةاللّه رضوان خانم امةاللّه عفت خانم

امةاللّه پری جان خانم امةاللّه عشرت خانم امةاللّه بداق سلطان امةاللّه ماه

سلطان امةاللّه آغابى بى امةاللّه جواهرخانم امةاللّه اشرف السادات

امةاللّه فرخنده خانم امةاللّه خانم آغا امةاللّه ربابه بیگم امةاللّه آغابى بى

امةاللّه رقیه سلطان امةاللّه آغابى بى امةاللّه رقیه سلطان امةاللّه اقابیگم

امةاللّه زهرا بیگم امةاللّه منیره خانم امةاللّه جلیله صبیه حاجى حیدر امةاللّه

جهان سلطان

# **هواللّه** \* ص124 \* اى ورقات سدره نورانیه درین صبحگاهى كه نور الهى از فجر رحمانى عالم پنهان

ساطع و لامع عبدالبهاء بذكر شما رایت وفا افراخته و بنگارش این نامه پرداخته

تا كل بدانید كه این جان و دل ینبوع رافت كبرى است و باحباى الهى و

اماء رحمانى بینهایت مهربان مقصود این است كه شما ازهار گلشن محبت

اللهید و ورقات شجره اصلها ثابت و فرعها فى السماء و این از مواهب حضرت

بهاء اللّه ستایش و نیایش باید تا بشكرانه پردازیم و تا اهنگ و ترانه و نغمه

جنگ و چغانه و تمایلات مستانه تأثیر شرب شبانه بخشد بفرح و سرور آئید و سعى

مشكور فرمائید و فضل موفور یابید و سبب هدایت جمهور گردید از باده محبت

اللّه چنان سرمست شوید كه جشن الست بر پا نمائید و از صهباى عشق

می‌پرست گردید و در میدان رزم جنود ناقضین و ناكثین را شكست دهید

و علیكن البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس 12 صفر 1339 حیفا

مقابله شد

بواسطه آقا میرزا هادى افنان

شیراز جناب میرزاى بینش سیاح علیه بهاء الله الأبهى خط كاتب

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان نامه ئى كه بافنان مرقوم نموده بودى ملاحظه گردید الحمدللّه

دلیل برآن بود كه احباى شیراز در نهایت تبتل بملكوت رازند و مستقیم بر امر حضرت

پروردگار و بشور واهتزاز آمده اند و در نشر نفحات الله سعى بلیغ مینمایند

علی‌الخصوص محافل

\* ص125 \*

مرتب كه مؤید بتأییدات ربّ عزت است و الحمدللّه موفق بخدمتى است و در سبیل

رحمانى جانفشانى مینماید البته نصرت ملكوت ابهى میرسد و ترّقى موعود در حیز شهود

مشهود گردد در خصوص ملاقات با شخص محترم و روش بحسب تعالیم جمال مبارك و تأثیر

در قلب نفس نفیس مرقوم نموده بودى ملاحظه كن كه سلوك مطابق رضاى مالك الملوك چه

تأثیرى در قلوب مینماید اینست موهبت عظمى اینست عطیه كبرى اینست سبب

تقرّب درگاه كبریا چه قدر پرحلاوتست چه قدر پرمسرت است چه قدر سبب

عزتست ثروت جمیع دنیا باین معادله نمینماید از خدا خواهم كه جمیع احباء بموجب

تعالیم اللّه حركت و سلوك نمایند تا ملك الملوك گردید و علیك البهاء

الأبهى عبدالبهاء عباس و مبلغى كه بواسطه محفل روحانى تقدیم نموده بودى

مقبول گردید و علیك البهاء الأبهى 16 ذیقعده 1337 ع ع

مقابله شد

شیراز

جناب محمّد رضا میرزاى مقرب علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان نامه شما رسید از عدم فرصت جواب مختصر مرقوم میگردد خرید خانه

كه در جنب بیت مباركست بسیار لازم ارسال هزار تومان بهر نحوى هست مرقوم گردید

ولو بدین باشد دیگر محفل روحانى و احباى الهى باید در این خصوص نهایت

جانفشانى مجرى دارند و بجناب آقا میرزا اقاى طبیب جواب مرقوم گردید برسانید

و علیك البهاء الأبهى 28ج 1338 عبدالبهاء عباس

مقابله شد

\* ص126 \*

بواسطه جناب میرزا لطف اللّه زائر

لندن جناب میرزا یوحنا داود علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان نامه هاى متعدّد شما رسید مضمون دلیل بر تائید حضرت

بیچون بود الحمداللّه توفیقات الهیه از هر جهة شامل و مشمول الطاف ربانیه كامل

تائید پیاپى میرسد و نسیم گلشن عنایت میوزد آهنگ ملأ اعلى بشارت كبرى میدهد

و امواج بحر اعظم بر سواحل قلوب دُر و گهر میفشاند امیدوارم كه در آنحدود

بمزامیر آل داود موفق گردى و از مقام محمود ملكوت ابهى استفاضه نمائى و بر عموم

افاضه كنى الهى الهى ان عبدك حنّا داود قد احترق بنار ذات الوقود

فى حبكّ و برز فى حیّز الشهود بقوة لها دمدمة كزمزمة الرّعود و نطق بذكرك

بین العباد و اشتهر فی البلاد و قعد كلّ حسود له بالمرصاد رب احفظه من سهام

اولی الفساد و اجعله آیة باهره تتلئلاء على روس الاشهاد انك انت الكریم و

انك انت العزیز الوهاب 22 آب 1919 عبدالبهاء عباس

مقابله شد

بواسطهء میرزا هادى افنان شیراز جناب محمّدرضا میرزا رئیس پست علیه التحیة

و الثناء خط كاتب

# **هو الأبهى** اى بنده آستان مقدس نامه شما رسید و از وقایع اطلاع حاصل گردید احبّاء باید در

شیراز بنهایت حكمت حركت نمایند زیرا علم امر الله در جمیع آفاق مرتفع و احباء

با بشارت كبرى منجذب لهذا حسد ارباب عمائم بجوش آمد از عنایت الهیه

\* ص127 \*

امیدواریم كه بهوش آیند و اقلاً صبر و سكون حصول یابد یریدون ان یطفئوا

نوراللّه بافواهم و یابى اللّه ان یتمّ نوره از عدم فرصت مختصر مرقوم میگردد

معذور دارید 6 ذیحجه 1339 حیفا عبدالهاء عباس

مقابله شد

بخط كاتب

بواسطه جناب بشیر الهى

جناب ناظم حضرت محمّد قبل رضا علیه بهاء الله الأبهى

# **اى ناظم لئالى** نعوت الهى پیك مبین و برید ملكوت رب مجید نامه از ملكوت

ابهى رساند معانى آن كتاب مبین اینست كه اى یاران الهى هرچند نائره

امتحان بعنان آسمان رسیده و گردباد افتتان اشجار ضعیفه را از بن و بنگاه

قلع نموده الحمدللّه نفوسى در ظلّ تربیت جمال ابهى مانند اشجار جنت فردوس در

این ریاض الهى پرورش یافته و نشو و نما نموده و در ارض وجود چنان ریشه

دوانده كه صد هزار عواصف و قواصف بلكه اعصار شدید افتتان ابداً فتورى

در آن نیفكند متین و رصین و رزین در نهایت استقامت قائم و برقرار است

این اشجار از شاخسار حدیقه الهى و از ریاض ملكوت ملأ اعلی است پس اى یاران

از شدائد و بلایا و محن مضطرب و ممتحن نگردید عنقریب چنان تائیدى جلوه نماید

كه ابصار خیره گردد و عقول حیران ماند و جمیع السن فریاد برآرد و ان جندنا لهم

الغالبون تلاوت نماید بارى جواب مكتوب تا بحال اگر ارسال نگشت نامه نرسیده

و الا و لو مختصر جوابى مرقوم میشد از حق میطلبم كه چنان تائیدى رسد كه برید ملكوت

ابهى را نظم دهى و پیك ملأاعلى را امین مستدیم گردى و علیك التحیة و الثناء ع ع

\* ص128 \*

بخط كاتب

بواسطه جناب ذبیح اللّه خان زائر

شیراز حرم جناب محمّد رضا میرزا ورقه منجذبه كوكب سلطان و عبدالحسین میرزا و

عبدالعلى میرزا و عباس خان علیها و علیهم بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى مشتعلین بنار محبّت الله امةاللّه كوكب سلطان نامه نگاشته و نام شما برده و از

براى شما تائید و عون و عنایت نامتناهى خواسته من نیز باستان الهى عجز و زارى

نمودم و الطاف نامتناهى خواستم تا هریك حدیقه رحمانى را حمامهء سبحانى گردید تا

بالحان بدیع طیور جنت ابهى را بشور و ولوله و انجذاب آرید اى پروردگار والدین

ورقه منجذبه كوكب سلطان را مظهر عفو و غفران فرما و بالطاف بیپایان سرافراز كن و

بخشش رایگان كن و قربیّت درگاه ارزان فرما توئى بخشنده و آمرزنده و مهربان و علیك

البهاء الأبهى محرم 1338 عبدالبهاء عباس

(در اخر خط مبارك )

# **هواللّه** یا حضرت محمّد قبل رضا بانجناب این چند كلمه را بخط خود مستعجلاً مرقوم مینمایم

زیرا قطعیا فرصت نگارش نامه مخصوص ندارم الحمدللّه در استان حق مذكور و مشهور و

مقرّبى الطاف شامل و فضل كامل است شكرانه نما و مسرور باش كنیهء خانواده را مقرب

بگذار تا این كنیه دلیل قربیت درگاه باشد و علیك البهاء عبدالبهاء عباس

اصفهان بواسطه جناب قدیر

\* ص129 \*

خط كاتب جناب محمّدرضا میرزا علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى دوست حقیقى نامه رسید و از همتى كه درحق حضرت افنان فرمودید نهایت سرور

حاصل شد و نظر بسفارشى كه در حق جناب مسیو رئیس مدرسه نموده بودید با

ایشان ملاقات گشت و نهایت مهربانى مجرى شد شخص معهود نجیب و حلیم

و سلیم است از خدا خواهم كه مؤید بنَفَس رحمانى گردد و با نفسى ربانى انیس و

ندیم شود تا بنفحات قدس تربیت یافته جان ودل را بفیوضات ملكوتیه بیاراید استعداد

دارد ولى مرّبى خواهد تا بیان مسائل الهى نماید و چشم و گوش چنانكه باید و شاید

بگشاید انوقت موهبت یزدانى جلوه كند و سنوحات رحمانیه ساطع

گردد انوقت این شخص نفس نفیس گردد و كوكب علیین شود نسئل اللّه

ان یوفقه على ذلك انّ ربّى لكریم رحیم وهاب ع ع

خط كاتب اصفهان حضرت محمّدرضا میرزا رئیس پست علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى یار ثابت راسخ نامه مبارك شما رسید مضمون نهایت تبتل بود و غایت

تضرّع از استماع آن ناله و حنین تاثر شدید حاصل شد كه شب و روز آرزوى

دل و جان تقبیل عتبه حضرت یزدانست لهذا اجازه داده میشود كه در زمستان

با نهایت شوق و وله بتمام اشتیاق ببقعه مباركه عتبه مقدسه از قبل عبدالبهاء

\* ص130 \*

مشرف شوى و بعد از تشرف در هرجائى كه من هستم حاضر گردى تا روزى چند

الفت و موانست نمائیم و علیك البهاء الأبهى ع ع

بواسطه جناب آقا میرزا محمّدباقرخان علیه بهاء اللّه الأبهى

شیراز جناب محمّدرضا میرزا علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى ثابت بر عهد نامه ات رسید از جشنهاى مفصل كه بكمال روح و ریحان در ایام رضوان

آراسته گشت مرقوم نموده بودى این جشن نبود بزم آسمانى بود و انجمن رحمانى بود

نورانى بود سبب نهایت مسرت گردید ولى حكمت را از دست مدهید مظاهرات

و نمایش عظیم سبب حسد و شورش منكرین گردد بهتر انكه اعتدال بمیان آید

باید ظاهر مستور و باطن اشكار بود عنقریب آهنگ مشرق الاذكار در جمیع دیار

بملأاعلى رسد و نورانیت امر الله عالم امكان را روشن نماید جواب نامه جناب

لهراسب خان مرقوم گردید در طى این مكتوبست برسانید جشن عظیم اماء رحمن

كه در لانه و كاشانه شما بهمّت امةاللّه المقربّه والده عبدالحسین ترتیب و تنظیم

شده بود بسیار شایان تحسین است زیرا باید عالم نساء را ترّقى داد تا قوّت گیرد

زیرا عالم انسانیرا دو بال بیهمال یكى ذكور و دیگرى اناث اگر یك بال ضعیف باشد

مرغ پرواز نتواند چون هر دو جناح نجاح یابد پرواز كند جمیع احباء و اماء الرحمن

را تحیت ابدع ابهى برسان و علیك البهاء الأبهى 22 رمضان 1337 عبدالبهاء عباس

\* ص131 \*

خط كاتب بواسطه جناب آقا میرزا هادى افنان

شیراز جناب شاهزاده محمّدرضا میرزا علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان نامه‌اى كه بافنان مرقوم نموده بودى ملاحظه گردید هرچند فرصت

تحریر و تقریر نه ولى محبّة الله چون كرهء اثیر در فورانست لهذا مجبور بر تنمیق

مینماید ملاحظه نما كه در این بساط چه قدر عزیزى و در ثبات و استقامت جام لبریزى

و سبب هدایت غافلانى و حیات مردگان امروز جمیع خلق مست خواب غفلتند و محروم از

الطاف حضرت احدیت از فیض اعظم بی‌نصیبند و از تجلیات شمس حقیقت محروم و بعید

الحمدللّه یاران ثابت و نابتند و در نشر تعالیم الهى مؤید و موفق این روح

حیاتست و این سبیل نجات این زندگى ابدیست و این پاكى و آزادگى سرمدى حریت اینست

كه انسان از اسیرى عالم طبیعت نجات یابد و امیر مدینه عزّت ابدیه شود و علیك

البهاء الأبهى

ص 17 ذیقعده 37 عبدالبهاء عباس

خط كاتب شیراز بواسطه میرزا محمّدرضا میرزا علیه بهاء الله الأبهى

بوشهر در گمرك جناب آقا میرزا محمّدعلى جهانگرد ملاحظه نمایند

# **هواللّه** اى بندهء الهى نامه‌هاى پیش نرسید ولى نامه اخیر كه بتاریخ 7 مى 1919 بود رسید

الحمدللّه دلالت بر آن مینمود كه محفوظاً و مصوناً بشهر بوشهر رسیدید امیدوارم

كه از امراض

\* ص132 \*

طاریهء نیز صحت و شفا یابید در بوشهر نفسى از یاران نه كه سفارشى بنگارم بلكه

شما همتى نمائى و نفوسى چند در انشهر بیدار گردند و هوشیار شوند و بنده صادق

حضرت پروردگار گردند و علیك البهاء الأبهى 22 رمضان 1337 عبدالبهاء عباس

بواسطه حضرت افنان میرزا جلال

حضرت محمّدرضا میرزا و حضرت بشیر الهى علیهما بهاء الله الأبهى خط كاتب

# **هواللّه** اى دو بنده تابنده جمال ابهى در حق جناب افنان فى الحقیقه نهایت همت مجرى

فرمودید و این سبب مسرت عبدالبهاء شد زیرا احباى الهى باید در حق یكدیگر

جانفشانى كنند و خیر دیگرانرا بر منفعت خویش ترجیح دهند راحت خود را فداى راحت

یاران كنند و نعمت خود را انفاق بر دیگران فرمایند بلكه در جهان افرینش چنین

مجرى دارند زهر چشند و بدیگران شهد بخشند تحمّل زحمت نمایند تا دیگران رحمت

یابند بفقر خویش راضى شوند و ثروت عالم انسانى جویند از حیات خویش درگذرند

تا جان جاودانى بخشند الحمدللّه ان دو یار بزرگوار موفق باین رفتارند از خدا

خواهم كه روز بروز بر خلوص فطرت و طیب نیت و حسن خدمت و علو همت بیفزایند

و علیكما البهاء و التحیة و الثناء ع ع

\* ص133 \*

خط كاتب شیراز بواسطه میرزا محمّدرضا میرزا علیه بهاء الله الأبهى

جناب لهراسب خان فریدنى علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى ثابت بر عهد و میثاق نامهات رسید چون فرصت بسیار كم است مختصر مرقوم

میگردد داود دو داود است یكى پیش از حضرت موسى و یكى بعد از حضرت موسى

و روش و مشرب و مذاقشان مطابق لهذا حضرت اعلى داود را قبل از موسى فرموده اند

مقصود داود اول است نظیر اسماعیل كه متعدد است یكى اسمعیل پسر ابراهیم و دیگرى

اسمعیل كه از انبیاى بنى اسرائیل است و در قران مصرّح و از براى منسوبین و

متعلقین انجناب حرم و والده و پدر وحتى اجداد و امهّات امهّات طلب مغفرت شد

اى ایزد مهربان خویش و پیوند لهراسب را از زندان این جهان نجات دادى

بایوان گشتاسب برسان كه مقرّب درگاه كبریاست و از اجله انبیا اى بخشنده

رویهاى فرخنده این جمع را در ملكوتت درخشنده فرما و مانند مهر و ماه

تابنده كن و علیك البهاء الأبهى 22 رمضان 1337 عبدالبهاء عباس

شیراز رئیس پست جناب محمّدرضا میرزا علیه بهاء الله الأبهى

خط كاتب

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان نامه شما رسید الحمدللّه در شیراز بنفحات رحمن دمسازید و

سبب فرح و سرور بندگان حضرت بی‌نیاز حضرت بشیر سلطان سبب روح

\* ص134 \*

و ریحان یاران بود اگر ایشان بدیار دیگر سفر نمودند الحمدللّه ماموریت شما در

شیراز مقرّر گردید صهباء همان صهباء ولى در قدح دیگر بارى تا توانى بذل دل و جان

نما تا احباى رحمن را بوجد و طرب آرى و سبب سرور موفور گردى و همیشه واسطه

مخابرهء اهل راز گردى تا تائیدات ملكوت همدم و همراز گردد جمیع یاران را

نهایت اشتیاق ابلاغ دار و علیك البهاء الأبهى 9 جمادى الثانى 1337

عبدالبهاء عباس

شیراز جناب آقا سید محمّدحسین افنان جناب آقا میرزا بزرگ افنان جناب آقا میرزا

حبیب اللّه افنان جناب حاجى میرزا ضیاء افنان جناب شاهزاده محمّدرضا میرزا

جناب محمّدباقرخان جناب میرزا محمّدعلی خان جناب آقا میرزا آقاى طبیب جناب

اقا شیخ اقاى پیش نماز جناب شهریار وفادار جناب میرزا فضل اللّه خان جناب دكتر

ضیاء علیهم بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى نفوس مباركه مقرّب درگاه كبریا نامه شما رسید و از مضمون نهایت روح و ریحان

رخ داد زیرا بر ثبوت بر صراط مستقیم برهان مبین بود و بر اتحّاد و اتفاق بر عهد

قویم دلیل جلیل الحمدللّه یاران شیراز در این سالهاى جنگ براز و نیاز همراز

بودند و همواره بالفت و محبت دمساز عبدالبهاء از خلوص نیت و ثبوت استقامت

یاران شیراز پر اهتزاز است و از ملكوت ابهى تائید و توفیق میطلبد كه

\* ص135 \*

در این ایام شعله تازه برافروزند و آهنگى بملأ اعلى رسانند نفوس را بوجد و طرب

آرند و مستمعین را بتعالیم الهیه تربیت نمایند بنورانیت اخلاق و علویت فطرت

و شدت امانت و كثرت محبت و مهربانى بعموم انسانى تبلیغ امرالله نمایند

و ترویج دین‌اللّه كنند چندى پیش مكاتیبى بشیراز ارسال گردید و بواسطه جناب

افنان سدرهء مباركه آقا میرزا حبیب اللّه طلب مغفرت از براى عموم متصاعدین

احباى شیراز گردید و نامه بحضرت عندلیب نگاشته شد همچنین بچند نفر دیگر

امیدوارم كه خبر وصول برسد و آن خطه مباركه موطن حضرت اعلى روحى له الفدا است

اینعبد را آرزو چنان كه بهشت برین گردد و غبطهء روى زمین شود بنصّ صریح

میفرماید و نراكم من افقى الأبهى و ننصر من قلم على نصرة امرى بجنود من

الملأ الاعلى و قبیل من الملائكة المقربین جند منصور در این ظهور نفوسى هستند كه

بقوتى الهى و تائیدى آسمانى و همتى ربّانى و اطوار و رفتارى كه سبب حیات عالم

انسانیست موفقند امیدوارم كه مركز این جند شیراز گردد 21 شعبان 1337

الهى الهى هولاء عبادك المخلصون المنجذبون بنفحات قدسك المشتعلون

بنار محبتك الناطقون بالثناء علیك المبینون لحجتك و برهانك

المروّجون لدینك ابتهل الیك و اسئلك ان تویدّهم بما وعدتهم بتائیدات

صمدانیتك و نصرة جنود ملئك الأعلی و قبیل ملائكتك المقرّبین ربّ نوّر

وجوههم بنور لامع و عطّر مشامهم بطیب ساطع و اقرّ اعینهم بمشاهدة آیاتك

و اسمع آذانهم ندائك الأعلى من ملكوتك الأبهى حتى یكونوا عونة لعبدك

هذا فى نشر نفحاتك بین الورى و انك لتعلم یا محبوبى انّنى احب عبادك المخلصین

\* ص136 \*

فى ارض الشین و افدیهم بروحى و نفسى و ابتهل الیك فى جنح اللیالى و بطون

الاسحار ان تجعل هولاء الابرار سرجاً نورانیة ساطعة بالانوار انك انت العزیز

المختار انك انت الكریم المتعال و علیكم البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

شیراز بواسطه جناب میرزاى بینش سیاح علیه بهاء اللّه خط كاتب

حضرت شخص محترم علیه بهاء اللّه

هواللّه اللهم یا محیى القلوب بنفثات روح‌القدس و نفحات ریاض الرحمن و نسائم حدائق

الرضوان لك الحمد بما شرحت الصدور آیات توحیدك انعثت النفوس بتجلیات تقدیسك

و كشف الغطاء عن بصائر اهل البهاء و اسمعتهم نغمت طیور البقاء على افنان سدرة

المنتهى و اذقت اهل الوفاء حلاوة الحب بجمالك الأبهى و عطرت مشام المشتاقین

برائحة ساطعة من حدیقة البقاء و اوردتهم علی الورد المورود و جعلتهم منجذبین الی

ملكوت الوجود فى الیوم المشهود اللهم یا ربّى الجلیل اید بقدرتك سمى الخلیل و

انصره نصراً عزیزاً بقوتك القاهرة و وفقه على طاعتك بقدرتك الباهرة و كن معیناً

له و ناصره و اجعله منجذباً الى ملكوتك و خاضعاً و خاشعاً بجبروتك و علماً مبیناً

فى مملكتك و سیفاً شاهراً على اعداء فى سبیلك انك انت القوى المقتدر القدیر

اللهم اید سلیله الجلیل و شبل ذلك الاسد النبیل فى جمیع الشئون و اكشف له السر

المكنون و الرمز المصون و اجعله آیة باهرة و رایة خافقة باریاح عونك و صونك فى

تلك

\* ص137 \*

السهول و الحزون انك انت المقتدر المقدر بما كان و یكون

حیفا 16 ذیقعده 37 عبدالبهاء عباس

آذربایجان رومیه

خط مبارك جناب وحید علیه بهاء الله الأبهى

# **هو** اى حبیب وحید من بجان عزیز و سر پرعقل و تمیزت قسم كه نفسى فرصت ندارم

تمام شب و روز فریاد میزنم و نعره یا بهاء الأبهى در كنائس كبرى و دارالفنونهاى

عظمى برآرم لهذا عذر میخواهم كه از قصور معذور دارید عنقریب رجوع شود و

تلافى تقصیر موفور گردد در حق نجل جلیل بدرگاه رب جمیل تضرّع و زارى

شد كه موفق بتائید شدید گردد عبدالبهاء عباس

خط مبارك تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلى اسكوئى علیه بهاء الله الأبهى

ارومیه جناب وحید لسان حضور علیه بهاء الله الأبهى

یا جناب وحید اجوبه و مكاتیب متعدده ارسال گردیده البته تا بحال رسیده امّا قضیه

مكتب تعلیم بسیار موافق و جناب اصلان خان را اعتدال مزاج طلبم عموم یاران را تحیت

ابدع ابلاغ دارید على الخصوص جناب آقا رحیم را و همچنین سلیل جلیل را چون در این

دو روز عازم امریكم لهذا فرصت تحریر

\* ص138 \*

بیش از این نیست ع ع

هو

جناب یوسف خان علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** الهى الهى هذا عبد انتسب الى وحیدك الفرید المجید الذى ادرك یوم اشراق

نورك و انفلاق صبح توحیدك و فائز بلقائك و اقتبس من اشراقك

و رفع علم توحیدك و دار فى البلاد و قطع التلول و السهول و الحزون و الوهاد

و نادى باسمك على روس الاشهاد و هدى الناس الى معین رحمانیتك

ناشراً شراع سفینة النجات تحركه اریاح الایات البینات الى ان فدى

باله و روحه و عزّه و شهرته كلها فى سبیلك و سفك دمه الاطهر فى محبتك حباً

بجمالك اى ربّ اجعل العبد هذا تذكاراً منه بعبدالبهاء و ایده بشدید القوى

و انطقه بالثناء على جمالك الأبهى و انشر به نفحات محبتك فى تلك الانحاء

و اهد به كل طالب و اشف به كل علیل و ارو به كل علیل و عزز به كل ذلیل و اجعله

نوراً من انوار موهبتك یا ربى الأعلى انك انت المقتدر على ماتشاء

و انك انت القوى القدیر ع ع

\* ص139 \*

خط كاتب

ارومیه جناب لسان الحضور علیه بهاء الله الأبهى 12 شعبان 1324

# **هواللّه** اى یار قدیم و همدم ندیم ایا ایام ملاقات فراموش نمودى كه چنین خواموش گشتى من

از تو امید داشتم كه در این گلشن الهى مانند بلبل معانى هردم گلبانگ ربّانى زنى

و بیان مقامات معنوى كنى لسان حضور لسان تبلیغ شود و در نشر نفحات الله یرلیغ

بلیغ منشور نماید جمیع یاران الهى را بحشر و نشور آرد اى دوست عزیز این را بدان

كه سلطنت جهان بعبودیت آستان مقدس مقابلى ننماید زیرا ان فانى و این باقى

ان ناپایدار و این بیپایان زندان ما بندگى حق ایوان عزت ابدیه است و سریر

سلطنت بدون عبودیت حضرت احدیت عاقبت حضیض مذلتست ینزلون من

القصور الى القبور و یسقطون من السرر الموضوعه الى الاجداث الموعوده پس بر قدم

نجوم ساطعه و اقمار لامعه و شموس بازغه سیر و حركت نما هذا وصیتى لك فاختر

لنفسك ما شئت ان ربك یوید من یشاء على مایشاء و انه لعلى كل شییء

قدیر ع ع

خط كاتب بواسطه جناب وحید جناب اخوند ملاحسین روضه خوان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** یا من ترتل آیات الفدا فى ذكر من استشهد فى سبیل اللّه روح المقربین له الفدا

انّ عبدالبهاء لازال یتمنى ان یتجرّع كاس الفدا فى سبیل اللّه و لیس له موهبته

\* ص140 \*

اعظم من هذا فانظر الى ائمة الهدى كلهم نجوم ساطعة الضیاء فى الافق الأعلى ولكن

سیدالشهداء كالشمس ساطعة الفجر فى الافق الأبهى هذا موهبة اختصه اللّه بها

بین الورى و على ذلك فالشهادة الكبرى هى منیة المقربین و بغیة اهل الیقین

و غایة القصوى للموقنین و اللّه یوید من یشاء على مایشاء ان ربك هو

الرحمن الرحیم عبدالبهاء عباس كلما مكرّر تعبق رائحه العطر

بواسطه جناب آقا سید اسداللّه

جناب آقا میرزا یوسف خان همشیره زاده حضرت وحید علیه بهاء الله الأبهى خط كاتب

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى مشتاق دلبر آفاق جناب آقا سید اسداللّه نعت و ستایش زاید الوصف از

شما نمودند بقسمیكه سبب روح و ریحان قلوب گشت كه الحمدللّه در باغ حضرت وحید

شهید فرید روح الشهدا له الفدا نهال بیهمالى در نهایت طراوت و لطافت

نشو و نما نموده و بفواكه طیبه بارور گشته امید است كه تزیین آن بهشت برین

گردد و بمثابه بلبل معانى در ان گلبن روحانى بنغمه و اهنگ بدیع بسرآید جناب

اقا سید اسداللّه از براى شما اذن حضور خواستند كه سفر ببلاد غرب نمائید و نشر

نفحات الله نمائید و باعلاء كلمةاللّه پردازید این نهایت امال مخلصین است

و منتهى آرزوى موحدین ولى این سفر پرمشقت است و در منتهاى تعب و

زحمت باید مانند حوارّیین مسیح دست از جان ودل بشست و بكلى از راحت

\* ص141 \*

و آسایش چشم پوشید هیچ صبحى راحت نیافت و هیچ شامى سر و سامان نجست

هر دم همدم صد هزار اَلَم شد و تحمّل صدمات شدیده كرد و نشر نفحات نمود

و اعلاء امر حضرت رحمن كرد اگر مرد میدانى اینك گوى و چوگان اذن

حضور دارى كه نصیب موفور برى و علیك التحیة و الثناء ع ع

هواللّه

تبریز بواسطه حضرت بنكدار

ارومیه جناب لسان حضور علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى یار قدیم آنچه مرقوم نموده بودى واضح و معلوم گشت شكایت از مشقت

نموده بودید ایا راحتى در این عالم هست لا واللّه امواج حوادث پى در پى رسد

و این از لزوم ذاتى ممكناتست و خصائص حادث و عدم انقلاب و عدم

تغیر و تبدّل لزوم ذاتى قدیمست نه حادث پس باینگونه وقایع مولمه اعتناء

نباید نمود بلكه نظر باید بملكوت احدیت گردد و نتایج در عاقبت اگر از

حیات بشر نتیجه مطلوبه حاصل گردد سرور اندر سرور است ولو در هر

دمى هدف سهام موفور گردد و اگر چنآنچه از وجود سودى نه حزن اندر

حزنست ولو ایام و اوقات مسعود و مشكور باشد این جوهر مطلبست

هذا هوالحق بقول شاعر از این رباط دو در چون ضرورتست رحیل

\* ص142 \*

رواق طاق معیشت چه سربلند و چه پست غیر از نشئه دنیوى سرمستان

جام الهى را نشئه دیگر است و منجذبان دلبر آسمانى را ولهى دیگر امیدوارم

كه كل مورد این فیوضات گردیم و مورد آثار ملكوت رب الایات

و علیك التحیة و الثناء ع ع

اى یار مهربان عبدالبهاء را آرزو چنان كه چراغ حضرت شهید مجید

خال فرید جناب وحید را روشن نمائى لهذا باید مرد میدان گردى و ببر

بیان شوى شهباز اوج عزت ابدیه شوى و همراز آن عقاب فضاى

حضرت رحمانیه و لیس هذا علی اللّه بعزیز ع ع

ارومیه جناب وحید علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بنده آستان مقدس نامهء شما رسید در خصوص كمپانى مرقوم نموده بودید من

مستر كلارك را در آمریكا گفتم كه امور هنوز انتظامى ندارد شما پیش از انكه

انتظام یابد نروید تا كارها محكم گردد بارى از ابتدا این بنیان سست نهاده شد

لهذا مشكلات حاصل گشت یكماه پیش به بادكوبه مرقوم شد كه ماكنت

بسیار ماهر كاردیده پیدا كنند و به تبریز بفرستند و معاش ان ماكنت از

قبل عبدالبهاء داده میشود یعنى بر من است حال مجدّد مرقوم میگردد

امّا دیگران اقدامى نخواهند نمود لهذا بدیگران مرقوم نشد حال شما

\* ص143 \*

تمسك بتبلیغ نمائید تبلیغ تلافى هر چیز مینماید زیرا تائیدات الهیه میرسد احبّا

را بشور و وله آرید این ایام در آن صفحات مردم مشغول بخویشند فرصت

را از دست مدهید استعداد بسیار گشته گوش میدهند بلكه بسیارى طالب

اطلاعند كسى را نمییابند و ملاحظه محافظه خویش میكنند اگر نفسى را

بیابند كه انان را مشهور باین اسم نكند و محكم مكتوم بدارد بسیار طالبان هستند

بارى در حق تو تبتل و تضرع بملكوت ابهى مینمایم و تائیدات و توفیقات

فوقالعاده میطلبم و علیك البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

خط كاتب تبریز ارومیه بواسطه آقا میرزا حیدرعلى علیه بهاء الأبهى

جناب وحید لسان حضور علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** ایها الرجل الرشید انى رتلت ایات شكرك للّه بما ایدك بجنود النّصر من

الملأالاعلى و شدد ازرك على عبودیة عتبة السامیة العلیاء حتى رتلت

ایات الهدى فى تلك الارجاء و هدیت انفساً زكیة فى تلك العدوة القصوى

حتى روَوا ایات ربهم الكبرى و سمعو انداء ربهم من الملكوت الأبهى فاشكر

اللّه بما توّج هامتك باكلیل جلیل ...[[6]](#footnote-6) بجواهر متلئله ساطعه على الارجاء

الا و هى الهدایة الكبرى طوبى لك ثم طوبى اى ثابت بر پیمان الحمدللّه

در شیشوان نور هدایت رحمن درخشنده و تابان گشت و حضرت ذو الاسمین

\* ص144 \*

استفاضه از نور خافقین نمودند و استفاده از فیض رب المشرقین و رب المغربین كردند و

همچنین اخوین سعیدین استماع نداء منتشر در خافقین فرمودند شرق منور است

غرب معطر است خاور با باختر دست در آغوش یكدیگر است امید چنانست كه

اسباب سفر بباختر میسّر از براى آن دو سرور گردد تا در انسامان نهایت

روح و ریحان تحصیل علوم مروّجه در این زمان نمایند و لیس ذلك علی اللّه

بعزیز مرقوم نموده بودید كه از محفل مرتب ط شما را احضار نموده اند و حضرات

تبریز نیز این خواهش را نموده على العجاله شما باید در ارومیه و شیشوان بنشر

نفحات رحمن پردازید و خدمت را اكمال كنید و بالفت آن شخص محترم و آن نفوس

محترمه پردازید این بنظر مناسبتر میآید دیگر هر نوع مصلحت بدانید همان مجرى حضرات

محترم را از قبل عبدالبهاء بنهایت

اشتیاق تحیت ابدع ابهى ابلاغ دارید جناب آقا میرزا كریم حكیم را بجان و

دل مشتاقم و ایشان را فیض ابدى سرمدى خواهم و تائید ملكوت ابهى

جویم و نورسیدگان بوستان عنایت را حفظ و حمایت حضرت احدیت

طلبم آن شخص سالخورده را از قبل من نهایت احترام مجرى دار و بگو در تمشیت

امور خویش كلال و ملال میار و توكل بر خدا كن انشاء اللّه بعد از تمشیت امور

اذن حضور داده خواهد شد وعلیك البهاء الأبهى ع ع

\* ص145 \*

تبریز ارومیه

جناب وحید حضرت لسان حضور علیه بهاء الله الأبهى

هواللّه

اى وحید فرید نامه 5 محرم 1329 رسید هر چند چند روز پیش نامه مفصلى بشما مرقوم

گردیده كه هنوز مسوده مانده و بر كاغذ مخصوص نقل نگردیده بود كه این نامه رسید

مع ذلك با عدم آنى فرصت جواب مختصر مرقوم میگردد تا بدانى كه محبت بچه درجه است

امّا از اختصار جواب معذور دارید جواب سئوال اول بعد الاعظم میفرماید این

بیان مشروط بثبوت بر میثاق و امتثال امر بود بعد از مخالفت البته سقوط است

چنانكه در الواح تصریح میفرمایند و جمیع ناقضین حتى نفس مركز نقض نیز معترف باین

نصّ قاطع هستند كه بصراحت جمال مبارك میفرمایند كه میرزا محمّدعلى اگر انى از

ظل امر منحرف شود معدوم صرف بوده و خواهد بود چه انحرافى اعظم از نقض میثاق است

چه انحرافى اعظم از مخالفت امر است چه انحرافى اعظم از تكفیر مركز میثاق است

چه انحرافى اعظم از تألیف رسائل شبهات و نشر در آفاق بر ضد مركز عهد است چه

انحرافى اعظم از افترا بر عبدالبها است چه انحرافى اعظم از فساد در دین الله است

چه انحرافى اعظم از اتفاق با اعداى عبدالبها است چه انحرافى اعظم از تقدیم لوائح

بر ضد او بپادشاه ظالم سلطان مخلوع عثمانیست و قس على ذلك این انحراف نیست

بلكه بجمیع قوى مخالفت و بغضا و عداوت به عبدالبهاء مظلوم آفاق است دیگر بعد الاعظم

چه حكمى دارد و اغصان محصور در اشخاص نه تسلسل دارد هر یك ثابت مقبول

و هر یك متزلزل ساقط چنانكه در الواح و زبر منصوص است و اما كلمه اصطفى

\* ص146 \*

در قران البته قرائت فرموده اید كه میفرماید ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من

عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیر است یعنى نفوسى كه

اصطفا شده اند بر سه قسم اند از جمله یك قسم ظالم لنفسه است و همچنین بعدالاعظم را

ملاحظه فرما كه میفرماید و ما بعدالحق الاالضلال المبین امّا حقوق بعد از وضع

مصارف سنه كامله آنچه زیاده باقى بماند حقوق بر آن تعلق یابد ولكن نقود و

مالى كه ممر معاش باشد و یكدفعه حقوق آن داده شده و یا ملكى كه حقوق آن داده شده

اگر ربع آن كفایت مصارف كند و بس دیگر حقوق بر آن تعلق نگیرد و اما در آیه فرقان

فى یوم كان مقداره خمسین الف سنه مقصد انست كه امور عظیمه و وقایع كلیه و حوادث

بی نهایه كه ظهور و اجرایش منوط بمدت خمسین الف سنه است در آن یوم واحد مجرى گردد

اینست كه در مقام دیگر در لمح بصر میفرماید و مقصود از این آیه یوم ظهور جمال

ابهى است كه بمقدار خمسین الف سنه است نه خمسین الف سنه چنانكه گفته میشود یك

ساعت فراق مقدار هزار سال است و اما آیه مباركه یدعى امراً قبل اتمام الف سنه

بیان مقدار نیست الف سنه است یعنى هزار سال معروف مشهور كه در عرف علماى ریاضى

مسلم و مقرر و نزد ناس متحقق و مصطلح است و انذارات بطا هنوز تمام نگردیده و

همچنین بشارات نبوت اول دانیال حسابش از بدایت بعثت حضرت رسول است

كه تقریباً بحساب هجرت هزار و دویست و هشتاد میشود و نبوت ثانى بحساب سنه

هجریست یعنى از بدایت هجرت پس هزار و سیصد و سى و پنج هنوز نیامده است

و امّا در مكاشفات یوحنّا مقصد از وحش كه عدد اسمش ششصد و شصت و شش است

مقصود از عدد تاریخ سنه است زیرا آن وحش كه پادشاه امویست در سنه ششصد و شصت

\* ص147 \*

و شش میلادى ظهور یافت و این خبر راجع بارض مقدس بود و اما شعر سید حسین

اخلاتى عدد یا علیمحمّد است و سنه ظهور را تصریح نموده كه بعدالراء و غین است در

خصوص ختان و حجاب سئوال نموده بودید حال وقت جواب نه تصرّف در حقوق

جزئى و كلى جائز ولى باذن و اجازه مرجع امر و اما حضور بعتبه مقدسه مشروط باذنست

و امّا مسئله یبارك سریر الطاء سنبین لك انشاء اللّه و اراد و لاتقل لشئى

انى فاعل ذلك غداً الّا ان یشاء اللّه و علیك البهاء الأبهى ع ع

هواللّه

خط كاتب ارومیه جناب میرزا یوسف خان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بنده جمال ابهى تا بحال بعد از رجوع امریكا چند مكتوب ارسال شد حال نیز از

شدت حبی كه بانجناب دارم باز نامه نگارم با انكه ابداً فرصت ندارم و مكاتیبى

كه بجهت آنجناب بامریكا ارسال شده بود بشما نرسیده حال برمیگردد لهذا

ملفوفاً ارسال میشود اى یار مهربان من حال كه مراجعت باذربایجان فرمودى

اذرى بجان غافلان زن و شعله ئى بدل جاهلان پرده حجبات بدر و بصر و

بصیرتشان را بینا كن تا سر از خواب غفلت برآرند و هشیار گردند و مشتاق دیدار

شوند و بملكوت اسرار توجه كنند ایات هدى ترتیل نمایند و حضرت كبریا را تمجید

تبجیل اى یار مهربان نشئه بر باده ئى نهایت خمار است و سرور هر دلى عاقبت

\* ص148 \*

فتور است مگر نشئه صهباى الهى و روح و ریحان رحمانى كه فرح اندر فرحست و

بشارت اندر بشارت زیرا سرمست این خمر طهور از نفخ صور هشیار نگردد و بیدار

نشود چه كه نشئه ابدیست و سرمستى سرمدى و علیك التحیة و الثناء ع ع

هواللّه

بواسطه حضرت آقا میرزا على بنكدار

اذربایجان جناب آقا میرزا یوسف خان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بنده جمال ابهى خبر مراجعت آنجناب باذربایجان رسید و همچنین نامه

انجناب از تفلیس وارد تقدیر چنین بود البته حكمتى در آن واقع تا انشاء اللّه

در ولایت تبریز موفق بخدمات فائقه در عتبه مقدسه گردید و در آذربایجان

بدل و جان بكوشى و نشر نفحات نمائى اى عزیز آنچه سبب شعاع جبین از نور

مبین است قیام بكمال قوت بر این امر عظیم و جانفشانى در سبیل حضرت

رحمن و رحیم امیدواریم كه كل بان موید گردیم اى عزیز تا توانى در این امر

مهم بكوش تا روح مقدس حضرت وحید را در ملأ اعلى و ملكوت ابهى سبب

ازدیاد فرح و سرور گردى عبدالبهاء را آرزو چنانست كه نفسى از آن خاندان

محترم بر خدمت امر قیام نماید بقسمی كه سراج آن نور الانوار را در عالم امكان

وهاج نماید و علیك التحیة و الثناء ع ع

\* ص149 \*

خط كاتب تبریز ارومیه

حضرت وحید جناب لسان حضور علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى وحید فرید نامه شما رسید وصول جواب اول مرقوم بود ولى وصول جواب ثانى

غیر معلوم یقین تا بحال رسیده توجه باید بروضه مباركه باشد مقر الّذى قدرناه آنست

ولى حال محرمانه باشد و اگر از حقوق چیزى مهیا گردد صرف تاسیس مشرق الاذكار

نمائید بجناب عمّ ضجیع رحمت اللّه خان تحیت ابدع ابهى برسان در خصوص املاك

قدرى تأنى نمائید تا مسئله بین حدود ایرانى و عثمانى فیصل یابد از كثرت مشاغل

مختصر مرقوم شد معذور دارید و علیك البهاء الأبهى ع ع

بواسطه جناب وحید

خط كاتب ارومیه جناب میرزا قربان على دبیرالوزاره جناب میرزا احمد جناب میرزا

على اكبر نراقى جناب آقا رجب و جناب آقا محمّدعلى جناب حاج شیخ كاظم جناب میرزا

كریم معین الاطبأ و عموم احباى الهى علیهم البهاء الأبهى

# **هواللّه** اى یاران نورانى عبدالبهاء سه سالست كه در بادیه هاى وسیع مانند باد بادیه پیما

هستم و در كوهسار مانند مرغان بی‌لانه و اشیانه شب و روز رهسپار گهى در دریا سیر

طوفان نمایم و گهى در صحرا وسعت بیابان مشاهده كنم دمى نیاسودم و آنى راحت نجستم

در جمیع

\* ص150 \*

شهرهاى باختر بشارت بظهور آفتاب خاور دادم و در جمیع كنائس نعره یابهاء الأبهى

بلند نمودم و در جمیع مجامع عظمى فریاد یا على الاعلى زدم لكن زحمت و مشقت بدرجه ئى

بود كه قالب ترابى تحمل آن خستگى و ماندگى متوالى ننمود و بنیه جسمانى تاب

مشقات ایام و لیالى نكرد لهذا در نهایت ضعف و ناتوانى است با وجود این

عبدالبهاء فتور نیاورد بمجرد خفت علت بیاد یاران افتاد و در این اوج بى

پایان بال و پر گشود و بذكرشان دل و جان تر و تازه كرد الحمدللّه كه حضرت

وحید موید بعنایات رب مجید است تشنگانرا ساقى سلسبیل است و

مژده دهنده جدید المنة لله انوار شمس حقیقت بر شرق و غرب تابیده و

لیالى ظلمانى را ایام نورانى فرموده از هر كنار نعره یا بهاء الأبهى بلند است

و از هر ناحیه فریاد یاعلى الاعلى بعنان آسمان میرسد اگر نفوسى هواپرست

نبودند حال ملاحظه مینمودند كه شرق و غرب دست در آغوشند و جمیع از

بادهء محبّة الله مست و مدهوش رائحه كریهه نقض عفونتى در آفاق انداخت

تا رائحه طیبه مشگ جان از نفس رحمن مفقود گردد ولى نچنانست این روائح

كریهه رو بزوال و نَفَس رحمانى بر قرون و اعصار مشگ بار بارى بعد

از مشقات عظیمه از باختر رجوع بخاور گشت حال در اقلیم مصر ایامى

استقرار یافتم تا اندك راحتى حاصل گردد و این اعضاء و اجزاء متلاشى

التیام و قوتى یابد بلكه انشاء اللّه باستان الهى خدمتى شود و در بارگاه جمال

ابهى موید بعبودیتى گردد اگر یاران زبان تبلیغ گشایند شبهه نیست در اندك

زمانى جهان جهانى دیگر شود و انوار نیر اعظم بتابد و ظلمت بدل بنورانیت

\* ص151 \*

شرق و غرب گردد و علیكم البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

تبریز ارومیه جناب وحید علیه بهاء الله الأبهى

هواللّه اى حضرت وحید چند روز پیش نامه مرقوم گردید حال مكتوبى كه به آقا سید اسداللّه

مرقوم نموده بودى ملاحظه گردید چون از مشقات سفر سه ساله ضعف و نقاهت حاصل

لهذا مختصر جواب مرقوم میشود بیوك آقا احمد زاده اجازه طواف مطاف ملأ اعلى

دارند الحمدللّه در شیشوان و بنات و مراغه و میان دواب سبب تسلّى قلوب احباب

گشتى و سبب ایمان دو نفس مبارك كلیمى بظهور رحمن شدى امیدوارم ایمان

این دو نفس نتایج عظیمه بخشد از پاك بازى خویش مرقوم نموده بودى كه انچه

داشته از دست رفته امیدم چنانست كه تلافى گردد انّ ربك لهو

المعطى الكریم بیاران ارومیه تحیات روحیه برسانید انكشور از بدایت

طلوع صبح هدى منور گشت ولى اسباب چنین فراهم آمد كه بر حالت واحده

باقى ماند حال آرزوى قلب عبدالبهاء اینست كه ترقى فوق العاده نماید مانند كشتى

كه ابیارى گشته و حرارت آفتاب دیده و موسم بهار رسیده در اندك مدتى

قوت یافته و بغتة نشو ونما نموده امید چنین است كه اقلیم ارومیه نیز

چنین شود در خصوص اجازه حضور عمومى مرقوم نموده بودى باید هر نفسى مثل

سابق ماذوناً حضور یابد و احرام كعبه مقصود بسته بزیارت عتبه مباركه فائز شود

\* ص152 \*

آن حضرت باید این ایام در آن صفحات باشند امّا حضور عبدالبهاء بصفحات خاور

حال ممكن و میسّر نیست و علیك البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

اذربایجان ارومیه حضرت وحید فرید لسان حضور علیه بهاء اللّه الأبهى

# **هواللّه** یا من ایده اللّه على تبلیغ آیاته الى الورى قد اطلعت بالاسرار المكنونه فى تلك

الكلمات الّتى على فرط اشواقك و شدة انجذابك و لوعة فوادك و تلهّب

زفراتك و تحلّب عبراتك و التهاب لوعتك و شدة غلتك لعمرى

انها كلمات دلت على هواجس قلوب و ما ینحتلج فى الصدور من ایات التحیة و التبتّل

الى الرب الغفور اسئل اللّه ان یویدك ایها الشكور على هذا الامر المشكور

و یجعلك آیة الهدى فى تلك الحدود و الثغور و الانحاء ترتّل ایات التوحید

ترتیلاً ینتعش به الارواح كانه اقداح راح الافراح للنفوس و الاشباح

و اینكه مرقوم نموده بودید كه میرزا عبداللّه و میرزا سمیع در تردیدند ان نفوس

از روایات مجعوله بیخردان مشوش گشتند اگر مطلع بر آنچه در بیان

و الواح و كتب نقطهء اولى است گردند البته از این تشویش و ارتیاب نجات

یابند نامه ئى در این ایام بیكى تحریر یافته بود سواد ان ارسال میشود

تا بایشان بنمائید در حقّ جناب ستراك خان بعتبه علیا تضرع

و زارى شد و طلب شفا گردید و نامه ئى باقا میرزا احمد مرقوم شد

\* ص153 \*

در جوف است و علیك البهاء الأبهى ع ع

خط كاتب تبریز ارومیه حضرت وحید علیه بهاء الله الأبهى

هواللّه اى وحید و فرید آندیار نامه پنجم ربیع الاول سنه حالیه رسید از شدت مشقات این سفر

حتى استخوان ناتوان شده لهذا مدتى بود كه بالكلیه تحریر ممتنع بود حال بعون و

عنایت الهیه اندك قوتى حاصل گشته فوراً بتحریر جواب نامه پرداختم ولى مختصراً

جواب مرقوم میگردد مكانى راكه میخواستید ابتیاع كنید بسیار مقبول دو فقره قبض از

پیش ارسال شد البته تا بحال رسیده از بشارت روح و ریحان احباء در انسامان و الفت

و محبت با یكدیگر و یكدل و یكجان بودنشان بسیار مسرور شدم لهذا از قبل فرداً

فرداً را تحیت مشتاقانه و تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید عبدالبهاء در سنین

متوالیات بجمیع جهات غرب رفته و در جمیع محافل و مجامع نعره زنان تبلیغ امر الله

نموده حال باید احباى الهى اهنگ بدیع بلند كنند و در شرق و غرب تهلیل و تكبیر

پردازند و عبدالبهاء استماع نماید اینست نهایت امال و تمناى این عبد از

درگاه احدیت جناب حفظ الملك را بنوازش و مهربانى رحمانى دائماً مسرور

دارید مصروف طریق خواسته اند و حال انكه در این ایام ما گنج در استین و كیسهء تهى

نفوس كثیره این خواهش را نموده اند انشاء اللّه هر وقت میسّر

\* ص154 \*

شود قصور نخواهد شد و علیك البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

9 جمادی الثانى 1338 ارومى حضرت لسان حضور علیه بهاء الله الأبهى خط كاتب

هواللّه یا من ایده اللّه على اتباع اثر خاله المجید و اِثْر الفرید الوحید عبدالبهاء را

نهایت آرزو كه ان خاندان مه تابان گردد و اندودمان مطلع انوار شود زیرا

ان سرور ابرار و واقف اسرار و كوكب انوار در سبیل پروردگار جانفشانى فرمود

و اعلاء كلمةاللّه نمود نشر نفحات قدس كرد و عاقبت جان و مال و خانمان در

سبیل حضرت یزدان فدا كرد لهذا آرزوى من چنانست كه ان انوار از

ملكوت اسرار دائماً مستمراً بر انخاندان و دودمان بتابد الحمدللّه تو گوى سبقت

ربودى و سمند همت را در این میدان جولان دادى یادگار آن بزرگوارى

و برگذار انسرور ابرار بخدمت امر قائمى و بهدایت خلق اهتمام میفرمائى یقین است

كه موفّق و موید گردى لهذا آن عزیز را وحید گوئیم تا ذكر آن بزرگوار را تجدید

نمائیم و علیك البهاء الأبهى ع ع

ارومیه حضرت وحید علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** \* ص155 \* ایها المنجذب بنفحات اللّه انّى رتلّت آیات الشكر للّه بما ایدك على احباء

النفوس و بَرء الاكمه و الابكم بقوة نور الهدى و وفقك على احیاء الاموات

بنفحات اللّه و اعلاء كلمة و النداء بظهور ملكوته فى تلك العدوة القصوى

فانظر الى اثار قدرة اللّه ان عصبة من المبشرین بالانجیل قد توجهت الى

تلك الناحیة القاصیه منذ سنین متوالیات و استمرّت علی الدعوة و تشبث

بالوسائل الكبرى كالمكاتب و المدارس و دارالشفاء و حققت امال اولى الاربه ببذل

الاموال و الى الان لم یتیسر لها الانتشار و لم یدخل فى حوضتها من الرجال و

النساء احد من اهل الفرقان امّا لهذا الامر العظیم و الخطب الجسیم زواجر و زوابع و

عواصف و قواصف من الامتحان و الافتتان معذلك یدخلون الناس فیه

افواجاً فى جمیع الآفاق من شرقها و غربها و جنوبها و شمالها فهل من برهان

اعظم من هذا عند اولى الانصاف الذین تركوا الاعتساف و ادر كوا

موهبة خفى الالطاف و اسئل اللّه ان یشمل سلیلكم الجلیل بلحظات اعین

رحمانیة فى كل الاحوال و علیك البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

تبریز ارومیه جناب وحید لسان حضور علیه بهاء الله الأبهى

هواللّه اى یار عزیز عبدالبهاء نامه شما كه بآقا سید اسداللّه مرقوم نموده بودى

ملاحظه گردید و در ضمن از براى بعضى از نفوس مباركه طلب تحریر كرده بودید ولى

\* ص156 \*

از پیش مرقوم و ارسال شده بود البته تا حال رسیده و خود شما اذن حضور

خواسته بودید حال حكمت امر الله چنین اقتضا مینماید كه ان صفحات را

خالى مگذارید زیرا چشمه حیات در نبعانست و نار محبّت اللّه در فوران

باید شب و روز بهدایت نفوس پردازید و این اوقات حرب سائر احزاب را

با یكدیگر غنیمت شمارید تا رشحات سحاب عنایت اشجار آن حدائق را بشبنم

حقایق تر و تازه نماید و علیك البهاء الأبهى ع ع

نیورك[[7]](#footnote-7) هواللّه

جناب میرزا یوسف خان علیه بهاء اللّه

هواللّه این مكتوب بامریكا رفته اعاده نموده اند بخط مبارك

# **هواللّه** اى یادگار انسرور ابرار چون بآن یار روحانى نامه نگارم بیاد آن مظهر رحمانى افتم

یعنى حضرت خال بزرگوار در قلب چنان جوش و حركتى پدیدار گردد كه زمام

اختیار از دست برود لهذا بذكر ان مه تابان زبان گشایم كه چگونه جانفشانى

فرمود و بقربانگاه ربّانى شتافت و چه نفحهء قدسى منتشر كرد و چه شمع نورانى

برافروخت نور هدى را مشكاة نوراء گشت و كوكب هدایت را افق رحمانیت

گردید چنان عَلَمى برافروخت كه در قطب آفاق تا ابدالاباد خافقست و

چنان تخمى بكشت كه در جنّت ابهى نخل باسق روحى فداء لارض سفك

علیها دمه الطاهر الباهر اى یار دیرین غمگین مباش ثبات و متانت بنما

\* ص157 \*

صبر و تحمل كن عنقریب گشایشست و موهبت راحت و آسایش بعد از ان

نفوس مباركه دیگر ما را راحت و سرور بنعم موفور در این دار غرور نه بلكه شادمانى

و كامرانى یاران الهى در بیسر و سامانى زیرا شیفتهء انروى پرانوار را و

آشفته آن زلف مشگبار را مستى و نشئه و خوشى جز از جام سرشار بلا نه

و چون باین دقیقه ملتفت گردیم زهر شكر شود و سمّ نقیع شفاى سریع

گردد بارى محزون مباش مغموم مگرد دلگیر مشو جمال ابهى مجیر و نصیر است

و طلعت اعلى پناه و دستگیر اگر چنآنچه باید و شاید دلیل این سبیل گردى

و جام بلا را مانند سلسبیل نوشى خواهى دید كه از ملكوت ابهى جنود ملأ

اعلى معین و ناصر است و جمیع نعماء مهیا و حاضر اى یار مهربان از فضل

قدیم امید چنین است كه روش و سلوكى فرمائى و چنان توكل و انقطاعى

بنمائى كه سررشته عموم یاران گردد و دستورالعمل جمیع مبلّغان

تا چنین نگردد نتیجه نبخشد و نورانیت الّهیه ندرخشد بلكه

عاقبتش پشیمانیست و ندامت ناگهانى نظر بنفوس طیبه طاهره

مباركه در قرون اولیه نمائید كه بچه روش و سلوكى و حالت انقطاعى

و فرط انجذابى نشر نفحات نمودند و اعلاء كلمةاللّه كردند فى الذاهبین الاولین

من القرون لنا بصائر این تحریر بتطویل انجامید از بسكه بذكر

یاران قلب منجذبست و علیك التحیة و الثناء در خصوص شما

بامةاللّه المنجذبه مس بارنى سفارشى میشود انشاء اللّه نتیجه مثمرى

حاصل گردد ع ع

\* ص158 \*

اى یار مهربان من تكفل مینمایم كه جمیع امور بمنتهاى ارزوى شما میسّر گردد قدرى

صبر و تحمّل لازمست مكاتیب جوف را بصاحبانشان برسانید امر كم كم بر وفق

مامول خواهد شد ع ع

جناب آقا میرزا یوسف خان علیه بهاء الرحمن خط كاتب

# **هواللّه** اللهم یا فالق الاصباح و محیی الارواح و منشاء الاشباح قد شدت على كل الابواب

الا باب رحمتك و قطعت على السبل الاسبیل موهبتك قد غیض ماء

النجاح و اقلعت سماء الفلاح الامعین رحمانیتك قد اظلمت الارجاء و اشتد

ظلام البلاء فتألقت و لاحت انوار الطافك العظمى قد هجمت جنود المصائب

و زحفت جیوش الغوائل و ارتفعت رایات البلیات و اشتعلت نار الرزیات

و احاطت عبادك المخلصین احزاب من جهلة العلماء و الفریسین و القسیسین

البلهاء و تسعرت نیران الشحناء و هبت قواصف البغضاء على كل سراج

توقد بنار محبّتك و سطع بنور معرفتك و ما نقموا منه الّا بما وهبتّه نور

المواهب و حرارة المحبة عند نزول المصائب الى ان اثار و اغبار الطغیان

...[[8]](#footnote-8) البهتان و وقع عبدك هذا تحت مخالب العدوان فو عزتك

لایسكن خفقان قلبى بمحبتك ولو تتابعت سهام البلاء و ترادف

سنان الابتلاء بل ادعوك بكل تضرّع و ابتهال زد یا الهى فى بلائى

\* ص159 \*

فى سبیلك و قدر لى كل مصیبة فى محبتك و اسقنى كاس الرزیة الكبرى و

اذقنى شهد البلّیة العظمى ادخلنى فى السجون الدهماء تحت السلاسل و الاغلال

حباً بجمالك و شغفاً بطلعتك و طلباً لرضائك بل ادعوك فى جنح الللیالى

و فى البكور و الاسحار ان تقدر لى فى سبیلك السقوط فى قعر البحار او الهبوط

فى بطون القفار او الصعود على الجذوع مصلوباً فى البلاد هذا منتهى آمالى و غایة

منائى و اعظم منیتى و رجائى بفضلك و جودك و احسانك ولااعلم لى فى الوجود

موهبة اعظم من ذلك هذا راحة روحى و مراد فوادى و انشراح صدرى و

حیاتى و نجاتى هذا هو صلیبى الصلبوت و هذا هو سریرى فى الملكوت و هذا

هو اكلیلى من فیض اللاهوت قدر لى یا الهى اعظم منائى و رجائى انك انت

ذو الجود و الاحسان و انك انت الروف الرحمن و انك انت العزیزالمنان

ثم اسئلك یا الهى ان توفق عبدك الخاضع لسلطنتك الخاشع بباب احدیتك

المتضرّع الى ملكوتك على خدمتك رب اشدد ارزه فى عبودیتك و سهّل له

كل صعب بموهبتك و یسر له امره فى عبادتك و اشرح له صدره بمعرفتك

و انطق لسانه بذكرك و نوّر بصره بمشاهده آیاتك و اسمعه نغمات طیور القدس

فى ریاض ملكوتك و انصره بجنود ملائكتك و انجده بقبیل من ملأ رحمانیتك

و انشر به نفحاتك و ارسل به نسماتك انك انت القوى المقتدر العزیز المحبوب ع ع

مقابله شد

خط كاتب ارومیه جناب میرزا یوسف خان علیه بهاء اللّه

\* ص160 \*

# **هواللّه** اى یادگار حضرت وحید فرید آن نفس نفیس و شخص شخیص هدایت مجسّم

بود و موهبت مشخص و علم و دانش مصوّر ایة الكبرى بود و موهبت عظمى

از اوهام و علوم باطله برست و بعلم لدّنى الهى دل ببست و باولیاى

ربّانى پیوست منادى حق در جهان الهى شد و اعظم ملائكه آسمانى

گردید اسرافیل حقیقى گشت و در صور حیات ابدى دمید در جمیع

نقاط ایران نداى حق بلند نمود و فراز منابر را بذكر ظهور حضرت اعلى روحى

له الفدا مزین فرمود و ادّله و برهان بیان نمود و حجّت قاطعه اقامه كرد

تا در جمیع جهات نشر نفحات فرمود و عاقبت در نیریز خونریز بمشهد

فدا شتافت و جان و تن قربان دلبر عزیز كرد و الیوم در جهان ملكوت

بر سریر جبروت جالس و تاجى از مواهب لاهوت بر سر نهاده و سلطنت

معنوّیه میفرماید تو كه یادگار آن بزرگوارى و از منتسبین ان سید ابرار

امیدوارم كه فضائل موروث آشكار فرمائى و بجذب و وله و سرور مانوس

گردى چه كه سائر منتسبان خاموش بودند بلكه انشاء اللّه تو جوش

و خروشى زنى و فرهنگ و هوشى بنمائى صدهزار اسف و حیف كه دیگران

چنانكه باید و شاید ره انشخص نورانى نپیمودند و از بادهء رحمانى پیمانه سرشار

نپیمودند مقبل بافق اعلى شدند و مقر و معترف بنقطه اولى ولى افسرده

بودند و پژمرده و فى الحقیقه قصورى نداشتند ولكن شدت بلایا و

كثرت رزایا و حمل ثقیل امتحان سبب شد كه بر منابر نعره نزدند و بیان

\* ص161 \*

حقیقت نتوانستند حال شما باید ان مجمر را پر آتش كنید و رائحهء عود و عنبر منتشر

نمائید شمع حضرت وحید فرید را در هر انجمن برافروزى و بیان فصیح و بلیغ او را در

هر جمعى ظاهر نمائى من چنین امیدوارم و از براى تو چنین منقبت عظیمه

ارزو نمایم یاران از شما مدح و ستایش نمایند و اظهار رضایت كنند و

تشكر از همتت فرمایند من نیز نهایت خورسندی را از تو دارم ولى مقامى

بلندتر از این براى تو خواهم و قوت و قدرتى بیش از این طلب نمایم خواهم

كه در آن اقلیم عین تسنیم شوى و در انسامان چشمه آب حیوان گردى و

حیات ابدیه بخشى تا در آن آفاق نور اشراق بتابد و اخلاق رحمانى در

دوستان ربّانى جلوه و ظهور نماید تا توانى بجمیع خلق مهربانى كن و

با هر بیگانه اشنائى نما با هر مجرمى مانند محرم خوشخوئى كن و با هر غافلى

مانند آگاه خوشرفتارى نما خاطرى میازار ولو ظالم و غدار باشد قلبى مكدّر

مكن ولو زهر مكرر بخشد هر آزرده ئی را آزادگى جو و هر افسرده ئی را سرور و

شادمانى ده یاران الهى را این روش و سلوك بیاموز تا مهر و وفا و محبّت

و صفا و خلوص و ولا و عقل و نهى در حقایق انسانیه كشف نقاب نماید و ببهترین

جمال جلوه و ظهور كند و علیك التحیة و الثناء ع ع

طهران جناب آقا میرزا حسین بروجردى و حاجى ابوالقاسم دباغ علیهما

بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** \* ص162 \* اى دو یار عزیز هیچ میدانید كه عبدالبهاء غرق چه دریائیست قسم باسم

اعظم روحى لعتبته الفداء كه یكسال است یكدفعه فرصت یافتم كه بحمّام بروم

دیگر ملاحظه نمائید چه اوضاعیست و حال مصمّم حركت بفرنگستانم

كه شاید خدمتى باستان نمایم بقول عرب هذا ضِغثٌ على ابّاله یعنى

یک دسته ریسمان بفتیله چراغ منضم شد با وجود این جواب نامه مینگارم

ولى مجبور بر اختصارم مرقد حضرت شهید ملا علیجان روحى له الفداء بدرجه ئى

مباركست كه اگر من در طهران بودم بدست خویش میساختم لهذا باید

چند نفر از یاران مصمّم این خدمت شوند و زمینى ابتیاع نمایند ولو در جاى

تنها باشد و آن جسد مطهر را بانجا نقل نمایند و پنجاه تومان جناب

امین بجهت مصارفات تقدیم نماید مرقد جناب سلیمان خان من بعد

كشف خواهدشد و امّا مرقد جناب طاهره در چاه باغیست آن نیز

انشاء اللّه ظاهر و اشكار خواهدشد و امّا بیست و چهار نفر دورهء مبارك

ان واحد اول بیان و پنج نفس مبارك دیگر است كه بعداً ظاهر و آشكار

خواهدشد و امّا از بیان الف سنه در كتاب اقدس مراد اینست كه

قبل از الف قطعیاً ظهور ممتنع و مستحیل است و جمیع نفوس مقدسه در

ظل مبارك ولى بعد از الف سنه مصطلح بین ناس ممتنع و مستحیل نیست

حال ان مدّت احتمال امتداد دارد میشود كه هرروزى عبارت از هزار

سال بشود چنانكه در قران میفرماید ان یوماً عند ربك كالف سنة

مقصود اینست كه بعد از انقضاء الف سنه مصطلح بین ناس ظهور ثانى

\* ص163 \*

فوراً محتوم نیست شاید امتداد زیاد یابد حال من عازم ممالك غرب هستم

ولى احباب باید احرام روضهء مباركه را بربندند و بعتبه مقدسه مشرف شوند

و اذن و اجازه دارند ولو این عبد در اقصى بلاد عالم باشد زیرا اصل زیارت

روضهء مباركه و مقام اعلى است شدّ رجال از براى این دو لازمست در ضمن

اگر ملاقاتى هم با اینعبد نمایند بیثمر نخواهد بود و علیك البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

خط مبارك هواللّه جناب آقا ابوالقاسم دبّاغ و جناب آقا غلامعلى و جناب اقا

غلامحسین و سائر متعلقان از ذكور و اناث علیهم بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى خانواده موقنین باللّه شكر كنید كه از نداى حق بیدار شدید و از وساوس

بیزار از نور هدى چشمى روشن كردید و از نفحات ملكوت ابهى قلبى گلشن در

حلقه سرگشتگان كوى الهى درآمدید و در تحت لواى رحمانى درآمدید توجّه

بملأ اعلى نمودید و بخدمات احباء اللّه پرداختید بندگى بندگان حق نمودید و

شرمندگى در حضور مقربان كبریا اظهار فرمودید نظر الطاف شامل شماست

و لحاظ عنایت واقع بر شما حضرت آقا میرزا محمود علیه بهاء الله الأبهى نهایت

سرور از شما داشتند و اظهار ممنونیت میفرمودند كه بسیار متحمّل زحمات

ایشان گشتید چه مقامى اشرف از خدمات احباء اللّه است علی الخصوص

من اختصهم اللّه بفضله و موهبته ع ع

مقابله شد

\* ص164 \*

ط خط مبارك

هو الأبهى جناب ابوالقاسم دباغ كاشانى علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هو الأبهى** اى مشتاق كوى دوست صد بشارت كه ماذون زیارت درگاه احدیت هستی

و هزار مژده كه احرام طواف روضهء مطهره بربندى لكن این مقام تقدیس را شروط

زیارتى و لوازم عبودیتّست قلب را طاهر و وجه را ناضر و روحرا مستبشر و جان را

پر روح و ریحان بنما و قصد درگاه جانان بكن چه كه این مقام جوهر تقدیس است

و ساذج توحید جمیع آلایش شئون شرك را از قلب زائل كن تا انوار

این افق نورانى بر او بتابد و البهاء علیك عبدالبهاء ع

مقابله شد

بواسطه جناب یونس خان

جناب استاد علی اكبر حلبى ساز و ضجیع محترمه ایشان علیهما بهاء الله الأبهى

خط كاتب

# **هوالله** اى دو مرغ آشیانه عرفان حمد كنید خدا را كه در لانه عرفان هم آغوشید

و در جنّت ابهى بر ساخشار مهر و وفا در نغمه و آهنگ پرجوش و خروش

این مقام بجهت شما مقدّر و انشاء اللّه موفق و موید خواهید گشت خدمات

شما با احباى الهى مذكور و معروف و در ملكوت الهى مشهور و ممدوح و

مقبول و علیكما التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

\* ص165 \*

خط مبارك نور محمّدخان هواللّه

استاد غلامعلى و استاد على دبّاغ علیهما بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى دو برادر اخوت و برادرى چون در دو برادر روحانى حاصل همه اش

شهد و شكر است و چون اخوت معنوى جمع با جسمانى شود نور على

نور گردد ولى چون روابط روحانیه محكم نباشد و محبّت قلبیه مستحكم

نشود و الفت منبعث از انبعاثات وجدانیه نباشد آیهء و جاءوا

اباهم عشاء یبكون تحقق یابد و شروه بثمن بخس در اهم معدودات ثابت

گردد حال شكر نمائید كه دو برادر جان برابرید و الفت روحانیه

و محبّت جسمانیه هر دو حاصل و میسّر این نعمتى بود كه نظیر و مثیل

ندارد و راحتى كه شبیه و عدیل نخواهد داشت و البهاء علیك و

على كل اخ لم یفرط فى اخیه الحنون العطوف ع ع

در این ایام نظر بحكمت خفیه اذن زیارت داده نشد انشاء اللّه در

سنهء آتیه داده میشود و من از قبل شما زیارت مینمایم ع ع

مقابله شد

خط كاتب هواللّه طهران حضرات دبّاغان حاجى ابوالقاسم و اخوان اقا

غلامحسین و آقا غلامعلى و آقا على و اهالى بیتشان علیهم بهاء الله الأبهى

\* ص166 \*

# **هو الأبهى** اى یاران این عبد نهایت سرور از خدمات مشكوره و مشهورهء

شما حاصل نموده زیرا فى الحقیقه بكمال خلوص بخدمت احباى رحمانى

پرداختید و نرد صداقت و محبّت و دیانت باختید این خدمات

در استان مقدّس مقبول افتاد و عنقریب ثمرات عظیمه نتیجه خواهد

بخشید ولى روزبروز باید این نیت مزداد گردد و این همت

افزوده شود تا ترقى در جمیع مراتب حاصل گردد و ربّ زدنى فى

عبودیه احبّائك را بجان و وجدان ناله كنان ورد زبان نمائید

زیرا خدمت دوستان فخر عالم انسانست و عبودیت یاران

موهبت رحمن قسم بجمال قدم كه اگر وقت داشتم و فرصت مییافتم

آرزوى خدمت و خضوع و خشوع در نزد هریك از احبّاء داشتم

ولى چه كنم نه فرصتى نه وقتى نه قوّتى نه قدرتى نه توانائى لهذا

شرمسارم و بیقرارم و از خود بیزارم امّا فى الحقیقه شماها بآنچه باید و

شاید و سزاوار است قیام نموده اید اى كاش من نیز شریك

و سهیم بودم ذلك من فضل اللّه یوتیه من یشاء و اللّه ذو فضل

عظیم و البهاء علیكم ع ع مقابله شد

\* ص167 \*

خط كاتب بواسطه جناب غضنفر ابن غضنفر

جناب حاجى ابوالقاسم دباغ كاشى علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى موقن باللّه ملاحظه نما كه دارو و دوا چگونه جلد متعفّن را پاك و طیب و

طاهر مینماید بلكه مطیّب و معطّر میفرماید پس معلوم شد كه تربیت

چه تأثیرى در وجود دارد اجزاء دباغى را چون چنین تأثیر باشد دیگر ملاحظه نما

كه دوا و داروى الهى چه نفوذ خواهد بود البته صدهزار مرتبه تأثیرش

بیشتر و تطهیرش پاكیزه تر است خوشا بحال آن نفوس كه بدرمان

الهى و اجزاء معنوى تطهیر قلوب نمایند و علیك التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد

خط كاتب بواسطه جناب جلال ابن سینا

جناب آقا مشهدى شعبان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى شعبان معظم جمیع ماهها حتى رمضان و محرّم فداى تو باد گویند كه

شعبان ماهیست كه تقسیم رزق در ان شده امیدوارم كه تو سبب

تفسیم رزق روحانى گردى و مائدهء آسمانى توزیع نمائى آن نعمت هدایتست

و مائده رحمت كه سبب حیات جاودانست و باعث حصول روح و ریحان

و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

\* ص168 \*

بواسطه جناب سر رشته دار

جناب شاهزاده عزیز و جناب حسینعلى بیك علیهما بهاء الله الأبهى خط كاتب

# **هواللّه** اى دو یار عزیز من حضرت سینا زبان بثناى شما گشوده و جناب

سر رشته دار بنغمه و آهنگى خوش بتحریك او تار مدح و ستایش پرداخته كه

ان یاران روحانى مانند هدهد عشق نفوسى را بسباى الهى دلالت

نمایند تا در محفل جنّت عدن ببلقیس هدایت ربّانى رسانند

و در ظل سلیمان حقیقى درآرند آهو گردانى اگر باین مهربانى باشد غزالان

مشتاق را ببیت الحرام امن و امان درآرد این صید و قید نیست این

ازادى و بزرگواریست لابد هر سبیل را دلیلى لازم الحمداللّه كه شما نفوس را

دلالت بر عین تسنیم مینمائید و سبب حیات ابدى طالب مستقیم میشوید

این موهبت است و این الطاف حضرت احدیت شكر كنید

خدا را كه بان فائزید ع ع

جناب آقا میرزا نعیم جناب استاد حسن صبّاغ جناب آقا محمّد صادق زرگر جناب

اقا محمّدحسن همدانى جناب میرزا عطاء اللّه خان جناب میرزا یونس خان

جناب میرزا حسین خان ساكت جناب آقا سید نصراللّه جناب محمّدحسن بیك

جناب استاد على آقا جناب میرزا فرج الله خباز جناب میرزا قدرت

\* ص169 \*

جناب میرزا عبدالباقى عطار جناب حاجى سید محمّد جناب فتح اللّه خان جناب

محمّد خان جناب عزة اللّه خان جناب عزیزاللّه خان جناب غلامحسین

خان جناب منیر جناب عیسى خان جناب اسداللّه میرزا جناب سینا

جناب آقا محمّد اسمعیل مسگر جناب میرزا خلیل كلیمى جناب میرزا ابوالحسن عطار

جناب میرزا حبیب جناب عنایة اللّه جناب حسینعلى خان جناب استاد

غلامعلى جناب آقا ابوالحسن جناب آقا محمّدعلى ملا احمد جناب آقا سید على جناب

اقا فرج اللّه جناب آقا شكراللّه جناب آقا میرزاجان جناب آقا محمّدحسن همدانى

كوچك جناب حبیب اللّه جناب آقا علی اكبر جناب آقا محمّدعلى بزّاز

جناب آقا اسداللّه شیرازى جناب آقا محمّدصادق جناب حاجى سیداللّه

جناب محمّد حسن زنجانى جناب آقا عبداللّه جناب آقا على جناب آقا عبداللّه

جناب آقا على همشیره زاده جناب زین جناب مشهدى رضا جناب سیف اللّه

جناب استاد غلامحسین جناب آقا محمّدعلى دبّاغ جناب آقا على اصغر جناب

استاد محمود جناب میرزا عبدالحسین جناب استاد ابوالقاسم جناب

اقا میرزا حبّ اللّه جناب حاجى میرزا عبداللّه خان جناب آقا مشهدى

عباداللّه جناب آقا سید محمّد رضا جناب آقا سید على جناب آقا میرزا مومن

جناب آقا میرمحمّدخان جناب آقا میرزا فضل اللّه جناب آقا محمّدجواد جناب اقا

میرزا عبدالحسین جناب فتح اللّه خان جناب محمّدخان جناب

علیقلى خان جناب اسداللّه میرزا جناب آقا میرزا سید ابراهیم جناب

میرزا عباس خان جناب ابن كلانتر جناب آقا محمّدعلى كاشانى

\* ص170 \*

اماء اللّه علیهن بهاء اللّه

والده جناب استاد ابوالقاسم و الدهء استاد محمّداسمعیل ورقه ضلع استاد اسداللّه

ورقات ضلعین استاد غلامعلى ورقه منوّر ضلع مشهدى محمّد ضلع استاد

ابوالقاسم ورقه زرین تاج صبیه استاد ابراهیم والدهء ورقه جمالیه

ورقه طوبى ضلع استاد غلامحسین ضلع جناب آقا محمّدجواد صبیه استاد

محمّد اسمعیل ضلع استاد على

خط مبارك

# **هواللّه** اى پروردگار این نفوس دوستان تواند و این جمع یاران تو و این

انجمن پریشان تو از نسیم عنایت مهتزند و از شمیم موهبت مشام

معطّر تجلّى رحمتى كن و تسلّى و موهبتى بخش دلها ازاد كن و جانها را زنده

ببخشش و عطاى مزداد نما در صون حمایتت صیانت فرما و در امر عظیم و

سلطان مبینت استقامت بخش خلق جدید كن و روح تفرید بدم

اتش حب و اتحاد در قلوب برافروز و پردهء اوهام مختلفه بسوز

ثابت و راسخ كن نابت و باسق فرما ابواب عطا بگشا جام صفا بدور

آر بزم عنایت بیارا و موائد موهبت نازل فرما تا سمائى گردند

ملكوتى شوند انت الكریم ع ع مقابله شد

هواللّه

بواسطه جناب آقا محمّدعلى اخوى آقا محمّدرضا من اهل ك

\* ص171 \* خط مبارك احباى الهى علیهم بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هواللّه** اى احباى الهى جمال قدم و اسم اعظم از ملكوت تقدیس بفیض قدیم احباى

خویش را بفوز عظیم بشارت میفرماید كه اى دوستان صادقان خوشا

بحال شما كه بعهد و میثاق وفا نمودید و در بحر صفا مستغرق گشتید پیمان

الهى را سبب فوز و فلاح دانستید و تشبّث بعروة وثقى را علت نجات

و نجاح از جام الست مدهوش و سرمست شدید و از نداى الهى چنان منجذب

و منقطع از آنچه نیست و هست در سبیل هدى سلوك نمودید و مظاهر

موهبت كبرى شدید دست بذیل اطهر زدید و بمنظر اكبر توجه نمودید

جمیع ملأاعلى بتحسین مشغول و سكان ملكوت ابهى بتمجید مالوف شما

آیات توحید شدید و مطالع الطاف ربّ مجید گشتید چشم عنایت

ناظر بشماست و حقیقت فضل و موهبت شامل حال شما شكر نمائید

كه بچنین عطّیه كبرى موفق گردیدید و بچنین رحمت بیمنتهى

موید شدید الهى الهى هولاء عباد تمسكو بعروة المیثاق و تركوا

الشقاق و ما رضیوا بالانشقاق و اخلصوا وجوههم ...[[9]](#footnote-9) المیثاق

فاشدد ظهورهم بقدرتك القاهره و نوّر وجوههم بانوارك الساطعه و

اعلى منزلتهم و انشر كلمتهم و اجعلهم من انوار مطلع الاستقامه فى حبّك

انك انت الكریم الرحیم الودود و انك انت البر الروف ع ع

مقابله شد

\* ص172 \*

# **هو الأبهى** امةاللّه والده و اخوان جناب آقا ابوالقاسم زائر علیهم بهاء اللّه

الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارک

هو الأبهى ربّ یاغایة مقصدى و رجائى هولاء عباد اقرّوا بوحدانیتك و

صدقوا بكلماتك التامات التی صدرت من كلمة احدیتك فی مظهر

فردانیتك و آووا الى ركنك الشدید و ملاذ امرك المجید و مطلع نورك

المبین و حبلك الوثیق المتین اى رب ایدهم على رضائك

و انزل علیهم نعمك و آلائك و خصصهم بمواهب آثار صفاتك و

اسمائك و اجعلهم ثابتین على عهدك و میثاقك و متمسكین بعروتك

و اوامرك لینقطعوا عن كل ذكر الا ذكر جمالك و یتقدسوا عن كل صفة

و سمة الا شئون اجلالک انك انت السطان العزیز

المقتدر القدیر امةاللّه والده آقا ابوالقاسم را بتكبیر ابدع ابهى مكبریم

و از فضل سلطان وجود آمل كه بنار محبّت اللّه در نهایت اشتعال

باشند جناب آقا غلامحسین را بابدع اذكار ذاكر و بنفحات اللّه

مبشر جناب آقا غلامعلى را با لطف بیان متذكر و بروح و ریحان

شایقم جناب آقا محمّدعلى را امیدواریم كه بذكراللّه در كل احیان ذاكر

باشند و بنسائم قدس مهتز و متحرك در این ایام در روضهء مطهره

بیاد و ذكر و دعاى ایشان مشغولیم و اگر چنآنچه یكى از ایشان مقتدر

كه بكمال راحت و روح و ریحان مسافرت نماید اذن زیارت تربت

مباركه را دارند و البهاء علیهم اجمعین و سایر احباء اللّه المخلصین ع ع

\* ص173 \*

هو الابهى ط احباى الهى علیهم بهاء اللّه الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك

# **هو الأبهى** اللهم یا واهب العطایاء و راحم البرایاء اسئلك بالنقطة الّتى منها

بدئت الممكنات و الیها عادت و منها نشئت و الیها رجعت

و ...[[10]](#footnote-10) و تكعبت و اجتمعت و تفصّلت و اندمجت و اندرجت فیها

حقائق اسرارك و بدایع اثارك و سطعت عنها لوامع انوارك بان تؤید

هولاء عبادك على اعلاء كلمتك و نشر طیب معرفتك و تضوع عبیر

موهبتك ثم اجعلهم مستقیمین على امرك و ثابتین على حبك و متشبثین

بذیلك و متمسكین بدینك انت الكریم الوهاب جناب استاد

اسمعیل در این بساط مذكور و معروفند و مقبول جناب آقا محمّدابراهیم

بلحاظ عنایت منظور جناب مشهدى محمّد بعین رافت ملحوظ جناب

اقا محمّد دبّاغ ممدوح و محمود و چون بملاحظه و محافظه اطفال كه از ثدى

محبّة الله شیرخورده اند مشغول خدمتش و زحمت ضلعش مقبول

جناب آقا بابا را خدا مقامى بالا عنایت فرماید جناب كربلائى ...[[11]](#footnote-11)

مشمول لطف الهى و محفوظ در ظل ربّانى الهى هذا عبدك ابوالقاسم

توجه الى مطلع غفرانك و مشرق احسانك و یرید عفو ابیه الذى

ترك هذه الدار الفانیه و توجه الى الدارالاخره الباقیه اى ربّ اغفر له

ذنوبه و خطایاه و اعف عنه جریراته فى ظواهره و خبایاه اى رب اغرقه

فى بحار رحمتك الكبرى ثم اغفر عبدك الباقر الذى صعد الى سمائك و

\* ص174 \*

و استضاء من انوار بهائك ثم اغفر امتك التى انتسبت لعبدك

زار رمسك الطاهر و اخته التى صعدت الى ملكوت رحمتك الباهر

انك انت الافر الوافى العافى الكافى الغافر العزیز المنان ع ع

مقابله شد

طهران بواسطه جناب امین جناب عطاء اللّه و جناب غلامحسین

و امةاللّه درخشنده علیهما و علیها بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى سه مفتون دلبر بیچون نامه مختصر بسیار مفصل بود و پر اثر

و دلیل بكمال تضرّع و نیاز بملكوت راز عجز و زارى نمودم كه مورد

الطاف ربّ بینیاز شوید و آنچه نهایت امال و ارزوى شماست

بحیّز حصول پیوندد و علیكم البهاء الأبهى 26صفر 1339 حیفا

عبدالبهاء عباس

مقابله شد

مریم آباد یزد امةاللّه رقیه سلطان صبیه آقا محمّدابراهیم ترك

علیها بهاء اللّه

# **هواللّه** اى امةالرحمن خداوند مهربان تاج مرصّعى از ایقان و ایمان

برسر تو نهاد كه جواهر زواهرش قرون و اعصار را روشن نماید

\* ص175 \*

و علیك التحیة و الثناء جمیع كنیزان الهى را در ان كشور بعنایت

حق مژده و بشارت ده تا مسرور و خوشنود گردند ع ع

مقابله شد

بواسطه امةاللّه بنت شهید امةاللّه نه نه خانم علیها بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى مظهر مصائب فى الحقیقه این دو مصیبت هادم بنیان صبر و قاطع

ریشه تحمل بود بادى حسرتست و سزاوار آه و فغان و كربت البته

فراق صعب است و جدائى از هر عزیز مورث هزار مشقت و تعب

ولى چون ان دو نهال از گلخن اینجهان قلع و قمع شدند در جهان

الهى گلشن باقى نصب و غرس گشتند و طراوت و لطافت بیمنتهى

یافتند و ببرگ و شكوفه و ثمر مزین گشتند لهذا باید بقضا راضى

شد و تسلیم تقدیر گشت و بآنچه كه مقدر شده ممنون و متشكر

بود و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

خط مبارك عشق آباد امةاللّه الممتحنه الثابته الراسخه ورقهء مظلومه نه نه خانم و

امةاللّه المطمئنه رقیه علیهما بهاء الله الأبهى

# **اى دو كنیز** مقرب حضرت كبریاء هر دم بیاد پرده نشینان سرادق

\* ص176 \*

رحمان آئید و در ملأ اعلى ملكوت ابهى مذكور و مشهور و مقبول و ممدوح

هستید محن و بلایا كه در سبیل كبریا كشیدید فراموش نشود كالنقش

فى الحجر در الواح و صحف قلوب منقوش و مثبوت است و انشاء اللّه

روزبروز بر محبّة الله و استقامت در ایمان و ایقان بیفزائید

و شكرانه بدرگاه خداوند آگاه نمائید كه بچنین فضل و موهبتى

موفق شدید ع ع

مقابله شد

هواللّه امةاللّه المظلومه نه نه خانم علیها بهاء اللّه

# **هواللّه** اى مظلومه الحمدللّه در سبیل حق هر بلائى و جفائى تحمل نمودى و از

جام محن و آلام سرمست گشتى و حال نیز بخدمت و پرستارى

ورقه مقدسه والده حضرت افنان شجره مباركه محمود محمود مفتخر و

موفق شدى این از الطاف رب ودود است قدر آن بدان ع ع

مقابله شد

# **هواللّه** یا امةاللّه المهیمن القیوم رقیه بلایایت در سبیل محبوب معلوم و مشهود

و این از فضل و موهبت ربّ ودود كه كنیز خویش را بحمل

بلایا در سبیل خود عزیز میفرماید ذلك من فضل اللّه یوتیه من

یشاء ع ع مقابله شد

\* ص177 \*

برجاى امةاللّه حرم شهید سكینه سلطان

حضرات ورقات مطمئنه امةاللّه نه نه خانم و صبیه و عموم خویش

و بستگان حرم شهید و كافه احباى الهى علیهن و علیهم التحیة و الثناء

# **هواللّه** اى ورقات مباركه و اماء رحمان و احباى حضرت یزدان سكینه

سلطان را خواهش و رجا چنین است كه اینبعد حزین بذكر یك یك

از ورقات نور مبین و اماء حضرت رحمان رحیم و دوستان

جمال قدیم پردازیم ولى بجان عزیز كل قسم كه ابداً مهلت ندارم

لهذا در حق كل مناجات میكنم و طلب حاجات مینمایم و بدرگاه

حق تضرّع و نیاز میكنم كه اى خداوند بیمانند ورقات ایات

محبتّند و اماء كلمات پرمعانى و موهبت دوستان هریك

گلستانند و بریاحین عرفان مزین اى آفریننده زیبنده گى

بخش و آزاده گى ده بزرگوارى عنایت كن و مهرپرورى بیاموز

تا این نفوس پاك جمیع جهانیانرا دوست بدارند و بعالم

انسانى صلح و آشتى نمایند رحمت کل باشند و موهبت

جمیع ایات هدى گردند و رایات ملكوت اعلى جبین بفیض نور

مبین بیارایند وسینه را آئینه كنند تا پرتو شمس حقیقت

بتابد توئى دهنده و بخشنده و فروزنده و مهربان ع ع

\* ص178 \*

هواللّه جناب آقا لطفاللّه علیه بهاء اللّه

خط مبارك

# **هوالله** اى آیت لطف حق لطف الهى باید پرتو رحمانى گردد یعنى

در جمیع احوال و اخلاق باید حكایت از اشراق نماید تا شمع

روشن محفل آفاق گردد و نور انجمن وفاق و ان تخلق

باخلاق حضرت خلاق على الاطلاق ع ع مقابله شد

هواللّه

جناب آقا لطف اللّه علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** یا من طاف حول مطاف الملأالاعلى الحمدللّه صحرا و بادیه

پیمودى تا پیمانهء پیمان به پیمودى و بفوز عظیم فائز گشتى و

بتقبیل استان مقدس موفق شدى لسان بستایش

حى قدیم بگشا كه بچنین موهبتى موفق گردیدى و بچنین

عنایتى متخصص شدى از فضل الهى چنان مامول كه

در كمال روح و ریحان مراجعت باوطان نمائى و چون

حضرات اوارگان كوى دوست دراویش را ملاقات نمائى

تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید و البهاء على اهل البهاء ع ع

مقابله شد

\* ص179 \*

خط مبارك

# **هواللّه** اى بنده الهى نجل سعید الان حاضر و مستدعى تحریر این نامه

ناطق و مشغولیت این عبد بینهایت با وجود این فوراً خامه برداشته

و بنگارش این نوشته پرداخته كه اى زنده دل و جان شادمان

هرچند بظاهر پیر فانى هستى امّا بحقیقت جوان روحانى شاب

امرد رحمانى زیرا بروح محبة اللّه تر وتازه ئى و بنسیم عنایت در

نهایت طراوت و لطافت و منتهاى صباحت و ملاحت پس

شكر كن كه باین فضل موفقى ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقا مهدى

هواللّه

جناب آقا لطف اللّه علیه بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى بنده مشتاق لطف الهى شامل است و فوز و فلاح كامل از

جمله الطاف الهیه اینست كه بنور هدى مهتدى شدى و بجوهر تقى

مقتدى از سرّ وجود بهره بردى و از كنز ملكوت نصیب موفور گرفتى

موقن بجمال ابهائى و مؤمن بطلعت اعلى و سامع ندا و مشتاق جمال

كبریا از بازگشتن بوطن دلخون و مفتتن مشو انشاء اللّه بخط عظیم موفق

خواهى شد و بمقام كریم موید الطاف حق بى پایان است

\* ص180 \*

و فقدانرا سمت وجدان دهد و علیك التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد

بواسطهء جناب امین جناب میرزا مهدى و میرزا عبدالوهاب اردكانى

# **هو الأبهى** اى دو بنده استان الهى نامهء شما رسید فرصت مفّصل نیست

مختصر نگاشته میشود وقایع مولمه شاهرود واضح و معلوم و در تسلى خاطر

یاران مدتى پیش جواب مرقوم الحمدللّه كه در امتحان شدید چون

جبل حدید بودند امید چنانست كه این تعدیات منتهى گردد

تفصیل وقوعات را بجناب باقراف مرقوم دارید و هروقت رجوع

بوطن مألوف میسّر مراجعت بهتر و علیكم البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

مقابله شد

# **هواللّه** طلب مغفرت بجهت و الدهء جناب آقا مهدى و جناب آقا عبدالوهاب

الهى هذه امة من امائك و لما سمعت ندائك یا ایهاالنفس المطمئنه

ارجعى الى ربّك راضیته مرضیه لبّت خاشعه خاضعه متمنیة لقائك

فى جوار رحمتك ربّ اجب سئولها و اكرم مثواها و مكنها فى

فردوسك الاعلى و جنتك العلیا حتى تسبح بحمدك فى كل الاحیان

فى جنة الرضوان انك انت العفو الغفور الرحیم الرحمن

22 صفر 1339 حیفا عبدالبهاء عباس

مقابله شد

\* ص181 \*

طهران هواللّه

بواسطه جناب حاجى میرزا عبداللّه جناب میرزا لطفاللّه علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى بیسر و سامان من فى الحقیقه كوه و صحرا طى نمودى و از ایران

بمدینةاللّه رسیدى مشقت بیپایان دیدى و رحمت بیكران

تحمل نمودى بعد مامور برجوع شدى و بسیار سبب مشقت

شما شد امّا چه توان نمود كه در انزمان ارض مقصود سراً در نهایت

انقلاب بود ولى سكون و قرار عبدالبهاء نگه داشت بارى از

خدا میخواهم كه در حق تو عنایت قبول زیارت مقرر گردد هر چند

نرسیدى ولى از فائزین محسوب شوى و از زائرین مقبول

امیدوارم كه اسباب اسایش فراهم آید و مظهر بخشایش گردى

جناب آقا مهرعلى كرمانشاهى را و آقا غلامعلى طهرانى را از قبل اینعبد

تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید و بگوئید مقصد آن بود كه مكتوب

مفصّل مرقوم گردد ولى در نهایت شرمندگى از عدم فرصت

باین پیام مختصر قناعت شد و علیهما التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد

\* ص182 \*

هواللّه

بواسطه زائر عتبه رحمانى جناب آقا غلامعلى جناب آقا علی اكبر علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى بنده حق در این دم بیاد و ذكر تو همدم و از حق میطلبم كه

دمبدم توفیق جدیدى یابى و به بندگى خداوند یزدان از هر

قیدى ازادگى طلبى تا در این میدان مردانگى بنمائى و از هر

الودگى خویش را برهانى و سبب روشنائى اهل عالم شوى و

علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

هواللّه بواسطهء حضرت ابن ابهر

كاشان جناب على اكبر علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى بنده روحانى جمال ابهى غرفه ئى كه مشرق الاذكار و محفل

ذكر جمال ربّانى نمودى مقبول افتاد قصور ملكوت قبور مطمور

گردد ولى این غرفه عاقبت آن خانه را بیت معمور نماید و

خدمتت در درگاه ربّ غفور مقبول و مشهور و

علیك التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد

\* ص183 \*

هو الأبهى

امةاللّه زن آقاى شاه عبدالعظیمى علیه بهاء الله الأبهى

خط مبارك

# **هو الأبهى** اى امةاللّه چند روز پیش محررى بشما مرقوم شد حال باز

نگاشته میگردد ملاحظه نما كه چه عنایتى در حق تو بوده و هست

آنچه استدعا نموده بودى از درگاه احدیت رجا شد مطمئن

بفضل و موهبت حق باش و جمیع دوستان را از رجال

و نساء تحیت ابدع ابهى ابلاغ نما ضیاء اللّه و میرزا عباس

را كمال اشتیاق برسان ع ع مقابله شد

امةاللّه بگم صاحب علیها بهاء اللّه

# **هو الأبهى** اى ورقهء طیبه از لطف حق امیدوار شو و اعظم وسائل

حصول عنایت ملكوت ابهى تحمل زحمات و مشقات اماء

رحمن است شكر كن خدا را ع ع

مقابله شد

\* ص184 \*

اقا علی اكبر هو الأبهى

اى طالب رضاى الهى الیوم اكبر نفوس ملكوتى ان كسست كه

بعهد و پیمان الهى بعزمى رحمانى و توانائى یزدانى قیام نماید و بترویج

امر الله و نشر نفحات اللّه برخیزد از خلوت خانه دل اهرمن براند

تا بانگ سروش شنود و از بیگانه بیزار شود تا دوست یگانه

در اغوش گیرد اینست بزرگوارى ملكوتى و البهاء علیك ع ع

مقابله شد

خط اصل

بواسطهء آقا سید مصطفى علیه بهاء اللّه هو الأبهى

ورقهء موقنه امةاللّه زن اقاى شاه عبدالعظیمى علیها بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى امةاللّه افق عالم بانوار عنایت اسم اعظم روشن و از فیض

ملكوت جمال قدم جمیع آفاق گلزار و چمن عنقریب بسیط

غبرا را جنت ابهى مشاهده نمائى و عرصه خاك را رشك

افلاك ملاحظه كنى در آن كشور عظیم نور مبین بتابد و نداى

یابهاء الأبهى را یاران در مشارق اذكار بذروه علیین رسانند

تا توانى در تشویق ورقات بكوش تا سروش افق ابهى

تائیدت نماید و البهاء علیك و كل ورقه ثبتت على المیثاق ع ع

مقابله شد

\* ص185 \*

بواسطه امةاللّه المنجذبه فائزه شاهزاده عبدالعظیم

امةاللّه المقربه زن آقا علیها بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى امةالمقربه نامه خواندم و بر معانى اطلاع یافتم مضمون

مشحون تبتل الى اللّه بود و تضرّع بملكوت ابهى من نیز با تو

همدم گشتم و مناجات بدرگاه احدیت نمودم تا ترا در ملكوت

خویش مذكور فرماید و الطاف بینهایت مشمول دارد اى

امةاللّه المقربه عبدالبهاء از درگاه الهى رجا نموده كه نفوسى از

اماء رحمن در ایران مبعوث شوند كه گوى سبقت و پیشى را از

اماء الهى در امریكا بربایند و سبقت گیرند حال در آمریكا اكثر مبلغین

از اماء رحمانند فى الحقیقه بر رجال تفوق جسته اند امیدوارم

كه تو نیز در اینمدت سبب انتشار دین الله و اعلاء كلمةاللّه و نشر

نفحات اللّه گردى و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

طهران بواسطه امةاللّه المنجذبه فائزه علیها بهاء اللّه

ورقهء موقنه امةاللّه بگم صاحب زن اقاى شاه عبدالعظیمى علیها

بهاءاللّه الأبهى

خط مبارک

# **هواللّه** اى امةاللّه نچه نگاشتى بعین رافت كبرى ملاحظه گردید خوشا

\* ص186 \*

بحال تو كه نه نفر از منتسبین را درظل كلمه توحید درآوردى و سبب هدایت

گشتى و بر استقامت دلالت نمودى و خدمت باستان احدیت

كردى و جمیع را تاج موهبت بر سر نهادى و مظاهر عنایت حضرت

احدیت نمودى فاطمه سلطان بگم و صدیقه بگم و انسیه بگم و جناب

میرزا عبدالرحیم و سروریه خانم و جمیله خانم و آقا ضیاء اللّه و

اقا میرزا عبدالكریم و آقا روح الله را از قبل عبدالبهاء تحیت روحانیه

برسان و بگو اى منتسبین انورقه منجذبه الهیه خوشا بحال

شما كه بچنین فضل موفور مخصوص گشتید و بچنین الطافى

موید و موفق شدید چشم را بنور هدایت كبرى روشن نمودید

و دل را بمحبت دلبر آفاق پر شوق و شور كردید نداى الهى

شنیدید و بفیض رحمانى رسیدید و دل از غیر حق بریدید و

از افق موهبت بنور عنایت درخشیدید و هذا من فضل ربكم

الرحمن الرحیم از حق میطلبم كه میرزا عبدالصمد را غفران ارزان

فرماید و پدر و مادر و برادران و خواهران انورقه را در بحر الطاف

مستغرق فرماید امةاللّه والدهء على اكبر را بنفحات قدس مشام

معطر نما و همچنین عروس تازه تصدیق او را بذكر حق متذكر دار

اى امةاللّه فى الحقیقه آرزوى جانفشانى نمائى و تمنّاى قربانى

كنى این آرزو در هردم شهادتیست و این تمنا در هر نَفَس جام پر

موهبتى الحمدللّه بان فائزى و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

\* ص187 \*

# **هو** رب وفق هولأ المتفقین على خیر فى الملك و الملكوت بما انفقوا اموالهم

فى تاسیس اول مشرق الاذكار فى قطب الدیار و بذلوا ما اعطیهم فى

بناء ملیك المعمور بسعى مشكور و لهم الجزاء الموفور یا موید كل عبد شكور

رب وعدت عبادك فى كل حسنه عشرة امثالها فقدر لهولاء اضعاف

امثالها العشره و اجعل البركه تحیط بهم من كل الجهات یا رب الایات

انك انت المعطى العزیز الوهاب و انك انت الكریم الرحیم و قد

سبقت منك الكلمات فى حق كل من قام على نصرة امرك من اهل

الارض و السموات یا رب الخیرات و قابل الحسنات و المبرات ع ع

یا صاحبى السجن ط

جناب آقا شیخ محمّد ابن آقا شیخ ابوتراب علیهما بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

 خط اصل 

# **هو الأبهى** یا من انجذب بنفحات اللّه قد اشرق شمس القدم و النیر الاعظم من

افق العالم و احاط سلطان شعاعه مطالع الامم و ظهر اثاره و بهر

برهانه و عظمت ایاته و وضحت بیناته و شاعت اذكاره و

ذاعت كمالاته و اشتهر فى الخافقین ظهوره و شروقه و سطوعه

فیا اهل التوحید هل على ذلك الفضل من مزید لا و ربكم المجید

اطلبوا الاحسان من تلك الید البیضاء و اغترفوا من ذلك

البحر المتلاطم المتموج المتسع العجاج و البهاء علیكم و على كل من

\* ص188 \*

تمسك بعهداللّه و میثاقه الاعظم العظیم ورقه طیبه امةاللّه ضلع

محترمه را از قبل این گمگشته صحراى محبّة الله تكبیر ابدع ابهى ابلاغ

نمائید از فضل سلطان وجود امیدوارم كه از افق انجذاب

مشرق و لائح گردد ع ع مقابله شد

بواسطه جناب امین امةاللّه حرم محترم مرحوم آقا شیخ محمّد اشتهاردى

ورقه مطمئنه فاطمه علیها بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هواللّه** اى مصیبت زده محزون مباش مغموم مگرد سرشگ مریز

اشك مبار رخ مخراش آه و انین مكن و قلب را حزین

مگذار دختر پاك گهر بمقعد صدق عند عزیز مقتدر شتافت

و از اینجهان تاریك و تنگ آهنگ ملأاعلى نمود فى الحقیقه

جاى سرور است نه حزن و موقع شادمانیست نه تلخ كامى

بعد از صعود ملیك وجود ارتحال از عالم فنا موهبت كبریست

على الخصوص نفوسیكه مظهر مغفرت عظمى هستند امةاللّه

حسنیه خانم و ورقه موقنه بهیه خانم و كنیز الهى جلالیه خانم

را از قبل این مسجون تحیت موفور ابلاغ دارید و حضرت من

صعد الی اللّه و فاز بلقاء اللّه و ادرك موهبةاللّه ابوی بزرگوار

\* ص189 \*

جناب شیخ محمّد در درگاه حضرت احدیت مقرب و مستغرق

بحر مغفرتست و علیك و علیه و علیهن البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

 خط اصل  جناب اقاحسین ابن من طار الى ساحت الكبریاء لانوار اهل صاد

علیه بهاء اللّه

# **هو الأبهى** اى خلف آن مبارك سلف آن سلف آیت رحمن بود و رایت

حضرت یزدان امید است كه این خلف رحمت دوستان

گردد و نعمت و مائده نازله از آسمان تا فرع تابع اصل گردد

و ولد سرّ ابیه شود گلاب رائحه گل بخشد و شاخ گوهردار ببار

آورد قلوب دوستان مسرور و خرّم شود و دل یاران بشادى

همدم ع ع مقابله شد

 خط اصل  ط جناب آقا زین العابدین ابن مرحوم آقا نور علیهما بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى مومن بیوم ظهور و شعله طور پدر را لقب نور بود و مشرب

انجذاب بجمال ظهور از حبّ الهى رخى پرنور داشت و دلى پرسرور

ایام خویش را باشتغال بذكر الهى و اشتعال بنار ربّانى گذراند

\* ص190 \*

تو كه پسر آن پدر هستى از خدا بخواه كه در تو آن هنر و اثر ظاهر گردد بلكه

اعظم و اكمل ع ع و بلغ التكبیر و البهاء على والدتك التى امنت

باللّه و صدقت بكلمات اللّه

مقابله شد

هو الأبهى جناب حسینعلى پسر آقا على نور علیه بهاء الله الأبهى خط اصل

ملاحظه نمایند

# **هو الأبهى** اى سلیل فائز بلقاى محبوب آفاق آن متصاعد برفیق اعلى در یوم

جلوهء نور و شعله طور بلقاى موعود در سیناء ظهور فائز گردید و انوار

نیر اعظم و كوكب لامع مكرم را مشاهده نمود و بمنتهى آمال مقربین

برخوردار شد تو كه شاخ برومند آن شجرى و ثمر فرخنده

ان درخت ارجمندى بكوش كه بتمامه حكایت از خلق و خوى

ان اصل كریم و دوح عظیم نمائى تا انتساب جسمانى و روحانى

هر دو مكمل ظاهر گردد و اثار موهبت جمال احدیت مشهود و

لائح شود ان متعارج بملكوت الطاف سالها در سبیل رضاى

محبوب عالمیان سلوك نمود و متاعب و مشقات در این

جهان تحمل نمود و چون بفضاى لامكان شتافت درظلّ

سدرهء رحمانیه آرمید و بموهبت كلیه رسید و البهاء

علیك ع ع مقابله شد

\* ص191 \*

هواللّه

خط مبارك

ابن من صعد الى اللّه آقا على نور علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** یا من ثبت على عهداللّه و میثاقه الاعظیم آنچه مرقوم فرموده بودید

معلوم و مفهوم شد و مضامین شكرین دهان روح را شیرین

نمود و لمثلك یلیق هذالمقام الكریم الیوم ابواب فتوح

مفتوح و افق فیوضات در نهایت اشراق و وضوح

و ماء معین در جریان و مطلع مبین درخشنده و تابان

طیور قدس در حدائق انس در نغمه و آهنگ و نجوم

هدى در مشرق بقا در سطوع و فیض بیدرنگ پس نفوس

هرچه پیش آیند نصیب بیش برند و بمنتها امال خویش رسند

و البهاء علیك جناب حاجى محمّد هاشم ریزى و آقا میرزا

محمّدابراهیم كاشى را از قبل این عبد تكبیر ابدع ابهى ابلاغ

فرمائید و بگوئید جمیع بلایائى كه در سبیل الهى وارد در لوح

محفوظ ملكوت الهى ثابت و مقید است از عنایت خالصه

خاصهء حضرت قیوم روحى لاحبائه الفداء تائید ثبوت

و رسوخ و حفظ از افتتان و امتحان میطلبم و البهاء علیك ع ع

مقابله شد

\* ص192 \*

هواللّه جناب مشهدى على حیدر من اهل الصاد علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك

# **هو الأبهى** اى بنده جمال مبارك خوشا بحال تو كه ناطق بذكراللّه شدى

و ناشر نفحات اللّه تمسّك بذیل اطهر جستى و توسّل بدرگاه

جلیل اكبر الیوم اعظم امور بعد از ثبوت بر عهد و پیمان تبلیغ

امر الله است هر نفسى موفّق بر تبلیغ نفسى گردد سبب حیات

او شود و او سبب حیات دیگرى این تسلسل یابد در

نهایت ان نفس اول سبب حیات جمهورى شده است

ملاحظه فرمائید چه اثار عظیمه بر هدایت یك نفس مرتب

میگردد پس خوشا بحال نفوسیكه به تبلیغ امر الله قیام

مینمایند لعمرك ان هذا لفضل عظیم ع ع

مقابله شد

هو الأبهى

ورقه زكیه والده آقا حسینعلى علیها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك

# **هو الأبهى** اى امةاللّه در این دور كه منتها آمال عباد مخلصین و منتها

\* ص193 \*

آرزوى اماء موقنات بود در ظلّ كلمه جامعه الهیه محشور شدى و

از موائد سمائیه مرزوق گشتى از كاس ایمان نوشیدى و

حلاوت عرفان جمال رحمن چشیدى پس بنفحات تقدیس

جانرا زنده كن و بانوار توحید قلب را روشنى بیاندازه بخش

بر امر جمال قدم ثابت و راسخ باش و برمحبت حضرت احدیت

مستقیم و متمسك جانرا بشارتى ده و قلب را لطافتى بخش

تا اثار عنایت و الطاف از ملكوت ابهى مشاهده نمائى

و البهاء علیك ع ع

مقابله شد

خط مبارک

# **هوالحافظ** الهى الهى هذا عبدك و ابن عبدك الذى رضع منذ نغومة

اظفاره من ثدى عنایتك و اشتعل فى مهده بنار محبتك

و ربیته فى ظل جناح رحمانیتك و شرفت آباه بخدمتك

فى فناء احدیتك و بما انعمت علیه هذه الموهبة التى یفتخر

و یتباهى بها فى ملأ المقربین من اودائك استقمه على

عهدك الذى یتزلزل منه اركان السموات العلى لعظمه

و صعوبة حمله وهو حمل الشدائد فى سبیلك و تحمل المصائب

فى محبتك انك انت المعطى الكریم ع ع

مقابله شد

\* ص194 \*

هواللّه

داماد جناب آقا على كاشانى جناب آقا حسینعلى خط كاتب

# **هواللّه** اى بندهء حق الحمدللّه پرتو هدایت رخت را روشن نمود

و بمطلع انوار اقبال نمودى و در ظلّ سدره منتهى آرمیدى

پس حال بتقواى الهى بعبادت حق مشغول شو و بشكرانیتی

قیام نما تا روزبروز بر ایمان و ایقان بیفزائى و مورد الطاف

حضرت رحمن گردى و علیك التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد

بواسطه جناب شمس الحكماء جناب آقا حسینعلى مهاجر من اهل

الصاد خاندان متصاعد الی اللّه آقا على نور جناب حسینعلى

امةاللّه خانم سلطان امةاللّه نصرتیه امةاللّه روحیه امةاللّه

قدسیه آقا عزیزاللّه امةاللّه عطائیه عزة اللّه امةاللّه اشراقیه

عبدالاعلى نفحات القدس یداللّه منیره آقا على لیلى صمدیه

افندیه حسن آقا قمر لقا محمّد آقا عنایة اللّه جلالیه صدریه جناب

حاجى محمّد سروستانى حرم آقاى شاه عبدالعظیمى علیهم و

علیهن البهاء الأبهى

\* ص195 \*

# **هواللّه** اى یاران و اماء رحمن الحمدللّه كه خاندان آنشخص وقور آقا على نور

هستید و بازماندگان آن مومن غیورید صابر و شكورید و منظور

نظر عنایت ربّ غفور جناب آقا على نور همیشه در خاطر است

و در دل و جان حاضر چون نامهاى منسوبین خاندان آن بنده

باهر قرائت گردید سرور حاصل شد كه الحمدللّه این سلاله

وراث حقیقى ان ذات محترمند كه بشرف لقا و اصل بموهبت

كبرى نائل بود شكر كنید خدا را كه از عنصر جان و دل اوئید

نه منحصر در آب و گِل از ایمان و ایقان او بهره و نصیب یافتید

و حسیب و نسیب و برقدم او سالك و مستقیم و علیكم و علیكن

البهاء الأبهى 12 صفر 1338

یا رب الفضل و الغفران بنده آستان فضل اللّه را فضل بى

پایان فرما و عفو گناهان بخش فاطمه بگم را نصیب موفور ده و

معفو و مغفور فرما زین العابدین را از مقربین كن و باعلى العلیین

درآر عنایت اللّه را مظهر رحمت كبرى كن و مغفرت عظمى

بخش توئى آمرزنده و دهنده و مهربان عبدالبهاء عباس

مقابله شد

بواسطه جناب شمس الحكماء جناب حاجى نظام الدین علیه بهاء الله الأبهى

\* ص196 \*

# **هواللّه** ایها الفاضل النبیل و العالم الجلیل ان هذه النشاة الاولى خلقها

اللّه معرضاً لتوارد الحوادث و الالام و المصائب و النوائب

و الاستقام یتجرع الانسان فى كل آن كاساً مرة المذاق

و لیس لها دریاق الّا الطاف رب الآفاق حتى الانسان

لایتعلق قلباً بحیاة تحت المحاق بل ینسلخ من القیود و

یتمنى الفوز و الفلاح فى النشاة الاخرى ان هذه الكاس

حالكونها معكرة تبرى النفوس شغفة بها و مغرمه بزخارفها

و متیمة بلذائذها و خائضه فى غمار حطامها و كیف لو كانت هذه

الكاس صافیة لطیفة لها نشوة الفرح و السرور و الطرب

و الحبور و هذه حكمة من الربّ الغفور و الا كیف كان

للانسان خلاص و خیر مناص من هذه الداهیة الدهماء

ولكن الرب الجلیل جعل لهذا الداء ...[[12]](#footnote-12) الدریاق

العظیم و هو انجذابه بنفحات اللّه و اشتعاله بنار محبة اللّه

و بزوغ نور الهدى و شروق شمس التقى و اشكراللّه

على هذه العطاء و احمده بما نوّر زجاج القلب بهذا السراج

الوهاج ولاتبتئس من الاحزان و الالام لانها ستزول

بفضل ربك الرحمن هل رایت او سمعت

نفساً جلیلة سلمت من سهام البلاء او صیّنت من

\* ص197 \*

الباساء و الضرآء او استغرقت فى النعماءِ و السّرآءِ بل نشبت

فیها البلیة اظفارها فعلیك بالصبر الجمیل فى المصاب الوبیل

و السلوة بالفیوضات الرحمانیه اذ اشتد الداء العضال

فیهذه النشاة الشدیدة الوبال لان ربك اختصك برحمة

و اختارك لمحبة و اجتباك لموهبة و اختارك لهدایته و جعلك

آیة من آیاته و مستفیضاً من كلماته و منجذباً بنفحاته و اسئله

ان یجعلك بحراً زاخراً من اسراره و كوكبا ساطعه من

انواره و علیك البهاء الأبهى 12 صفر 1338 عبدالبهاء عباس

مقابله شد

جناب زائر آقا حسینعلى اصفهانى علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى زائر مشگین نفس احزاب متنوعه و گروه انبوه در هر سنه

از دوست و آشنا و خویش و اقربا و زن و فرزند جدا

گردند و ترك موطن مالوف نمایند و بادیه ها بپیمایند و مسافت

بعیده قطع فرمایند تا انكه بكعبه خاكى رسند و بنیانى كه

مجازاً منسوب بحق است و بكلمه ئى از مطلع ظهور مطاف

نفوس گردیده با كمال اشتیاق و خضوع طواف

نمایند و خود را مقبول درگاه كبریا و منظور نظر حی توانا

\* ص198 \*

كنند حال تو الحمدللّه بهمتى در نهایت روح و ریحان قطع دریا

و بیابان نمودى و بسرمنزل مقصود رسیدى مطاف ملأ اعلى

طواف نمودى و باستان مقدس پروردگار وصول یافتى

باید اكتساب فیوضات نامتناهى نمائى و اقتباس انوار سبحانى

كنى و انجذاب وجدانى جوئى و حسّیات روحانى طلبى و با بشارت

كبرى و رجوع بصفحات ایران نمائى و یارانرا بالطاف حضرت

بینیاز بنوازى و بشور و وله اندازى عَلَم استقامت برافروزى

و باهنگ خوشى ترانه ئى بسازى تا مستمعین بوله آیند و

مشتاقین بوجد و طرب برخیزند شورى دیگر در سرها افتد و

سرورى دیگر در قلوب جلوه نماید اى جناب زائر جناب آقا على

سقط فروش را با والده اذن حضور در سنه آتیه هست و همچنین

اقا محمّد صادق بلور فروش ماذونست بجهت جناب آقا محمّد حنا

ساء طلب مغفرت از پیش گردید الان از براى منجذب شعلهء

طور ابوى آقا على نور طلب مغفرت ربّ غفور میگردد اى خداوند

غفور على نور بنده مشكور بود و عبد صبور ایام حیات در سبیل

نجات سلوك نمود و عبد مملوك بود و فخر و مباهات بر

سلاطین و ملوك مینمود مشتاق دیدار بود بملكوت اسرار

پرواز نمود تا بلقبى كه عنایت نمودى مانند شمع در جمع ملأ اعلى

\* ص199 \*

برافروزد و بموهبت كبرى موید و موفق گردد اى پروردگار لقب

موهوب برهان كافى بر عفو مخصوص و غفران مطلوب دیگر

این عبد را چه جاى رجا و طلب غفران یقین است كه

مقبولست و مقرّب منظور است و مشرف توئى بخشنده

و مهربان اى جناب زائر جناب آقا ابوالحسن سلیل آقا محمّد حنا

سا را از قبل من تحیت و وفا ابلاغ دار و ببشارت كبرى نوید

بخش و بموهبت عظمى مژده ده ورقهء موقنه و الدهء مطمئنه را

آیت رحمت بخوان و بفضل و عنایت بنواز از عون و صون

ربّ حنون امیدوارم كه در كهف الطاف محفوظ و مصون

باشد و جناب آقا زین العابدین را از عین یقین ماء معین

بنوشان تا مطمئن بلطف و احسان حضرت لطیف خبیر

باشد و همچنین ضجیع محترمه‌شانرا نجل مجید آقا فضل اللّه

و ورقه طیبه نصرتیه و روحیه و قدسیه و عزیزاللّه و مادر مهرپرور

ایشان را از قبل اینعبد برائحه طیبه گلشن تحیت كافیه وافیه

مشام معطر كن و بكنیز عزیز الهى زن اقاى شاه عبدالعظیمى

نهایت تمجید تبلیغ كن امیدوارم كه درگاه احدیت

مقرّب و موید و موفق باشد اى ربّ قضا و قدر بندهء

مهرپرور حیدر را بافق انور درآور روى روشن كن جان

بشارت بخش موهبت عطا كن مغفرت مبذول دار

\* ص200 \*

و بندهء بردبار محمّد خونسار را در جویبار عفو و غفران سرو روان نما و

از معین الطاف بیپایان سیراب كن و مظهر لطف جلى آقا حسنعلى

را بحدیقه احدیت دراور و در جنت لقا از مشاهده فیوضات

نامتناهیه مسرور و خوشنود فرما و كنیز عزیز حبّیه را در ملكوت خویش

طیبه طاهره نما و بندهء روحانى آقا محمّد ابراهیم كاشانى را در

گلشن رحمانى همدم مرغان الهى كن و بتسبیح و تقدیس و

تهلیل و تكبیر مانوس فرما و بنده استان آقا رجبعلى را

در جهان باقى فائز بموهبت نامتناهى كن اى جناب زائر

آقا میرزا شكراللّه روضه خوان را بریاض الطاف حضرت

یزدان دلالت نما و بمحبت و خلوص این مشتاق دیدار مسرور

و خوشنود كن در ایندم چون یاد او نمودم و بذكر او پرداختم

جان و وجدان روح و ریحان یافت و علیك البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

هواللّه امةاللّه همشیره عنایت اللّه علیها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هواللّه** اى ربّ هذه امة آمنت بمظهر نفسك و انقطعت عما سواك و توجهت

الى وجه رحمانیتك ملتسمة صونها فى كهف جودك و حمایتك

اى ربّ احرسها بعین رعایتك و الحظها بطرف حضرت رحمانیتك

\* ص201 \*

انك انت الحافظ الحارس المقتدر العزیز القیوم ع ع مقابله شد

هواللّه امةاللّه صبیه جناب آقا على علیها بهاء اللّه

# **هواللّه** اى ورقه طیبه در سلك كنیزان رب عزیز درآمدى و در بین اماء

رحمن محشور شدى پس باید بآنچه سزاوار این موفقیتست قیام

نمائى و لایق چنانست كه آیت تقوى گردى و از آنچه در عالم

امكانست چشم پوشى و بحق مشغول گردى شب و روز

دعا و مناجات نمائى و مغفرت خطایا طلبى و علیك التحیة

و الثناء ع ع مقابله شد

 خط اصل 

عكا جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** جناب آقا سید اسداللّه از قرار مسموع بعضى دزدهاى عكا را اوهام چنان

كه شبى بدزدى آیند لهذا نهایت مواظبت را با اسماعیل آقا مجرى

دارید از مغرب در بالا اندرون را ببندید و همچنین پائین را زود

در بزرگ مسدود نمائید كه از دریچه دخول و خروج باشد یا انكه دائماً

\* ص202 \*

از مغرب دم در یكى بنشیند كه كسى خفیاً داخل نشود و در آن سوراخها

مخفى نگردد ولى این قضیه را مكتوم بدارید زیرا اگر زنانه بشنوند شب

خوف زیاد نمایند و دیوانه شوند شما و اسمعیل آقا بدانید و بس

و احتیاط را مجرى دارید ع ع

و باسمعیل آقا بگوئید كه درختى از باغچه بیرون نیارد زیرا وقت گذشته

است انشاء اللّه سال اینده و علیكم البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

 خط اصل 

# **هواللّه** جناب آقا سید اسداللّه در پناه جمال مبارك محفوظ و مصون باش از وقتیكه

رفته اید تا بحال یك نامه از شما رسید و بس تعجّب نمودم لابد موانع خیر

است بارى همواره منتظر خبر خواهى خوش از شما هستم زیرا چنین

تعهد نمودید كه در نهایت خلوص قلب و جانفشانى و پاك جانى باشید

و خدمت بعتبه مباركه در نهایت تقدیس خواهى نمود امیدوارم كه

موفق گردى مكاتیبى از براى شما رسید نظر باجازه و خواهش خود

شما بعضى كه نامه در جوف داشت باز شد حال كل ارسال میشود

عبدالبهاء عباس مقابله شد

\* ص203 \*

هواللّه

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء اللّه

خط اصل

# **هواللّه** جناب آقا سید اسداللّه بمیرزا فضل اللّه پسر بنان الملك دوماه پیش

او ازید بواسطه شما و جناب بشیر جواب مرقوم شد و ارسال گشت

حال نوشته است كه جواب نرسید و بسیار گله و شكایت نموده است

شما مرقوم نمائید كه چه شده است و از جناب بشیر الهى سئوال نمائید

كه جواب آقا میرزا فضل اللّه ابن بنان الملك ارسال گردید چگونه شد

كه نرسیده و مكاتیب را نمره بهر كجا بگذارید تا بدانید كه كدام رسیده و كدام

نرسیده است ع ع مقابله شد

هواللّه

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

# **هواللّه** در میان شما و حاجى میرزا عبداللّه صحیح فروش شوخى و مزاح بجدى و كدورت

خواهد رسید و اگر از یك طرف سكوت نشود عاقبت حزن شدید بمیان

آید این امور اهمیتى ندارد لهذا در این خصوص شما بكلّى سكوت فرمائید

كه منتهى گردد اینگونه امور مثل امواج اوهام است آنچه باقیست خدمت

باستان مقدس است كه الحمدللّه بان فائزى و علیك البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

خط اصل

\* ص204 \*

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان هر خبر و حوادثى كه از جائى میرسد مرقوم دارید یا خود مثل

مرحوم آقا سیدتقى خلاصه آن خبر راظهر همان مكتوب مختصر مرقوم نمائید

و بفرستید ع ع مقابله شد

خط اصل

جناب آقا سید اسداللّه مكاتیب میاید در نزد شما چند روز میماند از

جمله میرزا جلال مكتوب ارسال نموده بود بعد خود او آمد پس از آمدن او

مكتوب او رسید در این خصوص دقت فرمائید ع ع

مقابله شد

خط اصل

# **هواللّه** جناب آقا سید اسداللّه البته تفاصیل مجامع عظمى و كنائس كبرى را حضرات

مرقوم نموده اند نامه شما رسید یك پوسته از ایران نیز رسید مكاتیبى

بنام شما بود چون بكرّات اجازه باز نمودن داده بودید و من نیز در جوف

بعضى مكتوب خصوصى داشتم لهذا بعضى را باز نمودم و نزد شما میفرستم

ابداً فرصت تحریر ندارم جمیع را علی الخصوص صاحب خانه را تحیت

برسان و آن زن بسیار نجیب مومن موقن را نهایت مهربانى

ابلاغ دار و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

\* ص205 \*

 خط اصل 

# **اللهم** یا الهى انى اعفر جبینى و اغبر وجهى بتراب الذل و العجز و الانكسار

مبتهلاً الیك فى العشى و الابكار متضرعاً بین یدیك فى جنح اللیل البهیم و ضحى

النهار ان توید عبدك الاوّاب الخاضع الخاشع التوّاب بجنود القوة و القدرة و

جیوش العزة و السطوة على كل معتد مرتاب و اثیم فى الكتاب و عتلّ زنیم

من اهل الحجاب ثم افتح على وجهه كلّ باب انك انت العزیز الوهاب ع ع

مقابله شد

خط اصل

# **هو** جناب آقا سید اسداللّه بجد بزرگوار حضرت رسول پروردگار مشكاة الانوار

كه فرصت تحریر یك حرف ندارم نوازل شدید بسینه شده است ابداً

راحت ندارم با وجود این نصف شب است از رخت خواب برخواسته

و این نامه نگارم صبح عازم كنوشه هستم و بكلیفورنیا مصمم هستم ع ع

مقابله شد

خط اصل

# **هو الأبهى** اى غلام حق بر مضمون شكایت مشحون مكتوب اطلّاع حاصل گردید نهایت

استغراب حاصل چه كه در اینجا آنچه روایتاً از شخصى استماع شد این بود كه

شخص خورى نصرانى آمده بود و از شما در مخزن استفسارى نمود كه دلیل بر

\* ص206 \*

آشنائى بود دیگر معلوم نه كه بجهت تجارت بود و یا بجهت مخابره با

ارامنه عكا بارى بمجرد استماع این خبر آن شخص را احضار نمودم و منع صریح

از این روایت كردم و او سكوت نمود و این حرف تمام شد رفت

امّا شما از حكایت خدایا از شرّ اصفهانیها خلاص كن را فراموش

كن الحمدللّه بفضل جمال مبارك و انشاء اللّه این عبد ملكوتیست

و گمان مكن كه من مكدّر شدم از تو زیرا میدانم از تو نیست این

تعبیر ركیك انما اشکو بثّی و حزنى الی اللّه ولى بتو بگویم این

كلمات ركیك سبب تزلزل ثابتین بر عهد و میثاق الهى

نخواهد شد وقتى در ادرنه بودیم مكتوبى از متولى باشى معهود از بغداد

بساحت اقدس حاضر شد نوشته بود خدا ما را از شرّ كاشیها محافظه

كند و نوشته جمعى از كاشیها دور شما را گرفته اند و سبب خرابى شده اند

اقا محمّدباقر كاشى و آقا محمّداسمعیل كاشى و آقا محمّدابراهیم كاشى و خیاطباشى

كاشى و استاد احمد كاشى و فلان كاشى و فلان كاشى نهایت

مرقوم نموده بود و میرزا آقا جان كاشى باشى بارى اینقدر باشد كه

حرفهاى امثال این اشخاص تكرار نشود بارى با تو از پیش كمال

محبّت را داشتم و تو را بدست خود تربیت نمودم هرصبحى بمكتب خانه

میامدم و درس و مشقت را میدیدم و تحریص و تشویق مینمودم و ترا در

آغوش مهربانى مثل پدر مهربان پرورش دادم مرا گمان چنان

بود كه اگر متزلزلى پیدا شود تو سبب ثبوت و رسوخ او شوى نه اینكه

\* ص207 \*

خود متزلزل گردى در بدایت صعود جمال مقدس تو در عهد و پیمان

چون بنیان قوى متین ثابت و راسخ بودى از شدت طوفان

وزخارف قول كم كم سست شدى ولى این سستى و فتور را حال

احساس نمینمائى حال شرب شبانه است نشئه و سرور است بامداد

چون خمار حاصل گردد انسان ادراك نماید كه این كسالت آن

نشئه و مسرت است امیدوارم بزودى تا كار از دست نرفته

است متنبه شوى و بیدار گردى جمال مبارك را فراموش مكن و

راضى بخرابى بنیان مگرد امر الهى چون محفوظ و مصون ماند كل محفوظ

و سالم خواهیم ماند و الّا جمیع بیسر و سامان و گرفتار گمراهى در دشت

و بیابان خواهیم شد پناهى نخواهد ماند و ملجئى بدست نخواهد آمد

این عقول و افكار تصورات سطحیه است عمق ندارد قدرى ملاحظه

كن ببین درست میگویم یا خیر پس من و تو و كل الیوم بامورى

تشبث نمائیم كه سبب محافظه امر الله گردد نه امورى كه سبب فرح و

مسرت اعداى جمال مبارك شود بلكه علت استهزا من على

الارض شود كه حضرات میخواستند كه اختلاف را از بین ملل

ارض بردارند حال محض فكرى واهى در میان خودشان چنین

اختلافات افتاده كه هر یك طنبورى میزند و زمزمهاى سرى جاى

خود باشد بارى اى غلام بلایا و محن و سلاسل و زنجیر و مشقات و مصیبات

\* ص208 \*

جمال مبارك را فراموش منما در فكر محافظه امر الله باش ایا بچیزى جز محافظه

عهد و پیمان الهى میتوانیم امر الله را حفظ نمائیم و سد محافظت بكشیم

امّا شما میگوئید كه هركس ثابت است مبادا این ثبوت چون

ثبوت ترسایان بر عهد حضرت مسیح باشد و یا چون رسوخ

مسلمانان بر میثاق حضرت رسول باشد و یا چون ثبوت

اهل بیان برپیمان حضرت اعلى هیچ یك ایا میگویند ما ناقض

عهد هستیم از این مثل مقصد آنست كه ثبوت بقول نمیشود نه

اینكه مراد انست كه متزلزلین چون اهل بیانند معاذاللّه

عن ذلك آنچه از این فم و قلم صادر ذكر تزلزل و تهاونست نه

نقض و كسر و امیدوارم كه بقوت تائید ملكوت ابهى كل

متزلزلین ثابت گردند و قوت عهد و میثاق الهى چنان در

عروق و اعصاب جسم عالم وجود سریان و نفوذ نماید كه كنگره

بنیان پیمان باوج بیپایان رسد و ملكوت غیب و

شهود را احاطه نماید مقصد اصلى و مراد صمیمى جمال مبارك روحى

و ذاتى و كینونتى لعتبته الطاهرة فدا از این عهد و میثاق

الهى كه در هیچ عهد و عصرى نظیر نداشته این بود كه اختلاف

در امر مبارك حاصل نشود بلكه كل در ظل كلمه توحید متحد شده

ریشه اختلاف امم را قطع نمایند چنآنچه بكرات بسمع خویش

یا بالواسطه مسموع كل افتاده كه میفرمودند كه اگر من بدانم امر الله

\* ص209 \*

سبب اختلاف میگردد از امر الله میگذرم حال با وجود چنین پیمان

و ایمان حضرت یزدان كه چون بنیانى از زبر جدید است و مرجع

توحید كلمه و دافع اختلاف بنص كتاب اقدس كه ناسخ

زبر و كتب است و صریح كتاب عهد الهى معلوم و مشهود

و واضح هر یك بخیال خودش آهنگى و راى و مذهبى دارد لكن

اضغاث و احلامست و سراب بقیع است عنقریب خواهى

دانست و متنبه خواهى شد من بتو امیدوارم و تائید شما را از

حق خواسته ام و خواهم خواست و این حوادث پیش من

ابداً جلوه ندارد مطمئن باش كه من در روضه مباركه درحق تو

دعا میكنم و من تو را تربیت كردم و از هركس بتو مهربانترم مطمئن باش

و البهاء علیك و على كل ثابت مكین ع ع مقابله شد

 خط اصل 

# **جناب غلام اللّه** علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

این عبد را تو میدانى كه از بدایت امر شب و روز فكرى جز بقدر

وسع و عجز خویش در خدمت بامر الله نداشتم و دمى نیاسودم و شبى

نیارمیدم هیچ شامى ارام نداشتم و هیچ بامدادى راحت

فؤاد نیافتم در جمیع احیان در جوش و خروش و تعب بودم

و در كل اوقات در مشقت و زحمت و حال نیز شب و روز در

\* ص210 \*

زحمت بینهایت بسر میبرم و در مشقت جان و وجدان روز شب

میكنم و در كل احیان متضرع بملكوت ابهى هستم كه بزودى ترك

این قالب بالى ضعیف نمایم و باستان مقدس ملكوت توجه

كنم و بهیچوجه از نفسى گله ندارم و از كسى دادرسى نطلبم این چند

روز را بخدمت عتبه مقدسه مشغولم و جز اعلاء كلمه الهیه

شب و روز مشغولیتى نخواهم جمیع اوراد و اذكار را فراموش

نمودم و ورد واحد را ذكر مستمر نمودم و آن نشر نفحات اللّه و تشویق

و تحریص بر اعلاء كلمةاللّه است ادعاى مقامى ندارم و مدعى رتبه

نیستم یك عبد مبتهلم و یك بنده متضرع اعلم ان

العبودیة فى عتبته السامیه ابهى جوهرة تتلئلاء فى اكلیل

الجلیل و تاجى الوهاج و هذا غایة مطلبى و منتهى مقصدى

الهى الهى اعرج بى الى ملكوت علائك و ارفعنى الیك و نجنى

من هذه الاذكار و خلّصى من هذه الاوزار فو جمالك

القدیم و نورك المبین و اسمك العظیم اننى طاقت على

الارض بما رحبت و اشتدت على الازمة بما انعقدت

حتى انحنى ظهرى و ابیض شعرى و ضعف سمعى و بصرى

و وهن عظمى و ذاب لحمى فى فراقك و لیس لى سلوة

لقلبى و لاراحة لروحى و لابشارة لنفسى و لاسكینة لفؤادى

\* ص211 \*

الا تائیدات ملكوتك الأبهى و توفیقات جبروتك الاعلى

اى رب ایدنى بجنود ملائكتك و اشد و ارزى على خدمتك

و قوِّ ظهرى فى اعلاء كلمتك و فرّج کربى بنشر نفحاتك و ثبوت

اقدام اصفیائك و استقامة احبائك فى ترویج امرك و تشهیر

ذكرك و اسفك دمى فى سبیلك و شتت شملی فى محبتك

و اجعلنى من عبادك المخلصین و احفظنى من تاویل

محكماتك و احرسنى من تفریق كلمتك انك انت الكریم

الرحیم الوهاب ع ع مقابله شد

خط اصل 9 پور تسعید بواسطه جناب آقا احمد علیه بهاء الله الأبهى

جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

جناب آقا سید اسداللّه چشم نوازل دارد تحریر نمیتوان نمود

با وجود این مختصر مرقوم میگردد اوراق را ارسال دارید ع ع

مقابله شد

خط اصل بملا بهرام مرقوم نمائید كه اردشیر پور رستم خان اذن حضور دارد

\* ص212 \*

تاریخ وصول مكاتیب احباب را بر روى پاكت مرقوم مینمائید و مرقوم

نمائید كه از كیست و كدام شهرست مقابله شد

هو الأبهى

اردبیل جناب آقا حسن اخوى آقا ملا مهدى علیه بهاء الله الأبهى خط اصل

ملاحظه نمایند

# **هو الأبهى** اى ناظر بملكوت ابهى این عالم امكان میدان اكتساب

شئون رحمانیه است و اتصاف بصفات ربانیه و همچنین محل

وقوع در مهالك نفسانیه و سقوط در ظلمات شهوانیه انوار

حقائق معنویه در حقیقت انسان چون شعاع در هویت شمع

مكنون و مستور پس بجهت ظهور این حقائق نورانیه رحمانیه

در این زجاجه لطیفه ربانیه محرك و مربى لازم و از براى این

شمع افروزندهء واجب اینست تا انسان در ظل تربیت

الهیه داخل نشود و بنار كلمه الهیه مشتعل نگردد انوار توحید

در زجاجه قلب نیفروزد آیه مباركه و قل جاء الحق و زهق

الباطل ان الباطل كان زهوقا تحقق نیابد ع ع

مقابله شد

\* ص213 \*

هو الأبهى

اردبیل جناب میرزا معصوم علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط اصل

# **هو الأبهى** اى مطّرز دیباچه عرفان جناب آقا سید اسداللّه ذكر آن منجذب

الی اللّه را در مكتوب خود نموده اند از ذكر اسم ان مشتعل بنار محبة اللّه

نفحهء خوشى بمشام مشتاقان رسید لهذا قلب و لسان بیاد شما

مشغول گردید اى ناظر بملكوت تقدیس از فضل اعظم جمال قدم

روحی لاصفیائه الفدا التماس و استدعا نما كه كتاب وجود و لوح

منشور عالم شهود را بنقوش رحمانیه و رسوم ربانیه مزین نمائى

تا باین اثار باهره دیباچه امكان و اكوان رشك روضهء جنان

و غبطه بهشت و گلستان گردد فى الحقیقه این صنعت انجناب

ایت عظماى ربّ رحمن است چه كه خدمت الواح مقدسه و صحائف

الهیه را میماند طوبى لك ثم طوبى لك و البهاء علیك ع ع

مقابله شد

نهایت محرمانه

 خط اصل 9

پور تسعید جناب آقا سید تقى 9

جناب آقا سید تقى شاید من فرصتى یابم و چند روز بمصر آیم

لهذا شما آنجا باشید تا من بیایم اگر بدا حاصل نشود خواهم آمد ع ع

مقابله شد

\* ص214 \*

جناب آقا میرزا احمد علیه بهاء اللّه الأبهى

خط اصل

# **هو الأبهى** یا من انجذب بنفحات عبقت من حدائق القدس لعمرك ان لیوث الحق

قد زئرت فى غیاض موهبت اللّه و غیوث الفضل هطلت من سحائب

رحمةاللّه و طیورالقدس صدحت فى ریاض عنایةاللّه و شموس الجود اشرقت من افق

فیوضات اللّه این السامعون و این الشاربون و این المبصرون عبدالبهاء عباس

مقابله شد

9

پورتسعید بواسطه جناب آقا احمد علیه بهاء الله الأبهى

جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

# **هوالله** جناب آقا سید اسداللّه نامه شما ملاحظه گردید بجناب قائم‌مقامى نامه‌ئى مرقوم

شد ارسال دارید قبض نیز ارسال گردید كه بجهت جمشید خداداد ارسال دارید

از هر مبلغى كه برسد چهل یك تومان مرسله قائم‌مقامى بردارید ولد آقا حسنعلى

خان بندرعباسى را نام عباس بنهند باقا سید مصطفى و آقا میرزا اسداللّه و

اقا سید عبدالحسین تحیت ابدع ابهى ابلاغ دارید و بنویسید گیر كردن شما

در نجف اشرف بركت داشت از آن سفر ثمر حاصل گشت حال ذكرش

جائز نیست دو عالم مومن شدند مكتوم بدارید ع ع

مقابله شد

\* ص215 \*

ص 9

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

# **هواللّه** جناب آقا سید اسداللّه در خصوص خانه بجناب حاجى سید جواد مرقوم گردید

مكاتیب جوف را برسانید مكاتیب آقا میرزا حیدرعلى را ولو اجازه داده است

ابداً باز ننمائید كه این قضیه ابداً جائز نه و عاقبت سبب كدورت عظیم میشود

بلكه نزد خود ایشان بفرستید اگر لازم بدانند كه مطلبى من مطلع شوم بعد بفرستند

و شما ارسال دارید و امّا مكاتیب ایشان را ابداً باز ننمائید حتى بمن در حیفا

اجازه داده بودند كه باز كنم ولى من ابداً یكى را باز نكردم وعلیك البهاء الأبهى

مقابله شد ع ع

9

پورتسعید بواسطه جناب آقا احمد علیه بهاء الله الأبهى

جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء اللّه الأبهى

خط اصل

# **هواللّه** جناب آقا سید اسداللّه هر وقت در نظرى و ملحوظ لحاظ رأفت در این سفر

از اشتغال به تبلیغ و نشر نفحات اللّه و خطابه هاى شب و روز ابداً فرصت تحریر نبود

حال عازم اسكندریه هستم انشاء اللّه تلافى مافات میشود الحمدللّه در این صفحات

عون و عنایت جمال قدم شامل حال این پشه بی‌توشه شد و نصرت ملكوت

ابهى ظاهر گشت الطاف اسم اعظم روحى لعتبة تربته الفدا چنان ظاهر

و هویدا گشت كه عقول حیران شد و من تقرب الى شبراً اتقرب الیه ذراعاً

\* ص216 \*

مشهود گردید بارى نصف شب است اندك فرصتى یافتم و بتحریر پرداختم ع ع

مقابله شد

خط اصل

# **هوالله** جناب آقا سید اسداللّه اگر بدانى مشغولیت عبدالبهاء بچه درجه است البتّه حیران

میمانى شب و روز هجوم عمومست و سئوالات مثل دریاى بى پایان و تبلیغ

متتابع و مجامع عمومى هر روز و در مجمع طوائف سائره نیز وعده میگیرند و

نطقهاى مفصل بحسب استعداد و قابلیت حالیه اورپا میشود بارى نمیدانى

چه خبر است تلافى مصر و اسكندریه شد اورپا فى الحقیقه حال در اهتزاز و

هیجانست تا بعد چه بشود باحبّاى الهى مرقوم نما كه مرا یك دو ماه مهلت دهند

كه من اوقات را جمیعاً صرف و حصر تبلیغ نمایم انشاء اللّه بعد تلافى میشود ع ع

مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

هواللّه مكاتیب شما رسید سفره ها را بفرستید برات میرزا اسحق خان قبوضاتش

از پیش ارسال گشت برات قائم مقامى نسخ ثانى اوّل رسید نزد شما

ارسال شد حال نسخهء اول آمد ارسال میشود آنچه تعلق بدر خانه دارد باقا

احمد بدهید كه بسرعت تام بشیكاغو بجهت اعانت مشرق الاذكار

\* ص217 \*

ارسال گردد زیرا مبلغى ارسال شد كه قسط مستحق زمین را بدهند كفایت

ننموده باز باید ارسال گردد اگر داده نشود ضرر كلى حاصل گردد وعلیك البهاء

ع ع مقابله شد

خط اصل

# **هواللّه** جناب همدم نامه نمره دى سیوم رسید نامه بقائم‌مقامى دراین پوسته

است وصول ارسال دارید و همچنین قبض نگین ها و سفره ها اگر نرسد

بخواهید تا بفرستم و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

خط اصل

# **هواللّه** جناب اسدخدا چند نامه از شما رسید و این نامه ثانیست كه ارسال میگردد

عدم وقت و فرصت نزد شما معلوم است الحمد موفق به تبلیغ گشتى امروز

هر نفسى بنشر نفحات اللّه قیام نماید او در امر اللّه دلسوز و یقینا فیروز است

حال تو موفقى اوراقى كه از اثمار شجر نفى بدست اورده ئى بیثمر از براى

خود آنان بقبریس بدون اسم خود بفرست مكاتیبى كه باسم شما میاید

بعضى باز میشود و علیك البهاء عبدالبهاء عباس مقابله شد

\* ص218 \*

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** ای بنده جمال ابهی نامهء نمرهء  رسید طلب مغفرت از برای معمار باشی از

پیش مرقوم گردید و ارسال شد و همچنین مکاتیبی بدوستان دره جز مرقوم شد

از پیش ارسال گشت وصول را مرقوم ننموده اید البته وصول این مکاتیب را

مرقوم دارید و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

اى بنده استان مقدّس نامه شما رسید مرقوم نموده بودید رفته رفته بكار معتاد

خواهم گردید این یقین است و حتمى ولى حال شما در مخابره تاخیر نیندازید بمجرد

وصول مكاتیب از اینجا بهر جائى ولو مختصر باشد چند سطرى مرقوم دارید و

بسرعت تمام مكاتیب را بفرستید ابداً مگذارید تاخیر افتد زیرا سرعت مخابره

تاثیر عجیب دارد در خصوص بیع زمین بجهت مقبره جناب منشادى با اقا

احمد قرار قطعى شد كه حكماً زمین بخرد تا چنانكه باید و شاید قبر آن متصاعد الى اللّه

تعمیر و تزیین گردد چنانكه اینعبد در این سفر مصر بجهت مرحوم جیران صاحبى در

مصر قطعهء زمینى خریدم و از میان اموات مسیحیان كه همه در یك دهلیز بودند

تابوت ان متصاعدالی اللّه را بزحمت زیاد بیرون آوردم و در ان زمین در

\* ص219 \*

نهایت لطافت و نظافت دفن نمودم آقا احمد وعده نمود كه بمجرد رجوع این كار

را انجام دهد نامهء جناب قائم‌مقامى ملاحظه گردید قبض سه منات تحریر و تمهیر

شد نزد شما ارسال گردید وعلیك البهاء الأبهى ع ع

 خط اصل  چون خیال فرنگستان دارم كه دوماه در انجا بمانم مشتاق ملاقات شما هستم

چند روز بیائید باسكندریه تا ملاقات شود ع ع مقابله شد

هواللّه

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

 خط اصل)

# **هواللّه** جناب آقا سید اسداللّه اوراق بسیارى ارسال میگردد فرصت تفصیل نیست

بندرجز صحیح است ولى در عنوان نامه بعضى اوقات از قلم كاتب سهو میشود و

عبدالبهاء ابداً فرصت قرائت دوباره ندارد مگر بعضى نامه‌ها كه بسیار مهم است

ولى چون احبّا بیمهر و امضاء قبول نمینمایند لهذا امضاء و مهر میشود ع ع

مقابله شد

 خط اصل 

# **هوالله** جناب حاجى میرزا حسین شما را میخواستیم بخواهیم ولى موانعى عظیمه حاصل

گردید مصلحت خود شما در آمدن نیست مكتوب جوف را بفاضل عالم محترم

برسانید اگر چنآنچه سئوالى داشته باشند از طهران مرقوم فرمایند ع ع

مقابله شد

\* ص220 \*

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هوالله** جناب آقا سید اسداللّه نامه ئى كه با مسافرین ارسال نموده بودى رسید و نامهء

اقا میرزا یوحنّا داود نیز ملاحظه گردید بایشان و مجمع احباء اللّه در لندره

مكتوبى مرقوم گردید ارسال میشود بجناب میرزا حبیب اللّه خدابخش و جناب اقا

عبدالصمد و جناب على افندى تحیت ابدع ابهى برسانید بجناب

مستمند نیز مكتوبى مرقوم گردید و ارسال میگردد وعلیك البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

هواللّه جناب آقا سید اسداللّه علیه التحیة و الثناء

خط اصل

# **هوالحق القیوم** ربّ تعلم و ترى عبدك اسد الوغى و لیث غیض الوفاء قد زئر بذكرك

و اهتدى بنورالهدى ربّ زج به فى حیاض البقاء و عزده بنغمته

الورقاء فى ریاض الوفاء حتى یزئر زئیر القسوره فى غیاض الموهبة الكبرى

انك انت المقتدر على ماتشاء و انك انت لعلى كلّ شیى قدیر ع ع

مقابله شد

خط اصل

# **هواللّه** ربّ و رجائى انّ عبدك هذا یرجو الالطاف و یتمنى الوصول الى رضاك

و یستغیث الى ملكوت علاك رب ایده على ما یتمنى و وفقه على خدمة الاحباء

\* ص221 \*

و عبودیة الاصفیاء و البسه رواء القبول فى عتبتك العلیاء انك انت الكریم الوهاب

ع ع مقابله شد

تفلیس جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بندهء آستان مقدس نامهء شما از مدینه كبرى رسید و چون وصول تحریر طول

كشید بعد از ورود سبب تسلی خاطر گردید كه الحمدللّه صحیح و سالمید پس باستان جمال

مبارك عجز و زارى مینمایم و یاران الهى را عون وعنایت نامتناهى میطلبم كه

موفق بوفا در استان مقدس گردند و همیشه عنایات و الطاف او را بخاطر

آرند و جانفشانى كنند و هستى خویش را رایگان در سبیل رحمن مبذول

دارند ازخدا تائید ترا میطلبم و توفیق ترا میجویم عبدالبهاء در عبودیت

آستان مقدس عاجز و بینهایت خجل و شرمسارست شاید یاران الهى

تلافى نمایند و بخدمت موفق گردند جمیع یاران را تحیت ابدع ابهى

برسان جناب آقا میرزا على اكبر صدقانى اجازه زیارت عتبه مقدسه دارد

و علیك البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

مقابله شد

 خط اصل 

شراخیت عثمان بیك مرتضی اسئل الرب الودود ان یكفیك شر الرّود و یقدر الرجوع

ویقرر اللقاء عباس

یا صاحبی السجن

پور تسعید جناب آقا سید اسداللّه

\* ص222 \*

# **هواللّه** اى بندهء الهى نامه هاى شما رسید مناجاتى طلب مغفرت بجهت مرحوم

میرزا بهلول قائمقامى مرقوم گردید ارسال میشود از كثرت مشاغل شب و روز

دقیقهء آرام ندارم و با وجود انكه جسم و چشم را تحمل نمانده باز بى اختیار بنگارش

پردازم بحضرت حكیم باشى مرقوم دارید كه من از تحمل ایشان بسیار مخجولم

و ابداً راضى نیستم كه دیگر مبلغى ارسال نمایند مصارف ایشان بسیار است

و در سبیل الهى انفاق میكنند از جمیع مسافرین پذیرائى مینمایند و كل احبّا را

مهمانى میفرمایند و گذشته از اطلاعات من جناب امین در این خصوص

تفصیلى میدهند كه فى الحقیقه سزاوار چنان است كه من از ایشان معاونت

كنم و امیدوارم كه موفق گردم وعلیك و علیه البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى ...[[13]](#footnote-13) 44

یا صاحبی السجن

هواللّه اى بنده حق قصیده ناظم واصل و جواب مرقوم گردید آقا میرزا جواد

و آقا یوسفعلى و ملا سیفعلى و آقا حسن اذن حضور دارند ولى در زمستان

آینده بمیرزا عزیزاللّه نورى تاكرى نیز نامه مرقوم گردید و به بندر جز

ارسال میگردد ع ع مقابله شد

\* ص223 \*

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى بنده استان جمال ابهى نامه شماره 53 رسید و از مضمون معلوم

گردید كه حضرت قائمقامى مبلغ كلّى بورثه حضرت صحیح فروش واگذاشته اند

در این خصوص تاسى بعبدالبهاء نموده اند زیرا مرحوم مبلغى مدیون جناب امین بود

من نوشتم كه اگر آن مبلغ تعلق بمن دارد واگذاشتم و اگر تعلق بجناب امین

دارد دین منست من ادا میكنم زیرا امین گاهى قرض میكند كسب مینماید

و قرض میدهد و آنچه عائد شود بدرب خانه میفرستد بسیار از همت

قائمقامى فرح و سرور حاصل گردید كه الحمدللّه احباى جمال مبارك در

حق یكدیگر جانفشانند و از براى ورثه مرحوم صحیح‌فروش اقلاً چهار

دنگ خانه باقى و محل و ماوائى دارند و جناب آقا غلامعلى نیز باولاد ذكور

واگذاشتند زیرا خانه در مقابل دین بود مال وارث نبود چون دائنین

بخشیدند خانه تعلق بكل یافت امّا ارسال ورقه مشرق‌الاذكار

امریكا بشما مقصود این بود كه ملاحظه فرمائید و برات قائمقامى كه

تقریباً پنجاه لیره عثمانى آن تعلق بدرخانه داشت بدهید به آقا احمد كه

بجهت مشرق‌الاذكار امریكا ارسال دارند سفارشى در حق جناب اقا

میرزا علی‌اكبر میلانى بطهران مرقوم شد الحمدللّه موفق بان شدید كه ...[[14]](#footnote-14)

جمیع مخلفات جناب منشادى را تسلیم به همشیره زاده اش آقا سید

على كردید مبلغ سه لیره كه ثمن ان اشیاء بود از جناب آقا احمد دریافت

\* ص224 \*

نمایند و ایشان در حساب من مجرى دارند حضرت منشادى از من

نیز طلب دارد انشاء اللّه عنقریب بورثه ادا میشود فقط شما بمنشاد مرقوم

دارید سئوال كنید كه حضرت منشادى بغیر از همشیره زاده ورثه دیگر

اگر دارند از منشاد مرقوم نمایند تا بموجب ان عمل گردد وعلیك البهاء

الأبهى ع ع غیر از این سه لیره پنج جینه نیز باقا احمد مرقوم

شد كه تقدیم شما نمایند جمعاً هشت جینه میشود ع ع

مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى بندهء بهاء اللّه نامه شما رسید و مكتوب قائمقامى از بدایت تا

نهایت بدقت مطالعه گردید مختصراً جواب مرقوم میشود تلغراف نمائید كه

مكث فرمایند حركت نكنند باو مرقوم نمائید كه الحمدللّه نهایت صحّت

و راحت در این سفر حاصل گردید تعبیر رویا اینست كه امر الله در ایران نهایت

اعتلا خواهد یافت علی الخصوص در عراق در مواقعى كه منتسب بایشانست

و مشاهده تسبیح اشاره بانست كه فى الحقیقه این تسبیح از من بوده امّا

مهر اصغر نام اشاره بانست كه باید با جمیع خلق بمدارا و تواضع حركت

كرد ایران هرچند ویرانست ولكن عاقبت ایوان گردد یعنى بعد

از اختشاشهاى زیاد امّا حال جناب قائمقامى باید تأسى بجد بزرگوار

\* ص225 \*

نماید در وقتیكه جمیع اعدا در ایران هجوم بر ایشان داشتند و شاه نیز

باطناً بدخواه و پرغضب انمرحوم ابداً دلتنگ نشده بود مرحوم میرزا

روزى بایشان گفتندكه دشمنان شما بینهایت پاپیند باید فكرى نمود

فرمودند میدانم در صدد قتل منند و عاقبت یقین كه چنین است

قتل من محقق است و من میدانى كه مقتدر برآنم از شاه انتقام

كشم ولى من بیوفا نیستم تا نَفَس اخیر بوفا قیام نمایم این بیوفائی را

از براى آنان گذاشتم ملاحظه كنید كه چه قدر سلیم و حلیم بود امیدواریم

كه جناب قائمقامى نیز در این سبیل سلوك فرمایند فرمان چون

مضمونش مطابق واقع نبود لهذا در زاویه نسیان موید الحمدللّه موید

است ابداً كسى را گمان نبود كه باین قسم گردد با وجود ان فسادها و

افتراها و بهتانها كه باو بستند زمین كه جسد مطهر شهدا در انجا پنهان

خریدش در آستان مقدس بسیار مقبول علی الخصوص كه مهمانخانه

نیز معمور گردیده است و در نهایت روح و ریحان در آن منزل فرمایند

البته عكس ان بنا را ارسال دارند الحمدللّه جناب قائمقامى همیشه

برضا موفّق بوده و انشاء اللّه خواهد بود و از الطاف بینهایت جمال

مبارك امیدوارم كه در جمیع امور موید و موفّق باشند و علیه

البهاء الأبهى سواد این مكتوب را از براى جناب قائمقامى ارسال دارید ع ع

مقابله شد

\* ص226 \*

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى بندهء جمال مبارك نامه نمره 51 رسید مرقوم نموده بودید كه

برات قائمقامى را عیناً ارسال امریكا نمودید چون جمیع آن مبلغ تعلّق

بدرب خانه نداشت لهذا خوب بود آنچه تعلق بدرب خانه دارد انرا

بفرستید برات را نزد كه فرستادید زیرا باید جناب آقا احمد پیش شخص

مخصوص معین بفرستد و امّا سیاهه دین زمین مشرق‌الاذكار

مقصود این بود كه شما بدانید از بابت قیمت زمین اداى قسط تاخیر

افتاده لهذا ما این مبلغ را میفرستیم بشوقى افندى نامه ئى چندى پیش

مرقوم گردید و ارسال شد و این مبلغ را پیش هر نفسى فرستاده اید باید

بمسس ترو در شیكاغو بدهد و قبض بگیرد و بفرستد و علیك البهاء الأبهى

ع ع مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** نامه نومروى 22 بتاریخ 22 شهر صفر كه ارسال نموده بودید رسید

از ضبط و انتظام مكاتیب ارسال و مرسل امنیت حاصل گشت

فى الحقیقه زحمت شما بسیار است ولى چاره چه باید تو در تحمل مشقات

با من شریك باشى تا درعبودیت آستان مقدس سهیم

\* ص227 \*

گردى جمیع مكاتیب كه ارسال بایران و سائر اطراف مینمائى در

دفتر مقید نما هریك كه جواب وصول میرسد رقم 9 در دفتر بر ان

بكش تا بدانى كه كدام رسیده و كدام نرسیده وعلیك البهاء الأبهى

ع ع مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى بنده جمال مبارك نامه هاى شما رسید و مكاتیب كه ارسال نمودید

واصل گردید دو بسته مكاتیب از ایران آمد باسم جناب آقا احمد باز

ننموده و ارسال نمود مكاتیبى در جوف داشت ارسال میگردد

همچنین مكاتیبى بسائر جهات تحریر شد ارسال میشود كه بفرستید

مطمئن بفضل و عنایت حضرت مقصود باش و در كمال استقامت

و ثبوت در خدمت بكوش وعلیك البهاء الأبهى

مقابله شد

9

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

 خط اصل 

هواللّه

اللهم نوّر وجه عبدك بشعاع ساطع من صبح احدیتك و اشراق لامع

من شمس حقیقتك و اجعله آیة تائیداتك و رایة توفیقاتك و سمة

\* ص228 \*

رحمتك و تجلّى موهبتك انك انت القوى المقتدر القدیر در خصوص وقایع و حوادث

اخیره در طهران چهل سال قبل از قلم اعلى در كتاب اقدس نازل بخوانید و بشارت دهید

ع ع مقابله شد

اى ثابت بر پیمان جناب جمشید داراب و جناب شاپورجى و جناب

فرامرز از طائفه زردشتیان عازم ایرانند بانزلى و رشت و قزوین و طهران مرقوم

نمائید كه نهایت رعایت و احترام را یاران بایشان مجرى بدارند و فوراً بنویسید

این را تا پیش از وصول ایشان برسد و علیك البهاء الأبهى ع ع

هو الأبهى جناب حسین ابن جناب ملا على من اهل كاشان علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

# **هو الأبهى** اى مهتز از نفحه میثاق مرقوم مقروء شد مضمون مفهوم گردید عجز و الحاح

بود و تبتل و تضرع از درگاه ملكوت ابهى استدعاى اجابت مسئول شد

مقرون بقبول گشت بخدمت احباى الهى بتوفیق حق موفق خواهید

گشت پسر آن پدرى و ثمر ان شجر اخلاق مطابق اعراق آمده بفضل حق

مطمئن باش تائید میرسد و البهاء على اهل البهاء ع ع مقابله شد

\* ص229 \*

ورقه موقنه والده را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید از عنایت جمال قدم ملتمسم كه

همواره دل و جانش را بنفحات عنایت و نسیم رحمت زنده و منشرح و محفوظ

فرماید ربّ اغفر عبدك الحسین و عطر مشامه برائحه عفوك انك انت

الكریم الرحیم المتعال اى ربّ اید امتك هذه على الاستقامه على امرك و خدمة

الذین ثبتوا على میثاقك الذى زلت به اقدام المتكبرین انك انت الكریم

الرحیم ع ع مقابله شد

خط اصل جناب ابوی را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نمائید از فضل الهى امید وصول باعظم

مقاصد اهل توحید هستم و ثبوت برمیثاق حى قدیم و البهاء علیه ع ع

مقابله شد

خط اصل جناب آقا سید اسداللّه این نامه كه جوف پاكت باسم آقا احمد بوده است و

در ضمنش مكاتیب دیگر نیز بوده است ارسال میگردد با نفس پاكت زیرا

اقا احمد پاكت كه باسم بوده چون میدانسته اند كه جوفش مكاتیب من

است لهذا باز ننموده نزد من فرستاد چون باز نمودم این مكاتیب

نیز در جوف آن بوده ارسال میگردد ولى ابداً مرقوم بكسى ننمائید كه چرا جوف

كاغذ دیگران مكتوب میفرستید زیرا آقا احمد همیشه حتى در ایام آقا سید تقى اوراق

باسم او میامد ع ع مقابله شد

\* ص230 \*

خط اصل

از مكتوب امین چنین واضح است كه محزون گشته است اسباب

این حزن چه چیز است چه مرقوم نموده اید بنویسید ع ع

مقابله شد

خط اصل

ص 9

جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء اللّه

جناب آقا سید اسداللّه برات پنجاه لیره نسخه اول و ثانى ارسال شد و آن

دو پوسته وصول البتّه تا حال یافته یمكن اوراق زیاد مشغولیت

سبب تقدیم و تاخیر نسخه اول و ثانى شده ع ع مقابله شد

خط اصل

جناب آقا سید اسداللّه این چهار نمر و پاكت كه بطهران نرسیده است

حسابش را داشته باشید كه من بعد خبر وصول برسد و با جناب

صحیح فروش شوخی و مزاح دیگر جائز نه زیرا بجدی میرسد و سبب

حزن طرفین میگردد بكلى این باب رامسدود نمائید ع ع

مقابله شد

خط اصل

این مسئله را عقب ننمائید حال مسكوت عنه بگذارید بعد

درست خواهد شد در خصوص خریدار مزار و قبر حضرت منشادى

بجناب آقا احمد سفارش تام كامل شد ولى ایشان گفتند كه

\* ص231 \*

بعد از سفر مباشرت بخرید زمین خواهند نمود زیرا حال خیال حركت

بفرنگستان دارد اگر دست بزند بنوع لائق نخواهد شد ع ع

مقابله شد

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** جناب حاجى در وقتیكه از بغداد در نهایت اضطراب تلغراف زدى

كه شخص محترم گرفتار زندانست و تكلیف خویش خواستى جواب

مرقوم شد كه از جهت ایشان كمال اطمینان داشته باش

مشوّش مباش درست خواهد شد و تو پى كار خویش رو

الحمدللّه كه چنان واقع گشت حال نیز وفا چنین اقتضا مینماید

از اینجا اوّل بحضور ایشان شتابى تا تكلیف خویش بدانى و

بموجب رضاى ایشان عمل نمائى از جانب این عبد تحیت مشتاقانه

ابلاغ نما و بگو اگر شما از حوادث زمانه جرعه ئى از جام بلا نوشیدید ما

خمخانهء ان را در اینمدت با كمال مسّرت چشیدیم و نوشیدیم

بگذرد این روزگار تلختر از زهر اگر رفیق معهود ایشان استماع نصائح

مینمود حال جمیع آرزوها حاصل بود بارى بشخص محترم بیان

نمائید كه آنچه از جاى دیگر شنیده اوهامست و احلام عنقریب

ظاهر و آشكار گردد و علیك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

\* ص232 \*

ص 9

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

جناب اقا سید اسداللّه چون چشم نوازل شده است جواب شما

دو روز بعد با مكاتیب بهر طرف ع ع مقابله شد

مرسله جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

دو قطعه لوح كه عكس اثر قلم اعلى مع عكس حضرت غصن الله الاطهر

واصل گردید 24 شهر صفر 1329 مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهاء الله الأبهى

باستاد محمّدعلى بنا در حیفا بنوع خوشى مخابره قطع نمائید ع ع

مقابله شد

جناب آقا سید اسداللّه آنچه نزد حاجى میرزا عبداللّه ارسال میشود

میفرستد و قبض بجهت آقا میرزا عبداللّه و یا جناب امین ارسال میگردد

هركس حقوق تادیه مینماید بهر واسط كه میفرستد باید قبض را از او

بطلبد تا كار نظم داشته باشد ع ع مقابله شد

\* ص233 \*

خط اصل

# **هواللّه** الّلهم یا من یرحم الملوك على السلوك فى المنهج البیضاء و التشبث بالشریعة

العدلة السمحاء و الدلالة على المحجة النوّراء اید الكل على العدل و القسط و

الانصاف و اجعل لهم قدم صدق بالفضل و الالطاف و الف القلوب حتى یرجعوا الى الوفاء

و یجتنبوا الجفا و یمتزجوا كالماء و الراح و یختلطوا كالشهد و لبن العذراء ربّ

هرقت الدماء و احمرت الغبراء و دمرت الدیار و قطعت السبل و ظهرت الشحناء و لیس لها

من كاشف الّا انت لا اله الا انت ربّ ارحم الاطفال الرضع و الاشیاخ

الرُكع و الشباب الرّتع و اجعل الافئدة تتعاطف و الارواح تتجاذب

و الّف بین السائس و المسوس و وفّق بین الرئیس و المرؤس انك انت

القوى المقتدر العزیز القدیر ع ع مقابله شد

 خط اصل 

جناب محترم هر وقت عالم وجود را بحكمت بالغه الهیه اقتضائى و زمانرا حكم

صارم و قاطعی هر امریرا مقاومت توان جز مقتضای زمان كه مقاومت مستحیل است

زیرا زمان را مقاومت و مقتضى آنرا غلبه نتوان ذلك تقدیر العزیز العلم در این عصر

و زمان حكومت بالاستقلال ممتنع و محال زیرا هزار مشكلات هر دم رخ دهد

و راحت جان و سلامت وجدان بكلّى منسلب گردد حكومت را فراغت نماند

و رعیت را اسایش و راحت مفقود گردد بكرات و مرّات بالمناسبه در محررات

از پیش مرقوم گشت و حال نیز تكرار میشود كه تا دولت و ملت مانند شیر وشهد

\* ص234 \*

با هم نیامیزد نجاح و فلاح محالست هذا هوالحق جز این چاره ئى نیست ملاحظه

فرمائید كه دول مستقله عالم چقدر مقاومت ملّت كردند عاقبت مجبور بر

تأسیس حكومت قانونیّه دستوریه شدند للذاهبین الاولین من

القرون لنا بصائر حتى حكومت صغیره نیز دستورى گردیده در سنه سابق

امیر قره طاغ بطیب خاطر و صرافت نفس حكومت مستقله مقنّنه خویش

دستورى كرد حال اگر راحت جان و مسرت وجدان لازم باید بنوع

خوشى و طرز دلكشى در میان دولت و ملّت امیزش خواست و این مقصد را

هر خیرخواه بى غرض باید خدمت نماید تا كشور آسوده شود و مملكت انتظام و

راحت یابد و بدون این ممتنع و محالست ولى باید در نهایت اتقان مجرى

گردد كه در مستقبل مشكلات حاصل نشود پس باید در میان دولت و ملت

عهد و میثاق محكم شود و حقوق طرفین تعیین و تاكید گردد و دول سائره

نیز كفالت و وساطت نمایند كه هیچ طرف تجاوز نكنند و این معاهده

دولت و ملت ابدى باشد كه سلطنت جاوید باشد و ملت آزاد قانونى

گردد ملاحظه فرمائید كه دستورى انگلیس چه قدر قاهر و

غالب و مستریح و سالمست اعلیحضرت ایمپراطور در نهایت عزت و اطمینان است

و ملت در نهایت آزادى و سرور و دولت و ملت در ترقى مستمر چه بهتر از این

كه پادشاه را كل خدمت مینمائید و او در نهایت راحت و آسایش و سرور و

حبور و عزت موفور زندگانى مینماید ع ع 7 ربیعالثانى سنه 1347

مقابله شد

\* ص235 \*

خط اصل

اما مسئله ورثه مرحوم و مغفور مشهدی عبدالرضا و ناخلف پسر جناب قبل اکبر فی‌الحقیقه این پسر انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالحست پدر مظلومش بیزار از اوست ولی آن حضرت اگر ورثه را اقناع فرمائید و اسکات کنید البته بهتر و خوشتر است همتی فرموده‌اید اجرکم علی‌الله ورثه را به ربع و ثلث مبلغ اگر ممکن است راضی فرمائید و از حقوق بدهید زیرا پدر مسئول و مواخذ از تعدی پسر به هیچ قانون و شریعتی نیست دیگر حکمت شما کافیست ضرور به دستورالعمل نیست ع‌ع مقابله شد

خط اصل

جناب حاجی مامور بخدمات شما هستند هر گاه بهندوستان بفرستید باید بروند بمیرزا حبیب الله مرقوم شد که در غیبوبت حاجی مواظبت مغازۀ او بنماید ع‌ع مقابله شد

خط اصل

# **هوالله** تکلیف ان جناب اینست که خیرخواه شخص محترم باشید و دلالت بر رأفت به ملّت فرمائید زیرا خیر کل در اینست تا توانید بکوشید که این دو عنصر عنصر واحد گردد تا سلطنت ابدی در این خاندان بماند و ملت در نهایت آزادی و اسایش زندگانی نماید هر دو طرف دولتیان و ملتیان را نصیحت نمائید ع‌ع مقابله شد

\* ص236 \*

خط اصل

در سنۀ سابق وقایع عظیمه رخ داد که افق آمال غباری یافت در سیرجان حضرت مقرب درگاه کبریا آقا سید یحیی مظلوماً در دست عوانان کاس شهادت نوشید و قطعه قطعه گردید در سنگسر ستمکاران یاران روحانی را اذیت شدید نمودند و تعرض کلی روا داشتند از همه بدتر در تبریز مجتهد بی‌ایمان میرزا حسن صریحا واضحا فتوی بر قتل جمیع بهائیان داد دو نفر را فوراً قطعه قطعه نمودند و اگر یاران متفرق نمیشدند جمیع را به قتل می‌رساندند ع‌ع مقابله شد

خط اصل

# **هوالله** جناب حاجی میرزا حسین جواب مکتوب نظر به موانع معلوم تاخیر افتاد معذور دارید آنچه جناب شخص معزز بشما تکلیف میفرماید قبول نمائید ضرر ندارد مکتوب جوف را به ایشان برسانید و بگوئید عون و عنایت حضرت احدیت مشروط و منوط به الفت یک نفس دو نفس قدسیه بکمال حکمت است و اجتناب از نفوس غافلۀ مبغضه امیدوارم که موفق گردند بشخص محترم بگوئید که به صدر بفرمایند الم یأن للذین امنوا ان یخشع قلوبهم لذکرالله قل بلی یا رب آن و حان و علیک التحیة و الثناء ع‌ع مقابله شد

\* ص237 \*

شخص محترم علیه بهاء الله الأبهى

خط اصل

# **هو الأبهى** اى بندهء حق رقیمه قرائت گردید از كثرت اضطراب و كدورت شما كمال

تأثر حاصل گردید از حق مسئلت رفت كه سكون قلبى و فرح روحى و مسرت

پرفتوحى بشما احسان فرماید و فى الحقیقه چون وعدى سبقت یافت

لهذا شما اگر چنآنچه ممتنع الراحة و السكون در انجا هستید و بهیچوجه

ارام نمیتوانید بگیرید اذن حضور دارید امّا بشرط سرعت رجوع این نظر

بمصلحت و حكمت و خیرخواهى در حق خود شماست و الا ما بالنیابه

زیارت مینمائیم ع ع مقابله شد

خط اصل

بواسطهء جناب امین

هو الأبهى

دولت آبادیها جناب آقا نصراللّه جناب آقا فتح الله جناب آقا عبداللّه جناب آقا

اسداللّه جناب آقا عبدالحسین جناب آقا محمّدكاظم و سائر دوستان الهى

علیهم بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى یاران حقیقى حمد كنید كه در یوم اشراق مظاهر اشفاق نیر افاق

گشتید و بشرف مثول حضور جمال مقصود موید گردیدید و اصغاء نداء از فم مطهر

نمودید و بفیض كلى موفق گردیدید بلایاء و محن در سبیل حق مشاهده نمودید و صدمات

كشیدید حال بقوتى معنویه و قدرتى الهیه و همتى ملكوتیه و تائیداتى لاهوتیه

\* ص238 \*

بر خدمت پیمان قیام نمائید تا نور على نور گردد و جمیع وجد و سرور شود

و هریك عبد شكور گردید و مظهر فضل موفور شوید وقت انست كه بنصائح

و وصایاى جمال قدم قیام نمائید تا هردمى همدم هاتف غیبى گردید و هر

لحظه دمساز سروش الهى شوید و البهاء علیكم یا احباء اللّه ع ع

مقابله شد

خط اصل

هو الأبهى مهاجرین دولت آباد جناب آقا نصراللّه جناب آقا اسداللّه

جناب آقا فتح الله جناب آقا عبداللّه جناب آقا عبدالعظیم و سائرین مع الذكور

و الاناث علیهم بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى مهاجرین از وطن در سبیل الهى هرچند سرگردان شدید و بیسر و سامان

شدید صدمات شدیده دیدید و زحمات عظیمه كشیدید و مشقات عدیده

تحمل نمودید ولى این زحمت رحمت است و این نقمت نعمت است و

این مشقت راحت است چه كه در سبیل حضرت احدیتست اى یاران حقیقى

محبوب الهى نظر بعالم اعلى و جهان بالا نمائید كه همه بشارتست و مسرتست

و سرور است و حبور است از افقش صبح عنایت دمیده است و در

قطبش شمس هدایت درخشیده است و در منطقة البروجش نیر اعظم

مشرق و لائحست و در خط استوایش آفتاب حقیقت در اشد اشراقست

ان ذروهء علیا و عالم بالا هرچند غیب است و پنهانست ولى فیضش

\* ص239 \*

عیانست و اثارش نمایان و البهاء علیكم ع ع مقابله شد

بواسطهء جناب دكتور حبیب اللّه خان علیه بهاء الله الأبهى

جناب میرزا نورالدین خان رئیس پست علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بندهء الهى هرچند در قریه بودى ولى وقتى این قریه قصر خسرو

و شیرین بوده و كام دل و جان در انسامان حاصل مینمودند محلى بود بینهایت

معمور و ابادان حال امیدم چنانست كه بهمت شما بعد از ان ویرانى

آباد گردد و بعد از مطمورى معمور شود آبادى ان سامان بهبوب نفحات

رحمن است بلكه عین تسنیم در ان اقلیم جارى گردد شمعى برافروزد

رخشنده كه الی الابد درخشنده و تابان باشد اگر رفقاى عزیزى یا اشنایانى

در قصر دارید با انان مخابره نمائید وعلیك البهاء الأبهى 18 ربیعالاول 1338

حیفا عبدالبهاء عباس مقابله شد

جناب شهاب الدین فتح اعظم و منتسبین و امةالله المقربه خدیجه سلطان ضجیع

من فاز بمقعد صدق عند ملیك مقتدر جناب ملا علی اكبر میرزا نورالدین

روحانگیز روح الله روحا نورا اقابیگم علیهم و علیهن بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى منتسبین حضرت فتح اعظم این عنوان بسیار مباركست

زیرا الحمدللّه كه شرف اعراق با حسن اخلاق توام شده است آن نفوس

\* ص240 \*

زاده جان و دل فتح اعظم اند نه تنها زادهء آب و گل از الطاف جمال مبارك روحى لاحبائه

الفداء امیدم چنانست كه ان خاندان حیات جاودان یابند و ان دودمان

مظاهر الطاف رحمن باشند و علیكم و علیكن البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس

ص 26 ربیعالثانى 1339 حیفا

مقابله شد

بواسطهء آقا میرزا حسین نجل حضرت اسم اللّه

اردستان جناب آقا میرزا شهاب علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان آنچه بجناب میرزا حسین نگاشته بودى ملاحظه گردید از

الطاف شمس حقیقت طلب تائید و نصرت شما گشت و همچنین استدعاى

غفران از براى متصاعدالی اللّه آقا میرزا حبیب گردید كه مظهر عفو و الطاف و مورد

عنایت خداوند مهربان گردند از ملكوت احسان امید چنانست كه جمیع یاران

ثابتان بر پیمان در بحر غفران مستغرق گردند بخصوص ان خاندان كه از بدو امر در این

سبیل جانفشانى نمودند و از بدایت طلوع صبح هدى از هرجهت در مقام قربانى

بودند بجناب آقا شیخ عبدالحسین تفتى نامهء مخصوص نگاشته گشت و فرستاده

شد از پیش حال نیز بتكبیر ابدع ابهى و بیان اشتیاق عبدالبهاء ایشان

را سبب روح و ریحان گردید رجا از آستان بهاء چنانست كه در اردستان

اطفال یاران را چنان تربیت نمایند كه هریك گلى در گلشن وفا گردد و سروى در

بوستان هدى وعلیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

\* ص241 \*

# **هواللّه** اردستان جناب میرزا شهاب الدین سلیل جلیل حضرت فتح اعظم علیه بهاء اللّه

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى ثابت بر پیمان آنچه بجناب سید تقى مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید عبارتى در

آن ورقه مندرج و ان اینست از طهران و كاشان و اصفهان و یزد و اردكان و اردستان

همه اطلاع دارم كه تمام مشتعل و منجذب و متفق میباشند ایران گلستان شده

چون این عبارت كه دلالت بر وحدت قلوب دوستان حضرت احدیت مینمود

بینهایت سبب فرح و مسرت گشت امید چنین است كه روزبروز نفحات

مشك الهى بیشتر مشامها را معطر نماید تا كل بیك صوت بیك نغمه و یك

آهنگ و یك بانگ و یك ترانه و یك چنگ و چغانه بتسبیح و تهلیل خداوند

یگانه پردازند آنچه قلوب یاران بیشتر الفت یابد نافهء اسرار عطرش بیشتر

منتشر شود و هر نفسى باید بكوشد تا متابعت دیگران نماید و خضوع و خشوع

بیش از ان همواره قصور از خویش بیند و گناه خود در پیش نهد كلمه ئی كه دلالت

بر اغبرار نماید بر زبان نراند و ابداً نسبت بنفسى شكایت ننماید دهان بشكرانه

گشاید و كل یاران را تعریف و توصیف و تمجید نماید اى سلیل الشخص جلیل

یاران را بگو وقت اهتزاز است و كشف راز و نغمه و آواز الحمدللّه شهناز مرغان

سحر از ریاض ملكوت ابهى بلند است و در جمیع آفاق از طالبین نفوسى هوشمند

حال كه اوازهء امر الله جهانگیر گشته وصیت جمال ابهى شرق و غرب را بولوله

آورده باید بكمال حكمت بهدایت من علی الارض پرداخت و باید هر نفسى همدم

شخصى گردد و او را بنصائح الهى و دلائل رحمانى و حجج یزدانى و روش و سلوك

\* ص242 \*

مقربین درگاه ربانى و اخلاق روحانى و عمل طیب طاهر هدایت نماید اگر چنین مجرى شود

اندك زمانى نگذرد مگر انكه نفوس فوج فوج باوج هدایت پرواز نمایند جمیع

یاران الهى را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ نما علی الخصوص آقا میرزا آقا و آقا میرزا

عبدالحسین و آقا میرزا مهدى و آقا شیخ عبدالحسین تفتى را علیهم بهاء الله الأبهى

ع ع مقابله شد

23 شعبان 1337

طهران جناب آقا سید شهاب علیه بهاء اللّه الأبهى 23 شعبان 1337

# **هواللّه** اى شهاب ثاقب و اى هزبر غالب جناب آقا سید نصراللّه نهایت رضایت

را از اخلاق و رفتار شما دارند و رضایت ایشان رضایت من است و محبّت بایشان

محبت بمن شكر كن خدا را كه باین منقبت موفق گشتى و نتیجه‌اش عزت دو جهانست

و مسرت دل و جان و علیك البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطهء جناب آقا محمّدعلى از اهل ك احباى حسن آباد مزرعه متعلّق بباقراوف

جناب آقا میرزا شهاب جناب آقا میرزا لقائى جناب آقا محمّدحسن همدانى جناب حاجى

على اكبر نوش آبادى جناب میرزا نعمةاللّه جناب آقا نصراللّه جوشقانى جناب محمّد اقا

هداوندى جناب آقا شكراللّه جناب مشهدى حب اللّه جناب استاد حسین جناب

اقا غلامعلى درویش جناب على خان جناب اللّه قلى جناب میرزا عباسقلى جناب اقا

محمّدرضا جناب آقا رضا جناب آقا حبیب اللّه جناب میرزا محمود جناب عطاء اللّه

\* ص243 \*

ابن لقائى طاهره صبیه لقائى جناب آقا شكراللّه ابن درویش جناب آقا ولى

جناب استاد امان اللّه جناب میرزا رجبعلى جناب آقاجان جناب آقا شیخ تقى

جناب آقا عزیزاللّه جناب مشهدى اسمعیل جناب ملا رضا نجل آقا مهدى جناب

اقا رضا جناب حاجى قنبر جناب آقا ذبیح الله جناب آقا عبداللّه جناب

محمّدحسین طالقانى جناب آقا سید حسن جناب آقا میرزا احمدخان جناب میرزا

زمان جناب میرزا على اكبر جناب آقا على اكبر نجف آبادى جناب آقا ملا على

نجف آبادى جناب آقا على نجف آبادى جناب مشهدى محمّد قلعه نوى

میرزا عنایت الله ابن آقا محمّدعلى ضلع آقا محمّدعلى كاشانى و انجالشان

حسین آقا و اسداقا جناب آقا میرزا نصراللّه بزاز علیهم بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى یاران مهربان هرچند بظاهر در آن كشتزار بكاشتن و آبیارى

و حصاد مشغولید ولى فى الحقیقه در مزرعه ارادت تخم خدمت میافشانید

زیرا نیت خیرى دارید و در فكر آنید كه بامانت و دیانت و همت

كارى از پیش ببرید عبدالبهاء را سرور انست كه جمعى احبّا كه در آن

مزرعه هستند باخلاق و اطوار و گفتارى قیام نمایند كه ان مزرعه را از جمیع

دهات ممتاز و مستثنا نمایند و واضح و مشهود گردد كه این همت و

این امانت و این دیانت و این غیرت و این انتظام و این اخلاق

واین محبت و این الفت مخصوص بهائیان است و همچنین باهالى

و مزارع مجاوره بینهایت مهربان باشید انشاء اللّه برضاى جمال مبارك

\* ص244 \*

موفق خواهید گشت و علیكم البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

بواسطهء جناب آقا میرزا شهاب

امةاللّه ضلع ایشان علیها بهاء اللّه

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى ورقهء موقنه شاخ و برگ هر شجرى برشحات سحاب تر و تازه گردد

و سبز و خرّم شود امّا ورقات جنّت ابهى بفیض غمام كبریا طراوت و لطافت

بیمنتهى یابد ابر بهارى و فیض نیسانى چنان در فیضانست كه دشت گلكشت

گشته و صحرا جنّت ابهى شده تا توانى بكوش كه در نهایت نضارت

روحانیه و لطافت وجدانیه و طراوت نورانیه در عالم وجود و عرصهء شهود

جلوه نمائى و از نسیم حدیقه میثاق باهتزاز آئى وعلیك التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد

هواللّه

بواسطهء حضرت اسم الله الهدى علیه بهاء اللّه

اردستان جناب آقا حسنعلى اكبر خادم احباب علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبى السجن

# **هو الأبهى** اى خادم احباى الهى هرچند مدتى بود كه بخدمت یاران پرداختى

و در عبودیت حق علم برافروختى ولى حال كه درسبیل محبّت الله ریش و ریشه

فدا نمودى واضح و مبرهن گشت كه خدمت و عبودیتت در آستان

مقدس مقبول گشت اى رسواى سبیل الهى هر ریشى عاقبت از

\* ص245 \*

ریشه برافتد و هر لحیهء بپایان سخره قبرستان گردد ولى تو شكر كن كه پیش از

انكه حوادث امكان لحیهء پر سعادت را از بن و بنگاه براندازد بدست

ستمكاران در سبیل یار مهربان كنده و پراكنده شد انشاء اللّه سبب

صباحت و ملاحت و جوانی خواهد شد یاران الهی كه در این وهله مورد

اذیت و جفا شدند و صدمه و بلا دیدند و بدست تطاول ستمكاران مبتلا

گشتند این موهبتى بود از حق كه بان فائز شدند و این عنایتى بود

كه بان موفق گشتند هر بلائى كه در سبیل الهى وارد عین عطاست

و هر مصیبتى موهبتى است ملاحظه در قرون اولى نمائید كه نفوسى در

نهایت راحت و رخا زیستند و عاقبت ترك دغدغه دنیا نمودند

و نفوسى كه در سبیل وفا انواع جفا دیدند انوارشان الى الان از افق

ملكوت ساطع و لامع و پرتوشان چون شعاع ستارهء صبحگاهى

از مشرق الهى ظاهر و با هر حال كدام یك خوشتر و دلكشتر است فاعتبروا

یااولى الابصار و البهاء علیك ع ع مقابله شد

اردستان بواسطه جناب زائر

جناب شهاب الدین سلیل فتح اعظم علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى سلیل انشخص جلیل پدر بزرگوار فتوحات روحانیه نمود

مداین قلوب مسخر كرد و ملقب بفتح اعظم شد فتوحات ملوك جهانگیر

\* ص246 \*

نسیان گردد و كشورستانى پادشاهان سلف و خلف فراموش شود اما فتوحات

آن شخص جلیل ابدى التاثیر است و سرمدى القرار آن فتوحات جسمانى به تیز

چنگى و خونریزى و درّندگى میسر گردد و این فتوحات بنفحات رحمانى و انجذابات

وجدانى و آیات سبحانى و انبعاثات قلبى و قوتى ملكوتى و سطوتى لاهوتى حاصل

شود ان فتوحات جان گیرد این فتوحات جان بخشد ان مورث حسرت

است و این معطى موهبت آن غرور آورد و این خضوع و خشوع آن لمن

الملك گوید این الملك للّه الواحد القهار بر زبان راند ملاحظه نمائید كه چقدر

فرق در میانست اى شهاب نجم ثاقب شو و شعاع لامع اوج غیر متناهى را

نور الهى كرد و فلك اثیر را نیر منیر تا حقیقت الولد سرابیه آشكار گردد

وعلیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

جناب على خان كرمانى علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى بندهء بهاء نمیقه غرّا واصل و مقصد و مراد واضح گردید گله نموده

بودید كه جواب مكتوب نرسید اى رفیق روحانى نمیدانى كه مكاتیب مانند امواج از

جمیع آفاق عالم موج میزند نفوس متعدّده لازم كه بخوانند تا چه رسد كه جواب مرقوم

شود و از این گذشته سئوال از مسائل و از ان گذشته غوائل و مشاغل

لهذا نفس نامه جوابست چاره جز این نه دیگر در این ضمن اگر جواب مكتوبى

رسد این را باید از اثار خارق العاده شمرد از امور عادیه ندانست بارى

\* ص247 \*

مادام محبّت آن طلعت مهربان در دل نامه و پیام ملأاعلى متتابعست هر

دمى پیك جدید میرسد و پیام ربّانى جلوه نماید از خدا خواهم كه قدم مستقیم

نمائى و موفق و موید بفیض اسمانى گردى و علیك البهاء الأبهى ع ع

خط مبارك

# **هواللّه** اى دوست روحانى وقت آید كه بیگانه و خویش فراموش نمائى و بكلّى

سرگشته و سودائى و مفتون و شیدائى ان دلبر مهربان گردى و سردفتر

عاشقان شوى و سرخیل مشتاقان گردى شورى برانگیزى و شهد و شكرى

امیزى و مشكى بیزى و قند ریزى و این عبارت نگاشتم تا بدانى چقدر عزیزى ع ع

طهران هواللّه واسطه جناب نورمحمّدخان

جناب میرزا رضاخان نجل میرزا فضل اللّه خان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بندهء الهى از ثدى عنایت شیر هدایت نوشیدى و در آغوش آن

مادر مهرپرور تربیت شدى و در بالین موهبت نشو و نما نمودى حال

الحمدللّه بمقام رشد و بلوغ رسیدى رشد و بلوغ اشتعال بنار محبت الهى

و انجذاب بنفحات الله است این دلیل عقل و كمالست زیرا این نور از

هر وجهى ساطع شعاع لامعست و عقل كامل و دلیل رشد بالغ وعلیك التحیة و الثناء

ع ع مقابله شد

\* ص248 \*

جناب منشى باشى علیه بهاء الله الأبهى

خط مبارک

# **هوالقیوم** اى سرگشته كوى او اسم اعظم و جمال قدم تجلّى بر آفاق امم فرمود و از این

اشراق ملكوت وجود روشن و منیر گشت و ارض غبرا غبطه فلك اثیر شد

برخى حقیقت صافیه داشتند مستنبأ از این فیوضات كلیه شدند

و چون بلّور نورانى حرارت شمس چنان در كینونتشان تاثیر نمود كه

حرارت اثیر یافت و بعضى عكسى و شعاعى نصیب داشت و گروهى

بكلّى محروم حمد خدا را كه تو از این فیض نصیب وفیر داشتى و از این كوثر

عنایت قدحى لبریز ع ع مقابله شد

هو الأبهى امةاللّه ورقه زكیه موقنه زهرا ضلع جناب محمّد قبل باقر

م ن علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند خط مبارك

# **هو الأبهى** اى امةاللّه شكر كن خدا را كه منتسب بمومن باللّه و موفق بایات

اللّه شدى و جام محبّت الله را از كارس عنایت نوشیدى و در ظلّ

كلمهء جامعه داخل گشتى و از افق توحید بانوار عرفان منور شدى و

از فضل آفتاب فلك تقدیس بموهبتى مخصّص گشتى كه پرتو انوار

یختص برحمة من یشاء از جمیع جهات احاطه نموده است اگر

چه حال عظمت و بزرگوارى اینمقام مشهود و واضح نه لكن عنقریب

\* ص249 \*

چون مه تابان از افق امكان ظاهر و لائح گردد و البهاء علیك ع ع

مقابله شد

هواللّه ط جناب منشى باشى علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك

# **هواللّه** اى مظهر بلایاء در حدیث وارد اذا احبّ اللّه عبدأ ابتلاه تو اگر

جسماً علیل و مریض الحمدللّه روحاً صحیح و سالمى بلكه بصّحت تامه برخوردار

این جسم معدن امراض است و محل عوارض متنوعه آنچه محافظه شود

عاقبت لشگر اسقام غالب گردد و علل و آلام این جسم را متلاشى

نماید پس غم مخور و محزون مباش و دلخون مباش بسا از اولیاء الهى

باین ناخوشى مبتلا شدند ولى چون بصحت حقیقى روحانى فائز

بودند ابداً اعتنا ننمودند بلكه شكر نمودند كه مورد بلا گشتند و

مظهر امتحان شدند و البهاء علیك ع ع مقابله شد

خط مبارك هو الأبهى جناب میرزا باقر منشى خرّم ابادى علیه بهاء الله الأبهى

# **هو الأبهى** اى منشى باشى خرّم دمى كه براز حق همدم شدى و مبارك ساعتى

كه تاج محبت اسم اعظم بر تارك نهادى از مصیبت دلتنگ مشو

\* ص250 \*

حكمتى در این است گر خضر در بحر كشتى را شكست صد درستى در

شكست خضر هست خداوند در قران عظیم میفرماید و لنبلونكم

بشئى من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و

الثمرات فبشر الصابرین و همچنین میفرماید انما یوفى الصابرون

اجرهم بغیر حساب و البهاء علیك خوب فكر نما حكمت این مرض

معلوم میشود ع ع مقابله شد

مناجات طلب مغفرت بجهت راجع الى اللّه و المتعارج الى ملكوته میرزا

باقرمنشى باشى علیه بهاء اللّه

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** ربّ لك الحمد على ما اشرق شمس الغفران من مطلع احدیتك على اهل

العصیان و لك الشكر على ما تموّج بحر عفوك باریاح الاحسان على اهل

النسیان فاستغرقوا بفضلك و صفحك فى ذلك القلزم الزخّار

الذى لیس له قرار ربّ ادركت احبائك بسوابق رحمتك و سوابغ

نعمتك و جلائل موهبتك و عظائم عطیتك و منحتك ربّ ادرك

عبدك باقر بنور رحمتك الباهر و عفوك السائر و فیضك المنهمر و غفرانك

البادر ربّ انّه استفاض من فیضك الكامل و فضلك الشامل

و نورك اللامع و اطمئنت نفسه بشعاع طلعتك المنتشر فى الافاق

فى یوم الاشراق رب ادّخله فى حدیقتك العلیاء و اخلده فى جنّتك

\* ص251 \*

الماوى انك انت سمیع الدّعاء و انك انت الرحمن الرحیم ع ع

مقابله شد

بواسطه حضرت حیدر قبل على

طهران در منزل جناب میرزا مومن امةاللّه ضلع محترمهء متصاعدالی اللّه

منشى باشى علیها بهاء الله الأبهى مناجات طلب مغفرت بجهت طائر

حدیقهء غفران منشى باشى علیه بهاء الله الأبهى

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** الهى الهى قد ماج طمطام رحمانیتك و هاج اریاح شطر روحانیتك قد

اشرق نیر الغفران من مطلع العفو و الاحسان على اهل الامكان و ازال ظلام

العصیان فابتهل الیك یا رحیمى و یا رحمن ان تطّهر عبدك الراجّع الیك

الوافد علیك الوارد بین یدیك عن وضر الذنوب فى عالم الامكان و اغرقه

فى بحر الالطاف و اغسله فى مغتسل بارد و شراب و البسه رداء العفو بین الابرار

و طیبه برائحة طیب الامتنان و اخلده فى فردوس الجنان و اسقه من عین

الحیوان و ارزقه لقائك فى جوارك انك انت الروف الغفور العفو الكریم

المنان ع ع مقابله شد

هواللّه بواسطهء جناب محمّد نبى

طهران امةاللّه زهراء ضجیع من عرج الیاللّه منشی باشى علیها بهاء الله الأبهى

\* ص252 \*

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** اى صابره اى مقربه اى مطمئنه فى الحقیقه در خدمت آنمقرب درگاه كبریا

ید بیضا نمودى و بینهایت در درگاه احدیت عزیز گشتى سزاوار چنین است

كه اماء رحمن جوهر وفا باشند و آئینه صفا اینست صفت اماء رحمن و كنیزان

حضرت یزدان زیرا بوفا از مادون امتیاز یابند و بصبر و تحمّل ممتاز گردند من

بغایت از تو راضیم و از خدا میطلبم كه در جمیع عوالم الهیه سرافراز و ممتاز

باشى وعلیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن

بواسطه جناب آقا میرزا عبدالحسین زائر از ارض الف

طهران جناب آقا میرزا جوادخان و آقا میرزا نبى خان علیهما بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى دو شمع محبّة الله در كشور مصر در وقت عصر اوقات خویش را بتحریر حصر

نمودم تا بیاد یاران پردازم و بذكر یاران مهربان مشغول گردم و تشویق و تحریص

بر آنچه باید و شاید كنم امروز ایران بلكه خاوران و باختران استعداد عجیبى

حاصل نموده كه استماع نداى حضرت رحمن نماید گوشها باز شده و جانها طالب

شنیدن راز دیده ها آرزوى مشاهدهء انوار نماید و دلها تمناى اطلاع اسرار

كند میدان وسیع است و حركت تقدم شدید و سریع وقت آن است

كه یاران از هر فكرى فراغت یابند و بهدایت طالبان و دلالت گمگشتگان

پردازند اگر چنین كنند پرتو نور مبین در اندك مدتى روى زمین را روشن

\* ص253 \*

و منیر گرداند این است آرزوى هر یار باوفا و منتهى جهد شخص شنوا و گویا و بینا

جمیع اهل و منتسبان را تكبیر ابدع ابهى ابلاغ دارید وعلیكما البهاء الأبهى ع ع

مقابله شد

یا صاحبی السجن

طهران بواسطهء حاجى میرزا عبداللّه

جناب میرزا نبى خان لُر علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى بندهء بهاء آنچه مرقوم نمودى ملحوظ گشت و مكاتیب متعدّده

مرقوم شد لهذا بیش از این مختصر فرصت نگارش نیست مطمئن بفضل و

الطاف الهیه باش كه در جمیع احوال شاملست و علیك التحیة و الثناء

یا غافر الذنب و ساتر الخطاء و یا راحم البرایا و یا واهب العطایا ارحم

والدى عبدك نبىّ الو فی الخاضع الخاشع فى عتبة قدسك یا مولاى

الجلیل و اغفر لهما جریراتهما و بدّل سیئاتهما بالحسنات انك انت

الروّف باهل المناجات و ارباب الحاجات و انك انت الكریم الرحمن الرحیم ع ع

مقابله شد

یا صاحبى السجن

بواسطهء جناب زائر آقا غلامحسین علیه بهاء اللّه

طهران جناب میرزا نبى خان علیه بهاء اللّه

# **هواللّه** اى مقرّب درگاه كبریا باز بتحریر این نامه مسطور پرداختم و بیاد آن یار

وقور افتادم سبب جناب زائر آقا غلامحسین ولى بظاهر آقا غلامحسین و بحقیقت

\* ص254 \*

احساسات وجدانیه زیرا وجدان مشغول بیارانست و مالوف بذكر ایشان چون یاد

دوستان شود دل و جان بگل و ریاحین فیض آمال مزین گردد و سبحان اللّه این

چه شعفیست و شغف و چه روابطیست و انبساط و چه فرحیست و نشاط كه

بمحض تخطر یاران ابواب شادمانى مفتوح گردد و صدر محصور مشروح شود

این نیست مگر از موهبت كلیه حضرت احدیت كه در بین قلوب چنین

حسیاتى موجود فرموده بلكه اعظم از اینست و اكمل از این امیدوارم كه ان

نیز میسر گردد و علیك التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

طهران جناب میرزا نبى خان علیه بهاء اللّه

یا صاحبی السجن

# **هواللّه** الهى الهى ان تقى النّقى یبغى رحمتك الكبرى و یتقى من نیران الجزاء و

یشتفى من كأسك الطافحة بصهباء مغفرتك العظمى و یستسقى من الماء

المعین فى جنة النعیم ربّ اشمله بلحاظ عین رحمانیّة و اسمح له بمواهبك

فى العوالم الروحانیه و اعف عن جرائمه بسوابغ رحمتك الربانیه انك انت

الغفار للذنوب و ستار للعیوب و كشاف للكروب و انك انت

العزیز الغفور ع ع مقابله شد

\* ص255 \*

هو الأبهى ط جناب میرزا نبى خان علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك

# **هو الأبهى** یا من ثبت و نبت و اراد الخیر لاحباء اللّه آنچه مسطور بود ملحوظ افتاد و آنچه مذكور

شد مسموع گشت فى الحقیقه كار همان قسم است كه مرقوم نموده‌اید این

حوادث پریشان مینماید و روح و ریحان میبرد الیوم یوم اتحاد است

و وقت اتفاق باتحاد و اتفاق كمر اهل نفاق شكسته گردد و بمحبت

و یگانگى بیگانگى از عالم محو شود احباى الهى باید اسباب الفت و محبت

و یگانگى عالم گردند تا نور وحدت الهیه در جمیع مراتب طلوع و سطوع نماید

مطابق خواهش چیزى مرقوم شد ع ع مقابله شد

هواللّه ط جناب میرزا محمّدنبى خان خرم آبادى علیه بهاء الله الأبهى

خط مبارك

# **هو الأبهى** اى بندهء دیرینه آن ذات مقدس شكایت از عدم بلاغت و فصاحت

نموده بودى اى معاف یفعل اللّه مایشاء بى محابا رو زبان را برگشا در درگاه

جمال قدم روحى له الفداء الفاظ و كلمات را حكمى نبوده معانى بدیعه و مقاصد

صحیحه مقبول و محبوب نظر بقلوب داشتند نه نقوش استماع راز دل

میفرمودند نه رموز كلمات منشیان بلیغ فصیح بى مماثل صهباء چون

صاف و گواراست جام بلور احتیاج نه ساقی چون گلچهره است

\* ص256 \*

قباى پرند و سندس و استبرق لزوم نیست پس تا توانى معانى و مبانى محكم نما

و اساس مهربانى متین كن آن معانى الیوم ثبوت و رسوخ بر مركز

میثاقست چه صون امر الله و صیانت دین الله منوط بان در

بعضى خصوص مرقوم فرموده بودید این عبد امید از فضل جمال مبارك

دارد كه ان غبار ساكن گردد و ان نقار از میان برود بار دگر روزگار

چون شكر اید و اعظم وسائل ازالهء این مشكلات ثبوت احباء بر

میثاق است تا نفوسیكه قصور نموده اند در اینجا كه بتدبیر وهن عظیم در

میثاق الهى اندازند و نیر عهد را از مركز قدیم تحویل دهند بالمره مأیوس

از حصول این مقاصد نشوند این ظلمات كه منتشر در آفاق شده است

زائل نگردد و این فتنه منتهى نشود هر روز مشاكلى میان دوستان حاصل شود

پس بهتر انست كه دوستان بقسمى ثابت شوند كه مخربین میثاق

از این تصور فراغت كنند و البهاء علیك مقابله شد

هو الأبهى بواسطهء جناب میرزا نبى خان علیه بهاء الله الأبهى خط مبارك

# **هواللّه** اى هدهد سلیمان پرحشمت الهى سفرى بسباى سبز و صحراى خرم نما آباد یابى

ولى چند دخمه ویران و خراب قصور معمور انشاء كن و مینوى دلجوى

آباد نما بنیان متین یابى و بنیاد اساس علیین بینى ولى فارهء مدبرى

\* ص257 \*

در حوالى ان معموره در حركت و گاهى پیام و پیغامى خواهد تا مطموره كند و مخروبه

نماید چه كه بوم مشئوم است و ویرانه است بنیاد جوید نه خرم آباد و اگر در خرم آید

مهدوم و مطمور و مخروب عدم كند پس آن یاران را بیدار دار و آن عندلیبان

را باخبر از چنگال غراب منحوس پر وبال كه مبادا از نعیب زاغ و نعیق كلاغ

محتجب از بلبل باغ شوند ع ع مقابله شد

هواللّه جناب محمد نبى خرّم آبادى علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك

# **هواللّه** اى متمسك بحبل متین آنچه مرقوم نموده بودید معلوم و مفهوم شد صحائف

بود نه صفحه رسائل بود نه نامه چه كه در الفاظ مختصره مطالب مفصله و معانى مكثره

مندمج و مندرج بود كلام بر دو قسم است یكى جوامع الكلم و فصل الخطاب

كه بغایت موجز و مفید است دیگرى اساطیر و حكایات كه مسهب و طویل

و مطنب است ولى معانى قلیل و كمیاب پس نفوسى كه در ظلّ كلمهء توحید داخل

اهل معانیند نه الفاظ و طالب حقایقند نه مجاز جمیع لسانها نزدشان مقبول و

مرغوب اگر معانى محبوب موجود چه لرى و چه كردى و چه تازى و چه درى و چه

پهلوى و اگر در الفاظ معانى مفقود مردود چه فارسى و چه عربى و چه عراقى و چه

حجازى در خاطر دارم كه در عراق روزى بحضور نیر آفاق شخصى از لرهاى بروجرد حاضر

و ان شخص بظاهر عامى صرف بود چون جمال قدم و اسم اعظم كمال اظهار

عنایت فرمودند رویش باز شد و بكمال اشتعال و توجه مخاطباً لوجه اضاء به

\* ص258 \*

ملكوت السموات و الارض این ابیات را در نهایت شور و وله و شوق و شعف عرض نمود

و چند شعر لرى خواند از انجمله این بیت بود هر كجا میزَرِى و پا سر خاك مِهَلى

مه دراز میشوم و در خاك گل و پل مكنم مَه دلم خو میشوه تا زلف تو قنقل مكنه

بارى جمال مبارك انقدر تبسّم فرمودند و اظهار عنایت كردند كه حد و وصف ندارد

بارى مقصود اینكه شما در نهایت فصاحت و بلاغت مكتوب را مرقوم فرمائید

و ان لسان محبت است اى لر شكر كن خدا كه آب کرى و پاك و طاهر و

مطّهر بی‌محابا رو زبان را برگشا و البهاء على اهل البهاء ع ع مقابله شد

نورمحمّدخان هواللّه

جناب میرزا نبى خان علیه بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى دوست جناب نور محمّد خان خواهش این نگارش فرمودند خط مبارك

این عبد نیز بنوشتن پرداخت ولى در صفحهء سینه آنچه بقلم الهى مرقوم

مطابق این رقیم است و موافق ذكر حكیم و كتاب مبین امّا نقوش بیگانه

هوش را از قرائت آن مسطور در صدور محروم نماید تو از خدا بخواه تا در سطور

كائنات و صدور موجودات رسائل ملأ اعلى قرائت نمائى و ایات بینات

تلاوت كنى ع ع مقابله شد

\* ص259 \*

هو الأبهى جناب میرزا نبى خان علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارک

# **هو الأبهى** اى متوّجه بوجه اللّه یكى از احباى رحمن در مكتوب خویش ذكر وله و انجذاب

انجناب را نموده بود از این ذكر روح و ریحان حاصل گشت قسم بجمال قدم

و ظهور اعظم بروحى و ذاتى احبائه المنجذبین كه چون ذكر دوستان الهى از

لسان جارى شود یا قلم باسمشان رقم زند چنان حالتى دست دهد كه

خامه و نامه بوجد و طرب آید و مداد فریاد كند روحى لهم الفداء اى ناظر الی اللّه

جمال قدم فضل و موهبتى فرموده كه قلوب صافیه بروابط قویه مرتبط گشته

و ارواح چون جنود مجنده مبعوث شده احساسات وجدانیه بدرجه رسیده

كه قلوب حكم یك قلب یافته و نفوس حكم یك نفس تو بشكرانه این عنایات

زبان بستایش آن جوهرالجواهر بگشا تا امواج بحر لان شكرتم لازیدنكم

را مشاهده فرمائى ع ع مقابله شد

# **هو الأبهى** ان شمس الهدى نور السموات العلى مصباح الملأ الاعلى قد صعد من مشكوة

الناسوت و یوقد و یضیئى فى زجاجة ملكوته الأبهى و اوج افقه الاعلى و یفیض انواره

على الابرار و مظاهرالتقدیس من الاخیار یا احباء اللّه لاتضطربوا و لاتتزعزعوا

فاثبتوا و راسخوا فى امره و حبّه هذا ما اخبر به فى الواح قدسه و صحائف مكنونه من

قبل و منه مانزّل فى لوح الرویاء الشائعة الذآئعة فى آفاق الدنیا ان العروج یكون

من سجن عكّا و لا تبدیل لطمات اللّه قال و قوله الحق عند ذلك صاحت و

قالت كل الوجود لبلائك الفدآء یا سلطان الارض و السماء الى م اودعت

\* ص260 \*

نفسك بین هولاء فى مدینة عكاء اقصد ممالك الاخرى المقامات التى ما وقعت

علیها عیون اهل الاسماء عند ذلك تبسّمنا اعرفوا هذا الذكر الاحلى و ما اردناه

من السر المستسّر الاخفى انتهى و الذى ثبت على امره بشره ببشارات

كبرى و تائید شدید القوى و الموهبة العظمى قال و قوله الحق قل یاقوم

لایأخذكم الاضطراب اذا غاب ملكوت ظهورى و سكنت امواج بحر بیانى

انّ فى ظهورى لحكمة و فى غیبتى حكمة اخرى ما اطلع بها الّا اللّه الفرد الخبیر

و نریكم من افق الأبهى و ننصر من قلم على نصرة امرى بجنود من الملأ الاعلى و

قبیل من الملائكة المقربین انتهى و لما شرب هذه الكاس مظاهر قدسه

و مطالع انواره و مشارق ایاته و مهابط وحیه من قبل لم یفتروا المخلصون

من بعد عروجهم و لم یهنوا فى الاستقامه على امر الله بل ثبتوا فنبتوا و رسخوا

فانتصروا و اضائت وجوههم من الافق المبین و هولاء احباء امنائه

و اصفیائه فكیف یلیق لنفوس انجذبت بنفحات قدسه و اقتبست

الانوار من شمس جماله و استفاض من غمام جوده فى یوم ظهوره و تجلّى

شهوده فى هذه النشاة الكبرى فطوبى للراسخین و طوبى للثابتین

و طوبى للمخلصین فى یوم هذا الفزع العظیم ع ع مقابله شد

هواللّه جناب میرزا نبى خان علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارک

# **هو الأبهى** اى مشتعل بنار موقدهء در سدره سینا در این صبح رحمانى

\* ص261 \*

چون كوكب نورانى از افق عالم طالع شو و چون شمع در هر انجمنى ساطع انوار

نجوم آسمان اعراضیست یعنى كیفیتى بود فائض ولى انوار ساطعهء نجوم

لامعه الهیّه حقیقتى ثابته یعنى فیض حیاتست كه از نتایج سلوك

سبیل نجاتست و سرّ اسماء و صفاتست كه روحبخش كائناتست و جامعیت

كمالاتست كه زینت عالم موجودات است پس اى حبیب بكوش و بجوش

و بخروش و دلالت فرما كه انشاء اللّه بفیض نامتناهى جمال ابهى نفوسى

از احباء در صقع امكان محشور شوند كه واجد این كمالات باشند و جامع

این صفات و البهاء علیك و على كل ثابت راسخ فى عهداللّه و میثاقه ع ع

اسمائیكه مرقوم نموده بودید با وجود عدم فرصت و مجال مختصرا بجهت كل مكتوب مرقوم

گشت مقابله شد

هواللّه

خط مبارك ط جناب میرزا نبى خان علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هواللّه** اى شمع محبّت الله در این خاكدان كه بنیان هستى بنیادش

بر شفا جرف هار است و محن و بلایش بیشمار حضرت حى قدیم

روحى عظیمى مبعوث فرمود كه اساس حیات جاودان نهاد و نفحهء

ریاض رحمن منتشر نمود هر نفسى مظهر و نفخنا فیه من روحنا گشت

بفیض اسم اعظم بروح مسیحائى حیات یافت و بملكوت تقدیس راه

جست پس چون بافق عزّت صعود یافت حقیقت وجود و بقا را

بذات و كینونت ادراك كرد چه كه احساسات در این عالم بالنّسبه

\* ص262 \*

بادراكات در ان عالم حكم انعكاس آفتاب در دریاى آب دارد و البهاء علیك

ع ع مقابله شد

هو الأبهى ط جناب آقا میرزا نبى خان و آقا محمّدجواد علیهما بهاء الله الأبهى

ملاحظه نمایند خط مبارك

اقا میرزا نبى خان علیه بهاء اللّه

# **هو الأبهى** اى ناظر بمنظر اكبر فیوضات نامتناهیه الهیه عالم وجود و حیز شهود

را احاطه نموده و انوار تقدیس حضرت رب مجید آفاق ممكنات را منوّر

نموده و بحر اعظم الطاف موّاج گشته و لئالى حكمت بالغه بر سواحل

ایجاد ایثار و نثار میفرماید پس اى طالب جواهر معادن الهى

دامن را از درهاى اسرار حكم بالغه الهیه كه در هویت آیات و آثار

مباركه مندمجست پر كن تا گنج نهان بینى و كنز بیپایان یابى ع ع

مقابله شد

هواللّه

ط جناب میرزا تقى بروجردى علیه بهاء الله الأبهى

خط مبارک

# **هو الأبهى** اى بنده حق هر چند مدتى گذشت و این عبد فرصت تحریرى

نیافت و تقریرى جواباً ارسال ننمود ولى در جمیع احوال بیاد یاران و ذكر

\* ص263 \*

دوستان در آستان حضرت یزدان مشغول و مالوف قسم بجمال قدم روحى

لاحبائه الفدا چندان بیاد دوستانم كه از خویش بیخبرم اگر در

جواب تاخیرى رود از هجوم غموم و كثرت متاعب و مصائب و

مشاغل و همومست و الّا در هر ساعتى كتابتى بهریك از دوستان

ارسال میشد امّا آنچه لازم است طلب تائید است انشاء اللّه

قصور نخواهد شد در استان مقدس شب و روز سر بخاك عجز و نیاز

گذاشته طلب تائید بجهت جمیع میشود مطمئن باش این از صد

هزار خطاب و جواب بهتر است چه كه رهبر نجاتست و علت

حیات و مغناطیس عنایت است و قوّه تائید و ظهور

رحمت اى بندهء بهاء از خدا بخواه كه مطلع هدى گردى و مظهر

موهبت كبرى و سبب سطوع رائحه محبّت الله تا حیات الهیه

و روح رحمانیه در جمیع شئون جلوه نماید و البهاء على كل ثابت

على العهد ع ع مقابله شد

هواللّه

خط مبارك ط امةاللّه ضلع جناب منشى علیها بهاء الله الأبهى

# **هواللّه** اى امةاللّه در بحر امتحان اگر چه غرق شدى ولى الحمدللّه

دامنت خشك است و پیرهنت پاك از ترى آنچه در خدمت

\* ص264 \*

حضرت منشى زحمت كشیدى این خدمت حقست و تحمل در راه جمال مطلق

شكر كن كه موفق بخدمت شخصى گشتى كه مقبول حضرت كبریاست ع ع

مقابله شد

ط جناب میرزا محمّد باقر م ن علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارک

# **هو الأبهى** اى ثابت بر امر الله الیوم آنچه تكلیف عموم و دلیل بر ثبوت

و رسوخ بر عهد و پیمان جمال قیومست نسیان ماسوى اللّه و تشبث

بمیثاق الله و توسل بعروهء وثقاى دین الله است و اثار باهره و دلائل

زاهرهء اینمقام اینست كه آنچه در مصدر عبودیت عظمى و مقر فقر و فنا در

ساحت جمال ابهى ظاهر بقلب صادق قبول و در نهایت جذب

و وله و شوق و اشتعال از ارتفاع امر الله و اعلاء كلمه اللّه كوشند هر فكرى و

ذكری را باید فراموش نمود متفقاً متحداً منقطعاً الی اللّه باید در نشر

نفحات الله و تربیت نفوس كوشید و از آنچه سبب ادنى

اختلافست باید اجتناب نمود الحمدللّه جمال قدم و اسم اعظم فدیت

احبائه بروحى و ذاتى و كینونتى بقدر راس ابره مدار اختلاف باقى

نفرمودند و كتاب اقدس كه ناسخ اختلاف و كتاب عهد و میثاق

كه بنیان حصین و متین و سفینه نجات این كور عظیم است و از

خصائص این ظهور اعظم چون علم بر اعلام مشتهر و این كافى وافى و البهاء

علیك و على كل ثابت و مستقیم ع ع مقابله شد

\* ص265 \*

هواللّه

خرم جناب مهدى ح علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

خط مبارك 

هو الأبهى یا من تمتّع من نسیم عرار حدیقة الرحمن چه نگارم كه بحر معانى چون محیط اكبر

پر موج ولى فرصت و فراغت تحریر بكلى مفقود و ممتنع الوجود ولى باز از جواذب

حب و سائق شوق بنگارش پرداختم كه اى سرگشته بادیه محبت اللّه

ناله جانسوزى بزن و اى گمگشته صحراى اشتیاق یك آه اتشبار

برآر اى حمامه ریاض عرفان نغمه آغاز كن و اى هزبر غیاض رحمن نعره

برآر خاموشى بیهوشى آرد و خمودت ظلمت بیفزاید مهر رخشان باش

و بدر تابان و البهاء علیك و على كل متمسك بعهداللّه و میثاقه ع ع

مقابله شد

هو الأبهى

خط مبارك ط احباى الهى علیهم بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

جناب آقا میرزا آقا خان جناب آقا میرزا صادق

جناب آقا میرزا محمّد خان جناب آقا میرزانبى خان جناب اقا

محمّدابراهیم ضلع جناب آقا محمّدابراهیم جناب حاجى محمّد

علاقه بند صاحبه عمه خانم و صبیاشان ضلع آقا محمّدحسین

قزوینى ضلع حاجى فرج الله ضلع جناب حاجى محمد بنت

حضرت رضى الروح المتصاعد الى اللّه

صبیه مرحوم حلاج ضلع ...[[15]](#footnote-15)

هو الأبهى ط احباى الهى علیهم بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

# **هو الأبهى** اى احباى الهى و اماء رحمانى حضرت مسجون و مكبول و اسیر

سلاسل و زنجیر در سبیل نیر منیر عوالم غیب و شهود علیه بهاء اللّه و ثنائه و

جوده و فضله و ضیائه مكاتیب متعدده مرقوم فرموده و در هریك

بنهایت تضرّع و ابتهال بدرگاه ذو الجلال عجز و انابه نموده كه ان مطالع

انوار محبّت الله بلحظات عین و عنایت در كل حین ملحوظ باشند و در

ظلّ سدرهء رحمانیت از جمیع افات محفوظ اظهار ممنونیت بینهایت

\* ص266 \*

نموده اند و بیان شكرانیت فرموده اند كه در این سجن شدید عواطف جلیلۀ

احباى الهى معطوف بایشان بوده و نوازش و الطاف دوستان

حقیقى در جمیع شدائد تسلى خاطر گشته لهذا از درگاه احدیت جزاى

خیر و پاداش عنایت در حق ایشان خواسته و از این عبد رجا

نموده كه مستدعى از درگاه احدیت شوم كه این رجاى ایشان در

ملكوت ابهى مقبول و این حاجت روا شود پروردگارا مهربانا

این جمع محبان و دوستان تو عاكف كوى تواند و دلدادهء روى تو

و اشفته راه در جستجوى تواند پریشانند و دلریشانند و بى سر و مانند

رحمى فرما و مرحمتى كن كه در ظل سدرهء رحمانیت بلحظات عین عنایت

منظور گردند و در سایه جناح موهبت و خیام مرحمت بیارمند تشنگان

زلال الطافند بر بحر اعظم وارد كن و گمگشتگان بادیه اشتیاقند

بقباب وصلت راه بنما اسیر زنجیر حبّ تواند از هر قیدى آزاد

فرما و دلیل راه راست رضاى تواند دلالت فرما تشنه سلسبیل تواند

سیراب كن و خسته تیر هجران تواند بنفحات بشارت وصل مسرّت

فرما حال كه جمال نورانى از افق امكانى مستور فرمودى بنسائم ریاض

ملكوتت جان احسان كن و فیوضات شفاهیه كلماتت را منع

فرمودى فیوضات غیبیه روحانیه را ارزان كن پاك یزدانا متضرع

بدرگاه احدیتند بفریاد رس و مبتهل بباب حضرت واحدیتند

ملجأ و پناهى ببخش توئى مقتدر و مهربان توئى توانا و رحمن ع ع

مقابله شد

\* ص267 \*

بواسطه جناب جذبه علیه بهاء الله الأبهى

جناب میرزا یونس خان جناب حسینقلى خان ابن كلانتر جناب فتح الله خان مشیر

جناب ابراهیم خان ابن فریدون جناب حسینقلى خان سرهنگ اطریشى

جناب رضاخان فراشباشى یاور جناب مختارخان و جناب محمّد خان

ابنین فراشباشى جناب میرزا صادق خان یاور توپخانه جناب

میرزا نبى خان جناب میرزا على محمّدخان سر رشته دار جناب میرزا

ابوالقاسم خان جناب میرزا سلیمان جناب حكیم الحكما جناب

میرزا عبدالباقى عكاس جناب میرزا قدرت جناب میرزا

عنایت اللّه نجل آقا محمّدكریم عطار جناب میرزا آقاجان كلیمى جناب

میرزا ابراهیم كلیمى علیهم بهاء الله الأبهى

خط مبارك

# **هواللّه** اى یاران روحانى الحمدللّه شمع رحمانى در انجمن یزدانى غبطه آفتاب فلك اثیر است

و پرتو الطاف ربّانى چون مهر منیر ساقى باقى در بزم الهى بادهء میثاق میدهد و

دلبر پرده نشین از جهان پنهان جلوه اشراق میفرماید جام حق سرشار

است و آهنگ بلبل ملأ اعلى نغمه مطرب مرغان گلزار و مرغزار در هر دم ترانه

بدیعى بلند و در هر نفس نغمهء جانبخشى از طیور چمن در گوش هر هوشمند

آواز تسبیح و تقدیس است و آهنگ توحید و تهلیل كه بملكوت ابهى میرسد

و ملأ اعلى را بعیش و طرب و جشن و وله آورده زیرا گلبانگ مرغان این چمن

\* ص268 \*

سبحان ربى الابهی است و نغمه و آهنگ اعلان عبودیت آستان مقدس

حضرت كبریا ع ع مقابله شد

( شماره ۱۷، حضرت عبدالبها )

1. احتمالا نیویورک. [↑](#footnote-ref-1)
2. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-2)
3. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-4)
5. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-5)
6. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-6)
7. در نسخۀ 132ب به همین شکل آمده. [↑](#footnote-ref-7)
8. دو کلمه خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-8)
9. دو کلمه خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-9)
10. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-10)
11. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-11)
12. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-12)
13. کلمه‌ای نزدیک به «حول». [↑](#footnote-ref-13)
14. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-14)
15. چند کلمه خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-15)